

نشریه علمی

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۶

صاحب امتیاز: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مدیر مسئول: محمود یزدان فام

سر دبیر: محمدباقر خرمشاد

دبیر: وحیده احمدی

فصلنامه مطالعات راهبردی، بنا بر نامه شماره ۳/۱۱/۳۷۳۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۲
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - کمیسیون نشریات علمی کشور، دارای درجه
علمی - پژوهشی است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و مرکز
اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود.

به منظور تعمیق و گسترش پیوند دانشگاه با مراکز پژوهشی راهبردی و بهره‌گیری از
آخرین یافته‌های علمی در پژوهش‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی با همکاری انجمن
ایرانی مطالعات منطقه‌ای منتشر می‌شود.

تلفن واحد فروش و اشتراک ۸۸۸۰۲۴۷۶

نشانی: تهران، خیابان کریمخان، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر، پلاک ۷

صندوق پستی: ۵۱۸۹-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۹۱۲۸۳۰ دورنگار: ۸۸۸۹۶۵۶۱

تارنما: Quarterly.risstudies.org

پست الکترونیک: quarterly@risstudies.org

هیئت تحریریه (بر اساس حروف الفبا)

- وحیده احمدی / استادیار مطالعات راهبردی (دکتری اندیشه سیاسی)
- فرامرز تقی لو / دانشیار دانشکده حقوق و علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز
- محمد باقر خرمشاد / استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
- رضا خلیلی / استادیار دانشگاه خوارزمی (دکتری علوم سیاسی)
- مهدی رضایی / دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی
- عبداله قنبرلو / دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (دکتری روابط بین‌الملل)
- سعیده لطفیان / دانشیار دانشگاه تهران (دکتری علوم سیاسی)
- مراد کاویانی راد / دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای سیاسی)
- الهه کولایی / استاد دانشگاه تهران (دکتری علوم سیاسی)
- حمیرا مشیرزاده / استاد تمام گروه روابط بین‌الملل در دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- مهدی میرزاده کوشاهی / دانشیار گروه جغرافیای سیاسی در دانشگاه هرمزگان
- قدیر نصری / دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری علوم سیاسی گرایش اندیشه)
- مرتضی نورمحمدی / دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبائی
- محمود یزدان‌فام / استادیار گروه مطالعات بین‌الملل در پژوهشکده مطالعات راهبردی

فصلنامه مطالعات راهبردی از کلیه محققان و مترجمان محترم که علاقه‌مند به درج مطالب خویش در

این فصلنامه هستند، با رعایت شرایط زیر دعوت به همکاری می‌کند:

* مقالات در حوزه مطالعات راهبردی و مسایل ایران باشد.

* نام و نام خانوادگی مؤلف همراه با نشانی کامل و شماره تلفن در پایان مقاله ذکر شود.

* خلاصه‌ای از مقاله به زبان فارسی و انگلیسی تهیه و ارسال شود.

* مقالات بر یک روی صفحه و با فاصله مناسب با خطی خوانا نوشته شود.

* طول مقالات از ۲۰ صفحه تایپی (و یا معادل دست‌نویس آن) فراتر نرود.

* در نگارش مقالات اصول علمی - پژوهشی رعایت شود.

* فصلنامه در ویرایش مقالات پذیرفته شده آزاد است.

مطالب مندرج در فصلنامه مطالعات راهبردی بیانگر دیدگاه‌های پژوهشکده مطالعات راهبردی نیست.

نقل مطالب با ذکر منبع جایز است.

کلیه حقوق اثر برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.

مقاله پژوهشی برای فصلنامه مطالعات راهبردی باید بر اساس ویژگی‌های زیر نگارش شود:

- موضوع مقاله باید در چارچوب مطالعات راهبردی (مسائل و موضوعات مرتبط با مطالعات امنیتی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و امنیت بین‌الملل) باشد.
- ساختار مقاله: شامل عنوان، چکیده، مقدمه، چارچوب نظری، بدنه اصلی، نتیجه‌گیری و منابع است.
- عنوان مقاله باید کاملاً گویا و بیان‌گر کل محتوای مقاله باشد.
- **چکیده فارسی:** بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه همراه با کلیدواژگان (چهار تا پنج کلمه) باشد. چکیده باید تصویر کلی از مقاله باشد و شامل پرسش پژوهش، روش پژوهش و مهم‌ترین یافته‌های پژوهش باشد.
- چکیده انگلیسی باید پیوست شود.
- **مقدمه:** باید به طرح مسئله بپردازد. در این قسمت باید پرسش، فرضیه، هدف یا اهداف پژوهش و ضرورت یا اهمیت آن طرح شوند.
- **روش‌شناسی:** شامل روش گردآوری، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهبرد پژوهش باشد. در روش‌های تحقیقی مبتنی بر جامعه آماری و نمونه‌گیری باید روش نمونه‌گیری و آزمون اعتبار و پایایی باید مشخص شود.
- **پیشینه تحقیق:** در این قسمت باید پژوهش‌های مشابهی که انجام شده، به صورت دسته‌بندی بیاید و تمایزهای پژوهش نویسنده با پژوهش‌های انجام‌شده مشابه روشن و به صورت دقیق و صریح آورده شود.
- متن مقاله باید انسجام شکلی و محتوایی داشته باشد. به این معنا که اصول روش پژوهش و مقاله‌نویسی رعایت شده باشد؛ تیترا و بخش‌های مختلف متن با عنوان و موضوع مقاله هماهنگ باشند؛ بین جملات و پارگراف‌ها هماهنگی و ارتباط قوی وجود داشته باشد؛ و ترتیب طرح تیترا و بخش‌ها نیز به صورت منطقی باشد.
- **نتیجه‌گیری تحقیق:** پاسخ به سؤال تحقیق در قالب ارائه یافته‌های تحقیق است. نتیجه‌گیری نشان‌دهنده یافته‌های پژوهش، استدلال‌های نهایی نویسنده و بازتابی از مباحث متن مقاله است. علاوه بر این، پیشنهادها نویسنده در بخش پایانی نتیجه‌گیری طرح می‌شوند.
- رعایت آیین نگارش زبان فارسی و اصول ویرایش ادبی در مقاله الزامی است.
- **منابع و مأخذ:** به ترتیب حروف الفبا بر اساس نام‌خانوادگی نویسنده مرتب شود (ابتدا منابع فارسی و سپس منابع لاتین).

- متن مقاله بین ۶ تا ۸ هزار کلمه و با قلم B-Nazanin اندازه ۱۲ و اصطلاحات و پانوشتهای انگلیسی با قلم Times New Roman اندازه ۱۰ تنظیم شود.
 - تصاویر، نمودارها و جداول مقاله باید با کیفیت مناسب (تصاویر با دقت ۳۰۰ dpi و با فرمت jpg)، ذکر منبع و تعیین محل مناسب باشد.
 - عنوان جدول در قسمت بالا و مأخذ آن در زیر جدول قسمت وسط آورده شود؛ عنوان تصویر در قسمت وسط پایین و مأخذ، زیر عنوان درج شود.
 - شیوه تنظیم منابع: به روش APA و به شکل زیر باشد:
در متن مقاله: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار: صفحه)
در صورتی که منبع نویسنده مشخصی نداشته باشد، نام سازمان تهیه کننده یا منتشرکننده به جای نویسنده درج شود.
در فهرست منابع پایان مقاله:
 - **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار) عنوان کتاب. جلد. نام مترجم یا مصحح، نام ناشر.
 - **مقاله:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار) عنوان مقاله. عنوان مجله. دوره یا سال (شماره مجله در سال مورد نظر).
 - **سند اینترنتی:** نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ) عنوان سند، آدرس اینترنتی به طور کامل. بازیابی شده در تاریخ.
 - **مسئولیت محتوای مقاله با نویسنده مسؤل است.** نویسنده مسؤل باید فرمهای تعهدنامه نویسندگان و تعارض منافع را همزمان با ارسال مقاله، تکمیل و ارسال کند.
 - با توجه به انتشار منظم فصلنامه مطالعات راهبردی و درج مقالات متنوع در حوزههای مختلف مطالعات راهبردی، لازم است نویسندگان محترم در مرحله نگارش مقاله خود به مقالات منتشرشده فصلنامه رجوع کنند و به مقالاتی که مرتبط به موضوع مقاله آنهاست، ارجاع دهند.
-
-

فهرست مطالب

مقالات

- ۳۹-۷ تحلیل محتوای کتب درسی دین و زندگی متوسطه دوم (با رویکرد توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در بعد فردی و اجتماعی)/ علیرضا حیدری سده، مهدی عمانی
- ۷۷-۴۱ راهبردها و اقدامات نظام حکمرانی کشور در بخش ویدئوی درخواستی (شبکه نمایش خانگی) از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳/ محمدصادق نصراللهی، عبدالکریم خیامی، امیراحمد ذوالفقاری، علی زرودی
- ۱۱۵-۷۹ تأثیر حکمرانی محلی بر انسجام ملی در ایران معاصر/ سیدسجاد موسوی‌نژاد بنام، میرقاسم بنی‌هاشمی، گارینه کشیشیان سیرکی، حسن خداوردی
- ۱۴۱-۱۱۷ عوامل مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا (۲۰۱۱-۲۰۲۰): مطالعه مقایسه‌ای ایران، ترکیه و عربستان سعودی/ سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، حسین سلیمی، غلامعلی چگنی‌زاده، سمیرا اکبری
- ۱۷۶-۱۴۳ چهارچوب‌شناسی راهبرد آمریکا برای «مهار جمهوری اسلامی ایران» با تأکید بر دوره بایدن/ محمدهادی راجی، ابوزر گوهری‌مقدم، مجید شاکری، مصطفی کوشکی
- ۱۸۶-۱۷۷ تصمیم‌گیری استراتژیک در عصر هوش مصنوعی/ محسن ریاحی، طهمورث حسنقلی‌پور، علی دیواندری، عبدالحسین کلانتری



پژوهشگاه مطالعات استراتژیک
RISS

Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 13 October 2024
Revised 05 December 2024
Accepted 12 December 2024
Published online 15 March 2025



Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 4, pp 7-39



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

Content Analysis of 'Religion and Life' Textbooks in Upper Secondary Education (Focusing on Cultural Components in the Individual and Social Dimensions)

Alireza Heydari Sedeh^{1*}, Mehdi Omani²

1. Farhangian University, Tehran, Iran.
2. Teacher Educational Assistance, Tehran, Iran.

Corresponding Author Email Address: A.heydari@cfu.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Heydari sedeh, A. R. and Omani, M. (2025). Content Analysis of 'Religion and Life' Textbooks in Upper Secondary Education (Focusing on Cultural Components in the Individual and Social Dimensions). Strategic Studies Quarterly, 27(4), 7-38. doi:

10.22034/SSQ.2025.493393.4223



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

In Iran's educational system, "Religion and Life" textbooks play a pivotal role in conveying cultural and religious values. Recognizing that a well-developed human capital is crucial for national progress and independence, it becomes essential to analyze these textbooks to determine how well they align with students' cultural needs. This study examines the cultural components featured in textbooks at the upper secondary education level, focusing on both individual and social dimensions. The aim is to identify the strengths and weaknesses in the content and to propose practical recommendations for improvement.

Methodology

This study adopts a descriptive-quantitative approach using content analysis. The sample comprises the "Religion and Life" textbooks for three grades (Grade 10: 168 pages, Grade 11: 240 pages, Grade 12: 176 pages). Data were gathered with a content analysis checklist that focused on key cultural components (such as hijab, responsibility, renunciation of extravagance, maintenance of kinship ties, loyalty, and self-respect). The collected data were then organized and analyzed using tables and charts.

Results

Overall, the cultural components are mentioned 318 times throughout the textbooks. Of these, 248 refer to the individual dimension, while only 70 pertain to the social one. Although the individual aspect is important, the social dimension is even more critical. This imbalance is evident, and there is a clear recommendation to bolster the social components in the textbooks.

The imbalance among specific components is also noticeable. The frequency of references to hijab is the highest, whereas the renunciation of extravagance is mentioned the least. While discussions on hijab are both timely and significant, the other components are equally important. Hence, it is recommended that a balanced representation of cultural components be established in textbooks for Grades 10, 11, and 12, with a view to progressively enhancing the underrepresented areas. For example, whereas Grade 10 shows the highest percentage for the hijab component (17.29%), Grade 11 records an extremely low percentage for the renunciation of extravagance (0.94%). This steep decline highlights a lack of balance and suggests insufficient attention to critical cultural issues.

Conclusion

The study underscores the need for equilibrium among cultural components in "Religion and Life" textbooks to fully address the comprehensive cultural needs of students. The findings reveal that while textbook authors have concentrated on individual aspects like hijab and self-respect, social elements—such as maintaining kinship ties and fostering responsibility—are unevenly covered, especially in higher grades. This content imbalance calls for a thorough revision of the textbooks to ensure that both individual and social dimensions are well represented.

Key recommendations include a comprehensive content review conducted with the participation of curriculum planning specialists and psychologists, a stronger emphasis on social components in upper-grade textbooks, the adoption of innovative teaching methods to enhance content impact, and a dynamic approach to addressing the evolving cultural needs of Iranian-Islamic society. Such reforms could significantly reinforce the role of these textbooks in cultivating a generation with a robust cultural identity and effective social skills.

Keywords: Cultural Components; Loyalty; Renunciation of Extravagance; Hijab; Responsibility; Education; Sociology.

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources

This research received no external funding.



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت‌شده در تاریخ ۲۲ مهر ۱۴۰۳
اصلاح‌شده در تاریخ ۱۵ آذر ۱۴۰۳
پذیرفته‌شده در تاریخ ۲۲ آذر ۱۴۰۳
منتشرشده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۶، صفحه ۷-۳۹



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

تحلیل محتوای کتب درسی دین و زندگی متوسطه دوم (با رویکرد توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در بُعد فردی و اجتماعی)

علیرضا حیدری سده^۱ (id)، مهدی عمانی^۲ (id)

۱. گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲. گروه آموزش متوسطه، آموزش و پرورش ارسن، اردبیل، ایران.

ایمیل نویسنده مسئول: A.heydari@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی/اصیل</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: حیدری سه ده، علیرضا و عمانی، مهدی. (۱۴۰۳). تحلیل محتوای کتب درسی دین و زندگی متوسطه دوم (با رویکرد توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در بُعد فردی و اجتماعی). فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۴)، ۷-۳۸.</p> <p>doi: 10.220204/ssq.2025.493393.4223</p>	<p>مهم‌ترین عامل در پیشرفت هر جامعه و عدم وابستگی آن در تمامی عرصه‌ها به سایر جوامع، نیروی انسانی همان جامعه است. دانش‌آموزان به‌عنوان مهم‌ترین نیروی انسانی، اساس جامعه و آینده‌سازان کشور تلقی شده و عملکرد تحصیلی آن‌ها ارتباط مستقیمی با پیشرفت کشور متبوعشان دارند. یکی از مؤلفه‌های مؤثر در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان عامل فرهنگ است؛ به‌طوری که به هر اندازه سرمایه فرهنگی بیشتر باشد عملکرد تحصیلی آنها نیز بیشتر خواهد بود. از آن جایی که کتب درسی دین و زندگی متوسطه دوم اشاعه‌دهنده فرهنگ هستند، در این پژوهش به تحلیل محتوای این کتب با رویکرد توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در بُعد فردی و اجتماعی می‌پردازیم. روش پژوهش، توصیفی و از نوع پژوهش کمی بوده و رویکرد پژوهش، کاربردی است. جامعه پژوهش، کتب دین و زندگی در دوره متوسطه دوم است: پایه اول (۱۶۸ صفحه)، پایه دوم (۲۴۰ صفحه) و پایه سوم (۱۷۶ صفحه). یافته‌های پژوهش حاکی است مؤلفان این کتب به بررسی حجاب‌شناسی، مسئولیت‌پذیری، نفی تجمل‌گرایی، صلح، رجم، وفای‌به‌عهد، حفظ عزت نفس پرداخته‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد مؤلفان اهتمام ویژه‌ای به بررسی نیازهای فرهنگی در بُعد فردی داشته‌اند؛ این در حالی است که بُعد اجتماعی نیازهای فرهنگی نیز اهمیت زیادی دارد.</p> <p>واژگان کلیدی: مؤلفه‌های فرهنگی، آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی، پوشش، وفای به عهد، نفی تجمل‌گرایی، مسئولیت‌پذیری.</p>



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی‌رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی به‌صورت گرفته است. (CC BY 4.0)

مقدمه

رشد روزافزون فناوری‌ها و گسترش وسایل ارتباطی، رقابت در تمامی عرصه‌های علمی را سبب شده و چون زمینه‌ساز و بستر تمامی پیشرفت‌های علمی، معلول تلاش‌های نهادهای آموزشی است، آموزش و پرورش به عنوان اصلی‌ترین عامل پیشرفت و موفقیت در رقابت‌های علمی بوده و کتب درسی نیز به‌عنوان مهم‌ترین و کارآمدترین ابزار اثربخش در این زمینه محسوب می‌شوند؛ براین اساس، مؤلفان در تلاش هستند تا محتوای درسی کتب مدارس را براساس تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها تألیف و تدوین کرده و در اختیار نهادهای آموزشی و بالأخص معلمان قرار دهند. یکی از مؤلفه‌های اصلی در این زمینه، مؤلفه فرهنگی است.

مؤلفه‌های فرهنگی، پایه و اساس رشد معنوی جوامع بوده و نقش مهمی در روند توسعه (عمانی و همکاران، ۱۴۰۱) و ارتقای عرصه‌های مختلف علمی و عملی (مونسان و همکاران، ۱۳۹۶) و تکامل فرهنگ و اخلاق داشته و همچنین، عامل اصلی انتقال فرهنگ و پیشرفت جوامع می‌باشند (ابطحی و همکاران، ۱۴۰۲). در حقیقت، این مؤلفه‌ها مفاهیم فراگیری هستند (Trung & Van, 2020) که به عنوان شخصیت فرد یا اجتماع تعریف شده (Stenishcheva, 2021) و به‌عنوان باور مشترک جهانیان بر عملکرد آنها تأثیر (Weber & Martensen, 2021) گذاشته و مدیریت بهینه سرمایه‌های انسانی را نیز سبب می‌شوند (بازدار قمچی قیه و فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۹). با توجه به اینکه توسعه و تکامل فرهنگی، اساس توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (پناهی، ۱۳۹۴) و این توسعه و تکامل بدون مؤلفه‌های فرهنگی امکان‌پذیر نیست، فهم و شناخت این مفاهیم در سرنوشت ملت‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است (گراوند و پروانه، ۱۳۹۷)؛ در واقع، این مفاهیم و نیازمندی‌ها در کتب درسی دانش‌آموزان که مهم‌ترین ابزار و وسیله آموزشی هستند، گنجانده می‌شود (Encik & et all, 2023). به‌همین دلیل، مؤلفان و ناشران در تلاش هستند تا کتب درسی را بر حسب نیازهای دانش‌آموزان و جامعه، تدوین و در اختیار معلمان قرار دهند (علوی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲) و چون معلمی عرصه‌ای برای انسان‌سازی و ایجاد رفتارهای متعادل و مطلوب است (سید کلان و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین با استفاده از این مؤلفه‌ها و با تدوین برنامه درسی مناسب تمام تلاش خود را در جهت نفع رشد و توسعه فرد و جامعه به کار گرفته (سید کلان و همکاران، ۱۳۹۸) و برای رفع آنها برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری انجام (شجاعی و عوض‌زاده، ۱۴۰۱) و به‌واسطه سازماندهی و تلاش مستمر و پی‌درپی (Handoyo, 2007) و همچنین تجزیه و تحلیل سعی در حصول نتیجه مثبتی

را دارند (Rias, 2018). با وجود این و با تمامی تلاش‌های مداوم آنها، در برخی از مواقع نتایج مفید نیست و آن هم به دلیل ناهماهنگی و نداشتن ارتباط در مؤلفه‌های کتب درسی است. پژوهش حاضر به دنبال تحلیل و تجزیه محتوای کتب درسی دین و زندگی پایه‌های اول، دوم و سوم دوره متوسطه دوم با رویکرد توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در دو بُعد فردی و اجتماعی است. برای این منظور و برای آشناسازی مخاطبان پژوهش، به ترتیب، به مفهوم‌شناسی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی در دو بُعد فردی و اجتماعی و کدگذاری آنها و در نهایت، بررسی، تجزیه و تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت.

الف) مبانی نظری پژوهش

در این قسمت از پژوهش به مرور سوابق مطالعاتی، نوآوری‌های پژوهش و همچنین مفهوم‌شناسی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش خواهیم پرداخت:

۱. مرور سوابق مطالعاتی و نوآوری‌های پژوهش

موضوع پژوهش حاضر به طور مستقل و جامع در منابع پژوهشی مورد بحث قرار نگرفته، اما در خصوص مسائل فرعی آن، پژوهش‌هایی انجام گرفته و در قالب مقاله‌های علمی، به رشته تحریر در آمده است. در این بخش از پژوهش، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱-۱. سوابق خارجی

الویا نوراحما ایکاسیوی و بارلی برام^۱ (۲۰۲۲)، در مقاله خود با عنوان «کتاب‌های درسی انگلیسی دبیرستان و جنبه‌های مذهبی آن»^۲ بعد از مفهوم‌شناسی، به بررسی و تحلیل پیشینه مذاهب و فرهنگ آن کشور بدون شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی آن پرداخته‌اند؛ این در حالی است که هر فرهنگی برگرفته از مؤلفه‌هایش می‌باشد.

ریزکی رومدانی^۳ (۲۰۲۱)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل محتوای فرهنگی کتاب زبان انگلیسی دبیرستان»^۴ صرفاً به روش تدریس و یاددهی فرهنگ از سوی معلم و با استفاده از

1. Alvia Nurrahma Ekasiwi and Barli Bram

2. Senior High School English Textbooks and Religious Aspects

3. Rizky Romdania

4. A Cultural Content Analysis of English Textbook for High School

ابزارهای رسانه‌ای و دیجیتالی پرداخته است؛ این درحالی است که تحلیل فرهنگی کتب بدون شناسایی مؤلفه‌های آن امکان‌پذیر نیست.

سیتی سودارتینی سوگیرین و لوسی نورحیاتی سوچیاتی^۱ (۲۰۲۰)، در مقاله خود با عنوان «بررسی ادغام فرهنگی در کتب درسی انگلیسی مدارس»^۲ بعد از مفهوم‌شناسی فقط به نحوه ادغام فرهنگ‌های مختلف پرداخته و در رابطه با اینکه چه فرهنگ‌هایی می‌توانند مفید و مؤثر باشند، سخنی به میان نیاورده‌اند؛ این در حالی است که ادغام فرهنگ‌های مختلف بدون شناسایی مؤلفه‌های آن امری تقریباً محال و نشدنی است.

ایون سونگ نا و هی وون لی^۳ (۲۰۱۹)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل کتب درسی انگلیسی دبیرستان با رویکرد فرایندی»^۴ بعد از مفهوم‌شناسی متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش، کتب درسی را صرفاً براساس رویکرد فرایندی تحلیل و بررسی کرده‌اند؛ این درحالی است که شناسایی مؤلفه‌ها مهم‌ترین بخش از تحلیل کتب درسی را به خود اختصاص می‌دهد.

۲-۱. سوابق داخلی

سودابه گل محمدنیا (۱۴۰۲)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل محتوای دین و زندگی پایه سوم متوسطه دوم»، با تحلیل محتوای منبع مورد نظر به این نتیجه دست یافته که مؤلفه‌های این کتاب، توانایی آموزش تحلیل و بررسی، تفکر، انگیزه‌دهی و قدرت پژوهندگی و قدرت حل مسئله را نداشته و دانش‌آموزان را بیشتر سردرگم می‌کند. با اینکه نویسنده محترم، کتاب دین و زندگی را به صورت کلی بررسی کرده، ولی با این حال، هیچ سخنی از مؤلفه‌های فرهنگی به میان نیاورده است.

محمدعلی فاطمی‌نیا و مهدی نورالهی (۱۴۰۱)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل محتوای کتب درسی متوسطه اول از منظر منافع ملی»، بعد از بررسی‌های متعدد از منظر منافع ملی، پنج مؤلفه شناسایی کرده‌اند که از بین آن مؤلفه‌ها منافع ایدئولوژیک بیشترین تأثیر را بر منافع ملی می‌گذارد. هرچند مؤلفه‌های فرهنگی در بُعد اجتماعی نیز یکی از ابعاد تأثیرگذار بر فرهنگ ملی است، ولی با این حال، نویسندگان پژوهش حاضر، در این رابطه، تحلیلی انجام نداده‌اند.

1. Sugirin, Siti Sudartini, Suciati, Lusi Nurhayati

2. A Study on Cultural Integration in the English Textbooks for Schools

3. Eon-sung Na and Hye-won Lee

4. The Analysis of Writing Tasks in High School English Textbooks: A Process-Genre Based Approach

فاطمه محمودی سردره و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله خود با عنوان «شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سازمانی مدارس اثربخش دوره متوسطه»، شاخص ارتباطات و تعاملات فرهنگی بین دانش‌آموزان و شاخص احترام به شخصیت انسان‌ها را به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین شاخص شناسایی کرده‌اند، ولی با اینکه مؤلفه‌های فرهنگی در بُعد اجتماعی یکی از تأثیرگذارترین مؤلفه‌هاست، به آن نپرداخته‌اند.

مرتضی بازدار قمچی قیه و آرمین ایزدی ثمرین (۱۳۹۹)، در مقاله خود تحت عنوان «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر ترویج هویت ایرانی و اسلامی»، بعد از مفهوم‌شناسی متغیرهای وابسته و متغیر پژوهش، به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص هدف فرهنگ از شاخص‌های راهبردی هویت ایرانی و اسلامی تلقی می‌شوند؛ این در حالی است که مؤلفه‌های فرهنگی مهم‌ترین نقش را در ترویج هویت ایرانی دارند، ولی با این حال در این باره نظری نداده‌اند.

مرتضی بازدار قمچی قیه و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله خود تحت عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، بعد از مفهوم‌شناسی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، نسبت به شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفه روحیه کار جمعی بیشترین فراوانی و بیشترین تأثیر را از بین مؤلفه‌های شناسایی شده دارند. با وجود اینکه مؤلفه‌های فرهنگی یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود، ولی نویسندگان در این باره سخنی به میان نیاورده‌اند.

فاطمه عابدی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل محتوای کتاب دین و زندگی دوره متوسطه با تأکید بر شاخص‌های تربیتی در برنامه درسی ملی»، محتوای کتاب دین و زندگی دوره متوسطه را براساس شاخص‌های تربیتی در برنامه درسی ملی بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که مؤلفان این کتب، بر شناخت اصول اساسی و فروع دین تأکید فراوانی داشته و به بحث‌گرایی‌ها و تمایلات و عمل به فرمان‌ها و همچنین مؤلفه‌های فرهنگی توجه خاصی نکرده‌اند.

رضا وفایی و مهدی سبحانی‌نژاد (۱۳۹۴)، در مقاله خود با عنوان «مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی و تحلیل آن در محتوای کتب درسی»، محتوای تمامی کتب درسی متوسطه دوره دوم را با رویکرد آموزش چندفرهنگی بررسی کرده‌اند. آنها ضمن مفهوم‌شناسی آموزش

چندفرهنگی، صرفاً به شناسایی مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی پرداخته و از پرداختن به شناسایی سایر مؤلفه‌های فرهنگی در ابعاد فردی و اجتماعی خودداری کرده‌اند. بعد از بررسی‌های متعدد پژوهش‌های پیشین، مشخص گردید که پژوهش‌های انجام‌گرفته بیشتر در رابطه با مفهوم‌شناسی مؤلفه‌ها بوده و سپس به شناسایی مؤلفه‌ها پرداخته‌اند و این همان نقطه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته می‌باشد. چون در پژوهش حاضر علاوه بر مفهوم‌شناسی و شناسایی مؤلفه و ارزش‌گذاری آنها به مزایا و معایب آنها نیز اشاره می‌شود. علاوه بر همه اینها در این پژوهش، بعد از شناسایی ابعاد فردی به شناسایی ابعاد اجتماعی نیز پرداخته می‌شود.

ب) مفهوم‌شناسی

در این قسمت از پژوهش، در جهت آشناسازی مخاطبان، به مفهوم‌شناسی متغیرهای وابسته و مستقل پژوهش می‌پردازیم:

۱. فرهنگ

فرهنگ، اصطلاحی مهم برای تعریف در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، مردم‌شناسی، تجارت بین‌المللی و مطالعات متقابل فرهنگی بوده (Lebron, 2013) و در جهت انسان‌شناسی بسیار مهم می‌باشد (Merz, 2021). در مفهوم ساده‌تر، برنامه‌ریزی جمعی و ذهنی اعضای یک سازمان، گروه و دسته‌ای از افراد که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند، «فرهنگ» گفته می‌شود (Hofstede, 2011) که شامل زبان، عقاید، باورها، آداب و رسوم، کدها، نهادها، ابزارها، فنون، آثار هنری، آیین‌ها و مراسم، (Leslie, 2020) عوامل ذهنی و اکتسابی است (Espin- Leon & et al., 2020). این باورها و آداب و رسوم برای مدتی طولانی وجود داشته و بر نگرش‌ها و رفتار افراد (Yafang, 2011) و نحوه ارتباط، تعامل و رویکرد آنها تأثیر گذاشته (Colbert, 2010) و جامعه را شکل می‌دهد (Tiruvalla, 2020). هر جامعه‌ای نیازمند توسعه بوده (Causadias, 2020) و این توسعه با فرهنگ به‌دست می‌آید (Marana, 2010).

۲. مؤلفه‌های فرهنگی

عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک چیز یا یک شیء را «مؤلفه»‌های آن چیز می‌گویند (Shilts, 2007)؛ به‌عبارت‌دیگر، مؤلفه‌ها اجزای شکل‌دهنده سیستم یا مجموعه‌ای بزرگ می‌باشند

(Westrum, 2004) که با در کنار هم قرار گرفتنشان، آن مجموعه بزرگ را تشکیل می‌دهند (Louis, 2021). با این اوصاف، عناصر و اجزای تشکیل دهنده فرهنگ در هر جامعه‌ای، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ در همان جامعه می‌باشند (Tharp, 2020)؛ به عبارت ساده‌تر، هیچ فرهنگی بدون مؤلفه‌های سازنده‌اش به وجود نمی‌آید (Patterson, 2014) و چون هیچ عنصری بدون مؤلفه‌ها و اجزای سازنده‌اش تجزیه و تحلیل نمی‌شود (Valenzuela, 2023)، بنابراین، شناسایی فرهنگ جوامع بدون شناخت مؤلفه‌هایش امکان‌پذیر نمی‌باشد (Geertz, 1973) و بهمین دلیل، شناسایی مؤلفه‌های پژوهش از اهمیت فراوانی برخوردار است.

ج) روش پژوهش

این پژوهش با ماهیت کاربردی و رویکرد کمی انجام شده است. روش پژوهش به صورت تحلیل محتوای مقوله‌ای و واحد تحلیل نیز تمامی متن کتب درسی دین و زندگی متوسطه دوم است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های جدید در تحقیقات اجتماعی بوده (نظری و مختاری، ۱۳۸۸) و تحلیل محتوای مقوله‌ای نیز از معروف‌ترین روش‌های تحلیل محتواست که در آن، به الگوها و مضامین مورد تحلیل، به صورت مستقیم در متن اشاره شده است (نیک‌پناه، ۱۴۰۱). با توجه به اینکه محور کار این پژوهش بررسی متون دین و زندگی با رویکرد مؤلفه‌های فرهنگی در ابعاد فردی و اجتماعی است، مؤلفه‌های مورد نظر شناسایی و سپس براساس شاخص آمار توصیفی تجزیه و تحلیل خواهند شد. برای نتیجه‌گیری نیز لازم است مؤلفه‌ها به صورت پیوسته، مرتب و منسجم مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند.

د) یافته‌های پژوهش

این پژوهش شامل تحلیل کمی و کیفی کتب درسی دین و زندگی پایه‌های اول، دوم و سوم دوره متوسطه دوم با رویکرد توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در دو بُعد فردی و اجتماعی است. در ابتدا کدهای انتخابی، محوری و نیز کدهای باز آنها شناسایی و در جدول ۱ آورده شده است؛ سپس طبق جدول ۲، فراوانی کدهای باز مؤلفه حجاب، طبق جدول ۳، فراوانی کدهای باز مؤلفه عزت نفس، طبق جدول ۴، فراوانی کدهای باز مؤلفه وفای به عهد، طبق جدول ۵ فراوانی کدهای باز مسئولیت‌پذیری، طبق جدول ۶، فراوانی کدهای باز مؤلفه نفی تجمل‌گرایی و طبق

۷، فراوانی کدهای باز مؤلفه صله رحم آورده شده است. در پایان، میزان و درصد و روند کاهشی مؤلفه‌ها در نمودارهای ۱ تا ۴ آورده شده است.

جدول ۱. شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی پژوهش براساس کدگذاری

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
بُعد فردی	حجاب	پوشش، حیا، عفاف، عفت، پاکدامنی
	عزت نفس	عزت، احترام به خود و دیگران، حفظ حرمت خود و دیگران
	وفای به عهد	وفا کردن، عمل به تعهد، عمل به قول، وعده
	مسئولیت‌پذیری	وظیفه، تکلیف، رسالت
بُعد اجتماعی	نفی تجمل‌گرایی	تجملات، اسراف، مصرف‌گرایی، جاه‌طلبی، نیازدگی
	صله رحم	دیدار والدین، خویشاوندان، احترام به دیگران، همسایه

جدول ۱ نشان‌دهنده کدهای انتخابی، محوری و باز هستند که در ادامه به شرح آنها پرداخته خواهد شد. دو بعد فردی و اجتماعی مؤلفه‌های فرهنگی به عنوان کد انتخابی، مؤلفه‌های حجاب، عزت نفس، وفای به عهد و مسئولیت‌پذیری به عنوان کدهای محوری بعد فردی و همین‌طور نفی تجمل‌گرایی و صله رحم نیز به عنوان کدهای محوری بعد اجتماعی در نظر گرفته شده است. برای هر کدام از کدهای محوری، کدهای باز آنها از کتب دین و زندگی متوسطه دوم شناسایی و در مقابل آنها آورده شده است. پوشش، حیا، عفاف، عفت و پاکدامنی به‌عنوان کدهای باز مؤلفه حجاب و عزت، احترام به خود و دیگران، و حفظ حرمت خود و دیگران به‌عنوان کدهای باز مؤلفه عزت نفس و وفا کردن، عمل به تعهد، عمل به قول و وعده به‌عنوان کدهای باز مؤلفه وفای به عهد و وظیفه، تکلیف و رسالت به‌عنوان کدهای باز مؤلفه مسئولیت‌پذیری و تجملات، اسراف، مصرف‌گرایی، جاه‌طلبی و نیازدگی به‌عنوان کدهای باز مؤلفه نفی تجمل‌گرایی و دیدار والدین، خویشاوندان، احترام به دیگران و همسایه به‌عنوان کدهای باز مؤلفه صله رحم شناسایی و در جدول آورده شده‌اند.

جدول ۲. مقدار فراوانی توجه به بُعد فردی کد محوری حجاب

کد انتخابی بعد فردی مؤلفه‌های فرهنگی											
کدهای باز	پایه دهم			پایه یازدهم			پایه دوازدهم			فراوانی	فراوانی
	صفحه	میزان	تصویر	صفحه	میزان	تصویر	صفحه	میزان	تصویر		
	۱۳۵	۱	۰	۱۲	۱	۰	۲۱	۱	۰	۱	۱
	۱۴۶	۲	۱	۱۴۲	۱	۰	۸۷	۱	۰	۱	۱
	۱۵۳	۵	۰	-	-	-	۱۴	۲	۰	۲	۲
	۱۵۴	۷	۰	-	-	-	۵۷	۱	۰	۱	۱
	۱۵۵	۳	۰	-	-	-	۸۸	۱	۰	۱	۱
	۱۵۶	۵	۳	-	-	-	۱۱۸	۱	۰	۱	۱
	۱۵۷	۱	۰	-	-	-	۱۳۷	۱	۰	۱	۱
	۱۵۸	۲	۰	-	-	-	-	-	-	-	-
	۱۵۹	۳	۰	۲۰۱	۱	۰	۳۶	۱	۰	۱	۱
	۱۶۱	-	-	-	-	-	۱۳۷	۲	۰	۲	۲
	۱۶۲	-	-	-	-	-	۶۷	۱	۰	۱	۱
	۱۶۵	۵	۰	۲۲۶	۱	۰	۱۰۲	۱	۰	۱	۱
	۱۶۶	۳	۰	۱۷۸	۱	۰	۳۱۱	۱	۰	۱	۱
	۱۶۷	۲	۰	۶۲۱	۲	۰	۶۲۱	۲	۰	۲	۲
	۱۵۳	۳	۰	۲۳۰	۳	۰	۸۳۱	۱	۰	۱	۱
	۱۵۴	۲	۰	۳۶۱	۱	۰	-	-	-	-	-
	-	-	-	۳۱۲	۳	۰	-	-	-	-	-
	-	-	-	۳۱۲	۱	۰	-	-	-	-	-
	۱۶۱	۱	۰	۶۱	۱	۰	۳۵۱	۱	۰	۱	۱
	۱۵۵	۲	۰	-	-	-	۳۷	-	-	-	-
	۲۰۲	۱	۰	-	-	-	-	-	-	-	-
	۱۶۱	۱	۰	-	-	-	-	-	-	-	-
	۱۲۰	۱	۰	-	-	-	-	-	-	-	-
	۱۲۰	۱	۰	-	-	-	-	-	-	-	-
	۱۲۰	۱	۰	۳۰۱	۱	۰	۳۷	۱	۰	۱	۱
	-	-	-	۳۱۲	۳	۰	۶۷	۳	۰	۳	۳
	-	-	-	۳۱۲	۲	۰	۳۱۱	۲	۰	۲	۲
	-	-	-	۲۲۱	۱	۰	۳۵۱	۱	۰	۱	۱
	-	-	-	۶۲۱	۱	۰	-	-	-	-	-
	-	-	-	۳۰۱	۱	۰	-	-	-	-	-
مجموع	۱۵	۴	۵۵	۷۸	۰	۷۸	۲۲	۰	۲۲	۲۲	۲۲

جدول ۲ مقدار فراوانی توجه به بُعد فردی کد محوری حجاب را نشان می‌دهد. بارزترین، بحث‌برانگیزترین و البته مهم‌ترین مؤلفه اسلامی و فرهنگی قرون اخیر، عفت یا پوشش است که به حجاب معروف می‌باشد (Stannard & Islam, 2020). درحقیقت، حجاب، نوعی عزت (Anwar, 2013)، زینت و حیا برای زنان محسوب شده (Rameez, 2019) و این اشخاص نگهبانان ارزش‌های دینی و فرهنگی بوده (Prempeh, 2022) و مظهر هویت فرهنگی و ارتباطی تلقی می‌شوند (Puspitasari & Dolah, 2018). در اهمیت حجاب و پوشش همین‌بس که در زمان تضاد فرهنگ‌ها، اولین حمله به سوی این مؤلفه فرهنگی اتفاق می‌افتد (Akter Rita, 2017). همان‌طوری که در جدول نیز مشخص است، کد باز پوشش ۳۳ بار، حیا ۳ بار، عفاف ۱۵ بار، عفت ۶ بار و پاکدامنی ۱ بار در کتاب درسی پایه دهم متوسطه، کد باز پوشش ۲ بار، حیا ۳ بار، عفاف ۱۲ بار، عفت ۱ بار و پاکدامنی ۹ بار در کتاب درسی پایه یازدهم متوسطه و کد باز پوشش ۸ بار، حیا ۳ بار، عفاف ۵ بار، عفت ۲ بار و پاکدامنی ۴ بار در کتاب درسی پایه دهم متوسطه تکرار شده است. فراوانی داده‌ها نشان‌دهنده این است که پرداختن مؤلفین به این موضوع روند کاهشی داشته و این در حالی است که در دورانی قرار داریم که حجم‌های نرم فضای مجازی دانش‌آموزان را تهدید می‌کنند. هر چند پرداختن به این مقوله پسندیده است، ولی پرداختن بیش‌ازپیش به این مؤلفه و آن هم با روند افزایشی مورد تأکید می‌باشد.

جدول ۳. مقدار فراوانی توجه به بُعد فردی کد محوری عزت نفس

کد انتخابی بعد فردی مؤلفه‌های فرهنگی												
کدهای باز	پایه دهم			پایه یازدهم			پایه دوازدهم			فراوانی	تصویر	
	متن	حکایت	آیه	متن	حکایت	آیه	متن	حکایت	آیه			
	صفحه	میزان	میزان	صفحه	میزان	میزان	صفحه	میزان	میزان			
	۲۰	۱	۱	۵۰	۱	۰	۱۸	۱	۱	۱	۰	
	۲۹	۱	۰	۸۳	۱	۰	۱۲۱	۱	۱	۰		
	-	-	-	۹۵	۱	۰	۱۵۸	۱	۱	۰		
	-	-	-	۱۵۰	۱	۰	۱۶۲	۱	۲	۰		
	-	-	-	۱۸۶	۱	۰	۱۶۱	۱	۲	۰		
	-	-	-	۱۹۵	۱	۰	-	۱	-	-		
	-	-	-	۱۹۶	۱	۰	-	۱	-	-		
	-	-	-	۱۹۷	۸	۱	-	۹	-	-		
	-	-	-	۱۹۸	۱	۰	-	۱	-	-		
	-	-	-	۱۹۹	۳	۰	-	۳	-	-		
عزت	-	-	-	۲۰۰	۵	۱	-	۶	-	-		
	۸۹	۱	۰	۲۱۶	۱	۰	۱۲۱	۱	۱	۰		
	۱۰۲	۱	۰	۲۲۸	۱	۰	۱۳۹	۱	۱	۰		
حفظ به خود	۱۱۷	۱	۰	۴۱	۱	۰	-	۱	-	-		
	۴۵	۱	۰	-	۱	-	-	-	-	-		
احترام به خود	۳۵۱	۱	۰	-	۱	-	-	-	-	-		
	۷۵۱	۱	۰	۳۳۱	۲	۰	۷۳	۲	۱	۰		
حفظ حرمت	۳۵	۱	۰	-	۱	-	۱۲۱	-	۱	۰		
حفظ عزت	۲۹	۱	۰	-	۱	-	-	-	-	-		
مجموع	۱۰	۱۰	۰	۲۹	۲۹	۲	-	۳۱	۱۱	۰		

جدول ۳ مقدار فراوانی توجه به بعد فردی کد محوری عزت نفس را نشان می‌دهد. عزت نفس مفهومی است که به ادراک فرد از ارزش شخصی و به تعبیر بهتر، «خود ارزشمندی» اشاره دارد. این ادراک همان ارزشیابی عاطفی نسبت به خود است که به طور معمول، براساس ویژگی‌های مثبت و منفی سنجیده می‌شود. درحقیقت، عزت نفس چگونگی احساس ما درباره خودمان است و می‌توان گفت کلید رفتار فرد است (خراسانی پاریزی و بارخدا، ۱۴۰۲)؛ بنابراین می‌توان گفت، عزت نفس عبارت از یک قضاوت شخصی در مورد با ارزش بودن یا بی‌ارزش بودن، قبولی یا عدم قبولی خود است (عالی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲). جدول ۳ نشان‌دهنده این مطلب است که فراوانی مؤلفه‌های عزت نفس در کتاب درسی دین و زندگی پایه دهم ۱۰ مورد، در کتاب درسی دین و زندگی پایه یازدهم ۳۱ مورد و در کتاب درسی دین و زندگی پایه دوازدهم ۱۱ مورد می‌باشد. هر چند در پایه یازدهم پرداختن به این مقوله تا حدودی مناسب است، ولی روند کاهشی آن در پایه دوازدهم نشان از این دارد که این مؤلفه برای مؤلفان کتاب ارزشمند نیست؛ این در حالی است که پایین آمدن عزت نفس در دانش‌آموزان باعث افت تحصیلی، کاهش سلامت روانی و افزایش استرس و اضطراب خواهد شد (خبر، ۱۴۰۲)؛ از طرفی، چون در عصری پرتنش زیست می‌کنیم، لازم است مؤلفان بیش‌ازپیش بر این مؤلفه تأکید داشته باشند.

جدول ۴. مقدار فراوانی توجه به بُعد فردی کد محوری وفای به عهد

کد انتخابی بُعد فردی مؤلفه‌های فرهنگی									
کدهای باز	پایه دهم			پایه یازدهم			پایه دوازدهم		
	صفحه	میزان	تصویر	صفحه	میزان	تصویر	صفحه	میزان	تصویر
وحد	۲۷	۱	۰	۲۶	۲	۰	۵۲	۱	۰
	۷۶	۲	۰	۳۱۱	۱	۰	۳۰۱	۱	۰
	۱۵۱	۱	۰	۶۲۱	۱	۰	-	-	-
	۱۵۱	۱	۰	۱۱۲	۱	۰	-	-	-
	۱۰۱	۱	۰	۳۱۱	۱	۰	-	-	-
	-	-	-	۳۵۱	۱	۰	-	-	-
	-	-	-	۵۲	۱	۰	-	-	-
	۳۱	۱	۰	۶۷	۱	۰	۵۳۱	۲	۰
	۵۵	۲	۰	۳۳۱	۱	۰	۳۵۱	۱	۰
	۳۶	۲	۰	۵۵۱	۱	۰	۵۵۱	۱	۰
	۷۸	۱	۰	۵۵۱	۲	۰	۵۵۱	۲	۰
	۸۰	۱	۰	۷۶۱	۱	۰	۴۳	۲	۰
	۱۷	۱	۰	-	-	-	۸۷	۱	۰
	۳	۲	۰	-	-	-	۷۶	۱	۰
-	-	-	-	-	-	۶۶	۲	۰	
مجموع	۶۱	۰	۶۱	۳۱	۰	۳۱	-	۳۱	۰

جدول ۴ مقدار فراوانی توجه به بعد فردی کد محوری وفای به عهد را نشان می‌دهد. وفای به عهد از فضایل مهم اخلاقی و پیمان شکنی از رذایل اخلاقی ناپسند محسوب می‌شود. از دیدگاه قرآن، وفای به عهد و پیمان، از ملاک‌های ارزشی انسان بوده و یکی از اساسی‌ترین شرایط زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود؛ به طوری که بدون آن هیچ‌گونه همکاری اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ زیرا لازمه زندگی اجتماعی، همکاری و اعتماد افراد جامعه به یکدیگر است و زمانی این امور به خوبی تحقق می‌یابد که مردم به وعده‌های خود عمل کنند (محبی مقدم، ۱۳۹۹). همان اندازه که وفای به عهد دارای ارزش فراوانی می‌باشد، نقض عهد و پیمان شکنی نیز اثرات زیان‌باری بر جامعه خواهد داشت؛ چون باعث آسیب به اصل و بنیان جامعه شده و در نهایت، زوال آن جامعه را منجر خواهد شد (میرزاده و شریفی، ۱۳۹۴) و این خود نشان‌دهنده اهمیت امر می‌باشد. هرچند توجه مؤلفان کتاب به این واژه جای تقدیر دارد، ولی این میزان پرداخت به این اصل مهم، جای بسی تأمل دارد. وفای به عهد، شالوده زندگی اجتماعی بوده و بایستی دانش‌آموزان با این مقوله به نحو احسن آشنا شوند؛ این درحالیست که مؤلفه‌های وفا کردن، عمل به تعهد، عمل به قول و وعده در مجموع ۱۶ بار در کتاب درسی دهم، ۱۴ بار در کتاب درسی یازدهم و ۱۴ بار در کتاب درسی دوازدهم مورد اشاره قرار گرفته است که میزان قابل قبولی نیست. همان طوری که در جدول فوق نیز نشان داده شده است، هیچ اشاره‌ای به مؤلفه‌های عمل به تعهد و عمل به قول در کتاب درسی پایه دوازدهم نشده و این نشان از ضعف تدوین کتاب دارد. بدیهی است هر چه میزان این مفاهیم بیشتر باشند، میزان یادگیری آنها آسان‌تر بوده و در نهایت، جامعه سالمی خواهیم داشت. براین اساس لازم است مؤلفان نسبت به این امر اهتمام ویژه‌ای را داشته باشند.

جدول ۵. مقدار فراوانی توجه به بُعد فردی کد محوری مسئولیت پذیری

کد انتخابی بُعد فردی مؤلفه‌های فرهنگی												
کدهای باز	پایه دهم			پایه یازدهم			پایه دهم			پایه دوازدهم		
	متن	آیه	تصویر	متن	آیه	تصویر	متن	آیه	تصویر	متن	آیه	تصویر
وظیفه	صفحه	میزان	میزان	صفحه	میزان	میزان	صفحه	میزان	میزان	صفحه	میزان	میزان
	۱۰۹	۱	۰	۳۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱۴۹	۱	۰
	۱۳۸	۳	۰	۱۳۵	۲	۰	۲	۱	۰	۱۵۲	۲	۰
	۱۵۳	۲	۰	۱۴۳	۲	۰	۱	۱	۰	۳۷	۱	۰
	۱۵۴	۱	۰	۱۵۵	۱	۰	۱	۱	۰	۱۳۷	۱	۰
	۱۰۹	۱	۰	۱۶۳	۱	۰	۲	۲	۰	-	-	-
	۱۱۱	۱	۰	۱۷۲	۱	۰	۱	۱	۰	-	-	-
	۱۳۷	۱	۰	۱۷۳	۱	۰	۱	۱	۰	-	-	-
	-	-	-	۱۸۲	-	-	۱	۱	۰	-	-	-
	-	-	-	۱۸۸	-	-	۱	۱	۰	-	-	-
	-	-	-	۱۸۹	-	-	۱	۱	۰	-	-	-
	-	-	-	۱۹۱	-	-	۱	۱	۰	-	-	-
	۱۵	۱	۰	۱۵۵	۱	۰	۲	۲	۰	۱۴۵	۲	۰
	-	-	-	۱۷۵	-	-	۱	۱	۰	-	-	-
	۲۹	۱	۰	۲۲	۱	۰	۱	۱	۰	۱۶۰	۱	۰
	-	-	-	۴۴	-	-	۱	۱	۰	۱۶۴	۱	۰
	-	-	-	۴۵	-	-	۱	۱	۰	۱۲۴	۲	۰
	-	-	-	۸۲	-	-	۱	۱	۰	۹	۱	۰
	-	-	-	۹۰	-	-	۱	۱	۰	۱۲۸	۱	۰
	-	-	-	۹۷	-	-	۱	۱	۰	۱۴۰	۲	۰
	-	-	-	۱۱۱	-	-	۱	۱	۰	-	-	-
مجموع	۱۲	۱۲	۰	۱۲	۲۳	۰	۲۳	۲۳	۰	۲۳	۱۳	۰

جدول ۵ مقدار فراوانی توجه به بُعد فردی کد محوری مسئولیت‌پذیری را نشان می‌دهد. دانش‌آموزان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه، افرادی با ویژگی‌های منحصر به فرد هستند که قسمت عمده شخصیت آنان در رابطه با مسئولیت‌پذیری و اجتماعی شدن در همین دوران تحصیل، در مدارس و کلاس‌ها شکل می‌گیرد (اکرمی ابرقویی، ۱۴۰۲) و این از وظایف اصلی آموزش و پرورش است که مسئولیت‌پذیری و اجتماعی شدن را به دانش‌آموزان یاد بدهد (شفیعی و همکاران، ۱۴۰۰). مسئولیت یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که معمولاً به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و یک متغیر عمده و اساسی در رفتار اجتماعی محسوب می‌شود (نبی‌پور، ۱۴۰۲) اهمیت مسئولیت‌پذیری برای دانش‌آموزان به حدی است که وقتی این مقوله را یاد نگیرند مشکلات عدیده‌ای برای آنها پیش خواهد آمد که نبود مشارکت و یا ضعف در مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، جذاب نبودن و عدم توجه به معلم از مهم‌ترین آنها می‌باشد (رئیسی خیرآبادی و همکاران، ۱۴۰۱) و در مقابل یادگیری مسئولیت‌پذیری نیز علاوه بر کاهش معضلات اشاره شده، باعث کاهش بحران هویت‌یابی در دانش‌آموزان نیز خواهد شد. جدول شماره ۵ نشان می‌دهد توجه به این مقوله صرفاً در پایه یازدهم به اندازه قابل قبول رعایت شده، ولی در پایه‌های دهم و دوازدهم نیاز به تقویت می‌باشد. از طرفی، این مقوله در کتاب درسی دهم متوسطه ۱۲ بار، در کتاب درسی یازدهم ۲۳ بار و در کتاب درسی دوازدهم ۱۳ بار تکرار شده است و این نشان‌دهنده عدم تعادل و عدم برقراری ارتباط بین کتب درسی بوده و از طرفی، نشان از روند نزولی و کاهشی آن در کتاب دوازدهم می‌باشد؛ در حالی که پایه دوازدهم به دلیل اینکه آخرین مقطع تحصیلی دوره مدرسه بوده و دانش‌آموزان بعد از آن وارد عرصه و محیط دانشگاهی می‌شوند از این نظر، از اهمیت خاصی برخوردار است و به همین دلیل، تقویت این مقوله در این پایه تحصیلی مورد انتظار است.

جدول ۶. مقدار فراوانی توجه به بعد اجتماعی کد محوری نفی تجمل‌گرایی

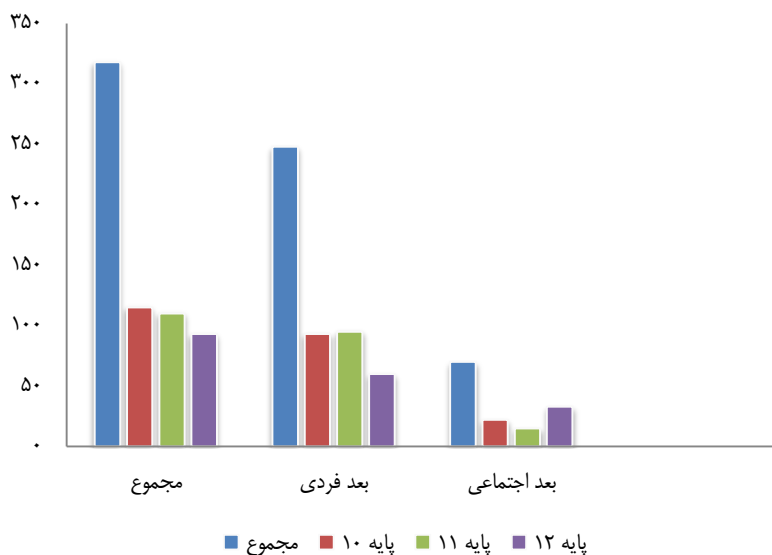
کدهای باز	کد انتخابی بعد اجتماعی مؤلفه‌های فرهنگی								
	پایه دهم			پایه یازدهم			پایه دوازدهم		
	صفحه	حاجت، آیه	تصویر	صفحه	حاجت، آیه	تصویر	صفحه	حاجت، آیه	تصویر
۱۱۱	۱	۱	۰	۳۷۱	۱	۱	۱۱۱	۱	۰
-	-	-	-	-	-	-	۷۱۱	۱	۰
-	-	-	-	-	-	-	۳۳۱	۱	۰
-	-	-	-	-	-	-	۶۰۱	۱	۰
-	-	-	۶۱۱	۱	۰	۱	۶۷	۱	۰
-	-	-	۳۳۱	۱	۰	۱	-	-	-
۳۳	۳	۰	-	-	-	۳	۶۱۱	۱	۰
۵۳	۱	۰	-	-	-	۱	۸۱۱	۲	۰
۷۵	۱	۰	-	-	-	۱	۵۰۱	۳	۰
-	-	-	-	-	-	-	۳۵۱	۱	۰
-	-	-	-	-	-	-	۶۱	۱	۰
۶	۱	۰	-	-	-	۱	۳۰۱	۱	۰
-	-	-	-	-	-	-	۶۶۱	۱	۰
-	-	-	-	-	-	-	۶۷۱	۱	۰
۷	۲	۰	-	-	-	۲	۱۱۷	۱	۰
۱۱	۱	۰	-	-	-	۱	-	-	-
۱۷	۱	۰	-	-	-	۱	-	-	-
۶۴	۱	۰	-	-	-	۱	-	-	-
مجموع	۱۳	۰	۱۳	۳	۰	۳	۱۹	۰	۱۹

جدول شماره ۶ مقدار فراوانی توجه به بُعد اجتماعی کد محوری نفی تجمل‌گرایی را نشان می‌دهد. بی‌شک تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی و گرانش افراطی به ظواهر دنیوی مهم‌ترین و نخستین آسیبی است که فرهنگ و جامعه اسلامی را تهدید می‌کند و غفلت از آراستگی‌های درونی و معنوی را به دنبال دارد؛ به‌گونه‌ای که با تغییر الگوی مصرف، ناخواسته هزینه‌هایی را بر مردم و کشور تحمیل می‌کند (محمدزاده، ۱۳۹۶). واقعیت این است که تجمل‌گرایی به معنای گرانش به تجملات، یکی از پدیده‌های نابهنجار اجتماعی و یک بیماری روان‌شناختی است. هر چند که نمی‌توان آن را یک رذیلت اخلاقی دانست، ولی باید اذعان کرد که آثار آن از یک رذیلت اخلاقی در روحیه فرد و جامعه، کمتر نیست (عصاره و همکاران، ۱۳۹۰). جدول ۶ نشان‌دهنده این مطلب است که این مؤلفه در کتاب درسی پایه دهم ۱۳ و در کتاب درسی یازدهم ۳ و در کتاب درسی دوازدهم ۱۹ بار تکرار شده است. هر چند در پایه دوازدهم این مقوله ۱۹ بار تکرار شده و در حد قابل قبول است، ولی عدم تعادل در این مقوله نیز مشهود بوده و نیازمند برقراری تعادل در همه پایه‌ها می‌باشد. البته برخی از کدهای باز این مؤلفه نیز در برخی از کتب مورد استفاده قرار نگرفته و نیاز به بازبینی دارد؛ برای مثال، مؤلفه باز اسراف که از مهم‌ترین مؤلفه‌های دینی و فرهنگی محسوب شده و عامل بسیاری از نابهنجاری‌ها نیز هست، در کتاب درسی پایه دهم اشاره‌ای به آن نشده است. در حالی که پایه دهم اولین پایه ورود به دوران متوسطه دوم بوده و به لحاظ فردی و اجتماعی تأثیر فراوانی دارد؛ از طرفی، مؤلفه‌های دیگر نیز در برخی از کتب فقط یک بار مورد اشاره مؤلفان قرار گرفته و نیازمند تقویت بیشتر است.

جدول ۷. مقدار فراوانی توجه به بعد اجتماعی کد محوری صله رحم

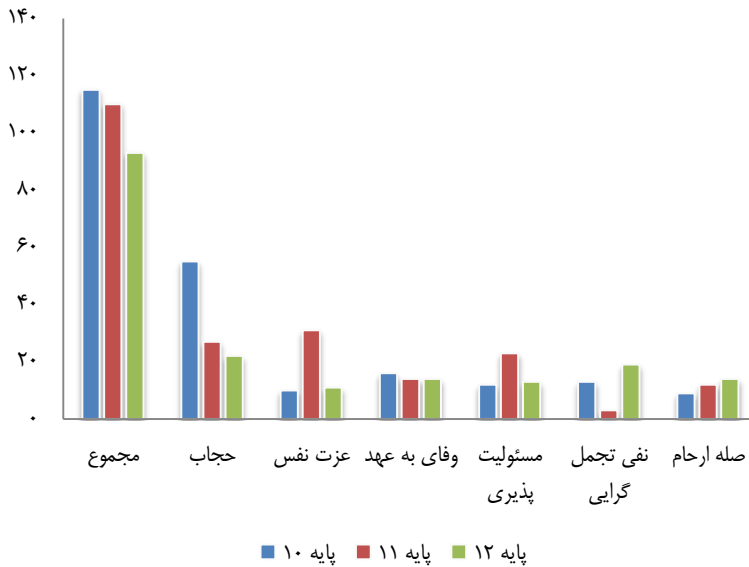
کد انتخابی بعد اجتماعی مؤلفه‌های فرهنگی											
کدهای باز	پایه دهم			پایه یازدهم			پایه دوازدهم			فراوانی	فراوانی
	میان	تصویر	صفحه	میان	تصویر	صفحه	میان	تصویر	صفحه		
۴۵	۲	۰	۲	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۶۶	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۱۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳۴	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۶۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۷۸	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۰۲	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
۵۳۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۹	۶	۰	۶	۱۲	۰	۱۲	-	۹	۰	۹	۱۴

جدول ۷، مقدار فراوانی توجه به بعد اجتماعی کد محوری صله رحم را نشان می‌دهد. یکی از عناصر مهم و کلیدی سبک زندگی سالم، ارتباط سالم و مؤثر با خویشاوندان است که از آن به «صله رحم» تعبیر شده است. صله رحم سنت حسنه‌ای است که در منابع مختلف به‌وفور و با تعبیر گوناگون بر رعایت آن تأکید و تصریح شده، ولی متأسفانه در جوامع امروزی مورد غفلت قرار گرفته است. صله رحم به ویژه نسبت به والدین با ارائه ضوابطی بر روابط خویشاوندی از قبیل محبت، بخشش و یاری‌رسانی باعث استحکام روابط خویشاوندی شده، در نتیجه موجب تقویت ارکان جامعه و فقرزدایی می‌گردد و عدم توجه به آن، واژگونی ارزش‌ها را در جامعه به‌دنبال دارد (فولادی و حکیم‌زاده، ۱۴۰۱). حفظ هویت افراد، پیشگیری از جرایم اجتماعی و فقر اقتصادی، و همین‌طور رفع و دفع کینه‌توزی و اختلافات اجتماعی از آثار مهم صله ارحام بوده و رعایت حقوق ارحام به‌طور عمده به همدلی، مهربانی، و وحدت افراد خاندان می‌انجامد که مورد عنایت پروردگار و آثار و برکات معنوی است و نقص آن‌ها منشأ خسارات مادی و عقوبت‌های اخروی خواهد شد (میرحسینی، ۱۴۰۱). در عصر حاضر، با گسترش خانواده هسته‌ای و ایجاد شهرنشینی به‌طور وسیع و دور شدن فاصله‌ها، روابط خویشاوندی نیز تحت تأثیر این شرایط نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شده و این در حالی است که اسلام تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی را مورد تأکید و توجه قرار داده و صله رحم و رسیدگی به بستگان را به عنوان یک ارزش الهی واجب کرده است (جمالی، ۱۳۹۴). جدول ۷ نشان می‌دهد این مؤلفه در پایه دهم ۹ بار و در پایه یازدهم ۱۲ بار و در پایه دوازدهم ۱۴ بار مورد تأکید قرار گرفته است. عدم تعادل در این مؤلفه نیز مشهود بوده، ولی روند صعودی آن مورد قبول می‌باشد. هر چند پرداختن به این مقوله پسندیده است، ولی پرداختن بیش‌ازپیش به این مؤلفه و آن هم با روند افزایشی مورد تأکید می‌باشد.



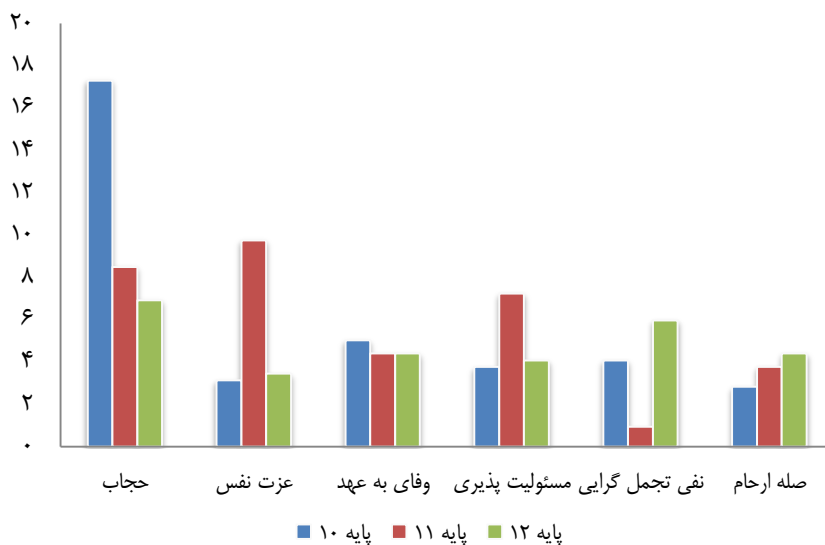
شکل ۱. میزان مؤلفه‌ها در پایه‌های تحصیلی به تفکیک بعد فردی و اجتماعی

شکل ۱ مجموع فراوانی مؤلفه‌های فرهنگی به تفکیک بعد فردی و اجتماعی و پایه‌های تحصیلی را نشان می‌دهد. همان طوری که در جدول نیز نشان داده شده، به مؤلفه‌های فرهنگی در مجموع ۳۱۸ بار در کتب دین و زندگی متوسطه دوم اشاره شده است که از این مقدار ۲۴۸ بار به بعد فردی و ۷۰ بار نیز به بعد اجتماعی اشاره شده است. هر چند پرداختن به بعد فردی از اهم موضوعات است، ولی بعد اجتماعی مهم‌تر از بعد فردی می‌باشد. عدم تعادل در اینجا نیز مشهود بوده و تقویت بعد اجتماعی در این کتب مورد تأکید می‌باشد.



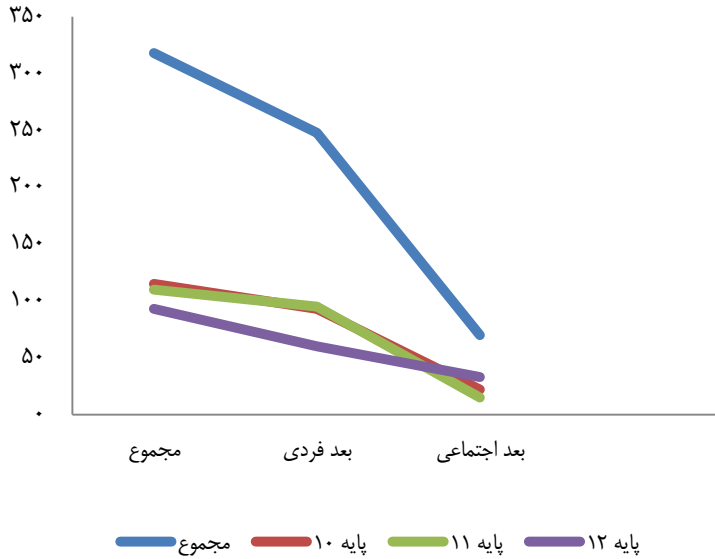
شکل ۲. میزان مؤلفه‌های فرهنگی به تفکیک پایه‌های تحصیلی براساس تعداد آنها

شکل ۲ نشان‌دهنده میزان مؤلفه‌های فرهنگی به تفکیک پایه‌های تحصیلی می‌باشد. در این نمودار نیز عدم تعادل بین مؤلفه‌ها به وضوح به چشم می‌خورد. در این میان، میزان در مقوله حجاب حداکثر و در مقوله نفی تجمل‌گرایی به حداقل خود رسیده است. هر چند مسئله حجاب و حجاب‌شناسی و پرداختن به این موضوعات با توجه به عصری که در آن قرار داریم بسیار زیبنده و از اهم موضوعات است، ولی سایر مؤلفه‌ها نیز در جای خود از اهمیت فراوانی برخوردار هستند. به همین دلیل، برقراری تعادل بین مؤلفه‌ها در هر کدام از کتب درسی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم مورد تأکید بوده و نیز روند صعودی آن نیز توصیه می‌گردد.



شکل ۳. میزان مؤلفه‌های فرهنگی به تفکیک پایه تحصیلی و براساس درصد

شکل ۳ نشان‌دهنده میزان مؤلفه‌های فرهنگی به تفکیک پایه‌های تحصیلی و براساس درصد آنها می‌باشد. حجاب در پایه تحصیلی دهم بیشترین مقدار (۱۷/۲۹ درصد) و نفی تجمل‌گرایی در پایه تحصیلی یازدهم به کمترین حد (۹۴ درصد) رسیده است.



شکل ۴. روند کاهشی مؤلفه‌های فرهنگی

شکل ۴ میزان شیب تند نزولی مؤلفه‌های فرهنگی را نشان می‌دهد. این میزان شیب تند نزولی نشان از ضعف در برقراری تعادل و همچنین نشان از عدم اهتمام جدی به مسائل فرهنگی می‌باشد. بر همین اساس، حفظ تعادل و نیز روند صعودی در رابطه با این مؤلفه‌ها مورد تأکید می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پرداختن به مؤلفه‌های فرهنگی در آموزش و پرورش جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا مدرسه مکانی است که شخصیت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان در آنجا شکل می‌گیرد. مؤلفه‌های فرهنگی نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت و هویت دانش‌آموزان می‌باشد؛ بنابراین هر اندازه دانش‌آموزان با این مفاهیم بیشتر آشنا شوند در ابتدا خود و سپس برای جامعه تأثیرات فراوانی را خواهد گذاشت. نحوه ارتباط‌گیری و نیز زندگی کردن بستگی به این مؤلفه‌ها

دارد. در این پژوهش، میزان و فراوانی مؤلفه‌های فرهنگی در کتب درسی دین و زندگی پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم دوره دوم متوسطه بررسی شد. در ابتدا مؤلفه‌های فرهنگی شناسایی و برای هر کدام از آنها کدهای باز مرتبط با آن مفاهیم شناسایی شدند؛ سپس میزان کدهای باز با هم بررسی و تطبیق داده شد و در نهایت، یافته‌های پژوهش نشان داد که اولاً میزان مؤلفه‌ها در کتب درسی با هم تعادل ندارند و عدم تعادل در آنها صدق می‌کند؛ دوماً، میزان پوشش مؤلفه‌های فرهنگی در پایه‌های مختلف به صورت نزولی و کاهشی است؛ این در حالی است که یادگیری مؤثر و پایدار زمانی تحقق می‌یابد که مؤلفه‌های آموزشی با روند افزایشی و متناسب با پیشرفت تحصیلی ارائه شوند و از طرفی، برقراری تعادل نیز در روند یادگیری بسیار مؤثر است. به‌طور کلی، این میزان فراوانی پاسخگوی آموزش‌های لازم در این زمینه نیست آن هم برای اشخاصی که مهم‌ترین دوران تحصیلی خود را سپری می‌کنند و بعد از این دوران، وارد عرصه و محیط دانشگاه و اجتماع خواهند شد. بر این اساس توصیه می‌شود مؤلفان بیش‌ازپیش به این مؤلفه‌ها اهتمام و در تدوین دروس دقت نظر کافی داشته و پیشنهادهای راهبردی ذیل را مد نظر قرار دهند:

۱. تشکیل کمیته‌های علمی تر و تخصصی تر با هدف بازاندیشی، بازآفرینی و بازسازی و تألیف بهتر کتاب‌های درسی دین و زندگی؛
۲. بهره‌گیری از متخصصان برنامه‌ریزی درسی، فناوری آموزشی، متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت، کارشناسان دینی و مذهبی آشنا با رویکردهای آموزشی، روان‌شناسان و متخصصان در امر یادگیری و رشد به منظور انتخاب، تنظیم و سازماندهی محتوای جدید؛
۳. کسب نظرات دبیران در زمینه برنامه‌های درسی، سرفصل‌ها و تعدیل آنها با نظرات متخصصان برنامه‌های درسی؛
۴. آموزش غیرمستقیم اعمال و احکام دینی به روش داستان‌سرایی و قصه‌پردازی در کتاب درسی دین و زندگی.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازن اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

ابطحی، معصومه‌السادات، پروانه فتحعلی‌بیگی و سمیه سلمانی‌کله (۱۴۰۲)، «بررسی مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان»، *مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۳۳، ص ۱۷.

اکرمی ابرقویی، مریم (۱۴۰۲)، «چگونه توانستیم مشکل عدم مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را حل کنیم»، *پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم*، تهران، ص ۱.

بازدار قمچی‌قیه، مرتضی، کوروش فتحی‌واجارگاه، محبوبه عارفی و مقصود فراستخواه (۱۳۹۷)، «تبیین مفهوم برنامه درسی سایه در نظام آموزشی ایران»، *مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه برنامه درسی*، دوره ۸، شماره ۲.

بازدار قمچی‌قیه، مرتضی و آرمین ایزدی‌ثمرین (۱۳۹۹)، «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر ترویج هویت ایرانی و اسلامی»، *پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران*، تهران.

بازدار قمچی‌قیه، مرتضی، آرمین ایزدی‌ثمرین و حسین سلیمانی (۱۳۹۹)، «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران*، تهران.

بازدار قمچی قیه، مرتضی و کورش فتیحی واجارگاه (۱۳۹۹)، «تأملی بر انواع رویکردها نسبت به قومیت در ایران و اثرات اجرای آن در نظام آموزشی»، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۳، شماره ۱، ص ۵۰.

پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۲.

جمالی، طیبه (۱۳۹۴)، «صله رحم و نقش آن در کارآمدی و بهداشت روانی خانواده»، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، تهران، ص ۱.

خبر، زهرا (۱۴۰۲)، «بررسی تأثیرات و پیامدهای فقدان عزت‌نفس بر زندگی انسان و راهکارهای افزایش آن»، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، تهران، ص ۱.

خراسانی پاریزی، ابراهیم و ایمان بارخدا (۱۴۰۲)، «نقش عزت‌نفس در مدیریت اسلامی و مکتب شهید سلیمانی»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۸۱، ص ۱۱۱.

رئیزی خیرآبادی، غلامرضا، فریبا کریمی و نرگس سعیدیان (۱۴۰۱)، «آسیب‌شناسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس دوره ابتدایی»، فصلنامه علمی پژوهشنامه تربیتی، دوره ۱۸، شماره ۷۳، ص ۷۵.

سید کلان، سید محمد، مرتضی بازدار قمچی قیه ایوب ابراهیمی و لیلا عیاری (۱۳۹۶)، «بازسرای روایات و تجارب دانشجومعلمان به منظور شناسایی عوامل مؤثر در تکوین هویت حرفه‌ای آنان»، دوفصلنامه پژوهش در تربیت معلم، دوره ۱، شماره ۳، ص ۴۷.

سید کلان، سیدمحمد، مرتضی بازدار قمچی قیه، زهرا وقار، منصور علیزاده و داریوش جهانی (۱۳۹۸)، «فهم مضامین فلسفی داستان‌ها و حکایت‌های کتب فارسی دوره ابتدایی»، دوفصلنامه علمی تفکر و کودک، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۱۹۶.

شجاعی، مسلم و ابوطالب عوض‌زاده (۱۴۰۱)، «چالش‌های تربیت دینی با رویکرد دین‌گرایی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه»، پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۲، ص ۵۴.

شفیعی، صابر، علیدادی، فرامرز و صغری‌زاده، صغری (۱۴۰۰)، «بررسی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۶، ص ۶۸.

عابدی، فاطمه، مرتضی منادی، ملوک خادمی و علیرضا کیامنش (۱۳۹۶)، «تحلیل محتوای کتاب دین و زندگی دوره متوسطه با تأکید بر شاخص‌های تربیتی در برنامه درسی ملی»، فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، دوره ۲، شماره ۷.

عالی‌پور، الهام، سمیه محمدی، سعیده رشیدی کیاسرابی و جمیله زویادوی (۱۴۰۲)، «بررسی تأثیر عزت‌نفس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر نوجوان»، فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش‌وپرورش، دوره ۱، شماره ۱۱، ص ۵۵.

عصاره، علیرضا، محسن حسینی بیدخت و ندا محمدی (۱۳۹۰)، «نیازسنجی فرهنگی اجتماعی دانشجویان دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی»، مطالعه توسعه اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۳، ص ۲۳.

- علوی پور، مریم، فاطمه علوی پور، جواد عبدالخانی و حیدر احمدی (۱۴۰۲)، «تحلیل کتاب‌های درسی در تناسب با نیازهای دانش‌آموزان»، دومین همایش بین‌المللی علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، ص ۱.
- عمانی، مهدی، جمال بیگی و بابک پورقهرمانی (۱۴۰۱)، «فناوری هارپ در سنجه هویت فرهنگی ملی»، فصلنامه علمی حقوق و مطالعات نوین، دوره ۳، شماره ۳، ص ۲۰.
- فاطمی‌نیا، محمدعلی و مهدی نورالهی (۱۴۰۱)، «تحلیل محتوای کتاب درسی متوسطه اول از منظر منافع ملی»، نشریه مطالعات راهبردی، دوره ۲۵، شماره ۲.
- فولادی، حفیظ‌الله و زهرا حکیم‌زاده (۱۴۰۱)، «بررسی نقش صلح‌رحم در حفظ پیوندهای اجتماعی و آسیب‌های ناشی از قطع آن از دیدگاه نهج‌البلاغه با رویکرد مقایسه‌ای با جوامع امروزی»، فصلنامه بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه، دوره ۲۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۷۳، ص ۵۲.
- گراوند، مجتبی و فرهاد پروانه (۱۳۹۷)، «توسعه فرهنگی و بررسی ویژگی‌ها، ابعاد و اهداف آن از دیدگاه امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، دوره ۲۰، شماره ۷۸، ص ۱۲۷.
- گل‌محمدنیا، سودابه (۱۴۰۲)، «تحلیل محتوای دین و زندگی پایه سوم متوسطه دوم»، سومین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت، هرمزگان
- محبی‌مقدم، فاطمه (۱۳۹۹)، «ضرورت و آثار وفای به عهد در جامعه از دیدگاه اسلام»، پنجمین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم‌انداز ۱۴۰۴، تهران، ص ۲۳.
- محمدزاده، علی (۱۳۹۶)، «بررسی آسیب‌های فرهنگی و روانشناختی اساسی در بین دانشجویان دختر و پسر»، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۷، شماره ۱، ص ۱۱.
- محمودی سردره، فاطمه، نادر شهاخت، عباداله احمدی و مسلم صالحی (۱۴۰۰)، «شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سازمانی مدارس اثربخش دوره متوسطه»، فصلنامه مطالعات مدیریت و توسعه پایدار، دوره ۱، شماره ۲.
- مونسان، لیلا، محسن پرویز، آزاده سیاری‌فرد، مهدی کاموس، فرشاد نوری‌زاده و لاله قدیریان (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی جامعه»، مجله علمی علوم اسلامی انسانی، دوره ۳، شماره ۱۲، ص ۵۳.
- میرحسینی، سیداحمد (۱۴۰۱)، «صله ارحام و آثار با محوریت وحدت و الفت؛ سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۴، ص ۲۵.
- میرزاده، نرگس و محمد شریفی (۱۳۹۴)، «وفای به عهد و پیمان در قرآن کریم»، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، تهران، ص ۵۵.
- نبی‌پور، سیده‌زهرا (۱۴۰۲)، «بررسی تأثیر خانواده و والدین بر جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری فرزندان»، مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۹، شماره ۱، ص ۱۴۹.
- نظری، جواد و مرضیه مختاری (۱۳۸۸)، «نقش مقوله‌ها و واحدها در تحلیل محتوا»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴، ص ۹۲.

نیک‌پناه، منصور (۱۴۰۱)، «تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره متوسطه اول براساس میزان توجه بر مؤلفه‌های اخلاقی»، نشریه علمی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، ص ۳۳.

وفایی، رضا و مهدی سبحانی‌نژاد (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی و تحلیل آن در محتوای کتب درسی»، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، دوره ۳، شماره ۵.

Akter Rita, Afroza (2017), "Assertion of Wearing Hijab in the Community: An Analysis", *American Scientific Research Journal for Engineering, Technology, and Sciences*, Vol. 29, No 1.

Anwar, Seyyed Masroor (2013), *Glory of Muslim women Hijab*, First Edition, Publisher: Lambert Academic publisher.

Causadias, Jose (2020), "What is culture? Systems of people, places, and practices", *Applide developmental science*, Vol. 24, Issue 2.

Colbert, Paul (2010), "Developing A Culturally Responsive Classroom Collaborative of Faculty, Students, and Institution", *Contemporary Issues in Education Research*, Vol. 3, No. 9.

Ekasiwi, Alvia Nurrahma; Bram, Barli (2022), "Senior High School English Textbooks and Religious Aspects", *Journal of English Teaching*, Vol. 8, No 3.

Encik, Siti Adilah; Lalu, Nurtaat; Kurniawan, Apgrianto; Henny, Soepriyanti (2023), "An Analysis of Textbook "English in Mind: Student's Book Starter" for the 7th Year Students of Junior High School Based on Merdeka Curriculum", *Journal Ilmiah Profesi Pendidikan*, Vol. 8, No. 2.

Eon, Sung Na; Hye, Won Lee (2019), "The Analysis of Writing Tasks in High School English Textbooks: A Process-Genre Based Approach", *English Teaching*, Vol. 74, No. 4.

Espin- Leon, A. M., Morenilla, A. J., Pertegal-Felices, M. L., Azorin 41.Lopez, Jorge (2020), "Cultural Identity Distance Computation through Artificial Intelligence as an Analysis Tool of the Amazon Indigenous People. A Case Study in the Waorani Community", *MDPI, Sustainability*, pp. 1 – 16.

Geertz, Clifford (1973), *The Interpretation of Cultures*, Basic Books, Publishers: New York.

Handoyo, Puji Widodo (2007), "Textbook analysis on college academic writing", *Teflin Journal*, Vol. 18, No. 2.

Hofstede, Geert (2011), "Dimensional zing Cultures: The Hofstede Model in Context", *Theoretical and Methodological Issues*, Vol. 2, No. 1.

Lebron, Antonio (2013), "What is Culture", *Sociology, Political Science, Psychology*, Vol. 2, No. 1.

Leslie, White (2020), "Culture", *Lifestyles & Social Issues*, Volume 2, No.1.

Louis, Hecht (2021), *The Culture: Characteristics and its Elements*, Department of Jewish Studies, Vol. 10, Issue 3.

Marana, Aaidier (2010), "Culture and Development", *Evolution and Prospects*, Vol. 2, No 1.

Merz, Jarreth (2021), "From Culture to People: Thinking Anthropologically with Jesus and Paul", *Philosophy*, Vol. 5, No. 1.

Patterson, Orlando (2014), "*Making sense of culture*", *Annu. Rev. Social*, Vol. 1, Issue 1.

Prempeh, Charles (2022), "Hijab Is My Identity: Beyond the Politics of the Veil: The Appropriations of the Veil in an Inner-City Muslim Area of Accra (Ghana) since the 1980s", *Journal of Africana Religions*, Vol. 10, No. 1.

Puspitasari, Citra; Dolah, Jasni (2018), "The Analysis of Integration between Hijab Concept and Fashion in Indonesia", *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, Vol. 207.

Rameez, Ahmad (2019), "Hijab in Islam: Liberation or Oppression from Islamic and Western Perspective", *Department of Sociology, Aligarh Muslim University*, Vol. 13, Issue 1.

Rias, Wita Suryani (2018), "An English book analysis", *English language teaching and research*, Vol. 2, No. 1.

Rizky, Romdania (2021), "A Cultural content analysis of English text book for high school", *Tarbiah and teacher training*, Volume 1, Number 1.

Shilts, randy (2007), *the Band Played On: Politics, People, and the AIDS Epidemic*, 20th-Anniversary Edition, Publishers: New York.

Stannard, Casey; Islam, Saiful (2020), "Meanings of Hijab from the Wearers' Perspective", *Conference: Pivoting for the Pandemic*.

Stenishcheva, Alisa (2021), "The relationship between the formation of the cultural identity of students and the level of education", *Peoples' Friendship University of Russia, SHS Web of Conferences*, pp. 1-5.

Sugirin, Siti Sudartini; Suciati, Lusi Nurhayati (2020), "a study on cultural integration in the english textbooks for schools", *Faculty of languages and arts*, Vol. 1, No. 1

Tharp, Bruce, (2020), "Defining "Culture" and "Organizational Culture": From Anthropology to the Office", *Haworth*, Vol. 1, Issue 1.

Tiruvalla, Kerala (2020), "Insightful concepts on culture and society", *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research*, Volume 7, Issue 8.

Trung, Nguyen Sy, Van, Vu Hong (2020), "Vietnamese Cultural Identity in the Process of International Integration", *Journal of Advances in Education and Philosophy, Scholars Middle East Publishers*, Dubai, United Arab Emirates, pp. 220-225.

Valenzuela, Austin (2023), *Elements of Culture*, Department Social Science Courses, Publishers: Harvard University, USA.

Weber, Gunilla, Martensen, Malte (2021), "Transforming Organizational Culture amidst a Diverse Workforce: A Qualitative Study in the Service Industry", *IUBH Discussion Papers - Human Resources*, pp 1-21

Westrum, Ron (2004), *A typology of organizational cultures*, Department of Sociology, Publishers: Eastern Michigan University.



Yafang, Tsai (2011), "Relationship between Organizational Culture, Leadership Behavior and Job Satisfaction", *BMC Health Services Research*, Vol. 1, No. 3.



انستیتو مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 26 October 2024
 Revised 29 November 2024
 Accepted 06 December 2024
 Published online 15 March 2025

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 4, pp 41-77



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

Strategies and Measures of the National Governance System in the “Video on Demand” (VOD) Sector (2011-2024)

Mohammad-Sadeq Nasrollahi ¹, Abdulkarim Khayami ², Amir-Ahmad Zolfaghari ³
 Ali Zaroodi ^{4*}

1. Islamic Studies, Culture and Communication Department, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
2. Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
3. Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
4. Culture and State, Islamic Studies, Culture and Communication Department, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Corresponding author email address: zaroodi@isu.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Nasrollahi, M., Khayami, A., Zolfaghari, A. and Zaroodi, A. (2024). Strategies and Measures of the National Governance System in the “Video On Demand” (VOD) Sector. *Strategic Studies Quarterly*, 27(4), 41-77.
 doi:
 10.22034/SSQ.2025.484902.4208



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

Since the early 2010s, “Video On Demand” (VOD) has steadily captured an increasing share of Iranian media consumption and has begun to play a key role in the country’s overall media landscape. From its inception until now, there have been many disputes among various executive bodies about how VOD should be regulated, and no clear, optimal regulatory framework has been established. To envision an ideal scenario, it’s necessary to analyze the historical background first. This study seeks to establish a preliminary framework for regulation by identifying key historical events, segmenting the timeline using major milestones, and then pinpointing the emerging issues. The ultimate goal is to support and help policymakers in designing strategies that reflect the sector’s evolving complexities, based on documented evidence.

Methodology

This research employs documentary studies and interviews with experts and well-informed professionals. Data were analyzed using a descriptive and analytical approach. Themes were extracted from historical events and organized into analytical tables in chronological order. Expert feedback helped to identify key historical turning points, leading to the division of the timeline into distinct periods. For each period, a summary of the relevant themes was provided. Using these tables, the regulatory issues in the VOD sector were further categorized. Finally, to ensure the validity of the findings, the analytical tables were shared with experts, and additional input was incorporated based on their advice.

Results

Based on the findings, the evolution of VOD regulation in Iran can be divided into five periods, each marked by historical milestones:

1. Period of Ambiguity and Instability (2011–2019)
2. Period of Stabilizing Iran's Audiovisual Media Regulation Authority (SARTA) (2019–2021)
3. Period of SARTA's Decline (2021)
4. Period of Management and Approach Changes at SARTA (2022)
5. Period of Early Convergence (2023 and Beyond)

Period Title	Date	Measures Taken
Ambiguity and Instability	2011	The Ministry of Culture and Islamic Guidance appointed the Institute of Visual Media to regulate and propose legal frameworks for VOD
	2014	IRIB was tasked with overseeing comprehensive audio-visual content (including VOD) per an order from the Supreme Leader
	2015	A directive from the Supreme Leader to the then-President underscored IRIB's exclusive mandate to regulate comprehensive audio-visual media in the digital space
	2016	SATRA, under IRIB, was launched
Stabilizing SARTA	2019	Efforts focused on stabilizing the licensing process for audio-visual media platforms under SATRA, with intervention from the prosecutor's office marking the end of fragmented regulation in the VOD sector
	2020	Additional steps were taken to stabilize licensing for digital content by including a dedicated budget line for SATRA in the 2020 Budget Law and transferring production permits to IRIB.
SARTA's Decline	2021	Responsibilities within IRIB became divided after the establishment of a Secretariat for the Production Permit Council within its Planning, Programming, and Budget Center (the "Almas" system). This coincided with efforts by the Ministry of Culture and Islamic Guidance under the 13th government to reclaim regulatory authority, as evidenced by the removal of SATRA's budget line in the 1401 Budget Law
Management and Approach Changes at SARTA	2022	A change in SATRA's management brought about shifts in regulatory approaches and altered the organization's interactions
Early Convergence	May 2023	A memorandum of understanding was signed between IRIB and the Ministry of Culture and Islamic Guidance under the auspices of the Office of the Supreme Leader.
	July 2023	The Supreme Council of the Cultural Revolution passed a resolution aimed at better organizing comprehensive audio-visual content

Based on the analysis of these developments, the study identified several key regulatory challenges in Iran's VOD sector:

- **Lack of Political Consensus:** There is significant internal and inter-agency disagreement—especially regarding private sector activities—with various bodies alternately viewing them as opportunities or threats.
- **Outdated Legal Framework:** Unclear platform responsibilities—and, more broadly, an ambiguous legal framework governing their rights and obligations—along with vague regulatory competencies, the lack of clearly defined duties for some regulators, the way offenses and penalties are legally codified, insufficient guidelines for international interactions among platforms, weak rules on foreign investment, and inadequate child protection measures are all issues in urgent need of legal reform.
- **Impact of Political Change:** Frequent shifts in government and political priorities have significantly influenced policymaking and regulation, undermining public trust.
- **Fragmentation of Regulatory Bodies:** There is an excessive number of decision-making organizations compared to the real market players, leading to fragmented governance.
- **Unclear Institutional Relationships:** The roles and boundaries between regulatory bodies and other institutions (legislative, executive, and judicial) are undefined, resulting in overlapping authorities and interference.
- **Conflicts of Interest:** Competing interests at both intra- and inter-organizational levels have led to conflicts in regulatory practices.
- **Unresolved Theoretical Issues:** Persistent questions remain on issues such as whether broadcast regulations should be the same as broadband ones, where the boundary lies between comprehensive and non-comprehensive content, and what the optimal regulatory model should be.
- **Incomplete Regulatory Approaches:** Some regulators tend to adopt overly restrictive policies instead of more facilitative ones; in some cases, there is a narrow focus solely on content, neglecting industrial and economic aspects.

Conclusion

The study concludes that the main challenges in VOD regulation stem from a lack of policy consensus and the proliferation of governance bodies in the media sector. The key recommendation is to develop an integrated, overarching media policy that can achieve consensus among various agencies. Although the ideal long-term solution would involve establishing an independent, comprehensive media regulator that brings together all stakeholders, this is a gradual process requiring the gradual development of cognitive, legal, and discursive capacities in the country. As a more immediate measure, establishing a “regulator of regulators” or at least fostering effective, legally structured coordination and a clear division of responsibilities among existing regulators is recommended.

Keywords: Regulation; SATRA: Comprehensive Audio-Visual; IRIB; Digital Space; Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Keywords: Regulation; SATRA: Comprehensive Audio-Visual; IRIB; Digital Space; Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources

This research received no external funding.



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت‌شده در تاریخ ۵ آبان ۱۴۰۳
اصلاح‌شده در تاریخ ۹ آذر ۱۴۰۳
پذیرفته‌شده در تاریخ ۱۶ آذر ۱۴۰۳
منتشرشده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۶، صفحه ۴۱-۷۷



شابای چاپی: ۰۷۲۷-۱۷۳۵
شابای الکترونیکی: ۰۹۱۰X-۲۹۸۰

راهبردها و اقدامات نظام حکمرانی کشور در بخش ویدئوی در خواستی (شبکه نمایش خانگی) از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳

محمدصادق نصراللهی^۱، عبدالکریم خیامی^۲، امیراحمد ذوالفقاری^۳، علی زردوی^۴

۱. گروه فرهنگ و دولت، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.
۲. گروه ارتباطات و رسانه، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.
۳. گروه مالی، دانشکده اقتصاد، دانشکده دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.
۴. گروه فرهنگ و دولت، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

ایمیل نویسنده مسئول: gholipour@i@isu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

تحلیل پیشینه تاریخی حکمرانی در عرصه ویدئوی درخواستی، مقدمه لازم برای ترسیم وضعیت مطلوب آن است. با درک این ضرورت، این پژوهش تلاش می‌کند ضمن شناسایی نقاط عطف تاریخی در این عرصه و مرور و تدقیق تاریخچه ایرانی آن و تحلیل نقاط قوت و ضعف گذشته و شناسایی مسائل، نظام حکمرانی کشور در عرصه سکویهای ویدئوی درخواستی را یاری نماید تا بتواند در خصوص تعیین وضعیت مطلوب تنظیم‌گری این حوزه، مواجهه مناسب‌تری داشته باشد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده از روش‌های مطالعه اسنادی و مصاحبه با خبرگان و برای تحلیل داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی و فرایند استخراج مضامین از پدیده‌های تاریخی با رعایت توالی زمانی و در قالب جداول تحلیلی استفاده شده است. مطابق یافته‌های پژوهش، تحولات ویدئوی درخواستی در ایران در قالب پنج دوره زمانی (مبتنی بر نقاط عطف تاریخی) دسته‌بندی می‌شود: دوره ابهام و بی‌ثباتی (۱۳۹۰-۱۳۹۸)، دوره تلاش برای تثبیت ساترا (۱۳۹۸-۱۴۰۰)، دوره افول ساترا (۱۴۰۰)، دوره تغییر مدیریت و رویکردهای ساترا (۱۴۰۰-۱۴۰۱)، دوره نقطه‌های آغازین همگرایی (۱۴۰۱ به بعد). پس از تحلیل هر دوره و جمع‌بندی مسائل، توصیه‌های راهبردی برای تحقق همگرایی یا دست‌کم اجماع سیاستی در عرصه تنظیم‌گری ویدئوی درخواستی ارائه شده است.*

واژگان کلیدی: تنظیم‌گری، ساترا، صوت و تصویر فراگیر، صداوسیما، فضای مجازی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

نوع مقاله

پژوهشی/اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

نصراللهی، محمدصادق، و خیامی، عبدالکریم، ذوالفقاری، امیرمحمد و علی زردوی. (۱۴۰۳). راهبردها و اقدامات نظام حکمرانی کشور در بخش ویدئوی درخواستی (شبکه نمایش خانگی) از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۴)، ۴۱-۷۷.

doi:
10.22034/SSQ.2025.484902.42
08



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایت) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

*. مقاله مستخرج از رساله دکتری

مقدمه

رشد چشمگیر بازار سکویهای^۱ «ویدئوی درخواستی»^۲ («ویدئو مبتنی بر تقاضا» یا «ویدئو به درخواست» که به «تلویزیون اینترنتی» مشهور هستند) تا به امروز و همچنین پیش‌بینی‌های صورت گرفته در خصوص آینده آن به‌ویژه در مقایسه با سایر انواع محتوا، به‌خوبی بیانگر جایگاه و اهمیت ویدئوی درخواستی است. در بازار ویدئوی درخواستی، طبق آمار، روزبه‌روز بر تعداد مخاطبان، زمان صرف‌شده برای تماشای فیلم‌ها و درآمد سکوها افزوده می‌شود (Statista, 2020; Statista, 2023 a; و راستا، ۱۳۹۹؛ گزارش سالیانه فیلیمو، ۱۳۹۹). این روند، مختص ایران نیست و در بسیاری از کشورها نیز محتوای ویدئویی در کنار بازی‌های ویدئویی، بیشترین سهم از اقتصاد اطلاعات و سبد مصرف کاربران را دارد (Statista, 2023; Statista, 2020b). بنابراین هرگونه کژکارکرد در این عرصه، منافع عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حکومت‌ها، برای رفع یا کاهش نابسامانی‌های موجود در بازار ویدئوی درخواستی (در راستای حفاظت از منافع عمومی و نظارت بر بازار)، از تنظیم‌گری استفاده می‌کنند. موارد زیر، از جمله دلایل و ضرورت‌هایی است که حکومت‌ها به‌خاطر آن، به تنظیم‌گری در حوزه ویدئوی درخواستی اهتمام دارند:

- اقتصادی؛ مانند وضع مالیات برای سکویهای خارجی ویدئوی درخواستی در آلمان (European Audiovisual Observatory, 2016)؛

- فرهنگی - اجتماعی؛ مانند الزام کمیسیون اروپا به وجود حداقل ۳۰ درصد محتوای اروپایی در سکویهای ویدئوی درخواستی فعال در اروپا در راستای ترویج تنوع فرهنگی و حفاظت از فرهنگ اروپایی (European commission website, 8 March 2021)؛
- حقوقی؛ مانند موضوع کپی‌رایت در اروپا (European Audiovisual Observatory, 2007)؛

- امنیتی؛ مانند امنیت و حفاظت از داده در اروپا (European Parliament, 2015) و
تنظیم‌گری رسانه‌های نوین در عرصه بین‌الملل، فرازونشیب‌هایی داشته که سیاست‌پژوهان برای پیش‌بینی آینده و ارائه توصیه درخصوص وضعیت مطلوب، به مطالعه تاریخیچه تنظیم‌گری در این عرصه می‌پردازند.
در ایران و در دهه ۹۰ شمسی، گزارش‌های متعدد و متنوعی از نابسامانی در بازار «سامانه‌های ویدئوی درخواستی»، در خبرگزاری‌ها منتشر شده است. نابسامانی اصلی عبارت است از: اختلاف

1. Platforms
2. Video on Demand (VOD)

نظر بین دولت و سازمان صداوسیما در خصوص نهاد تنظیم‌گر این سامانه‌ها و در نتیجه، سردرگمی و دوباره کاری در بخش خصوصی برای رعایت مقررات^۱ و دریافت مجوز^۲. دسته دوم از نابسامانی‌ها، به ضعف در انجام کارکردهای تنظیم‌گری بر می‌گردد.^۳ برخی از نابسامانی‌های کارکردی عبارت‌اند از:

- نظارت ناکافی بر محتوا و تبلیغات و در نتیجه پخش محتوای مضر؛
- ایجاد انحصار در بازار توسط تعدادی از سکوه‌های پرمخاطب (ماهنامه پیوست، ۱۴ تیر ۱۳۹۹)؛

- افزایش چندباره و تصاعدی قیمت اشتراک برای مردم (دیجیاتو، ۷ فروردین ۱۴۰۰)؛
- نقض مالکیت مادی و معنوی در سکوها^۴ (خبرگزاری مهر، ۲۰ شهریور ۱۴۰۰).
مسئله ویدئو و نمایش خانگی، از زمان تصدّی علی لاریجانی بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۱ آغاز می‌شود. او از مخالفان ممنوعیت خرید و فروش و نگهداری دستگاه ویدئو بود و در دوران کوتاه وزارتت، این ممنوعیت را با تأسیس مؤسسه‌ای (مؤسسه رسانه‌های تصویری) برای توزیع فیلم‌های مجاز شکست (جام جم آنلاین، ۱۳۸۳). بنابراین در مورد ویدئو، به‌رغم ممنوعیت اولیه، شاهد سیاست «پذیرش همراه با کاهش آسیب‌ها»^۵ بودیم، بدین صورت که فقط فیلم‌های دارای مجوز منتشر می‌شدند. این سیاست باعث رشد صنعت ویدئو و افزایش تعداد کلوپ‌های ویدئو شد. در کلوپ‌ها، فیلم‌ها ابتدا در قالب VHS، سپس CD و در ادامه DVD منتشر می‌شدند. با برخط‌شدن محصولات فرهنگی، ویدئو نیز بر بستر اینترنت توزیع می‌شود. در واقع سکوهایی مانند فیلمو و نماوا را می‌توان به نوعی شکل امروزی کلوپ‌ها دانست.

با پیدایش و گسترش سامانه‌های ویدئوی درخواستی در کشور، به‌ویژه از ابتدای دهه ۹۰، دستگاه‌های حاکمیتی و دولتی مختلف (سازمان صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات) مدعی تنظیم‌گری در این حوزه بودند و اختلاف‌نظر بر سر نهاد متولی تنظیم‌گری ویدئوی درخواستی در ایران آغاز شد. در سال ۱۳۹۰ مؤسسه رسانه‌های

۱. هر کدام از این دو نهاد، استانداردهای متفاوتی داشتند.

۲. بخش خصوصی مجبور بود از هر دو نهاد مجوز بگیرد.

۳. البته نابسامانی در خصوص نهاد تنظیم‌گر، خود به ایجاد نابسامانی در کارکردهای تنظیم‌گری دامن می‌زند.

۴. حتی در مورد زیرنویس و دوبله.

۵. Mitigation: سیاست‌گذار ضمن انتخاب پدیده (فناوری) و علم به آسیب‌های آن، درصدد کاهش آثار مخرب و منفی پدیده با اقدامات پیشگیرانه و توانمندساز است (حاجی ملامیرزائی، ۱۳۹۸).

تصویری از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تنظیم‌گری و پیشنهاد احکام حقوقی در حوزه ویدئوی درخواستی مأمور شد، اما سازمان صداوسیما (با توجه به اینکه برخی مدیرانش هر نوع تلویزیون اینترنتی را از آن سازمان صداوسیما می‌دانستند) در سال ۱۳۹۱ از هجده سایت منتشرکننده محتوای صوتی و تصویری به دلیل نداشتن مجوز از این سازمان شکایت می‌کند (روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸). بعد از این شکایت، اخبار کشمکش میان این دو نهاد، همواره پای ثابت میزهای تحریریه روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها بوده است. تا آنکه با ورود دفتر رهبر معظم انقلاب، توافق اولیه‌ای میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما حاصل می‌شود و این توافق در شورای عالی انقلاب فرهنگی در قالب یک ماده واحد تصویب می‌شود. با توجه به ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی، در واقع در حوزه ویدئوی درخواستی، یک گام از تنظیم‌گری به سطح کلان‌تر برگشته و وارد سیاست‌گذاری شده‌ایم. لذا مسئله تنظیم‌گری این عرصه هنوز پرونده‌ای باز است. به نظر می‌رسد آنچه انجام گرفته صرفاً توافق و تفاهمی کلی و موقت (باتوجه به برخی ابهامات در گزاره‌های آن) است که عمدتاً ناظر به تفکیک اولیه وظایف با هدف عبور از مسائل آن مقطع زمانی بوده است. به عبارت دیگر هنوز در خصوص ساختار و وظایف تنظیم‌گران عرصه صوت و تصویر فراگیر (شامل ویدئوی درخواستی)، مصوبه رسمی و قانونی که به طور شفاف مورد اتکا و استناد قوه قضائیه یا نیروی انتظامی قرار گیرد نداریم. ضمن آنکه همچنان چالش‌های متعددی در این زمینه وجود دارد. بنابراین موضوع تنظیم‌گری ویدئوی درخواستی همچنان مسئله روی میز سیاست‌گذاران و نیازمند پژوهش‌های سیاستی است. از آنجاکه بررسی پیشینه تاریخی سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری در یک عرصه، مقدمه لازم برای ترسیم وضعیت مطلوب تنظیم‌گری در آن عرصه است، این پژوهش تلاش می‌کند با شناسایی نقاط عطف تاریخی در این عرصه و مرور و تدقیق تاریخچه ایرانی آن و تحلیل نقاط قوت و ضعف گذشته و شناسایی مسائل، نظام حکمرانی کشور در عرصه سکوه‌های ویدئوی درخواستی را یاری نماید تا بتواند در خصوص تعیین وضعیت مطلوب تنظیم‌گری این حوزه، مواجهه مناسب‌تری داشته باشد.

الف) ادبیات نظری پژوهش

۱. حکمرانی و تنظیم‌گری

«فرایند هدایت جامعه و اقتصاد از طریق اقدام جمعی و مطابق با اهداف مشترک» (Torfing et al., 2012) و «فرایندهای تعاملی که از طریق آنها جامعه و اقتصاد به سمت اهداف مذاکره‌ای جمعی^۱ هدایت می‌شوند» (Ansell & Torfing, 2016) از تعاریف حکمرانی هستند. مفهوم حکمرانی به صورت نوسانی، در طیفی از اداره سنتی (شکست بازار و مداخله مستقیم دولت‌ها) تا رویکرد بازارمحور (شکست دولت و عدم مداخله آن) در حرکت بوده است. بنابراین، حکمرانی انواع متنوعی دارد و در مکاتب مختلف، تعاریف گوناگونی دارد، اما دال مرکزی در آن، تبعیت از حکمران است. اصطلاح حکمرانی نوین بیانگر آن است که حکومت خود یکی از نهادهای فراگیر در امر حکومت‌مداری تلقی می‌شود. از عناصری مانند بازارها، سلسله‌مراتب‌ها، شبکه‌ها و فضای جریان‌ها میتوان به‌عنوان ابزارهای اصلی حکمرانی نام برد (همتی و قزلسفلی، ۱۴۰۱). حکمرانی نوین دارای کارکردهای مختلفی همچون سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و ارائه کالا و خدمت (تصدی‌گری) است (امامیان و دیگران، ۱۳۹۷).

تنظیم‌گری در معنای خاص خود که مدنظر این پژوهش است، ذیل سیاست‌گذاری و تقنین تعریف می‌شود و هدف آن، پیاده‌سازی و عملیاتی‌کردن سیاست‌ها و قوانین است. در رویکردهای اقتصادی، تنظیم‌گری، به تنظیم بازار (عمدتاً موضوع رقابت) محدود می‌شود اما در سایر رویکردها همچون رویکرد حقوقی و سیاسی، تنظیم‌گری به انواع مداخلات برای تأمین منافع عمومی اطلاق می‌شود. در این پژوهش، رویکردهای نوع دوم مدنظر هستند.

بنابراین تنظیم‌گری^۲ عبارت است از: «مکانیزم ایجاد کنترل عمومی بر نهادهای ارائه‌کننده خدمات (عموماً بخش غیردولتی) باهدف تأمین منافع عمومی و از طریق تدوین و اجرای مجموعه‌ای از استانداردها و ضوابط تخصصی» یا «مجموعه‌ای از مداخلات حاکمیتی توسط نهاد تنظیم‌گر (با استفاده از ابزار حقوقی، قانونی، اقتصادی و [حتی اجتماعی]) باهدف تحقق اهداف اقتصادی یا اجتماعی (حتی) توسط بخش غیردولتی و تضمین منفعت عمومی». درواقع تنظیم‌گری یکی از پنج شأن دولت در کنار شئون «سیاست‌گذاری»، «تسهیل‌گری»، «بازتوزیع منابع» و «ارائه خدمات» است. نگاه سنتی این است که تنظیم‌گری کاملاً سلبی عمل می‌کند؛

1. Collectively negotiated objectives

2. Regulation

در حالی که در نگاه مدرن، تنظیم‌گری هم سلبی است و هم اهداف دولت را به قواعد قابل اجرا تبدیل می‌کند و تضمین منفعت عمومی را که اصلی‌ترین فلسفه وجودی دولت‌هاست محقق می‌سازد (امامیان، ۱۳۹۶). در واقع علاوه بر جنبه سلبی، از مشوق‌های اقتصادی و حتی ابزارهای اجتماعی هم استفاده می‌کند.

سایر زیرکارکردهای تنظیم‌گری علاوه بر وضع مقررات عبارت‌اند از: آگاه‌سازی بازار، رصد، اعمال مقررات، داوری و حل منازعات، مجازات (و تشویق)، ارزیابی و طراحی سازوکار (امامیان و دیگران، ۱۳۹۷). طراحی سازوکار در تنظیم‌گری کارایی محور^۱ مطرح می‌شود و در واقع از طریق طراحی و ایجاد سازوکارهای تشویقی - تنبیهی سعی در افزایش کارایی تنظیم‌گری دارد. ویژگی مثبت این نوع از تنظیم‌گری تقویت نوآوری و کاهش هزینه‌های اعمال تنظیم‌گری است و ویژگی منفی آن عدم توافق در اهداف تنظیم‌گری و قواعد تأمین‌کننده این اهداف و عدم امکان اجرای این الگو در فضاهای دارای بازیگران ناهمگن است (همتی فقیه، ۱۳۹۹).

مدل‌های تنظیم‌گری، مبتنی بر ساختار تنظیم‌گر و همچنین وابستگی سازمانی آن، چهار نوع هستند. علاوه بر تنظیم‌گری حاکمیتی / دولتی^۲، خودتنظیم‌گری^۳ و تنظیم‌گری خصوصی^۴ و تنظیم‌گری مشارکتی^۵ نیز وجود دارند (Doelker, 2010). در تنظیم‌گری حاکمیتی کارویژه‌های تنظیم‌گری توسط دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود؛ در حالی که در تنظیم‌گری مشارکتی ترکیبی از فعالان حاکمیتی و فعالان بخش را در جریان تنظیم‌گری درگیر می‌کند. نوع سوم نیز خودتنظیم‌گری است که اعمال تنظیم‌گری را به فعالان عرصه مربوطه می‌سپارد. دست آخر تنظیم‌گری خصوصی نیز به معنای سپردن کارویژه تنظیم‌گری به نهادهای خصوصی همچون سازمان‌های مردم‌نهاد و مجموعه‌های داوطلبانه است (همتی فقیه، ۱۳۹۹).

1. Performance-based
2. State-regulation/ governmental regulation
3. Self-regulation
4. Private regulation
5. Co-regulation

۲. ویدئوی درخواستی (VOD)

مفهوم «خدمات رسانه‌ای صوتی- تصویری»^۱ در «دستورالعمل خدمات رسانه‌ای صوتی تصویری اتحادیه اروپا»^۲ شامل خدمات پخش (خدمات برودکست صوتی- تصویری) و خدمات محتوای درخواستی^۳ (خدمات رسانه‌ای صوتی- تصویری درخواستی) می‌شود. همچنین در ذیل «خدمات رسانه‌ای صوتی- تصویری درخواستی»، خدمت «ویدئوی درخواستی» قرار گرفته است. تعریف «خدمات رسانه‌ای صوتی- تصویری درخواستی» در «دستورالعمل خدمات رسانه‌ای صوتی- تصویری اتحادیه اروپا» عبارت است از: «خدمتی که توسط ارائه‌دهنده خدمات رسانه‌ای برای مشاهده برنامه‌ها در لحظه انتخاب‌شده توسط کاربر و بنابه درخواست فردی او، بر اساس فهرستی (کاتالوگی) از برنامه‌های انتخاب‌شده توسط ارائه‌دهنده خدمات رسانه‌ای، ارائه می‌شود» (European Audiovisual Observatory, 2016). این تعریف، هفت معیار را مطرح می‌کند که باید همگی وجود داشته باشند: «خدمت باشد؛ ارائه‌دهنده خدمت، مسئولیت ویرایشی داشته باشد؛ هدف اصلی آن ارائه برنامه باشد؛ برنامه‌های ارائه‌شده «شبه تلویزیون»^۴ باشند؛ هدف از برنامه‌ها اطلاع‌رسانی، سرگرمی یا آموزش باشد؛ مخاطب برنامه‌ها عموم مردم^۵ باشند؛ برنامه‌ها از طریق شبکه‌های ارتباطات الکترونیکی ارائه شوند» (European Audiovisual Observatory, 2016).

با هفت معیار تجمیعی که دستورالعمل مذکور برای «خدمات رسانه‌ای صوتی- تصویری درخواستی» ذکر می‌کند، دامنه این خدمت را مضیق می‌کند. در جدول زیر، انواع خدمت درخواستی و مواردی که به سبب این هفت معیار از دامنه خدمات درخواستی خارج می‌شوند نمایش داده شده‌اند:

۱. خدمات رسانه‌ای صوتی تصویری شامل دو مورد زیر است:

۱- خدمات رسانه‌ای که تحت مسئولیت ویرایشی/تخریبی یک ارائه‌دهنده خدمات رسانه‌ای است و هدف اصلی آن تهیه برنامه‌هایی برای اطلاع‌رسانی، سرگرمی یا آموزش به عموم مردم توسط شبکه‌های ارتباطات الکترونیکی است و یا یک «خدمت پخش/برودکست صوتی- تصویری» یا یک «خدمت رسانه صوتی- تصویری درخواستی» است،

۲- ارتباطات تجاری صوتی- تصویری؛ یعنی پیام صوتی یا تصویر صوتی/ غیر صوتی که برای تبلیغ (مستقیم یا غیرمستقیم) کالاها، خدمات یا تصویر یک موجودیت حقوقی یا حقیقی که یک فعالیت اقتصادی را دنبال می‌کند، طراحی شده است. چنین آگهی‌های عمومی، در ازای پرداخت یا ملاحظه مشابه یا اهداف خودتبلیغاتی، در برنامه‌های گنجانده می‌شوند یا همراه می‌شوند. قالب‌های ارتباطات تجاری صوتی- تصویری و صوتی عبارتند از: تبلیغ در خدمات صوتی تصویری، اسپانسرینگ، فروش مستقیم، پنجره‌های فروش از راه دور، درج محصول در برنامه‌ها.

2. AVMSD: The EU's Audiovisual Media Services Directive

3. On Demand

4. TV-like

5. The general public

جدول ۱. انواع خدمات رسانه‌ای درخواستی

عنوان خدمات	نوع خدمات
Catch-up TV ^۱	خدمات رسانه‌ای صوتی - تصویری درخواستی براساس دستورالعمل اروپا
Premium TV ^۲ ویدئوی درخواستی (VOD)	
خدمات پُرندشده روی پلتفرم‌های اشتراک‌گذاری ^۳ سکوه‌های اشتراک‌گذاری ویدئو (VSP) مانند یوتیوب	سایر خدمات رسانه‌ای صوتی - تصویری درخواستی خارج از تعریف دستورالعمل اروپا
شبکه‌های اجتماعی که به کاربر اجازه بارگذاری ویدئو می‌دهند؛ مانند فیس‌بوک	
صفحات ویدئویی پایگاه‌های اینترنتی روزنامه‌ها پایگاه‌های اینترنتی تبلیغاتی با محتوای ویدئویی ^۴	

منبع: European Audiovisual Observatory, 2014

همان‌طور که مشاهده می‌شود «ویدئوی درخواستی» در اروپا، دارای تعریفی خاص و مضیق است: «خدماتی که دسترسی تقاضامحور به فهرستی از فیلم‌ها و برنامه‌های صوتی تصویری (مانند پویانمایی، سریال، مستند، موسیقی و...) را مستقل از پخش (برودکست) تلویزیونی آن‌ها فراهم می‌کنند» (European Commission, European Audiovisual Observatory, 2014). بنابراین در معنای خاص، «ویدئوی درخواستی» سامانه‌های برخط پخش محتوای ویدئویی حرفه‌ای (ناشرمحور) هستند (مانند فیلیمو، نماوا، نت‌فلیکس و...). در این پژوهش، از آنجا که تعریف خاص مدنظر است، وقتی از «ویدئوی درخواستی» یاد می‌شود، شامل پلتفرم‌هایی که صرفاً حاوی محتوای ویدئویی تولیدشده توسط کاربران هستند، نمی‌شود. گفتمانی است که در ادبیات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، برای VODها، عنوان «سامانه‌های نمایشی برخط ناشرمحور/حرفه‌ای» و برای VSPها، عنوان «سامانه‌های نمایشی برخط کاربرمحور» اطلاق می‌شود.

۱. خدمتی که توسط یک پخش‌کننده (برودکستر) ارائه می‌شود. در این خدمت، برنامه‌هایی که اخیراً پخش شده‌اند، در دسترس کاربران قرار می‌گیرند به همین دلیل از نوع درخواستی محسوب می‌شوند. این خدمت می‌تواند در پلتفرم‌های مختلفی دریافت شود (Internet, IPTV, cable, telephone, applications for smartphone, tablet or Smart TV).

۲ به کاربر این امکان را می‌دهد که برنامه‌های تلویزیونی (عموماً قسمت‌های سریال) را پیش از برودکست و پخش عمومی، تماشا کند. مدل درآمدی آن‌ها یا تهیه اشتراک است یا پرداخت به‌ازای هر برنامه.

3. Branded Services on Sharing Platforms

4. Promotional Websites with Video Content

بنابراین سامانه‌های ویدئوی درخواستی، خدماتی هستند که دسترسی تقاضامحور به فهرستی از فیلم‌ها و برنامه‌های صوتی تصویری (مانند پویانمایی، سریال، مستند، موسیقی و...) را مستقل از برودکست تلویزیونی آن‌ها فراهم می‌کنند (European Commission, 2014). آن‌ها در واقع سامانه‌های برخط پخش محتوای ویدئویی حرفه‌ای (ناشرمحور) هستند (مانند فیلیمو، نماوا، نت‌فلیکس و...) و با سامانه‌های ویدئویی کاربرپدید/سامانه‌های اشتراک‌گذاری ویدئو^۱ (اگر صرفاً کاربرمحور^۲ باشند)، سرویس‌های پخش زنده^۳ و تلویزیون بر مبنای معاهده اینترنت^۴ (از منظر فناوری، احکام حقوقی و سیاستی) تفاوت دارند (صمدی، ۱۳۹۲ و دستورالعمل ارتباطات تجاری ساترا).

ب) روش پژوهش

برای جمع‌آوری داده در این پژوهش از روش‌های مطالعه اسنادی و مصاحبه با خبرگان و افراد مطلع استفاده شده است. در روش مطالعه اسنادی، پژوهشگر نتایج مطالعات خود را در ابزار مناسب شامل فیش، جدول و فرم، ثبت و نگهداری و در پایان به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آن‌ها اقدام می‌کند. منابع جمع‌آوری اطلاعات پژوهشگر در روش اسنادی، همه اسناد چاپی و غیرچاپی مانند کتاب، دایرةالمعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، مجلات، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، لغت‌نامه‌ها، سالنامه‌ها، مصاحبه‌های چاپ شده، پژوهش‌نامه‌ها، کتاب‌های همایش‌های علمی، متون چاپی نمایه شده در بانک‌های اطلاعاتی و اینترنت و اینترانت و هر منبعی که قابل شناسایی باشد؛ است (وبسایت ایران پژوهان). روش اسنادی، روشی کیفی است که در آن فرد می‌کوشد تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی، به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام کند (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴). همان‌طور که ذکر شد، در این پژوهش برای شناسایی پدیده‌های تاریخی (جمع‌آوری داده‌ها)، ضمن جستجو در اسناد (عمدتاً فضای وب)، از نظرات افراد مطلع استفاده شده است.

1. VSP: Video Sharing Platforms

2. UGC: User Generated Content

3 Live streaming

4 IPTV

برای تحلیل داده نیز از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. روش توصیفی - تحلیلی، به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌دار و ارائه تحلیل (ساخت مضامین و ارائه دسته‌بندی) است که بیشتر بر روی متن‌های مکتوب، شفاهی و تصویری در خصوص موضوع خاصی اجرا می‌شود؛ مانند کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مقاله‌ها و... در این پژوهش برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از فرایند استخراج مضامین از پدیده‌های تاریخی با رعایت توالی زمانی و در قالب جداول تحلیلی استفاده شده است. در ادامه با استفاده از نظر خبرگان، نقاط عطف تاریخی شناسایی و بازه‌های زمانی ایجاد شدند. در نهایت، جمع‌بندی از مضامین مربوط به هر بازه زمانی، پس از جداول آن بازه، ارائه شده است. سپس مبتنی بر جداول تحولات تاریخی، مسائل تنظیم‌گری ویدئوی درخواستی دسته‌بندی شده‌اند. در انتها نیز به جهت بررسی اعتبار یافته‌ها، جداول پژوهش به خبرگان عرضه شده است و برخی از موارد نیز با پیشنهاد این افراد به جداول اضافه شده است.

ج) یافته‌های پژوهش

تحولات ویدئوی درخواستی در ایران در قالب پنج دوره زیر (مبتنی بر نقاط عطف تاریخی)، شناسایی و تحلیل شده است:

۱. دوره اول: ابهام و بی ثباتی (۱۳۹۰-۱۳۹۸)

جدول ۲. استخراج مضامین دوره اول (۱۳۹۰-۱۳۹۸) از منابع خبری

منبع	مضمون	تاریخ
ماهنامه پیوست، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷، روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	مأمورشدن مؤسسه رسانه‌های تصویری از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تنظیم و پیشنهاد احکام حقوقی در حوزه ویدئوی درخواستی	۱۳۹۰
روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	راه‌اندازی تلویزیون، شکایت صداوسیما از هجده سایت	۱۳۹۱
خبرگزاری دانشجو، ۱۹ آبان ۱۳۹۸	مأموریت تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر در پیوست حکم رئیس وقت صداوسیما	آبان ۱۳۹۳
روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	تصویب مقررات حاکم بر دریافت پروانه ارائه خدمات توزیع محتوای صدا و ویدئو مبتنی بر اینترنت توسط کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات	آبان ۱۳۹۳
زومیت، ۷ بهمن ۱۳۹۳	رونمایی از فیلمی توسط شرکت صبا ایده	بهمن ۱۳۹۳
ماهنامه پیوست، ۱۶ شهریور ۱۳۹۴	انتشار فراخوان سازمان صداوسیما برای انتخاب شرکت‌های مجری ارائه خدمات صوتی و تصویری فراگیر مبتنی بر آی‌پی	اسفند ۱۳۹۳
ماهنامه پیوست، ۱۶ شهریور ۱۳۹۴	ارسال قرارداد از طرف صداوسیما برای پنج مجموعه برنده مزایده (می‌توانند به‌صورت انحصاری از محتوای تولیدی صداوسیما استفاده کنند).	نیمه اول ۱۳۹۴
روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	ابلاغیه رهبر معظم انقلاب خطاب به رئیس‌جمهوری در خصوص وظیفه انحصاری سازمان صداوسیما در تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی	۲۲ شهریور ۱۳۹۴
ویجیاتو، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹	تشکیل سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) ذیل سازمان صداوسیما	شهریور ۱۳۹۴
روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	آغاز اجرای طرح «تلویزیون اینترنتی» و اعطای مجوز به پنج اپراتور توسط سازمان صداوسیما و بیان استغناء شرکت‌ها از مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و مخالفت وزیر ارتباطات با این موضوع	مهر ۱۳۹۴
ماهنامه پیوست، آذر ۱۳۹۴	خبر راه‌اندازی مووی‌لند نقطه آی آر، نسخه اولیه نماوا	۱۲ آبان ۱۳۹۴
ماهنامه پیوست، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷	اعطای مجوز VOD از سوی مؤسسه رسانه‌های تصویری (زیر نظر سازمان سینمایی) به خدمات‌دهندگان ایرانی ویدئوی درخواستی	اسفند ۱۳۹۴
خبرگزاری صداوسیما، ۱ تیر ۱۳۹۵	امضای تفاهم‌نامه سامانه نمایش درخواستی (سند) برای بارگذاری محتوا در یک پنجره، بین مؤسسه رسانه تصویری، نمایندگان شورای عالی تهیه‌کنندگان و شرکت‌های تجاری جمع‌کننده محتوای ویدئویی	۱ تیر ۱۳۹۵

منبع	مضمون	تاریخ
وبسایت خبری عصر ایران، ۲۵ مهر ۱۳۹۵ و ۲۹ مهر ۱۳۹۵، دیجیاتو، ۲۶ مهر ۱۳۹۵، ماهنامه پیوست، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷	شکایت صداوسیما از فیلمو، حذف اپلیکیشن‌های آپارات و فیلمو از کافه‌بازار با دستور بازپرس دادسرای فرهنگ و رسانه پس از ۲۴ ساعت	۲۵ و ۲۶ مهر ۱۳۹۵
زمینت، ۲۸ مهر ۱۳۹۵	درخواست وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از سازمان صداوسیما برای سعه‌صدر در برخورد با سکوها	۲۸ مهر ۱۳۹۵
وبسایت خبری عصر ایران، ۲۹ مهر ۱۳۹۵، ماهنامه پیوست، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷	ادعای قانونی‌بودن فعالیت فیلمو در واکنش مالک این سکو به شکایت سازمان صداوسیما	۲۹ مهر ۱۳۹۵
ماهنامه پیوست، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷	راه‌اندازی ساترا، انتصاب اولین رئیس ساترا و استقرار این سازمان در ساختمان انتشارات سروش	دی ۱۳۹۵
زمینت، ۶ بهمن ۱۳۹۵، روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	اتخاذ مجوز رسمی تلویزیون تعاملی (شامل خدمت ویدئوی درخواستی) پنج شرکت از سازمان صداوسیما	۶ بهمن ۱۳۹۵
سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران ^۱	اصلاح ماده (۲۴) آیین‌نامه ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال و خارج کردن صوت و تصویر فراگیر از شمول این آیین‌نامه	اسفند ۱۳۹۵
ماهنامه پیوست، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷	تشکیل انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین (IPTV و VOD)	۲۸ مرداد ۱۳۹۶
ماهنامه پیوست، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷، روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	طرح مجلس برای انحصار تنظیم‌گری سازمان صداوسیما بر صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی	۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷
ماهنامه پیوست، ۷ آبان ۱۳۹۷	ورود کافه‌بازار به حوزه ویدئوی درخواستی	۷ آبان ۱۳۹۷

دوره اول، از سال ۱۳۹۰ که ویدئوی درخواستی بر بستر شبکه عمومی اینترنت ارائه شد، آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۹۸ ادامه دارد. در این دوره شاهد تحولات مختلفی هستیم اما علت اینکه این بازه زمانی طولانی، به‌عنوان یک دوره در نظر گرفته شده، ابهام و بی‌ثباتی موجود بوده است، یعنی نهادهای مختلف حاکمیت (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان صداوسیما) بر سر تنظیم‌گری سامانه‌های ویدئوی درخواستی با یکدیگر اختلاف نظر دارند و هر کدام در راستای دیدگاه نهادی خود، اقدامات تنظیم‌گرانه انجام داده است که نتیجه آن، بی‌ثباتی برای بازار و صاحبان کسب و کارها نیز بوده است.

1. <http://qavanin.ir/Law/TreeText/256933>

بعضاً در کشور به جای تمرکز در تنظیم‌گری و تکثیر در عرصه عمل، شاهد تکثیر در تنظیم‌گری و انحصار بازیگر عملیاتی (و عدم شکل‌گیری رقابت در بازار) هستیم. این تکثیر در تنظیم‌گری باعث می‌شود که شاهد ناهماهنگی و نبود اجماع بازیگران مختلف تنظیم‌گر باشیم.^۱ تکثیر تنظیم‌گران در حوزه ویدئوی درخواستی، نخست، نبود انسجام سیاستی را در پی داشته است. نقش و مأموریت ساترا مشابه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و موازی‌کاری انجام می‌شد یا در مواردی باعث می‌شد که دو تنظیم‌گر، به امید ورود دیگری، به صورت جدی در یک موضوع نیازمند تنظیم‌گری، ورود نکنند. دوم، برای کسب‌وکارها دوباره‌کاری ایجاد می‌کرد و آن‌ها مجبور می‌شدند از دو نهاد مجوز بگیرند یا اینکه برای برخی از محتواها، مجوز پیشینی بگیرند در حالی که نظارت پسینی کفایت می‌کرده است. در این زمینه، معاون حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد بود: یک نهاد مجوز مؤسسه می‌دهد و نهاد دیگر مجوز محتوای تولیدی همان مؤسسه را می‌دهد و مواجهه با دو نهاد و شرایط خاص هر کدام باعث نارضایتی کسب‌وکارها می‌شود. این در حالی است که حذف مجوزهای غیر ضرور و بهبود محیط کسب‌وکار از سیاست‌ها و اولویت‌های کشور است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ شهریور ۱۳۹۹). همه این اختلافات در حالی رخ می‌داد که اختلاف تنظیم‌گران این حوزه می‌تواند باعث کندشدن و تضعیف کسب‌وکارهای داخلی و جلوزدن رقبای خارجی از آنان شود. این اختلاف می‌تواند باعث سردرگمی و اتلاف هزینه و انرژی کسب‌وکارها شده و بدین ترتیب بازار کشور به دست رقبای خارجی بیفتد که به تبع آن علاوه بر چالش‌های اقتصادی، چالش‌های فرهنگی و حتی امنیتی (مربوط به حفاظت از اطلاعات) می‌تواند به وجود آید.

به نظر می‌رسید که با ابلاغیه رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۴ مبنی بر اینکه «مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی و نظارت بر آن منحصراً بر عهده صداوسیماست»، اختلاف‌نظرها میان دولت و سازمان صداوسیما پایان یابد اما پایان نیافت. اختلافات، ظاهر جدیدی به خود گرفت بدین ترتیب که هر کدام از نهادها، تفسیر خاص خود را از عبارت «صوت و تصویر فراگیر» مدنظر داشتند (یعنی این عبارت را بر مصادیق مطلوب خودشان حمل می‌کردند). از منظر دولت وقت، مصادیق «صوت و تصویر فراگیر» بسیار مضیق بود (شرایطی مدنظرشان بود از جمله اینکه محتوا، زنده باشد یا جدول زمانی پخش

۱. اقدامات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برای ترویج تلویزیون‌های اینترنتی، باور برخی بر ضعف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظارت بر شبکه نمایش خانگی در گذشته، باور برخی بر ضعف ساترا در نظارت بر شبکه نمایش خانگی در زمان حاضر و... مواردی هستند که اختلاف میان بازیگران تنظیم‌گر VOD را بیشتر کرده است.

داشته باشد) لذا حتی ویدئوی درخواستی را هم جزئی از «صوت و تصویر فراگیر» نمی‌دانست اما از منظر سازمان صداوسیما، دامنه «صوت و تصویر فراگیر» بسیار گسترده بوده و هست. هرچند که دولت در سال ۱۳۹۵ و پس از ابلاغیه رهبر معظم انقلاب، ماده جدیدی به آیین‌نامه «ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال» اضافه کرد^۱ و در این ماده، تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جدا کرد اما در انتهای این ماده، تعیین مصادیق صوت و تصویر فراگیر را برعهده شورای عالی فضای مجازی گذاشته است درحالی‌که دبیر شورا در این موضوع، هم‌نظر با دولت بود. از منظر دولت وقت، سامانه‌های ویدئوی درخواستی، از مصادیق صوت و تصویر فراگیر نیستند و باید از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز بگیرند.

۱. «ماده (۲۴) - صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی از شمول این آیین‌نامه مستثنی است. مصادیق صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی توسط شورای عالی فضای مجازی تعیین می‌شود.»

۲. دوره دوم: تلاش برای تثبیت ساترا (۱۳۹۸-۱۴۰۰)

جدول ۳. استخراج مضامین دوره دوم (۱۳۹۸-۱۴۰۰) از منابع خبری

منبع	مضمون	تاریخ
روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	ابلاغ به شرکت‌های ویدئوی درخواستی برای دریافت مجوز از ساترا توسط دادستانی (این مجوز، مربوط به فعالیت سکو است)	مهر ۱۳۹۸
ماهنامه پیوست، ۲۱ مهر ۱۳۹۸	فیلتر سایت‌های غیرمجاز دائلود فیلم برای حمایت از حقوق معنوی هنرمندان توسط معاونت فضای مجازی دادستانی	مهر ۱۳۹۸
ماهنامه پیوست، ۲۰ آبان ۱۳۹۸	تفاهم ساترا با دادستانی در مورد نظام‌مند کردن و نظارت بر فعالیت سایت‌های دائلود فیلم و محتوای صوت و تصویر رسانه‌های مجازی	آبان ۱۳۹۸
ماهنامه پیوست، ۷ دی ۱۳۹۸	توافق اولیه بازیگران اصلی ویدئوی درخواستی با ساترا	۷ دی ۱۳۹۸
پایگاه ملی اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور ^۱	بخشنامه رئیس قوه قضائیه وقت در خصوص انحصار مجوزدهی به صوت و تصویر فراگیر برای صداوسیما	۲۸ دی ۱۳۹۸
روزنامه همشهری، ۱۴ بهمن ۱۳۹۸	واکنش رئیس‌جمهور وقت به بخشنامه رئیس قوه قضائیه وقت و مسئول دانستن شورای عالی فضای مجازی در این امر	بهمن ۱۳۹۸
ماهنامه پیوست، ۲ فروردین ۱۳۹۹	رای دیوان عدالت اداری به نفع سازمان صداوسیما	بهمن ۱۳۹۸
ماهنامه پیوست، ۱۷ فروردین ۱۳۹۹، ۴ آذر ۱۳۹۹	کناره‌گیری فیلمو و نماوا از انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین و دامن‌زدن به انحصار در بازار با همکاری یکدیگر	فروردین ۱۳۹۹
ایسنا، ۸ خرداد ۱۳۹۹	طرح «هر ایرانی، یک تلویزیون اینترنتی» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	۸ خرداد ۱۳۹۹
ماهنامه پیوست، ۷ مهر ۱۳۹۹	طرح «اصلاح بند (۲۹) ماده (۲) قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» مجلس شورای اسلامی برای اعطای مسئولیت صدور مجوز و نظارت بر تولید و پخش برنامه‌هایی مانند مستند، مسابقه، پویانمایی، سریال... به صداوسیما	شهریور ۱۳۹۹
خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۸ شهریور ۱۳۹۹	مخالفت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با طرح مجلس	شهریور ۱۳۹۹
تبصره ۶، ۲-۲۵	تصریح به انحصار تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر برای ساترا در قانون بودجه ۱۴۰۰ مجلس شورای اسلامی	اسفند ۱۳۹۹
خبرگزاری دانشجو، ۲۲ تیر ۱۴۰۰	اعلام ساترا مبنی بر اینکه دیگر مجوزهای ارشاد (پروانه تولید) را در حوزه نمایش خانگی به رسمیت نخواهد شناخت.	تیر ۱۴۰۰

1. <https://dotic.ir/news/6442>

2. <http://qavanin.ir/Law/TreeText/291062>

پیش از توضیح این دوره، بیان این مقدمه ضروری است که در این حوزه، سه نوع مجوز وجود دارد:

- اولین مجوز، مجوز فعالیت رسانه‌های صوت و تصویر است. منظور از رسانه هم در دستورالعمل «صدور مجوز برای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» ساترا درج شده که عبارت است از: «رسانه صوت و تصویر فراگیر: مجموعه متشکل از سامانه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری «انتشار» صوت و تصویر و شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی دست‌اندرکار «انتشار» که تحت نام یا حسب مورد نشان مشخصی «صوت و تصویر فراگیر» در فضای مجازی «انتشار» دهد، که در این مقررات به اختصار «رسانه» نامیده می‌شود».
- دومین مجوز، مجوز/پروانه تولید یک اثر ویدئویی است. در واقع در این مرحله، سازنده اثر باید طرح یا فیلمنامه یا هر دو را به نهاد ذی‌ربط ارسال کرده و مجوز دریافت کند. در این مرحله در واقع نظارت پیشینی (پیش از تولید محصول) اتفاق می‌افتد.
- سومین مجوز، دریافت موافقت‌نامه «انتشار» محتوا در رسانه‌ها/سامانه‌های نمایش ویدئویی (مجوز انتشار) است. در این زمینه دستورالعمل «نحوه صدور موافقت‌نامه کلی انتشار محتوا در رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر» مورخ ۲۱ دی ۱۳۹۹ ساترا وجود دارد. در این دوره، در سال ۱۳۹۸ با ورود دادستانی، ارائه مجوز فعالیت، به سامانه‌ها (رسانه‌ها/سکوها) برای ساترا تثبیت شد. به تبع آن، ارائه مجوز سوم که مربوط به انتشار محتوا در این سامانه‌هاست نیز برعهده ساترا خواهد بود. در این دوره، علاوه بر حمایت‌های قوه قضائیه از صداوسیما، مانند دوره قبل شاهد حمایت برخی از نمایندگان مجلس هم هستیم؛ طرح «اصلاح بند (۲۹) ماده (۲) قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» مجلس شورای اسلامی برای اعطای مسئولیت صدور مجوز و نظارت بر تولید و پخش برنامه‌هایی مانند مستند، مسابقه، پویانمایی، سریال و... به صداوسیما، در همین راستاست. در این دوره نیز کماکان در بخش بازار، شاهد بی‌ثباتی هستیم. به‌عنوان مثال می‌توان به خروج فیلمو و نماوا از «انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئوی آنلاین» (نهاد صنفی دارای مجوز فعالیت از وزارت کار و تعاون) به دلایل انتشار آمارهای غیرواقعی و کاهش کارایی این انجمن، اشاره کرد. در حالی که انجمن بر این باور بود که «این موضوع بهانه است و «رأیه آمار از کنسرت‌های آنلاین به نظر می‌آید این دو سرویس را ناراحت کرد که چرا شرکت‌های دیگر هم در این حوزه خوب کار می‌کنند» و این دو بازیگر یک دوقطبی و یک انحصار را در بازار ایجاد کرده‌اند» (ماهانامه پیوست، ۱۴ تیر ۱۳۹۹).

یکی دیگر از اتفاقات مهم این دوره، ماجرای واکنش رئیس‌جمهور وقت به بخشنامه رئیس قوه قضائیه وقت در بهمن ۱۳۹۸ بود که در سطح وسیع در رسانه‌ها بازتابی شد. در اسفند ۱۳۹۹، اعطای پروانه تولید (آخرین مجوزی که برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه ویدئوی درخواستی باقی مانده بود) نیز به واسطه قانون بودجه سال ۱۴۰۰ (تبصره ۶، قسمت ۵-۲) به ساترا واگذار شد. آنچه که برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باقی ماند، مجوز فیلم‌های سینمایی بود که در سالن‌های سینما اکران می‌شود یا محصولاتی که از طریق شرکت‌های توزیع در قالب دی‌وی‌دی عرضه می‌شوند.

۳- دوره سوم: افول ساترا (۱۴۰۰)

جدول ۴. استخراج مضامین دوره سوم (۱۴۰۰) از منابع خبری

منبع	مضمون	تاریخ
وبسایت ساترا، ۱۲ مرداد ۱۴۰۰، خبرگزاری صداوسیما، ۱۲ مرداد ۱۴۰۰	تعیین اعضای حقیقی شورای پروانه تولید محتوای حرفه‌ای / تلویزیونی و اعضای حقیقی شورای پروانه انتشار محتوای نمایشی رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر	مرداد ۱۴۰۰
خبرگزاری صبا، ۲۹ شهریور ۱۴۰۰، خبرگزاری مهر، ۷ مهر ۱۴۰۰، خبرگزاری صداوسیما، ۲۴ شهریور ۱۴۰۰	رسانه‌ای شدن موضوع انتقال نظارت بر تولید سریال‌های نمایش خانگی از ساترا به بخش دیگری از سازمان صداوسیما (شکل‌گیری شورای پروانه تولید زیر نظر ریاست سازمان صداوسیما و شکل‌گیری یک اداره کل و دبیرخانه و سامانه الماس متناظر با این شورا در مرکز طرح و برنامه و بودجه سازمان صداوسیما)	شهریور ۱۴۰۰
ایسنا، ۲۹ شهریور ۱۴۰۰، ماهنامه پیوست، ۷ مهر ۱۴۰۰	تلاش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بازگرداندن تنظیم‌گری به این نهاد	شهریور ۱۴۰۰
روزنامه شرق، ۴ مهر ۱۴۰۰	بیانیه کانون کارگردانان خانه سینما در حمایت از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بازگرداندن تنظیم‌گری	۴ مهر ۱۴۰۰
ماهنامه پیوست، ۶ مهر ۱۴۰۰، ماهنامه پیوست، ۲۰ مهر ۱۴۰۰	تلاش برخی از نمایندگان کمیسیون فرهنگی مجلس برای بازگرداندن تنظیم‌گری به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دلیل نارضایتی نمایندگان از عملکرد ساترا	۶ مهر ۱۴۰۰
ماهنامه پیوست، ۲۰ مهر ۱۴۰۰	مخالفت لطف‌الله سیاهکلی، عضو کمیسیون صنایع مجلس با بازگرداندن تنظیم‌گری به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مهر ۱۴۰۰
ماهنامه پیوست، ۲۴ مهر ۱۴۰۰، خبرگزاری فارس، ۲۴ مهر ۱۴۰۰	نامه هیئت‌مدیره انجمن صنفی شرکت‌های ویدئویی به رئیس‌جمهور و ابراز نارضایتی از عملکرد سازمان صداوسیما	۲۴ مهر ۱۴۰۰
خبرگزاری مشرق، ۷ آذر ۱۴۰۰	رونمایی از تلویزیون پلاس، سکوی ویدئوی درخواستی وابسته به سازمان صداوسیما	آذر ۱۴۰۰

اهم اتفاقات این دوره عبارت‌اند از:

دوپارگی مقوله تنظیم‌گری در درون سازمان صداوسیما (ایجاد دبیرخانه شورای صدور پروانه تولید ذیل مرکز طرح و برنامه سازمان صداوسیما: سامانه الماس) که در اواخر دوره ریاست آقای علی‌عسگری ایجاد شده بود، در این بازه زمانی رسانه‌ای شد (بروز اختلاف این دو بخش در بیرون سازمان صداوسیما، در این دوره رخ داده است. این موضوع مدتی بعد از تغییر مدیریت ساترا، ترمیم و اصلاح شد)؛

تلاش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت جدید (دولت سیزدهم) برای پس‌گرفتن تنظیم‌گری سکوهای ویدئوی درخواستی.

رسانه‌ای شدن موضوع ایجاد شوراهای پروانه تولید و انتشار، ذیل ریاست سازمان صداوسیما (نه ذیل ساترا) و انتقال دبیرخانه شورای تولید به مرکز طرح و برنامه و بودجه سازمان، در این دوره اتفاق افتاده است. جایی که اختلافات قدیمی بخش‌های مختلف سازمان صداوسیما با ساترا، دوباره مطرح می‌شود (بخشی از بدنه سازمان معتقد بود که تنظیم‌گری محتوا در ساترا نباشد). در واقع، در اواخر دوره ریاست آقای علی‌عسگری، دبیرخانه شورای صدور پروانه تولید در مرکز طرح و برنامه و بودجه سازمان صداوسیما ایجاد شد و سامانه الماس توسط این دبیرخانه راه‌اندازی شد. قائم‌مقام رئیس ساترا در مصاحبه تیرماه ۱۴۰۰ گفته بود که تنظیم‌گری محتوا (تولید محتوا) و رسانه (سکو/انتشار محتوا) باید در دست یک نهاد باشد و آن نهاد هم ساترا است (خبرگزاری دانشجو، ۲۲ تیر ۱۴۰۰)، اما در عمل این اتفاق نیفتاده بود و اختلافات این دو بخش از سازمان صداوسیما، در بیرون سازمان، رسانه‌ای شد.

اتفاق مهم دیگر در دوره سوم این بود که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از همان روزهای ابتدایی اخذ رأی اعتماد وزیر جدید خود (۳ شهریور ۱۴۰۰)، به دنبال بازگرداندن تنظیم‌گری به این وزارتخانه بود. این موضوع با حمایت برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله در کمیسیون فرهنگی همراه شد. برجسته‌شدن دوباره اختلافات و شرایط جدید، موجب شد واگرایی و عدم تمکین سکوها از ساترا بیشتر شود. البته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد بود: «این موضوع باید بدون جنجال رسانه‌ای حل شود» و از برگزاری جلسات با سازمان صداوسیما و شورای عالی فضای مجازی و نهایی‌شدن تصمیم‌ها در این زمینه خبر داده بود (ماهنامه پیوست، ۲۰ مهر ۱۴۰۰).

۴- دوره چهارم: تغییر مدیریت و رویکردهای ساترا (۱۴۰۰-۱۴۰۱)

جدول ۵. استخراج مضامین دوره چهارم (۱۴۰۰-۱۴۰۱) از منابع خبری

تاریخ	مضمون	منبع
اسفند ۱۴۰۰	تغییر مدیریت ساترا	خبرگزاری مهر، ۲۹ بهمن ۱۴۰۰
تیر ۱۴۰۱	بازگشت دبیرخانه شورای پروانه تولید به ساترا	مصاحبه کارشناسی

اساساً تغییر مدیریت ساترا با هدف تقویت ساترا و اتخاذ رویکرد جدی‌تر در آن سازمان بوده است، اما این تغییر مدیران در سازمان صداوسیما که هم‌زمان با تغییر مدیران در دولت بود، منجر شد که در سال اول دوره جدید ساترا، تعامل دستگاه‌های اجرایی با ساترا کمتر شود. یکی دیگر از دلایل این موضوع (کم شدن تعامل در سال اول)، تعطیل شدن جلسات کمیسیون تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر ساترا بود که در دوره قبلی مدیریت ساترا با حضور نمایندگان دستگاه‌های مختلف برگزار می‌شد. به‌عنوان نمونه یکی از پیامدهای تعطیلی جلسات کمیسیون و کم شدن تعاملات این بود که ساترا نتوانست به‌رغم نامه‌نگاری با دادستانی، فیلیمو را به‌خاطر دریافت نکردن مجوز سریال سقوط، فیلتر کند. اما این روند ادامه نداشت و پس از یک سال، به تدریج مکاتبات و تعاملات رسمی ساترا با دستگاه‌های اجرایی زیاد شد تا حدی که از دوره گذشته مدیریت ساترا پیشی گرفت. به‌عنوان مثال امروزه شاهد حضور مستمر نماینده دادستانی و نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسات شوراهای صدور مجوز ساترا و مشارکت فعال نمایندگان ساترا در جلسات تدوین پیش‌نویس اسناد سیاستی هستیم. همچنین ارتباط پایدارتری میان ساترا با کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و شوراها و نهادهایی از این دست به وجود آمده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین تحولات این دوره مدیریت ساترا، حذف کارگزاران خدمات صوت و تصویر فراگیر بود. این کارگزاران (شرکت‌های خصوصی) که در سال ۱۳۹۹ از ساترا مجوز کارگزاری خدمات صوت و تصویر فراگیر می‌گرفتند، موظف بودند بر آثار نمایشی نظارت کنند و در قبال این نظارت، از صاحبان آثار، هزینه دریافت می‌کردند (ایسنا، ۱۳ دی ۱۳۹۹). این موضوع شائبه‌هایی ایجاد می‌کرد که موجب شد در دوره جدید، کارگزاری‌ها حذف شوند.

۵- دوره پنجم: نقطه‌های آغازین همگرایی (۱۴۰۱ به بعد)

جدول ۶. استخراج مضامین دوره پنجم (۱۴۰۱-۱۴۰۳) از منابع خبری

منبع	مضمون	تاریخ
تفاهم‌نامه «تفکیک وظایف در حیطه صوت و تصویر فراگیر»	توافق اولیه سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مرداد ۱۴۰۱
متن ماده‌واحد	تصویب ماده‌واحد «تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر» مصوب جلسه ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۰	خرداد ۱۴۰۲
وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴ اسفند ۱۴۰۲	تصویب ماده‌واحدی برای انتخاب اعضای کمیته تدوین سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوبه شماره ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ دش ۲۲۹۰۹/۱۴۰۲)	بهمن ۱۴۰۲
وبسایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۷ فروردین ۱۴۰۳	برگزاری نخستین جلسه کمیته تدوین سیاست‌ها و ضوابط صوت و تصویر فراگیر و نمایش خانگی	فروردین ۱۴۰۳
دکتر عبدالکریم خیامی، مجری طرح تدوین پیش‌نویس «سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی»	برگزاری دومین جلسه «کمیته تدوین سیاست‌ها و ضوابط صوت و تصویر فراگیر و نمایش خانگی» و تصویب سند پیش‌نویس	تیر ۱۴۰۳

در مردادماه سال ۱۴۰۱ و برای رفع اختلافات میان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما، جلسه‌ای با حضور اعضای ارشد دو نهاد در دفتر رهبر معظم انقلاب برگزار شد که خروجی آن، «تفاهم‌نامه تفکیک وظایف در حیطه صوت و تصویر فراگیر» بود. پس از آن تفاهم، هر دو نهاد مجدداً نامه نوشتند که نکاتی درخصوص این تفاهم‌نامه دارند و همه اختلافات کامل حل نشده است. مصاحبه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه نشان می‌دهد که فقط در خصوص پخش زنده و سریال، هر دو نهاد به اجماع رسیده و متفق‌القول بوده‌اند. طبق بیان مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این وزارتخانه کاملاً پذیرفته است که سریال و پخش زنده، از مصادیق صوت و تصویر فراگیر است و لذا مسئولیت تنظیم‌گری آن با ساترا است (زرودی، ۲۴ بهمن ۱۴۰۱).

بندهای تفاهم‌نامه مذکور، عیناً (به جز بند آخر که تغییراتی داشته است) در ماده‌واحد «تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر» مصوب جلسه ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۰ درج شده و از محرمانگی خارج شده است. در واقع نیاز بود تا تفاهم‌نامه، وجه رسمی پیدا کند و ضمانت اجرا داشته باشد لذا در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. به نظر می‌رسد تفکیک وظایف انجام‌شده در این ماده‌واحد ابهاماتی دارد که منجر به امتداد اختلافات میان سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد شد، اما نقطه قوت آن در بند آخر (بند ششم)^۱ است. مطابق بند ششم ماده‌واحد، متن پیش‌نویس «سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی» توسط دبیرخانه شورا تهیه و در چهارم تیر ۱۴۰۳ در کمیته «تدوین سیاست‌ها و ضوابط صوت و تصویر فراگیر و نمایش خانگی» دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور نمایندگان دستگاه‌های مرتبط تصویب شده است اما تا لحظه نگارش این مقاله هنوز در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب نشده است. آنچه که در این پیش‌نویس برجسته است، ایجاد تنظیم‌گر تنظیم‌گران با نام «شورای راهبری صوت و تصویر فراگیر» است. تفکیک وظایف موجود در متن ماده‌واحد شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌داد که تصمیم حاکمیت بر امتداد تنظیم‌گری هر حوزه در فضای دیجیتال توسط تنظیم‌گر سنتی آن حوزه است ولی تنظیم‌گران باید در همگرایی کامل با یکدیگر باشند که به نظر می‌رسد این موضوع (همگرایی) در متن پیش‌نویس سیاست‌ها و از طریق ایجاد شورای راهبری به‌عنوان تنظیم‌گر تنظیم‌گران، محقق می‌شود.

۱. «۶-سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی توسط دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و با همکاری سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ تدوین و پس از تأیید در کمیته‌ای متشکل از: رئیس سازمان صدا و سیما، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیر شورای عالی فضای مجازی، نمایندگان رؤسای قوا در کمیسیون هماهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی و قوا، سه نفر از اعضای حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دو نفر صاحب‌نظر در حوزه رسانه به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی و به ریاست دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ظرف مدت ۳ ماه برای تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه می‌شود» (ماده واحد تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر مصوب جلسه ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی).

نتیجه گیری

جدول زیر به طور خلاصه دوره‌های زمانی را جمع‌بندی می‌کند:

جدول ۷. نقاط عطف تحولات سیاستی و تنظیم‌گری ویدئوی درخواستی در ایران

عنوان دوره	تاریخ	تحول مربوطه
ایهام و بی‌ثباتی	۱۳۹۰	مأمور شدن مؤسسه رسانه‌های تصویری از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تنظیم و پیشنهاد احکام حقوقی در حوزه ویدئوی درخواستی
	۱۳۹۳	مأمور شدن سازمان صداوسیما به تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر (که شامل ویدئوی درخواستی است) در پیوست حکم رئیس صداوسیما و وقت
	شهریور ۱۳۹۴	ابلاغیه رهبر معظم انقلاب خطاب به رئیس‌جمهور وقت در خصوص وظیفه انحصاری سازمان صداوسیما در تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی
تلاش برای تثبیت ساترا	دی ۱۳۹۵	راه‌اندازی ساترا (سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی ذیل سازمان صداوسیما)
	۱۳۹۸	تثبیت «مجوزدهی به رسانه‌های / سکوه‌ای / سامانه‌های صوت و تصویر فراگیر» برای ساترا (و به تبع آن موافقت‌نامه انتشار / پروانه نمایش) با مداخله دادستانی: پایان تکثر نهادی برای تنظیم‌گری سکوه‌ای ویدئوی درخواستی
	اسفند ۱۳۹۹	تلاش برای تثبیت مجوزدهی به محتوای صوت و تصویر فراگیر برای ساترا با درج ردیف بودجه برای ساترا در قانون بودجه ۱۴۰۰ (واگذاری پروانه تولید به سازمان صداوسیما)
تغییر مدیریت ساترا	مرداد ۱۴۰۰	دوباره‌شدن وظایف تنظیم‌گری در درون سازمان صداوسیما (ایجاد دبیرخانه شورای صدور پروانه تولید ذیل مرکز طرح و برنامه و بودجه سازمان صداوسیما: سامانه الماس) هم‌زمان با تلاش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت جدید (دولت سیزدهم) برای پس‌گرفتن تنظیم‌گری (حذف ردیف بودجه ساترا در قانون بودجه ۱۴۰۱)
	اسفند ۱۴۰۰	تغییر مدیریت ساترا، تغییر رویکردها (مانند غیرپولی شدن نظارت) و تعاملات
نقطه‌های آغازین همگرای	مرداد ۱۴۰۱	تدوین تفاهم‌نامه بین سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با راهبری دفتر رهبر معظم انقلاب
	خرداد ۱۴۰۲	مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای ساماندهی صوت و تصویر فراگیر

مطابق تحلیل‌های صورت گرفته از وقایع، مسائل تنظیم‌گری ویدئوی درخواستی در ایران به شرح زیر است:

۱. نبود اجماع سیاستی (درون‌سازمانی و بین‌سازمانی)؛ به‌عنوان مثال در خصوص فعالیت بخش خصوصی، تنوع دیدگاه و گاه تعارض سیاستی وجود داشته و در این زمینه دستگاه‌های مختلف گاهی فرصت‌نگر بوده و گاهی تهدیدنگر بوده‌اند.

۲. فقدان نظام حقوقی جامع و قدیمی‌بودن قانون جرائم رایانه‌ای؛ قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ تصویب شده و پس از آن، اقدام مؤثری برای تقنین در عرصه رسانه‌ها انجام نشده است. روشن‌نبودن مسئولیت سکوها و به طور کلی نظام حقوق و تکالیف سکوها، وجود آربیتراژ^۱ و دقیق‌نبودن محدوده صلاحیت تنظیم‌گران، قانونی‌نبودن وظایف برخی از تنظیم‌گران، جرم‌انگاری قانونی و درج عناوین تخلفات و مجازات در قانون، ساماندهی تعاملات بین‌المللی سکوها، ضوابط سرمایه‌گذاری خارجی در سکوها و حفاظت از کودکان مواردی هستند که نیازمند تدابیر حقوقی می‌باشند.

۳. تأثیرات شدید تغییرات سیاسی دولت‌ها بر سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری و در نتیجه عدم اعتماد به تنظیم‌گری دولت‌ها.

۴. تعدد نامطلوب سیاست‌گذاران و نهادهای مختلف حکمرانی در عرصه رسانه؛ تعداد بازیگران اصلی تصمیم‌گیری بیشتر از بازیگران اصلی بازار هستند.

۵. مبهم‌بودن نسبت سایر نهادهای سیاستی، اجرایی، قضائی و... با تنظیم‌گر و همچنین مداخلات نهادهای مختلف در این عرصه.

۶. تعارض منافع (در سطوح مختلف بین‌سازمانی، درون‌سازمانی و...).

۷. مسائل و چالش‌های نظری حل‌نشده (آیا مقررات برودکست با برودبند یکسان است؟ مرز فراگیر و غیرفراگیر کجاست؟ الگوی مطلوب چیست؟ و...).

۸. رویکردهای ناقص تنظیم‌گری در میان تنظیم‌گران؛ مانند «غلبه نگاه سلبی تنظیم‌گری بر تسهیل‌گری» یا «غفلت از جنبه‌های صنعتی و اقتصادی در تنظیم‌گری و تمرکز صرف بر محتوا».

مطابق تحلیل صورت گرفته از تاریخچه تحولات این عرصه، نبود اجماع سیاستی (درون‌سازمانی و بین‌سازمانی) و تعدد نهادهای حکمرانی در عرصه رسانه‌های نوین، از مسائل

۱. خروج از یک نظام حقوقی به سوی نظام حقوقی دیگر که منفعت بیشتری حاصل می‌کند، در واقع سکو، ناظر به منفعت لحظه‌ای خود، با تنظیم‌گران بازی کرده و مدام بین مقررات دستگاه‌های مختلف جابه‌جا می‌شود.

اصلی است. بنابراین اولین راهبرد پیشنهادی، سیاست‌گذاری یکپارچه و کلان رسانه^۱ در کشور در راستای تحقق اجماع سیاستی میان دستگاه‌ها است. در حال حاضر سیاست‌های کلی نظام در عرصه رسانه تدوین و ابلاغ نشده است. این درحالی است که بسیاری از عرصه‌ها در کشور، از سیاست‌های کلی رسمی و مدون برخوردارند. اگر پیش‌ازین، نیاز به سیاست‌های کلی در عرصه رسانه نداشتیم، امروز به دلیل ظهور فناوری‌های نوین و همگرایی رسانه‌های جمعی و دیجیتال، به این سیاست‌های کلان که به‌نوعی نظریه سیاستی و هنجاری جمهوری اسلامی ایران در عرصه رسانه است، نیاز داریم.

مطابق جدول بالا، وضعیت موجود کشور در حوزه ویدئوی درخواستی بدین‌صورت است که یک گام از تنظیم‌گری به سطح کلان‌تر ارجاع شده و وارد سیاست‌گذاری شده‌ایم. از همین رو مسئله تنظیم‌گری این عرصه هنوز پرونده‌ای باز است. آنچه انجام گرفته، صرفاً تفکیک وظایف اولیه است (که آن هم ایرادات و ابهاماتی دارد) و درخصوص ساختار و وظایف تنظیم‌گر، مصوبه رسمی نداریم درحالی‌که چالش‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد. البته با توجه به پیش‌نویس^۲ آماده‌شده در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی که به دنبال ایجاد تنظیم‌گر تنظیم‌گران و هماهنگی تنظیم‌گران در عرصه رسانه‌هاست، این بازگشت به مرحله سیاست‌گذاری، یک پیشرفت در عرصه حکمرانی رسانه جمهوری اسلامی ایران است زیرا جایگاهی فرادست (تنظیم‌گر تنظیم‌گران) برای روزآمد کردن سیاست‌ها، رفع اختلاف‌ها، ایجاد هماهنگی‌ها و به‌روز کردن تفکیک وظایف و تعیین تکلیف فناوری‌های جدید ارتباطی ایجاد شده است که در نوع خود اقدامی جدید و روبه‌جلو و گامی مهم برای رسیدن به الگوی تنظیم‌گری همگرا است.

در واقع هرچند که وضعیت مطلوب، ایجاد تنظیم‌گری همگرای رسانه (در قالب یک سازمان تنظیم‌گر مستقل رسانه‌ای حاکمیتی با حضور ذی‌نفعان مختلف) است، اما تحقق این مهم، امری چندمرحله‌ای است که نیازمند ایجاد تدریجی ظرفیت‌های شناختی (شناخت شرایط نوین فناوری‌ها و ارتباطات انسانی و...)، قانونی (بازنگری در قوانین موجود متناسب با تحولات و تغییرات) و گفتمان‌سازی (نخبگان، خبرگان، سیاست‌گذاران و عموم مردم) در کشور است.

۱. ارائه توصیه و الگو در عصر همگرایی رسانه‌ها، با نگاه بخشی به آن‌ها، ناکارآمد خواهد بود. بسته سیاستی‌ای می‌تواند کارآمد باشد که فارغ از نگاه بخشی، منظومه رسانه‌ای کشور را در نظر داشته باشد. بنابراین در این قسمت، توصیه‌ها محدود به عرصه ویدئوی درخواستی نیست و با نگاه جامع به سپهر رسانه‌ای کشور مطرح می‌شود.

۲. پیش‌نویس «سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی».

بنابراین راه حل قابل تحقق، ایجاد تنظیم‌گر تنظیم‌گران^۱ یا همکاری و یا دست‌کم هماهنگی مؤثر و قانونی تنظیم‌گران و تدقیق تقسیم وظایف است تا بتوان از آربیتراژ جلوگیری کرد.

۱. باتوجه به ضرورت‌هایی همچون «نظارت بر عملکرد تنظیم‌گران برای جلوگیری از تسخیر و شکست تنظیم‌گری»، «دریافت شکایت صنف از تنظیم‌گران»، «حل اختلاف میان تنظیم‌گران (مستقر در دستگاه‌های مختلف) در مسائل نوپدید»، «نظارت بر چگونگی ایجاد و اداره تنظیم‌گران بخشی» و «هماهنگی تعاملات تنظیم‌گران بخشی با یکدیگر و با تنظیم‌گران کارکردی و سایر دستگاه‌ها»، لازم است تا «تنظیم‌گر تنظیم‌گران رسانه‌های دیجیتال» وجود داشته باشد. تنظیم‌گر تنظیم‌گران می‌تواند یک «سازمان مستقل آبرتنظیم‌گر»، «کمیسیون عالی تنظیم‌گری» یا مدل «اساسنامه‌های الگو» باشد که باتوجه به اقتضانات کشور، مدل کمیسیون عالی تنظیم‌گری، مدل موفق‌تری خواهد بود (ذوالفقاری، ۱۳۹۵). بنابراین باید برای نظام تنظیم‌گری، چند سطح در نظر گرفت و رابطه تنظیم‌گران بخشی با یکدیگر، با تنظیم‌گران کارکردی (مانند شورای رقابت و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک) و با سایر دستگاه‌ها (مانند دستگاه‌های قضائی و انتظامی) را سامان داد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازن اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

- اسماعیلیان، ملیحه و امیر ناظمی (۱۳۹۷)، «ارائه الگویی برای نهاد تنظیم گر رسانه های نوین صوتی- تصویری بر پایه روش تصمیم گیری پابرجا»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- اسماعیلیان، ملیحه، حسن خجسته و امیر ناظمی (۱۳۹۸)، تنظیم‌گری رسانه‌های صوتی تصویری نوین: مبنای، تجربه‌ها و راهبردها، تهران: دانشگاه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- اکبرزاده جهرمی، سید جمال‌الدین (۱۳۹۵)، «پیامدهای همگرایی اینترنت و تلویزیون بر سیاست‌گذاری رسانه‌ای در ایران»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۳۴، صص ۷-۴۵.
- امامیان، سیدمحمدصادق (۱۳۹۶). نشست «تنظیم‌گری و بازطراحی دولت»، سی‌وسومین نشست از سلسله‌نشست‌های «گفتگوهای راهبردی» در تاریخ ۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۵ در تالار تدبیر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، بازیابی‌شده در ۸ آبان ۱۳۹۸ از <http://css.ir/ehlkao>.
- امامیان، سیدمحمدصادق، امیرمحمد ذوالفقاری، احسان محمدزاده و مرتضی زمانیان (۱۳۹۷). «نظام ملی تنظیم‌گری، مفهوم تنظیم‌گری و ارتباط آن با نظام حکمرانی»، گزارش دفتر مطالعات اقتصاد بخش عمومی (گروه مدیریت و تشکیلات) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ایسنا (۸ خرداد ۱۳۹۹)، رونمایی از طرح «هر ایرانی، یک تلویزیون اینترنتی»، بازیابی‌شده از: isna.ir/xdFWBr.
- ایسنا (۱۳ دی ۱۳۹۹)، طرح جدید ساترا برای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، بازیابی‌شده در ۵ شهریور ۱۴۰۳ از isna.ir/xdHpyf.

آیین‌نامه ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال، مصوب ۲۴ مرداد ۱۳۸۹ هیئت وزیران:
<https://www.saramad.ir/fa/intro/laws/lawmarkaz/aainnameha/samandehi>

پایگاه اطلاع‌رسانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۹ شهریور ۱۳۹۹ الف)، رسانه ملی علیه بی‌قانونی،
بازیابی در ۲۸ شهریور ۱۳۹۹ از <http://www.pririb.ir/portal/newsview/39532/>

پایگاه اطلاع‌رسانی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۹ شهریور ۱۳۹۹ ب)، سه مبنای قانونی نظارت
صداوسیما بر صوت و تصویر فراگیر، بازیابی‌شده در ۲۸ شهریور ۱۳۹۹ از
<http://www.pririb.ir/portal/newsview/39541>

جام‌جم آنلاین (۱۳۸۳)، خاطرات ۱۰ ساله دکتر علی لاریجانی، بازیابی‌شده از
<https://jamejamonline.ir/000Cfg>

جاوید، مریم (۱۴۰۱)، VOD چیست و چه کاربردی دارد؟ ابر دراک.
<https://derak.cloud/blog/tech/what-is-vod>

حاجی ملامیرزائی، حامد (۱۳۹۸)، *الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی*، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی
دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

حسینی، سیدبشیر و مهدی شاطرانلو (۱۳۹۶)، «الگوی مطلوب نظام تنظیم‌گری محتوای صوت و تصویر در
بسترهای نوین انتشار فضای مجازی»، اولین کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی.

خبر فوری (۱۳۹۶)، نظرسنجی بزرگ خبرفوری درباره ضریب نفوذ صداوسیما، بازیابی‌شده در ۱۲ شهریور
۱۳۹۹ از <https://b2n.ir/535692>

خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۸ شهریور ۱۳۹۹)، مخالفت صریح وزارت فرهنگ با طرح مجلس برای
مدیریت شبکه نمایش خانگی، بازیابی در ۲۵ شهریور ۱۳۹۹ از www.irna.ir/news/84031227

خبرگزاری دانشجو (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷)، ۹۲ محتوای مجرمانه و دردرساز برای مدیران فضای مجازی،
بازیابی‌شده در ۸ آبان ۱۳۹۹ از snn.ir/002rqz

خبرگزاری دانشجو (۱۹ آبان ۱۳۹۸)، شیوه ارائه مجوزهای جدید به «وی‌اودی»‌ها چگونه است/ جزئیات
نظارت بر محتوای سایت‌های دانلود، بازیابی‌شده از <https://snn.ir/003N42>

خبرگزاری دانشجو (۲۲ تیر ۱۴۰۰)، ساترا چه سازوکاری برای مدیریت شبکه نمایش خانگی دارد؟،
بازیابی‌شده از: <https://snn.ir/003yq8>

خبرگزاری صبا (۲۹ شهریور ۱۴۰۰)، انتقال نظارت بر سریال‌های نمایش خانگی از ساترا به صداوسیما/
شورای جدید سختگیرترست؟، بازیابی‌شده از: <https://www.khabargozarisaba.com/?p=214516>

خبرگزاری صداوسیما (۱ تیر ۱۳۹۵)، امضای تفاهم‌نامه سامانه نمایش درخواستی (سند)، بازیابی‌شده در ۱۴
مرداد ۱۳۹۹ از <https://www.iribnews.ir/004xml>

خبرگزاری صداوسیما (۱۲ مرداد ۱۴۰۰)، تسهیل‌گری در کنار تنظیم‌گری؛ مأموریت رسانه ملی در صنعت
صوت و تصویر فراگیر، بازیابی‌شده از: <https://www.iribnews.ir/00DLto>

خبرگزاری صداوسیما (۲۴ شهریور ۱۴۰۰)، صدور مجوز دو طرح از شورای محتوایی تولیدات حرفه‌ای،
بازیابی‌شده از: <https://www.iribnews.ir/00DW3t>

- خبرگزاری فارس (۲۴ مهر ۱۴۰۰)، نامه هیئت مدیره انجمن صنفی شرکت های ویدئویی آنلاین به رئیسی، بازیابی شده از: <http://fna.ir/4b70q>
- خبرگزاری مشرق (۷ آذر ۱۴۰۰)، رونمایی از «تلویزیون پلاس» شوک مثبت به شبکه نمایش خانگی، بازیابی شده از: mshrhg.ir/1305608
- خبرگزاری مهر (۷ مهر ۱۴۰۰)، نه ارشاد، نه ساترا؛ مجوز ساخت سریال خانگی با ماست/طرح‌هایی که رد شد، بازیابی شده از: mehrnews.com/xWbTT
- خبرگزاری مهر (۲۹ بهمن ۱۴۰۰)، سعید مقیسه رییس ساترا می‌شود/ جابه‌جایی در زیرمجموعه صداوسیما، بازیابی شده از: mehrnews.com/xX8zM
- خبرگزاری مهر، (۲۸ اسفند ۱۴۰۱)، بازار وی‌اودی در انحصار سه پلتفرم، بازیابی شده در ۱ شهریور ۱۴۰۳ از mehrnews.com/xZMfM
- خرم‌دل، مهدی، کوروش استوارسنگری، حسین علائی و حمید ضرابی (۱۴۰۲)، «چالش‌های مربوط به مرجع تنظیم‌گر و ناظر بر تولیدات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی»، حقوق‌داری، ۹ (۳۰): صص ۳۱-۵۶.
- دستورالعمل «فعالیت انتخاباتی رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر»، ساترا مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ <https://satra.ir/fa/wp-content/uploads/2019/12/>
- دستورالعمل «ارتباطات تجاری در رسانه‌های صوت و تصویر»، ساترا مورخ بهمن ۱۴۰۰ <https://satra.ir/fa/wp-content/uploads/2022/02/>
- دستورالعمل «صدور مجوز برای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی»، ساترا <https://satra.ir/fa/%d9%85%d9%82%d8%b1%d8%b1%d8%a7%d8%aa-%d8%b5%d8%af%d9%88%d8%b1-%d9%85%d8%ac%d9%88%d8%b2>
- دستورالعمل «نحوه صدور موافقت‌نامه کلی انتشار محتوا در رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر»، مورخ ۲۱ دی ۱۳۹۹ ساترا <https://satra.ir/fa/wp-content/uploads/2019/12/>
- دیجیاتو (۲۶ مهر ۱۳۹۵)، حذف اپلیکیشن آپارات از روی کافه بازار در پی شکایت صداوسیما، بازیابی شده از: <http://dgto.ir/87d>
- دیجیاتو (۷ فروردین ۱۴۰۰)، ساترا درباره افزایش قیمت فیلمو اعلام کرد: ما ناظر بازار و رقابت هستیم نه ناظر قیمت، بازیابی شده در ۲۹ آبان ۱۴۰۰ از <https://dgto.ir/22zj>
- ذوالفقاری، امیراحمد (۱۳۹۵)، «سازوکار مناسب تنظیم‌گری تنظیم‌گران بخشی»، وبسایت اندیشکده حکمرانی شریف.
- راستا (۱۳۹۹)، گزارش بررسی صنعت VOD در ایران. بازیابی شده از www.Rasta360.ir
- رعیت‌نژاد، سودابه (۱۴۰۰)، «راهکارهای عملیاتی حل چالش‌های نهادی تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه صداوسیما، دانشکده ارتباطات و رسانه (استاد راهنما: محمدحسین ساعی، استاد مشاور: سید محمدصادق امامیان).
- روزنامه شرق (۴ مهر ۱۴۰۰)، واکنش کانون کارگردانان به اظهارات وزیر ارشاد، بازیابی شده از: <https://www.magiran.com/article/4222149>

روزنامه همشهری (۱۴ بهمن ۱۳۹۸)، صوت و تصویر در انحصار صداوسیما، بازیابی شده از <https://newspaper.hamshahronline.ir/R6OAV>

زارع پور، حدیث (۱۴۰۱)، استریم VOD در مقابل استریم زنده، بازیابی شده از <https://derak.cloud/blog/tech/vod-vs-live-streaming/#live-streaming-and-VoD-streaming>

زرودی، علی (۲۴ بهمن ۱۴۰۱)، «سقوط آزاد، هزارتوی تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر»، مجله برخط زاویه، بازیابی شده از <https://zaviehmag.ir/?p=4197>

زومیت (۷ بهمن ۱۳۹۳)، آپارات فیلمو، سرویس جدید آپارات برای تماشای فیلم، بازیابی شده از: <https://www.zoomit.ir/tech/17160-apatat-filimo>

زومیت (۲۸ مهر ۱۳۹۵)، وزیر ارتباطات: صداوسیما سعه صدر داشته باشد، بازیابی شده از: <https://www.zoomit.ir/tech-iran/147409-ict-minister-irib-apatat-challenge>

زومیت (۶ بهمن ۱۳۹۵)، پنج شرکت از صداوسیما مجوز IPTV گرفتند، بازیابی شده از: <https://www.zoomit.ir/internet-network/151549-5-iranian-iptv-license-irib>

سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، نظریه تفسیری در خصوص اصل ۴۴ و ۱۷۵ قانون اساسی، بازیابی شده از: <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/>

سرحدی، کاظم؛ طاهری، محسن (۱۳۹۹)، «جستاری در اعمال نظارت مطلوب بر انتشار صوت و تصویر در فضای مجازی از منظر حقوقی»، حقوق‌داری، شماره ۲۵، صص ۱۶۰-۱۳۹.

سیاح طاهری و دیگران (۱۳۹۵)، حقیقت مجازی، تهران: مرکز ملی فضای مجازی.

سینماپرس (۲۸ مهر ۱۳۹۸)، جاده یک‌طرفه سود برای سامانه‌های ویدئویی، بازیابی شده از <https://www.cinemapress.ir/news/117377>

صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی»، راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۶۱-۹۱.

صمدی، مجتبی (۱۳۹۲)، «واکوی و امکان سنجی فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی، ارتباطی تلویزیون بر مبنای معاهده اینترنت (IPTV) در جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.

قانون اساسنامه سازمان صداوسیما مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۲.

قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی.

قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور مصوب مجلس شورای اسلامی.

گزارش پانوراما (۱۳۹۸). مطالعه جامع کسب و کارهای آنلاین، استارت‌آپ‌ها و اینترنت ایران تهیه شده توسط مرکز پیش تجارت الکترونیکی ایران (<http://ecmonitor.ir>).

گزارش سالیانه فیلمو، آذر ۱۳۹۹.

ماده واحده «تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر» مصوب جلسه ۸۳۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۳۰.

- ماهنامه پیوست (۱۶ شهریور ۱۳۹۴)، آیا واقعاً تلویزیون اینترنتی در ایران آتیه‌ای دارد؛ یک جعبه و چهل قلندر، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/10709>
- ماهنامه پیوست (آذر ۱۳۹۴)، نیم نگاهی به آبان ۹۴، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/14160>
- ماهنامه پیوست (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷)، بستر قانونی برای انحصارگری صداوسیما وجود ندارد، بازیابی شده در ۸ آبان ۱۳۹۹ از <https://peivast.com/p/20986>
- ماهنامه پیوست (۷ آبان ۱۳۹۷)، کافه‌بازار وارد حوزه ویدئو شد، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/62693>
- ماهنامه پیوست (۲۱ مهر ۱۳۹۸)، فیلتر سایت‌های غیر مجاز داندلود فیلم برای حمایت از حقوق معنوی هنرمندان است، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/63601>
- ماهنامه پیوست (۲۰ آبان ۱۳۹۸)، دبیر کارگروه تعیین مصداق مجرمانه: هیچ نهادی درخواست فیلتر سایت‌های داندلود فیلم را نداده بود، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/63675>
- ماهنامه پیوست (۷ دی ۱۳۹۸)، مذاکرات سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر با پلتفرم‌های نمایش ویدیویی آغاز شد؛ توافق اولیه آپارات، فیلمو، کافه بازار و نماوا با صداوسیما، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/66481>
- ماهنامه پیوست (۲ فروردین ۱۳۹۹)، رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی با ساترا به تفاهم رسیدند، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/72909>
- ماهنامه پیوست (۱۷ فروردین ۱۳۹۹)، کناره‌گیری فیلمو و نماوا از انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئو آنلاین، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/73978>
- ماهنامه پیوست (۶ خرداد ۱۳۹۹)، بدون نگاه واحد نمی‌توان وضعیت VODها را اصلاح کرد، بازیابی شده در ۸ آبان ۱۳۹۹ از <https://peivast.com/p/77291>
- ماهنامه پیوست (۱۴ تیر ۱۳۹۹)، ظهور دو قطبی جدید در بازار شرکت‌های VOD، بازیابی شده در ۲۱ مرداد ۱۳۹۹ از <http://pvst.ir/87d>
- ماهنامه پیوست (۷ مهر ۱۳۹۹)، آیا مدیریت شبکه نمایش خانگی به صداوسیما سپرده می‌شود؟، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/86198>
- ماهنامه پیوست (۴ آذر ۱۳۹۹)، پرونده‌ای برای همه استارت‌آپ‌هایی که از انحصار در بازار ایران گلایه دارند؛ عالیجناب سبزپوش و عالیجناب خاکستری، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/89713>
- ماهنامه پیوست (۶ مهر ۱۴۰۰)، مجلس به دنبال تغییر نهاد ناظر بر شبکه نمایش خانگی است، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/112690>
- ماهنامه پیوست (۷ مهر ۱۴۰۰)، سامانه الماس مجوز ساخت تولیدات پلتفرم‌های آنلاین نمایش فیلم را می‌دهد، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/112807>
- ماهنامه پیوست (۲۰ مهر ۱۴۰۰)، مجلس به دنبال اتمام اختلاف وزارت ارشاد و صداوسیما برای نظارت بر VODها، بازیابی شده از: <https://peivast.com/p/113480>
- ماهنامه پیوست (۲۴ مهر ۱۴۰۰)، فیلمو و نماوا دست به دامن رئیس جمهور شدند، <https://peivast.com/p/113741>

- مصوبه «اصلاح ماده (۲۴) آیین‌نامه ساماندهی و توسعه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال» مصوب هیئت وزیران مورخ ۰۴/۱۲/۱۳۹۵.
- مصوبه «شرایط استفاده صحیح از لوازم و تجهیزات و محصولات مختلف سمعی و بصری و برنامه‌های تصویری در قالب ویدئو» جلسه ۲۹۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۲.
- ناظمی، امیر؛ اسماعیلیان، ملیحه (۱۳۹۴)، «بررسی چالش‌های کلیدی در مقررات‌گذاری رسانه‌های صوتی - تصویری آینده»، پژوهش‌های ارتباطی، ۲۲ (۸۳)، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- وبسایت خبری عصر ایران (۲۵ مهر ۱۳۹۵)، شکایت صداوسیما از سایت آپارات، بازیابی‌شده از: asriran.com/0025yR
- وبسایت خبری عصر ایران (۲۹ مهر ۱۳۹۵)، پاسخ آپارات به ادعاهای صداوسیما، بازیابی‌شده از: asriran.com/0026Dv
- وبسایت دفتر پژوهش‌های صنعت رسانه و محتوا، آشنایی با مفاهیم VOD، OTT و IPTV، بازیابی‌شده در ۲۰ شهریور ۱۳۹۹ از: <https://www.pajouha.com/>
- وبسایت ساترا <https://satra.ir/fa/>
- وبسایت ساترا (۱۲ مرداد ۱۴۰۰)، اعضای شورای پروانه تولید و انتشار محتوای حرفه‌ای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر مشخص شدند، بازیابی‌شده از: <https://satra.ir/2021/7879>.
- وبسایت شورای عالی انقلاب فرهنگی (۲۷ فروردین ۱۴۰۳)، ضعف حکمرانی در حوزه صوت و تصویر فراگیر مرتفع شود، بازیابی‌شده از: <https://sccr.ir/news/24774/1>.
- وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴ اسفند ۱۴۰۲)، مصوبه انتخاب نمایندگان شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعضای صاحب نظر برای عضویت در کمیته تدوین سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی، بازیابی‌شده از: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1799934>
- ویجیاتو (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹)، ساترا چیست؟ صداوسیما، فضای مجازی، VOD، رگولاتوری، بازیابی‌شده از: <https://vigiato.net/p/91423>
- همتی، محبوبه؛ قزلسفلی، محمدتقی (۱۴۰۱) «رویکردی نظری به گذار در مفهوم حکمرانی در اندیشه سیاسی معاصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۵ (۱)، ۲۰۵-۲۲۶.
- همتی فقیه، محمدمهدی (۱۳۹۹). «بایسته‌ها و ضرورت‌های تحقق دولت تنظیم‌گر»، وبسایت پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، برگرفته از <https://csr.ir/0000Ke>
- Ansell, C., J. Torfing (2016). *Handbook on Theories of Governance*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Cha, Meeyoung, Haewoon Kwak, Pablo Rodriguez, Yong-Yeol Ahn & Sue Moon (2009), Analyzing the Video Popularity Characteristics of Large-Scale User Generated Content Systems. *IEEE/ACM Trans. Vol. 17, No. 5, 1357-1370*.
- Cyber Definitions, *What Does VOD Mean?*. Retrieved from <https://www.cyberdefinitions.com/definitions/VOD.html>.

Doelker, A. (2010), *Self-regulation and co-regulation: prospects and boundaries in an online environment*. A thesis for the degree of master of laws in the faculty of graduate studies the university of British Columbia (Vancouver).

European Audiovisual Observatory (2007), *IRIS Special: Legal Aspects of Video on Demand*.

European Audiovisual Observatory (2014), *ON-DEMAND AUDIOVISUAL MARKETS IN THE EUROPEAN UNION*.

European Audiovisual Observatory (2016), *IRIS Plus 2016-3, VOD, platforms and OTT: which promotion obligations for European works?*.

European Commission (2014), *On-Demand Audiovisual Markets in The European Union*.

European commission website (8 March 2021), *Commission releases Guidelines on Video sharing platforms and Guidelines on European Works*, retrieved from <https://digital-strategy.ec.europa.eu/en/library/commission-releases-guidelines-video-sharing-platforms-and-guidelines-european-works> .

European Parliament (2015), *Over-the-Top (OTTs) players: Market dynamics and policy challenges*.

ITU (2009), *Y.1901: Requirements for the support of IPTV services*.

Statista (2020, a), *Video-on-Demand Market Outlook- Iran*.

Statista (2020, b), *Video-on-Demand Market Outlook- worldwide*.

Statista (2023), *Video-on-Demand: market data & analysis*, Retrieved from <https://www.statista.com/study/38346/video-on-demand/>.

Torfiing, J., B.G. Peters, J. Pierre and E. Sørensen (2012). *Interactive Governance: Advancing the Paradigm*. Oxford: Oxford University Press.



دانشگاه آزاد اسلامی
 پژوهشگاه مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:

Received 29 August 2024
 Revised 23 December 2024
 Accepted 24 January 2025
 Published online 15 March 2025

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 4, pp 79-115



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

Local Governance and Its Impact on National Cohesion in Contemporary Iran

Seyyed Sajjad Mousavi-Nejad ¹, Mirqasem Bani-Hashem ^{2*} Garineh Keshishyan Siraki ³
 Hassan Khodaverdi ⁴

1. Political Science Department, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Faculty of the Research Institute of Strategic Studies (RISS), Iranian Studies Group, Tehran, Iran.
3. Faculty of Political Science and International Relations, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
4. Faculty of Political Science and International Relations, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Corresponding author email address: Banihashemi@risstudies.Org

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Mousavi-Nejad, S. S., Bani-Hashem M., Keshishyan Siraki G. and Khodaverdi H, (2024). Local Governance and Its Impact on National Cohesion in Contemporary Iran. Strategic Studies Quarterly, 27(4), 79-115.
 doi:
 10.22034/SSQ.2025.485730.4209



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

By the end of the twentieth century, it became evident that a highly centralized model of government was a source of crisis, and that centralization alone could not solve the problems at hand. Supporting local and regional governance through institutions such as local governments has come to be seen as a marker of both development and maturity in societies. Over time, evolving ideas about governance have led societies to pursue more democratic practices and to actively work toward speeding up the democratization process. Essentially, modern governance is about integrating the interests of the state and its people through collaboration and interaction. To facilitate this, governments need to establish mechanisms that create suitable, decentralized structures, enabling various bodies with broad authority and significant responsibility to play active roles in delivering public services. However, the assumption of certain responsibilities by local governments should not be interpreted as undermining or challenging the power of the central government—instead, the central government still holds its supervisory authority over local administration.

Throughout Iran's history, governments have typically been characterized by individualized, absolutist, autocratic, and self-centered approaches. This led to the establishment of a highly centralized system. However, with the success of the Constitutional Revolution and the spread of ideas about the rule of people and citizens' rights, Iran took its first steps toward breaking away from centralization. This revolution paved the way for the creation of democratic institutions such as the constitution, parliament, and various civic associations. Thereafter, public involvement in determining the country's future and in forming local bodies—like

provincial and municipal councils—became increasingly important, with certain local responsibilities being transferred to these new institutions. As a consequence, changes in leadership brought about shifts in the way national cohesion was understood within the context of local governance. Based on these developments, this paper aims to answer the question: “What impact have the different models of local governance throughout contemporary Iranian history had on national cohesion, considering its social, political, and cultural dimensions?”

Methodology

To address this question, the study first identifies various types of local governance. It then employs a mixed-methods approach that combines qualitative analysis of historical events and trends with quantitative survey research utilizing questionnaires. In this regard, 31 researchers and senior experts in contemporary Iranian history were purposefully selected and asked to complete a questionnaire designed to assess the relationship between local governance models and the elements of national cohesion.

Result

The findings indicate that the impact of different local governance systems on national cohesion has varied significantly across four historical periods (according to the Iranian calendar, 1275–1400 [1896-2021]). Evidence, drawn from historical trends and expert opinions, suggests that the highest level of national cohesion was achieved during the fourth period-corresponding to the Islamic Republic-which received a score of 3.47 out of 5. The Constitutional period followed, while both the first and second Pahlavi periods reported lower cohesion scores.

Conclusion

In the final analysis, it is clear that local governance in Iran was traditionally characterized by appointed, undemocratic, and top-down practices until the Constitutional Revolution. Modern local governance began with that revolution and has evolved considerably over the past century. The study finds that before the Islamic Revolution, city councils served as the symbol of local governance in Iran, whereas afterward, Islamic city councils took on that role. An examination of the laws, institutions, associations, and urban local councils reveals that despite some common themes, there have been significant differences influenced by the pressures of the times, the power of the ruling government, and the ongoing struggle between centralization (dominated by the central government) and decentralization (promoted by local councils and associations). Ultimately, brief periods of decentralization have given way to a prevailing trend of centralization, primarily due to the absence of a deep democratic culture and the authoritarian nature of the central governments.

Keywords: Social Cohesion; Cultural Cohesion; Political Cohesion; Constitutionalism; Islamic Republic of Iran

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۸ شهریور ۱۴۰۳
اصلاح شده در تاریخ ۳ دی ۱۴۰۳
پذیرفته شده در تاریخ ۰۵ بهمن ۱۴۰۳
منتشر شده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۶، صفحه ۷۹-۱۱۵



شابای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شابای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

تأثیر حکمرانی محلی بر انسجام ملی در ایران معاصر

سیدسجاد موسوی‌نژاد بنام ^۱id، میرقاسم بنی‌هاشمی ^۲id، گارینه کشیشیان سیرکی ^۳id، حسن خداوردی ^۴id

۱. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
۲. گروه مطالعات ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت، تهران، ایران.
۳. گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جنوب، تهران، ایران.
۴. گروه علوم سیاسی و رابط بین الملل، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

✉ ایمیل نویسنده مسئول: Banihashemi@risstudies.Org

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی/اصیل</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: بنی‌هاشمی، میرقاسم، موسوی‌نژاد بنام، سید سجاد، کشیشیان سیرکی، گارینه و خداوردی، حسن (۱۴۰۳). تأثیر حکمرانی محلی بر انسجام ملی در ایران معاصر. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۴)، ۷۹-۱۱۵.</p> <p>doi: 10.22034/SSQ.2025.485730.420 9</p> <p></p> <p>© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایست) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی به صورت دسترسی آزاد (CC BY 4.0) صورت گرفته است.</p>	<p>این نوشته درصدد پاسخ به این پرسش است که الگوهای مختلف حکمرانی محلی در چند مقطع تاریخ معاصر ایران چه تأثیری بر انسجام ملی (با مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، بر مبنای مختصات و روندهای تاریخ معاصر ایران ابتدا انواع حکمرانی محلی شناسایی و سپس با بهره‌گیری از «روش پژوهش ترکیبی» یعنی روش کیفی تحلیل رخدادهای تاریخی و نیز روش پیمایش مبتنی بر پرسشنامه محقق ساخته، میزان ارتباط و تعامل الگوی نظام حکمرانی محلی و مؤلفه‌های انسجام ملی تحلیل و ارزیابی می‌گردد. در این چهارچوب در بخش پیمایش، ۳۱ نفر از پژوهشگران و نیز کارشناسان ارشد تاریخ معاصر ایران به صورت هدفمند انتخاب شده و پرسشنامه برای ارزیابی تأثیرات انواع حکمرانی محلی بر مؤلفه‌های سه‌گانه انسجام ملی در دوره‌های تاریخی مدنظر، در اختیار آنها قرار گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که شدت و ضعف مؤلفه‌های انسجام ملی در دوره‌های چهارگانه مقطع تاریخی ۱۲۷۵-۱۴۰۰ تحت تأثیر انواع نظام‌های حکمرانی محلی، متفاوت بوده است. شواهد، روندها و تحولات تاریخی و نیز نظرات کارشناسان در خصوص میزان تأثیر الگوی حکمرانی محلی بر انسجام ملی، حاکی از این است که ضریب انسجام ملی در دوره چهارم یعنی جمهوری اسلامی با کسب نمره ۴/۴۷ از ۵ نمره ممکن در صدر بوده و دوره مشروطه پس از آن قرار می‌گیرد و مؤلفه‌های انسجام ملی در دو دوره پهلوی اول و دوم از ضرایب پایین‌تری برخوردار بوده است.</p> <p>واژگان کلیدی: حکمرانی محلی، انسجام ملی، ایران معاصر.</p>

مقدمه

حکمرانی به معنای شیوه نوین حکومت از مباحث جدیدی است که در دو دهه پایانی قرن بیستم وارد قاموس علوم اجتماعی گردید و با پذیرشی گسترده مواجه شد. واضعان حکمرانی پیش از هر چیز، بر تمرکززدایی از قدرت (در معنای سنتی و ستفالیایی)، محدود کردن قدرت سنتی سلسله‌مراتبی (بالا- پایین) و تغییر مسیر آن به سوی تصمیم‌های جمعی (بزدانی، ۱۳۹۱) و اتکای روزافزون بر انواع جدید مشاوره و مشارکت شهروندان متمرکز هستند. حکومت محلی نیز به‌عنوان نهادی واسط بین مردم مناطق مختلف و حکومت مرکزی، نقش تسهیل و کمک به دولت مرکزی در اعمال قدرت را بر عهده دارد که از یک سو با کمک آن، نظارت دولت مرکزی بر مناطق مختلف به ویژه حاشیه‌ای و دور از مرکز کشور آسان می‌شود و از سوی دیگر، مشارکت مردم در اداره بهتر امور منطقه و کشور امکان‌پذیرتر می‌شود. هدف حکومت محلی تمرکززدایی از دولت مرکزی به شیوه‌ای هنجاری از همه عناصر (سیاسی، اقتصادی، اداری، جغرافیایی، فنی، اجتماعی و...) است.

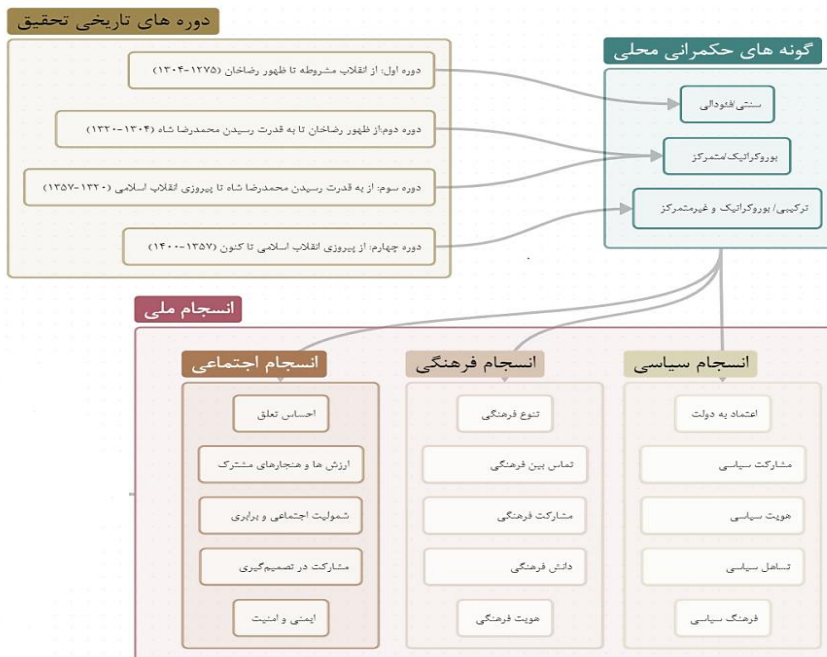
هرچند چنین کارکردهایی در بیشتر حکومت‌های محلی مشترک می‌باشد، ولی ویژگی‌های متمایز ساختارهای نظام سیاسی و اداری کشورها به لحاظ تمرکز قدرت یا توزیع اختیارات می‌تواند به پدیداری انواع حکمرانی محلی بینجامد. از رویکرد امنیت داخلی، این مسئله به‌ویژه در دولت‌هایی که جامعه به لحاظ قومی - مذهبی متکثر و به لحاظ سرزمینی وسیع و دارای مناطق اقلیمی متمایزی می‌باشد، اهمیت بارزی پیدا نموده و می‌تواند تأثیر معینی بر انسجام ملی و ثبات سیاسی این دولت‌ها داشته باشد. از این حیث، دولت و جامعه ایرانی به دلایلی دارای شرایط پیچیده‌ای است که مستلزم بررسی و مطالعه عمیق می‌باشد؛ زیرا از یک سو با تکثر و شکاف‌های قومی و مذهبی متراکمی مواجه بوده و وسعت سرزمینی کشور نیز مناطق اقلیمی مختلف را به‌وجود آورده و از سوی دیگر، چنین ویژگی‌هایی، نظام حکمرانی محلی را تحت تأثیر قرار داده و الگوهای متفاوتی را پدید آورده است. بر مبنای این مفروض، هدف اصلی این پژوهش ارزیابی تأثیر الگوهای حکمرانی محلی در چند دوره تاریخ معاصر بر میزان و مؤلفه‌های انسجام ملی در ایران است. در این چهارچوب برخی اهداف فرعی پژوهش نیز شامل بررسی و شناسایی الگوهای حکمرانی مختلف از دوره قاجار تا کنون، شناسایی سازوکارهای تأثیر نظام‌های حکمرانی بر انسجام ملی و نیز مقایسه وضعیت مؤلفه‌های انسجام ملی در دوره‌ها و الگوهای متمایز حکمرانی می‌باشد.

با تأکید بر گونه‌شناسی حکمرانی محلی^۱، تحقیق درصدد است تا با بهره‌گیری از مفاهیم و مبانی نظری علوم اجتماعی در حوزه انسجام ملی و حکمرانی محلی، از طریق تحلیل وقایع تاریخی، نقش و تأثیر انواع گونه‌های حکمرانی محلی را در تقویت و تضعیف انسجام ملی ایران در چهار دوره مهم تاریخ ایران بررسی نماید: (۱) انقلاب مشروطه تا ظهور رضاخان (۱۲۷۵-۱۳۰۴)؛ (۲) از ظهور رضاخان تا به قدرت رسیدن محمدرضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰)؛ (۳) از به قدرت رسیدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۲۰-۱۳۵۷)؛ (۴) از پیروزی انقلاب اسلامی تا ۱۴۰۰. به عبارتی دیگر، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی خواهد بود که الگوهای نظام حکمرانی محلی در دوره‌های چهارگانه مدنظر چه تأثیری بر انسجام ملی (انسجام اجتماعی، انسجام فرهنگی و انسجام سیاسی) در ایران داشته است؟

الف) روش‌شناسی پژوهش

هدف توضیح روش تحقیق این است که این پژوهش چگونه و با چه منطقی انجام می‌گیرد. یافته‌ها چگونه به دست آمده و چگونه تحلیل می‌گردد؟ نظر به اینکه تمرکز این نوشته معطوف بر تحلیل تأثیر الگوهای نظام حکمرانی محلی بر انسجام ملی در ایران معاصر بوده و درصدد است تأثیر این الگوها را بر انسجام ملی در مقاطع تاریخی با در نظر گرفتن شاخص‌های سه بعد یا مؤلفه انسجام ملی (اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) تبیین نماید، بنابراین، در این پژوهش با بهره‌گیری از «روش پژوهش ترکیبی کیفی - کمی» یعنی روش کیفی تحلیل رخدادهای تاریخی و روندهای تاریخی و نیز روش پیمایش مبتنی بر پرسشنامه محقق ساخته، میزان ارتباط و تعامل الگوی نظام حکمرانی محلی و مؤلفه‌های انسجام ملی تحلیل و ارزیابی می‌گردد. در این چهارچوب در بخش پیمایش، ۳۱ نفر از پژوهشگران و نیز کارشناسان ارشد تاریخ معاصر ایران به صورت هدفمند انتخاب شده و پرسشنامه برای ارزیابی تأثیرات انواع حکمرانی محلی بر مؤلفه‌های سه‌گانه انسجام ملی در دوره‌های تاریخی مدنظر در اختیار آنها قرار گرفت. در هر یک از سؤالات پرسشنامه، ابتدا بر مبنای روندها و واقعیات تاریخی هر یک از دوره‌های چهارگانه، فرض محقق در خصوص تأثیر نظام حکمرانی بر گوینه معین مانند «احساس تعلق» که از مبانی مفهومی ابعاد سه‌گانه انسجام ملی استخراج شده، مورد پرسش واقع می‌شود و ابتدا نظر آنها در خصوص دیدگاه و قضاوت محقق در خصوص وضعیت انسجام اجتماعی در دوره‌های مختلف اخذ می‌شود

و سپس بر مبنای طیف لیکرت (ضریب ۱ تا ۵) از آنها خواسته می‌شود ارزیابی خود را نسبت به وضعیت گویه (میزان تأثیر بر شاخص‌های عملیاتی انسجام ملی) در دوره معین مشخص نمایند. در انتهای بحث، روش‌شناسی لازم به یادآوری است که این پژوهش از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی و نیز رهیافت نهادی برای تحلیل و تبیین مسئله بهره می‌گیرد. در رویکرد تاریخی، روندها و تحولات تاریخی مرتبط به موضوع بر مبنای محور زمان، در فاصله زمانی دوره‌های چهارگانه (دوره مشروطه، دوره‌های پهلوی اول و دوم، و دوره جمهوری اسلامی) بررسی شده و با توجه به الگوهای نهادی حکمرانی در هر دوره تأثیر ویژگی‌های نهادی و کارکردی هر دوره، بر روندها و وضعیت انسجام ملی در ابعاد سه‌گانه (اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) ارزیابی می‌گردد. چنانکه اشاره شد، نظر ۳۱ نفر از کارشناسان تاریخ معاصر نیز در خصوص نتایج مدنظر نگارنده و الگوی روابط متغیرهای پژوهش اخذ و تجزیه و تحلیل می‌شود. چهارچوب و مدل مفهومی مورد نظر پژوهش در شکل زیر ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

این مدل مفهومی الگوهای حکمرانی را در چهار دوره تاریخی در سه گونه «سنتی - فئودال»، «بوروکراتیک - متمرکز»، «بوروکراتیک - غیرمتمرکز» مفهوم‌بندی می‌نماید و مؤلفه‌های انسجام ملی را در سه بُعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با شاخص‌های هر یک از ابعاد انسجام ملی را نمایان می‌دارد.

ب) پیشینه تحقیق

در مطالعات و متون داخلی، آثار زیادی که به ارتباط حکمرانی محلی و انسجام ملی در ایران پرداخته باشد، کمتر دیده می‌شود و آثار محدودی به طور غیرمستقیم با تأکید بر تأثیر تمرکزگرایی یا عدم تمرکز بر ثبات سیاسی یا امنیت داخلی وجود دارد. یکی از آثاری که بر ارتباط حکمرانی محلی و همگرایی ملی پرداخته، مقاله مدیریت سیاسی فضا در عصر هخامنشی و تأثیر آن بر همگرایی و واگرایی اقوام ساکن قلمرو آنان نوشته کلثوم غضنفری و همکاران می‌باشد. به اعتقاد این نویسندگان، ایران به‌رغم فرازوفرودهای طولانی تاریخی در سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری، در برخی موارد دچار چالش‌هایی مانند رقابت‌های ناسالم در جذب منابع و منافع، خلأهای مربوط به ساختار دولتی مناسب، کارایی به نسبت ضعیف آمایش سرزمین و رقابت‌های قومی است. این امر، لزوم تحلیل جغرافیایی - تاریخی تقسیمات کشوری ایران در دوره‌های تاریخی و تأثیر آن در واگرایی و همگرایی اقوام را برای عصر کنونی محسوس می‌نماید. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی شیوه مدیریت سیاسی قلمرو هخامنشی، راهکارهای اعمال‌شده توسط آنها و میزان موفقیت این راهکارها در حفظ یکپارچگی دولت و قلمرو آنان است که جدا از افزایش دانش تاریخی ما، با توجه به ترکیب جمعیتی و قومی ایران در عصر حاضر، از بُعد نظری و تجربی در خور توجه است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هخامنشیان به منظور کنترل بهتر قلمرو خود، کشور را به واحدهای سیاسی کوچک‌تر تقسیم کرده بودند و شاخص اصلی در این تقسیم‌بندی، گزینش مدلی کارآمد برای اداره کشوری با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سرزمین‌ها و اقوام مختلف ساکن در قلمرو آنان بوده است که همگرایی حداکثری و واگرایی حداقلی از حکومت مرکزی را به دنبال داشته باشد (غضنفری و همکاران، ۱۴۰۰).

مقاله دیگری که به ارتباط الگوهای حکمرانی و سازماندهی فضا و مسئله تنوع قومی و اجتماعی می‌پردازد، مقاله عبدالحمید شمس با عنوان «نظری بر سازماندهی حکمرانی محلی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارهای حقوقی - اداری» است. نویسنده معتقد است که بررسی تاریخی

روش‌های سازماندهی کشوری در ایران که در دو رشته مدیریت دولتی و حقوق اداری انجام شده است، نشان می‌دهد که در برخی دوره‌های تاریخی مانند عصر صفوی و عصر پهلوی، حاکمیت مرکزی از میان‌گونه‌های مطرح‌شده، از سه شیوه برای اداره امور کشور استفاده کرده است. برای نمونه، املاک خاصه به صورت متمرکز، بخش‌های وسیعی از فلات ایران به صورت متراکم و چهار یا پنج خطه (والی‌نشینان) نیز به صورت غیرمتراکم شبه فدرالی اداره می‌شد. (شمس، ۱۳۹۶)

در میان آثار خارجی به برخی موارد نیز می‌توان اشاره نمود:

- «حکومت محلی و وحدت ملی در سریلانکا» نوشته سیری تی هتیگه^۱: این مطالعه به بررسی رابطه بین ساختارهای دولت محلی و وحدت ملی در سریلانکا می‌پردازد که دهه‌ها درگیری قومی را تجربه کرده است. نویسنده استدلال می‌کند که تمرکز قدرت به تنش‌های قومی کمک کرده است، درحالی‌که تمرکززدایی و خودمختاری محلی بیشتر می‌تواند وحدت ملی را ارتقا دهد. این مطالعه ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی شامل مصاحبه، نظرسنجی و تحلیل آماری را به کار می‌گیرد (Hettige & Bigdon, 2003).

- «حکومت محلی و تضاد قومی در نیجریه» نوشته جان ان. پادن^۲: این مطالعه به بررسی نقش دولت محلی در درگیری‌های قومی در نیجریه می‌پردازد که درگیری‌های خشونت‌آمیز متعددی را در امتداد خطوط قومی و مذهبی تجربه کرده است. این نویسنده نیز استدلال می‌کند که تمرکززدایی و خودمختاری محلی بیشتر می‌تواند به کاهش این درگیری‌ها کمک کند. با این حال، خاطر نشان می‌کند که ساختارهای دولت محلی در نیجریه اغلب ضعیف و ناکارآمد هستند. این مطالعه ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی شامل مصاحبه، مطالعات موردی و تحلیل آماری را به کار می‌گیرد (Paden, 2005).

- کتاب «نزديکی‌های خشونت: نظم مدنی فراتر از نهادهای حکومتی» یک تحقیق دانشگاهی است که توسط سارا فیلیپس^۳ در سال ۲۰۱۹ نوشته شده است. این تحقیق ادبیات حاکمیت محلی و ظرفیت آن برای ارتقای انسجام ملی و همچنین رابطه بین حکومت محلی و انسجام ملی را بررسی می‌کند و اینکه چگونه حکومت محلی می‌تواند در ایجاد یک جامعه منسجم کمک کند. این پژوهش همچنین

1. Siri T. Hettige
2. John N. Paden
3. Sarah Phillips

چالش‌هایی را که ممکن است در ارتقای انسجام ملی از طریق حکومت محلی، از جمله مسائل قدرت، منابع و سیاست‌های هویتی ایجاد شود، بررسی می‌کند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند در حالی که حکمرانی محلی ظرفیت ارتقای انسجام ملی را دارد، باید با احتیاط و حساسیت نسبت به زمینه‌ها و پویایی‌های محلی برخورد کرد (Phillips, 2019).

هرچند پژوهش‌های داخلی و خارجی به ابعاد مختلفی از حکمرانی محلی و ارتباط آن با مسائلی مانند وحدت ملی یا منازعات قومی می‌پردازند، ولی تمایز پژوهش حاضر این است که اولاً، در یک چهارچوب مقایسه‌ای تأثیر الگوهای مختلف حکمرانی محلی را بر انسجام ملی بررسی می‌کند؛ ثانیاً، این تأثیر را در چند دوره تاریخی و در رژیم‌های حقوقی - سیاسی مختلف تحلیل می‌نماید و به لحاظ روشی نیز نکته تمایز آن بهره‌گیری از دو روش روندشناسی تاریخی و تحلیل کیفی مبتنی بر پرسش‌های محقق ساخته می‌باشد.

ج) مفاهیم و مبانی نظری

۱. حکمرانی

مفهوم حکمرانی چندوجهی است و تفاسیر و کاربردهای مختلفی را در زمینه‌های مختلف در برمی‌گیرد. حکمرانی به طور گسترده به‌عنوان فرایندها و ساختارهایی شناخته می‌شود که از طریق آن سازمان‌ها، اعم از دولتی یا خصوصی، هدایت و کنترل می‌شوند. این شامل ساختارهای تصمیم‌گیری است که مدیریت منابع و دستیابی به اهداف جمعی را تسهیل می‌کند (Acharya, 2024). حکمرانی به کارکردهای دولتی محدود نمی‌شود، بلکه به تعامل با جامعه مدنی، با تأکید بر مشارکت در ارائه خدمات و تدوین خط‌مشی گسترش می‌یابد (Acharya, 2024). در روابط اجتماعی، حکمرانی به‌عنوان تصمیم‌گیری نهادینه‌شده در میان موضوعات مختلف دیده می‌شود که اقدامات هماهنگ را برای حل مشکلات پیچیده‌ای که نیازمند تلاش‌های جمعی هستند، قادر می‌سازد (Libanova & Romaniuk, 2023). حاکمیت شرکتی، زیرمجموعه‌ای از حاکمیت، بر هنجارهای قانونی، اقتصادی و سازمانی متمرکز است که نهادهای شرکتی را هدایت می‌کند و شفافیت، ثبات مالی و تعامل با سهامداران را تضمین می‌کند (Sumin, Chikalkin, 2024). (2023). تکامل تاریخی حاکمیت شرکتی توسعه آن را از انقلاب صنعتی برجسته می‌کند و بر اهمیت روابط حقوقی بین شرکت‌کنندگان تأکید دارد (Sumin, 2023). حکمرانی همچنین نقش

مهمی در سیستم‌های سیاسی ایفا می‌کند، جایی که به مسائل تمرکززدایی و فدرالیسم می‌پردازد و وحدت و یکپارچگی را در جوامع مختلف ترویج می‌کند. مفهوم حکمرانی خوب، به‌ویژه در محیط‌های شرکتی، با هدف کاهش تعارضات نمایندگی و افزایش ارزش سهامداران از طریق رهبری اخلاقی و برنامه‌ریزی استراتژیک است (Lutsenko, 2023). در عصر دیجیتال، حکمرانی با چالش‌های جدید سازگار می‌شود، هماهنگی دولتی را با ساختارهای خود راهبری متعادل کرده و طبیعت پویا و در حال تحول آن را منعکس می‌کند (Buyske, 2022). به‌طور کلی، حکمرانی یک مفهوم پیچیده و چندلایه است که از مرزهای مدیریتی یا سیاسی سنتی فراتر می‌رود و چهارچوبی برای درک و رسیدگی به چالش‌های اجتماعی ارائه می‌دهد (Schedler, 2022).

پژوهشگران این حوزه در بیان تبارشناسی این حکمرانی معتقدند که ناکارآمدی دولت‌ها در اجرای یکه‌تازانه امور موجب ساخت «حکمرانی آمرانه» می‌شود. از این رو، با تفکیک حوزه‌های مختلف دولت و تمایز میان بخش خصوصی و دولتی و تمایز میان دولت و جامعه مدنی، سعی می‌کنند ساختار سنتی قدرت را تغییر دهند و به نهادهای موازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها وزن بیشتری بدهند.

در فضای حکمرانی، دولت محدود می‌شود و جایگاهی برای سوءاستفاده از قدرت باقی نمی‌ماند و روابط یک‌جانبه جای خود را به روابط چندجانبه می‌دهند. فضای حکمرانی، فضایی افقی و نه از بالا به پایین است و دولت خود را در یک سطح با دیگر نهادها قرار می‌دهد؛ یعنی کنشگران غیردولتی (بخش خصوصی و جامعه مدنی) به قدری از یکدیگر استقلال دارند که نمی‌توانند چیزی را بر دیگری تحمیل کنند، اما آن قدر به یکدیگر وابسته‌اند که می‌دانند بدون یکدیگر قادر به اقدام نیستند (یزدانی، ۱۳۹۱). بنابراین، حکمرانی دغدغه‌ای است معطوف به کاهش نقش، انحصار و نفوذ دولت، برجسته‌سازی نقش جامعه در سیاست‌گذاری عمومی و چهارچوبی است متکی بر فرایندی تعاملی (توافقات، رویه‌ها، قراردادهای سیاست‌ها) و نه نهاد یا مجموعه‌ای از نهادها که مرجع قدرت، چگونگی اتخاذ تصمیم و شیوه اجرای وظایف را مشخص سازد (Pierre & Peters, 2000).

جدول ۱. شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی

شاخص‌ها	توزیع قدرت	بازیگران اصلی	ساختار اعمال قدرت	فرایند تصمیم‌گیری
ویژگی‌ها	تمرکززدایی از دولت و توزیع آن میان سطوح دولتی و بخش خصوصی و جامعه مدنی	دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی	محدودساختن ساختار سلسله‌مراتبی قدرت (از بالا به پایین)، حرکت به افقی	تصمیم‌گیری جمعی از طریق مشارکت

منبع: یزدانی، ۱۳۹۱، به نقل از: Anne, 2005

۲. حکمرانی محلی

حکمرانی محلی، مفهومی چندبعدی است که با پرکردن شکاف بین دولت‌های مرکزی و جمعیت‌های محلی، نقشی حیاتی در توسعه سیاسی - اجتماعی و اقتصادی جوامع ایفا می‌کند. این ویژگی با توانایی آن در انطباق با نیازها و زمینه‌های محلی، همانطور که در نمونه‌های مختلف جهانی دیده می‌شود، مشخص می‌شود. در مالی مرکزی، حکومت محلی توسط گروه‌های جهادی مانند کتیبای مکینا^۱ و دولت اسلامی صحرای بزرگ^۲ دستکاری شده است تا خلأهای حاکمیتی را پر کند و از این طریق قدرت و نفوذ آنها را در منطقه مشروعیت بخشد. این امر اهمیت حکمرانی محلی مؤثر را به عنوان ابزاری برای ثبات و توسعه برجسته می‌کند. حکمرانی محلی مؤثر نه تنها در مورد حکمرانی خوب بلکه به‌عنوان یک نیروی محوری در هر دو بعد عمودی و افقی، شامل سطوح مختلف دولت و بخش‌هایی مانند بخش خصوصی و جامعه مدنی است (Bouckaert, 2023). در جنوب شرقی، دولت‌های محلی به دلیل نزدیکی به جوامع مردمی برای توسعه پایدار ضروری تلقی می‌شوند، اگرچه چالش‌هایی مانند فساد و رهبری ضعیف می‌تواند مانع از اثربخشی آنها شود (Ngini et al., 2023). مفهوم حکومت بر اساس خرد محلی، همان‌طور که در حکایات پوکات محمد^۳ نشان داده شده است، بر ادغام سیاست‌های منطقه‌ای، دفاعی و سیستم‌های اجتماعی تأکید می‌کند و بر اهمیت رهبری آگاهانه فرهنگی تأکید دارد (Rusli et al, 2022). در استان کوپربلت^۴، ساختارهای حاکمیت محلی در بسیج کنش اجتماعی

1. Katiba Macin

2. ISGS

3. Hikayat Pocut Muhammad

4. Copperbelt

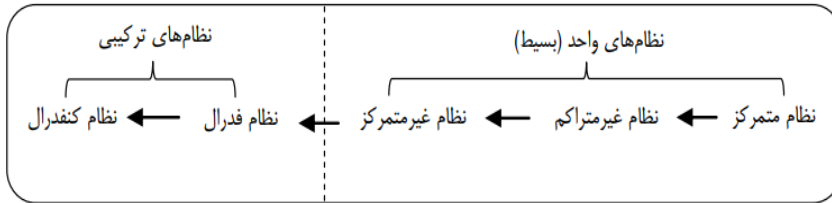
برای توسعه مجدد امکانات تفریحی، نشان دادن قدرت خودسازماندهی و مشارکت جامعه در توسعه محلی مؤثر بوده است (Makashini et al., 2023). علاوه بر این، حکمرانی محلی می‌تواند عملکرد ادارات محلی را با ترویج شفافیت، مسئولیت‌پذیری و مشارکت که برای مبارزه با فساد و دستیابی به توسعه محلی مقرون‌به‌صرفه هستند، افزایش دهد.

در هند، سیستم گرم پانچایات^۱ نشان می‌دهد که چگونه حکومت محلی ارتباط بین رهبران و مردم را تسهیل می‌کند و توسعه مشارکتی و سیاست روستایی را تقویت می‌کند (Anil, 2020). تکامل تاریخی حکومت محلی مانند نیجریه، نقش اساسی آن را در مدیریت مردمی نشان می‌دهد، اگرچه چالش‌هایی مانند عدم استقلال همچنان ادامه دارد (Etebom, Monday & Wijaya, 2022). در ایالات متحده، به‌رغم به رسمیت نشناختن صریح از سوی قانون اساسی، دولت‌های محلی از اختیارات قابل توجهی استفاده می‌کنند که منعکس‌کننده تعامل پیچیده بین مقامات ایالتی و محلی در سیستم فدرال است (Sutton, 2021).

به طور کلی، حکمرانی محلی یک مؤلفه پویا و ضروری از مدیریت دولتی مؤثر است که قادر به توسعه و رفع نیازهای محلی از طریق رویکردهای مشارکتی و حساس فرهنگی است. البته بایستی یادآوری نمود که مصداق چنین تعریف و شاخصه‌هایی از حکمرانی محلی در تاریخ معاصر ایران وجود نداشته است و حکومت‌های محلی در ایران در چهارچوب مناسبات عمودی قدرت از بالا به پایین در ایران شکل می‌گیرند.

۳. انواع روش‌های سازماندهی نظام حکمرانی

برای تبیین الگوی مختلف حکمرانی محلی در نظام‌های سیاسی مختلف لازم به یادآوری است که روش‌های سازماندهی دولتی، از نظام متمایل به بسته تا نظام باز به پنج نوع کلی تقسیم می‌شوند. سه نوع آغازین آن که مربوط به نظام‌های دولتی و غیردولتی واحد، بسیط یا یکپارچه هستند، عبارت‌اند از: نظام‌های متمرکز، غیرمتراکم و غیرمترکز. دو نوع دیگر این نوع نظام‌ها، ترکیبی و شامل مجموعه‌ای از چند دولت با نام‌های فدرال و کنفدرال هستند. اگر این ترکیب شامل چند ایالت دارای «خودمختاری» باشد که نتوانند سیاست خارجی مستقلی داشته باشند، ما در وضعیت سازماندهی فدرال هستیم و چنانکه مجموعه یادشده ترکیبی از چند دولت مستقل باشد که در زمینه‌هایی خاص، بخشی از اختیارات خود را به یک یا چند نهاد مرکزی سپرده باشند، در شرایط نظام کنفدرال تعریف می‌شویم (شمس، ۱۳۹۶). انواع روش‌های سازماندهی نظام حکمرانی محلی در نمودار زیر مشهود است.



گونه‌های پنج‌گانه سازماندهی عام دولت‌ها

شکل ۲. نظام‌های بسیط و ترکیبی

۴. مفهوم انسجام ملی

انسجام ملی را می‌توان توانایی یک جامعه برای ایجاد حس مشترک هویت، هدف و وفاداری در بین شهروندان، به‌رغم پیشینه‌ها و علایق گوناگون تعریف کرد. این روند شامل ایجاد مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مشترک است که زیربنای اعتماد اجتماعی، همکاری و حمایت متقابل در یک جامعه است. مفهوم انسجام ملی ارتباط تنگاتنگی با ایده دولت - ملت دارد که یک نهاد سیاسی است و ادعای یک قلمرو خاص را دارد و به‌دنبال اداره مردمی است که در آن زندگی می‌کنند. انسجام ملی برای عملکرد یک دولت مدرن ضروری تلقی می‌شود زیرا پایه‌ای برای ثبات اجتماعی، مشروعیت سیاسی و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند. با این حال، ایجاد انسجام ملی در جوامع متنوع می‌تواند چالش‌برانگیز باشد، زیرا ممکن است تفاوت‌های قابل توجهی در زبان، فرهنگ، مذهب و تاریخ در میان مردمی که در یک قلمرو خاص زندگی می‌کنند، وجود داشته باشد. علاوه بر این، جهانی‌شدن، مهاجرت و ظهور سیاست‌های هویتی، ایجاد حس مشترک هویت و هدف در یک جامعه را دشوارتر کرده است. سیاست‌هایی که شامل اجتماعی، فرصت‌های اقتصادی و دسترسی برابر به خدمات عمومی را ترویج می‌کنند، برای دستیابی به انسجام ملی در جوامع متنوع ضروری تلقی می‌شوند. این شامل سیاست‌هایی است که چندفرهنگ‌گرایی، تنوع و تجلیل از سنت‌های فرهنگی مختلف و نیز سیاست‌هایی را که به نابرابری اقتصادی می‌پردازند و فرصت‌هایی را برای تحرک اجتماعی رو به بالا فراهم می‌کنند، شامل می‌شود (Weber, 2010; West, 2004; Fukuyama, 2018; Walzer, Durkheim, 2004). به‌طور کلی، مفهوم انسجام ملی مفهومی پیچیده و چندوجهی است و بحث‌های مستمری در میان محققان و سیاست‌گذاران در مورد بهترین روش دستیابی به آن در زمینه‌های مختلف وجود دارد. در این پژوهش بر مبنای شاخص‌های عملیاتی سه مؤلفه انسجام اجتماعی،

انسجام فرهنگی و انسجام سیاسی، روندها و وضعیت انسجام ملی در چند دوره تاریخی ارزیابی می‌گردد.

۴-۱. مؤلفه‌های انسجام ملی

در یک نگاه عام سه مؤلفه انسجام اجتماعی، انسجام فرهنگی و انسجام سیاسی مهم‌ترین عناصر و ابعاد انسجام ملی هستند و هر یک از آنها نقش و جایگاه معینی در تقویت یا تضعیف انسجام ملی دارند. احساس قوی انسجام ملی مستلزم تعادل بین این سه مؤلفه و نیز شناخت تنوع و پیچیدگی جوامع مدرن یا در حال گذار است. این سه مؤلفه با هم به احساس انسجام ملی کمک می‌کنند که زیربنای ثبات اجتماعی، مشروعیت سیاسی و توسعه اقتصادی در یک جامعه است.

• مفهوم و شاخص‌های انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی به عنوان یکی از سه مؤلفه تشکیل‌دهنده انسجام ملی در کانون مفهومی خود به وضعیتی اشاره دارد که اعضای یک جامعه با ارزش‌ها، هنجارها و اهداف مشترک و با احساس تعلق آنها به یک جامعه مشترک به هم مرتبط هستند. انسجام اجتماعی شامل ابعاد مختلفی از جمله استحکام پیوندهای اجتماعی، میزان اعتماد و همبستگی بین افراد و گروه‌ها و میزان فراگیری اجتماعی و برابری در یک جامعه است. اغلب به عنوان یک عامل کلیدی در ارتقای ثبات اجتماعی، کاهش تعارض و تقویت اقدام جمعی در جهت اهداف مشترک دیده می‌شود (Durkheim, 2014/1893; Putnam, 2000)

محققان چهارچوب‌ها و شاخص‌های متعددی را معرفی کرده‌اند که می‌تواند برای اندازه‌گیری انسجام اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. در اینجا به برخی از ابعاد و شاخص‌های مستخرج از نظریه‌های جامعه‌شناختی اشاره می‌شود:

۱. احساس تعلق^۱: این شاخص به وضعیتی اشاره دارد که افراد احساس می‌کنند با جامعه خود ارتباط دارند و بخشی از آن هستند. شاخص‌های عملیاتی ممکن است شامل میزان حضور در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد به دیگران و هم‌ذات‌پنداری با جامعه باشد.
۲. ارزش‌ها و هنجارهای مشترک^۲: این بعد به میزان اشتراک افراد در ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مشترک اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای نگرش نسبت به تنوع، مدارا و پذیرش دیگران باشد.

1. Sense of Belonging
2. Shared Values and Norms

۳. **فراگیری اجتماعی و برابری**^۱: این بعد به میزان برخوردارگی همه اعضای جامعه از فرصت‌ها و دسترسی برابر به منابع اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای نابرابری درآمد، سطح تحصیلات و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی باشند.
۴. **مشارکت در تصمیم‌گیری**^۲: این شاخص به میزان توانایی افراد برای مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، اشاره دارد. سنجه‌ها ممکن است شامل اقدامات مشارکت سیاسی، مشارکت مدنی و دسترسی به اطلاعات باشند.
۵. **ایمنی و امنیت**^۳: این بعد به میزان احساس امنیت و آرامش افراد در جامعه خود اشاره دارد. سنجه‌ها ممکن است شامل میزان جرم و جنایت، درک ایمنی و اعتماد به اجرای قانون باشد.

• مفهوم و شاخص‌های انسجام فرهنگی

انسجام فرهنگی به میزان وحدت و هویت مشترکی اطلاق می‌شود که در میان اعضای یک جامعه یا گروه بر اساس باورها، ارزش‌ها، اعمال و نمادهای فرهنگی آنها وجود دارد و مردم به واسطه تجربیات فرهنگی مشترکشان به هم پیوند می‌یابند و این تجربیات به آنها احساس هدف و هویت مشترک می‌دهد (Putnam, 2000; Geertz, 1973). مهم‌ترین عناصر پیونددهنده انسجام فرهنگی را می‌توان زبان، مذهب، آداب و رسوم، سنت‌ها و آیین‌ها بیان کرد (Anderson, 1983). مهم‌ترین شاخص‌های این مفهوم عبارت‌اند از:

- **تنوع فرهنگی**^۴: این بعد به گستره گروه‌ها و هویت‌های فرهنگی در یک جامعه اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای تنوع زبانی، تنوع قومیتی و تنوع مذهبی باشد.
- **تماس بین فرهنگی**^۵: این بعد به فراوانی و کیفیت تعاملات بین افراد با زمینه‌های فرهنگی مختلف اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای تنوع شبکه‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی و اعتماد بین گروهی باشند.
- **مشارکت فرهنگی**^۶: این بعد به میزان مشارکت افراد با فعالیت‌ها و نهادهای فرهنگی در جامعه خود اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل اقداماتی برای حضور در رویدادهای فرهنگی، مشارکت در سازمان‌های فرهنگی و حمایت از بودجه فرهنگی باشد.

1. Social Inclusion and Equity
2. Participation in Decision-Making
3. Safety and Security
4. Cultural Diversity
5. Inter-Cultural Contact
6. Cultural Participation

- **دانش فرهنگی**^۱: این مؤلفه به میزان دانش و درک افراد از فرهنگ خود و سایر فرهنگ‌ها اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای سواد فرهنگی، دانش تاریخ و سنت‌های فرهنگی و قرار گرفتن در معرض دیدگاه‌های مختلف فرهنگی باشند.

- **هویت فرهنگی**^۲: این بعد به میزان احساس ارتباط و افتخار افراد با میراث فرهنگی خود اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای خودشناسی فرهنگی، استفاده از زبان و ارزش‌ها و باورهای فرهنگی باشند.

• مفهوم و شاخص‌های انسجام سیاسی

مفهوم انسجام سیاسی را می‌توان به عنوان توانایی یک جامعه سیاسی برای حفظ ثبات اجتماعی، وحدت و همکاری از طریق ارزش‌ها، باورها و نهادهای مشترک تعریف کرد. یکی از جنبه‌های کلیدی انسجام سیاسی، توانایی حل‌وفصل مناقشات و اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز است. این می‌تواند شامل توسعه سیستم‌های مؤثر برای میانجیگری و حل اختلاف و همچنین ایجاد نهادهای دموکراتیکی باشد که به شهروندان اجازه می‌دهد در روند سیاسی شرکت کنند و صدایشان شنیده شود (Durkheim, 2004).

هر چند اندازه‌گیری انسجام سیاسی نیز چالش‌برانگیز است، ولی محققان شاخص‌هایی را مانند موارد زیر برای ارزیابی و سنجش آن معرفی کرده‌اند:

- **اعتماد به دولت**^۳: این بعد به میزان اعتماد افراد به دولت و نهادهای آن اشاره دارد. سنجش‌ها ممکن است شامل معیارهای اعتماد به رهبران سیاسی، اعتماد به روند انتخابات و اعتماد به قوه قضائیه باشد.

- **مشارکت سیاسی**^۴: این بعد به میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های سیاسی مانند رأی دادن، حضور در راهپیمایی‌های سیاسی و تماس با نمایندگان منتخب خود اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای مشارکت رأی‌دهندگان، عضویت در احزاب سیاسی و فراوانی بحث‌های سیاسی باشد.

1. Cultural Knowledge
2. Cultural Identity
3. Trust in Government
4. Political Participation

- **هویت سیاسی**^۱: این بعد به میزان ارتباط و تعامل افراد با یک گروه یا ایدئولوژی سیاسی خاص اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای وابستگی سیاسی، خودشناسی ایدئولوژیک و حمایت از مسائل سیاسی خاص باشد.

- **تساهل سیاسی**^۲: این بعد به میزان تمایل افراد برای پذیرش و تحمل تفاوت‌ها و تنوع سیاسی اشاره دارد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهایی از نگرش نسبت به مخالفت‌های سیاسی، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و تمایل به سازش در مورد مسائل سیاسی باشد.

- **فرهنگ سیاسی**^۳ **مشترک**: این بعد به ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مشترکی اشاره دارد که رفتار و نهادهای سیاسی را در یک جامعه شکل می‌دهد. شاخص‌ها ممکن است شامل معیارهای نگرش نسبت به دموکراسی، حاکمیت قانون و نقش دولت در جامعه باشند. در این تحقیق در بخش پژوهش پیمایشی و تدوین پرسش‌نامه و طراحی سؤالات چنین ابعاد و شاخص‌های عملیاتی سه‌گانه برای سنجش انسجام ملی مورد توجه قرار گرفته است.

روندها و الگوهای حکمرانی محلی در ایران

برای بررسی تأثیر نظام حکمرانی محلی بر انسجام ملی در ایران ابتدا لازم است تاریخچه و گونه‌شناسی مختصری از نظام‌های حکمرانی محلی در ایران معاصر ارائه شود تا الگوی نظام حکمرانی در هر مقطع تاریخی شناسایی و معرفی شوند.

۱. روندهای تحول حکمرانی محلی؛ از هخامنشی تا صفوی

بر مبنای روندهای تاریخی، حکمرانی محلی در ایران یک واقعیت انکارناپذیر بوده و دارای پیشینه و البته فرازونشیب‌های گسترده‌ای بوده است. مثلاً هروودوت از بیست ساتراپی و حدود ۷۰ قوم و ملت، که تابع دولت هخامنشیان بودند، نام برده است (هروودوت، ۱۳۸۹). تعداد این ساتراپی‌ها ثابت نبود، بلکه بستگی به پیروزی و فتوحات شاهان داشت. در عهد هخامنشی رابطه میان مرکز پادشاهی و ایالت و همچنین سیاستگذاری‌های پادشاهان ارتباط مستقیمی با نوع نظام حکومتی داشته است (غضنفری و همکاران، ۱۴۰۰).

بیشتر مورخان تاریخ هخامنشی گرایش دارند که نفوذ قدرت مرکزی را در برابر چیزی محدود کنند که می‌توان آن را خودمختاری محلی خواند که حتی پس از اصلاحات داریوش نیز کماکان

1. Political Identity
2. Political Tolerance
3. Political Culture

ادامه داشت. با این حال، دو واقعیت «مرکزی» و «محلی» که در ظاهر با هم متضاد بودند در کنار یکدیگر و به طور دائم در همه مناطق شاهنشاهی بر حسب شرایط خاص هر منطقه وجود داشته است (بریان، ۱۳۸۸). به بیان دیگر، مسئله تمرکز قدرت در ارتباط با روابط شاه با تشکیلات اداری مرکزی و ساتراپی‌ها انکارناپذیر است. به نظر می‌رسد محدوده‌های جغرافیایی هر ساتراپی تقریباً بر گستره قومی و سیاسی آن سرزمینی منطبق بود که به همان نام خوانده می‌شدند. شاید همانطور که مرزهای اصلی شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی را موانع طبیعی شکل می‌داد، محدوده جغرافیایی بسیاری از ساتراپی‌ها نیز با مرزهای طبیعی مانند کوه، رود، دشت و دریاچه تعیین می‌شد (غضنفری و همکاران، ۱۴۰۰). در دوره ساسانی نیز با فرازونشیب‌هایی سنت اداری ساتراپ‌ها و حکومت‌های محلی حفظ شده و تداوم یافت.

پس از حمله اعراب و سقوط امپراطوری ساسانی و تسلط خلافت‌های اسلامی بر ایران، حکومت مرکزی در ایران از بین رفت و به مدت چند سده حاکمیت‌های محلی ایران نیز وابسته به خلافت شدند. از سده چهارم آنچه آل بویه و سلجوقیان و سلسله‌های مشابه در دوران خلافت عباسیان تأسیس کرده بودند، در واقع، «حکومت‌هایی ایرانی» بود که در ذیل «دولت عباسیان» قرار داشتند؛ یعنی به تدریج نوعی شبه فدرالیسم در خلافت عباسیان برقرار شده بود. حاکمانی ایرانی که مشروعیت‌شان را از خلیفه عباسی گرفته و حکومت محلی خاص خود را پدید آوردند. پس از افول سلجوقیان در قرن ششم نوعی حکومت‌های محلی شکل گرفتند که بیشتر به اتابکان معروف شدند. تا ظهور مغول اتابکان در آذربایجان و فارس حاکمیت داشتند. حمله مغول موجب پدیداری حکومت‌های محلی ایلخانی شد. با زوال دولت مغول و ایلخانان، نظام‌های ملوک‌الطوایفی جایگزین دولت‌های ایلخانی و هرج و مرج و بی‌نظمی و آشفتگی ناشی از آن شد و این وضعیت تا زمان ظهور دولت مقتدر صفوی ادامه داشت و ایران دچار انحطاط گردید (شمس، ۱۳۹۶).

نگاهی به تاریخچه ۵۰۰ سال حکمرانی محلی در ایران نشان می‌دهد که به دلایل گوناگون مانند نظام ایلی‌بودن دولت‌ها، قدرت سیاسی به تناسب میان ایلخانان، والیان و ایل‌بیگی‌ها تقسیم می‌شد؛ به گونه‌ای که قبل از رضاشاه، سخنی از تمرکز سیاسی و تخریب ساختار ایلی نبود. به عبارت دیگر، نوع روابط جوامع ایلی با حکومت مرکزی از عصر صفوی تا پهلوی به سه دسته تقسیم می‌شود؛ برخی از ایالت‌ها و ولایت‌های غنی و ثروتمند که جزو املاک سلطنت و به نام «خالصه» و «خاصه» نامیده می‌شدند توسط حکومت مرکزی اداره می‌شد مانند قفقاز و آذربایجان و اصفهان. والیان برخی از ایالت‌ها مانند هرات توسط حکومت مرکزی منصوب ولی

به صورت غیرمتراکم اداره می‌شد و برخی مناطق مانند لرستان و کردستان نیز توسط سلسله‌های کوچک محلی و به صورت غیرمتراکم شبه‌فدرال مدیریت می‌شدند و مشروعیت خود را از حکومت مرکزی ایران می‌گرفتند (شمس ۱۳۹۱).

۲. روندهای تحول حکمرانی محلی؛ از قاجار تا جمهوری اسلامی

در دوره قاجار روابط نهاد سلطنت یا دولت مرکزی با حکومت‌ها و جوامع محلی تا حد زیادی در چهارچوب همان سنت سه‌گانه بوروکراتیک دوره صفوی بود. در دوره قاجار نیز مانند صفویه برای معرفی الگوی نظام حکمرانی ایران در مکاتبات رسمی داخلی و بین‌المللی مانند «فرمان مشروطه» از اصطلاح «ممالک محروسه ایران» استفاده می‌شد که به گونه‌ای مفهوم عدم تمرکز و خودمختاری ایالت‌ها و ولایات را متبادر می‌نمود. در این دوره، سنت جدید ولایتعهدنشینی در آذربایجان بر نظام دیوانی گذشته افزوده شد و این ایالت به عنوان مرکز حضور، رشد و زمامداری جانشین شاه جایگاه سیاسی و ژئوپلیتیکی قابل توجهی پیدا کرد.

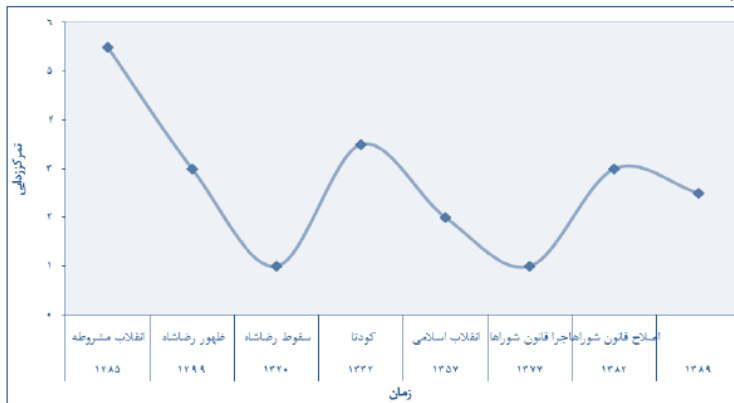
دغدغه خودگردانی محلی از زمان انقلاب مشروطیت در اندیشه نخبگان دمکرات ایرانی تداوم یافت. در اصول متمم قانون اساسی مشروطیت (۹۰ تا ۹۳) و در سال ۱۲۸۶ قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی به تصویب مجلس وقت رسید، ولی تحولات سیاسی وقت مجال اجرای آن قانون را نداد. ایجاد حکمرانی محلی مدرن از انقلاب مشروطه شروع شد و تاکنون در عمر بیش از یک سده خود، دچار تحولات زیادی شده است.

بر مبنای یافته‌های تحقیق موارد ذیل قابل ذکر است: نماد حکمرانی محلی در ایران انجمن بلدیة یا انجمن شهر در قبل از انقلاب اسلامی و شوراهای اسلامی شهر بعد از انقلاب اسلامی بوده است. بررسی قوانین نهادها، انجمن‌ها و شوراهای محلی شهری و تحولات رفته بر آن‌ها نشان می‌دهد که به‌رغم وجود مفاهیم و مضامین مشترک، تفاوت‌های صوری - ساختاری و کارکردی - محتوایی فراوانی به چشم می‌خورد که متأثر از مقتضیات زمان و قدرت هیأت حاکمه بوده و نوعی کشمکش بین تمرکزگرایی (ازجانب دولت مرکزی) و تمرکززدایی (ازجانب انجمن‌ها و شوراها) وجود داشته که پس از دوره‌های کوتاهی از تمرکززدایی، به دلایل نبود فرهنگ دموکراتیک و وجود اقتدارگرایی حکومت مرکزی، تمرکزگرایی بر تمرکززدایی غلبه کرده است (اشرف، ۱۳۹۵).

ناکامی جنبش مشروطه و با تثبیت حکومت پهلوی در دوره رضاشاه تمرکززدایی برآمده از وظایف و اختیارات حکمرانی محلی شهری دوره مشروطه، جای خود را به تمرکزگرایی در قالب قانون بلدیة ۱۳۰۹ هـ.ش داد. سقوط پهلوی اول در ۱۳۲۰ هـ.ش و

پایه‌های لرزان حکومت پهلوی دوم تا کودتای مرداد ۱۳۳۲ هـ.ش، دوره انبساط انجمن‌های محلی بود. در دوره کوتاه نخست‌وزیری مصدق تلاش‌های محدودی برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت‌شان برای اداره امور مناطق و محلات صورت گرفت و لوایحی از همین رهگذر به تصویب رسید که مهمترین آن لایحه لغو همه عوارض در سطح روستاها به سود دهقانان و ازدیاد سهم کشاورزان با کسر ۲۰ درصد از کل درآمد مالکان بود. هرچند قانون شهرداری‌ها ۱۳۲۸ شبه‌دموکراتیک و دخالت حکومت مرکزی در آن زیاد بود، اما نسبت به دوره پهلوی اول مترقی بود. تغییر و تحولات سیاسی و سقوط دولت محمد مصدق و بازگشت مجدد شاه به کشور، زمینه را برای تمرکزگرایی هرچه بیشتر حکومت فراهم کرد. تصویب لوایحی چون انجمن ایالتی و ولایتی و صدور دستوراتی از طرف شاه مبنی بر ساری و جاری شدن اصول شش‌گانه تحت عنوان انقلاب شاه و ملت نتوانست از شدت تمرکزگرایی در نظام سیاسی کشور بکاهد (حبیب‌نژاد، ۱۳۸۸).

البته پس از کودتای ۱۳۳۲ دوره ایجاد نهادهای محلی نیمه‌دولتی و کنترل‌شده آغاز شد و تا انقلاب اسلامی ادامه یافت. در جمهوری اسلامی، تمرکززدایی متجلی در قانون اساسی بر مبنای نهاد شوراهای اسلامی و قانون شوراها ۱۳۶۱، به خاطر بی‌ثباتی سیاسی، جنگ و وجود نیروهای مرکزگرایز اجرا نشد و تا ۱۳۷۷ به صورت نظام تمرکزگرا ادامه یافت. از این سال قانون محدود و ضعیف شوراها اجرا شد و دوره بازخیزی انگیزه‌های تمرکززدایانه و نیمه‌متمرکز ادامه یافت؛ هرچند در سال‌های اخیر برخی تحرکات انقباضی و تمرکزگرایی دیده شده است. متناسب با تحولات سیاسی و اقدامات تمرکزگرایی و تمرکززدایی، وزن هر دوره مشخص شده و به‌صورت شماتیک در شکل زیر نشان داده شده است (ویسی، ۱۳۹۲).



شکل ۳. تحولات حکمرانی محلی و دوره‌های تمرکززدایی در ایران

قوانین مختلف نهادهای محلی شهری ایران در یک سده اخیر نشان می‌دهد که قانونگذاران تفاوت محتوایی و ساختاری (به جز در تعداد اعضای انجمن یا شورای شهر) را برای شهرهای مختلف کشور در نظر نگرفته‌اند. همه شهرها و کلان‌شهرهای ایران با هر میزان وسعت و جمعیت و هرگونه وضعیت سیاسی - اقتصادی، وضعیت یکسانی از نظر نوع ساختار و الگوی حکمرانی محلی (نحوه انتخاب اعضای انجمن شهر یا شورای اسلامی، شهردار یا مدیر اجرایی و نهادهای پیرامونی آن) دارند. یکسان‌نگری و یکسان‌سازی الگوهای ساختاری و نهادی در تمام پهنه سرزمینی ایران، متأثر از حکومت تک‌ساخت و نظام سیاسی متمرکز در کشور بوده است. عمر بیش از یک صدساله حکمرانی محلی و مدیریت شهری مدرن در ایران نشان می‌دهد که نهادهای تصمیم‌ساز حکومت مرکزی با کمک دستور، لایحه، طرح، مصوبه، آیین‌نامه و بخشنامه، نظام تصمیم‌سازی «بالا به پایین» و بدون توجه به ظرفیت‌های منطقه‌ای، فرهنگی، جمعیتی، اقتصادی، سیاسی سعی کرده‌اند الگوی حکمرانی محلی مدیریت شهری یکپارچه و واحدی را به تمام شهرهای ایران ابلاغ و اجرا نمایند.

در جمع‌بندی روند تحولات حکمرانی محلی بایستی اذعان نمود که بررسی قوانین و ساختارهای حکمرانی محلی و مدیریت شهری در ایران نشان می‌دهد که به جز قانون بلدیة ۱۳۸۶ که الگوی شبه کمیسیونی از حکمرانی محلی شهری را ارائه کرده است، در سایر موارد از دوره پهلوی تاکنون، رابطه نهادی و ساختاری اداره امور شهری حکایت از آن دارد که نظام شورا - مدیر حاکم بوده است. نحوه انتصاب مدیر در دوره‌های مختلف تا حدودی با یکدیگر متفاوت بوده

است؛ به گونه‌ای که انتصاب مدیر بر اساس قانون بلدیة ۱۳۰۹ و ۱۳۲۸ و دوره عدم اجرای قانون شوراهای اسلامی (۱۳۷۸-۱۳۵۸) پس از انقلاب اسلامی، بیشتر تحت تأثیر نهادهای قدرتمند حکومت مرکزی بوده و در سایر موارد (قانون بلدیة، قانون انجمن شهر، قانون شوراهای اسلامی) از نهادهای دموکراتیک مردمی تأثیر بیشتری پذیرفته است. مقایسه تطبیقی مدل شورا - مدیر در حکمرانی محلی شهری قبل از انقلاب با دوره انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که انجمن یا شورای شهر متشکل از نمایندگان منتخب محلات شهر بوده است، اما در دوره بعد از انقلاب اسلامی، شوراهای شهر با رأی همه مردم شهر، به صورت یکجا انتخاب می‌شوند. تغییرات متعدد در تعداد اعضای انجمن شهر یا شوراهای اسلامی شهر در دوره‌های مختلف زمانی در شهرهای مختلف و نحوه انتخاب اعضا و مدیر اجرایی و ساختارهای انتخاباتی آن نشان می‌دهد که دغدغه اصلی قانون‌گذاران ایران در خصوص نهادهای محلی، شکل و ظاهر نهادهای و تعداد اعضای آنها بوده است تا به نوعی مشروعیت حکومت در طیف گسترده قوانین حکمرانی محلی را نشان دهند. به عبارت دیگر، در بیش از یک صد سال قانون‌گذاری اداره امور شهری، ما بیشتر شاهد نهادسازی، نمادسازی، الگوسازی شبه‌دموکراتیک و توجه به ظواهر حکمرانی محلی شهری بوده‌ایم؛ این در حالی است که از اختیارات معنادار حکمرانی محلی شهری و توسعه قدرت آن کمتر سخن رفته است و در موارد زیادی چنین اختیاراتی کاهش یافته است.

د) تحلیل یافته‌ها

با استفاده از مفاهیم و تعاریف عملیاتی، گزاره‌ها و وقایع تاریخی مرتبط با هر مفهوم، از اسناد و منابع مرتبط جمع‌آوری و استخراج گردید. به این ترتیب که الگوهای حکمرانی محلی در دوره‌های مورد نظر چه تأثیراتی در ابعاد سه‌گانه انسجام ملی یعنی انسجام اجتماعی (احساس تعلق، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، شمولیت اجتماعی و برابری، مشارکت در تصمیم‌گیری، ایمنی و امنیت)، انسجام فرهنگی (تنوع فرهنگی، تماس بین فرهنگی، مشارکت فرهنگی، دانش فرهنگی، هویت فرهنگی) و انسجام سیاسی (اعتماد به دولت، مشارکت سیاسی، هویت سیاسی، تساهل سیاسی، فرهنگ سیاسی) را داشته‌اند.

دت و ضعف ابعاد مختلف انسجام‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دوره‌های چهارگانه تفاوت بود، به عبارتی دیگر، تقویت و تضعیف انسجام ملی تحت تأثیر نظام‌های حکمرانی محلی در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است. لذا به نظر می‌رسد برای رسیدن به نتایج واضح‌تر و منظم‌تر بهتر است دو قطبی تقویت - تضعیف را در طیفی متشکل از پنج سطح قرار دهیم،

به طوری که سطح شدت آنها در این سطوح به صورت انباشتی تقسیم شود. در این پژوهش این طیف را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

۱- تضعیف شد. ۲- نسبتاً تضعیف شد. ۳- هم تضعیف و هم تقویت شد. ۴- نسبتاً تقویت شد. ۵- تقویت شد.

اگر بر فرض، مطابق جدول، هر سطح دارای وزن تأثیر ۱ تا ۵ به ترتیب باشند، بنابراین می‌توانیم با توجه به مطالب استخراج و استنباط‌شده، نتایج را به صورت تقریبی به شرح جدول زیر مرتب کنیم:

جدول ۲. جدول طیف ضریب تأثیر

مقدار عددی	شدت معنایی
۱	تضعیف (۱)
۲	نسبتاً تضعیف (۲)
۳	هم تضعیف هم تقویت (۳)
۴	نسبتاً تقویت (۴)
۵	تقویت (۵)

جدول ۳. وضعیت شاخص‌های انسجام اجتماعی در دوره چهارگانه

وضعیت شاخص‌های انسجام اجتماعی در دوره‌های چهارگانه						
میانگین	ایمنی و امنیت	مشارکت در تصمیم‌گیری	شمولیت اجتماعی و برابری	ارزش‌ها و هنجارهای مشترک	احساس تعلق	ابعاد دوره‌ها
۳/۲	نسبتاً تضعیف (۲)	هم تضعیف هم تقویت (۳)	هم تضعیف هم تقویت (۳)	نسبتاً تقویت (۴)	نسبتاً تقویت (۴)	دوره اول ۱۳۷۵-۱۳۰۴
۱/۸	تضعیف (۱)	تضعیف (۱)	نسبتاً تقویت (۴)	تضعیف (۱)	نسبتاً تضعیف (۲)	دوره دوم ۱۳۰۴-۱۳۳۰
۲/۴	هم تضعیف هم تقویت (۳)	نسبتاً تضعیف (۲)	تقویت (۵)	تضعیف (۱)	تضعیف (۱)	دوره سوم ۱۳۳۰-۱۳۵۷
۳/۸	هم تضعیف هم تقویت (۳)	هم تضعیف هم تقویت (۳)	تقویت (۵)	هم تضعیف هم تقویت (۳)	تقویت (۵)	دوره چهارم ۱۳۵۷-۱۴۰۰

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین انسجام اجتماعی تحت تأثیر الگوهای حکمرانی محلی در دوره چهارم یعنی ۱۳۵۷-۱۴۰۰ بیشتر از بقیه دوره‌ها است با کسب نمره ۳/۸ از ۵ نمره ممکن و دوره دوم یعنی زمان حکومت رضاشاه ۱۳۰۴-۱۳۳۰ از کمترین انسجام اجتماعی برخوردار است با کسب نمره ۱/۸ از ۵ نمره ممکن. دوره اول نیز با اختلاف اندک از دوره چهارم وضعیت بهتری نسبت به دوره سوم دارد.

جدول ۴. وضعیت شاخص‌های انسجام فرهنگی در دوره چهارگانه

وضعیت شاخص‌های انسجام فرهنگی در دوره‌های چهارگانه						ابعاد دوره‌ها
میانگین	هویت فرهنگی	دانش فرهنگی	مشارکت فرهنگی	تماس بین فرهنگی	تنوع فرهنگی	
۳/۸	تقویت (۵)	نسبتاً تقویت (۴)	هم تضعیف هم تقویت (۳)	نسبتاً تضعیف (۲)	تقویت (۵)	دوره اول ۱۳۲۵- ۱۳۰۴ (۱۳۰۴)
۱/۶	تضعیف (۱)	نسبتاً تضعیف (۲)	تضعیف (۱)	هم تضعیف هم تقویت (۳)	تضعیف (۱)	دوره دوم ۱۳۰۴- ۱۳۳۰ (۱۳۳۰)
۲/۸	هم تضعیف هم تقویت (۳)	نسبتاً تضعیف (۲)	نسبتاً تقویت (۴)	تضعیف (۲)	هم تقویت (۳)	دوره سوم ۱۳۳۰-۱۳۵۷- ۱۳۳۰ (۱۳۵۷)
۳/۶	هم تضعیف هم تقویت (۳)	نسبتاً تقویت (۴)	هم تضعیف هم تقویت (۳)	نسبتاً تقویت (۴)	نسبتاً تقویت (۴)	دوره چهارم ۱۳۵۷- ۱۴۰۰ (۱۴۰۰)

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود به نظر کارشناسان میانگین انسجام فرهنگی تحت تأثیر الگوهای حکمرانی محلی در دوره اول یعنی دوران مشروطه ۱۳۰۴-۱۳۲۵ بیشتر از بقیه دوره‌ها است با کسب نمره ۳/۸ از ۵ نمره ممکن و دوره دوم یعنی زمان حکومت رضاشاه ۱۳۰۴-۱۳۲۰ با کسب نمره ۱/۶ از ۵ نمره ممکن از کمترین انسجام فرهنگی برخوردار است. دوره چهارم نیز با اختلاف اندک از دوره اول وضعیت بهتری نسبت به دوره سوم دارد.

جدول ۵. وضعیت شاخص‌های انسجام سیاسی در دوره چهارگانه

وضعیت شاخص‌های انسجام سیاسی در دوره‌های چهارگانه						
میانگین	فرهنگ سیاسی	تساهل سیاسی	هویت سیاسی	مشارکت سیاسی	اعتماد به دولت	ابعاد دوره‌ها
۲/۸	تقویت (۵)	هم تضعیف (۳)	نسبتاً تضعیف (۲)	نسبتاً تضعیف (۲)	نسبتاً تضعیف (۲)	دوره اول (۱۳۰۴-۱۳۷۵)
۱/۸	نسبتاً تضعیف (۲)	تضعیف (۱)	هم تضعیف (۳)	نسبتاً تضعیف (۲)	تضعیف (۱)	دوره دوم (۱۳۲۰-۱۳۰۴)
۲	هم تضعیف (۳)	تضعیف (۱)	هم تضعیف (۳)	تضعیف (۱)	نسبتاً تضعیف (۲)	دوره سوم (۱۳۵۷-۱۳۸۰)
۳	هم تضعیف (۳)	نسبتاً تضعیف (۲)	هم تضعیف (۳)	نسبتاً تقویت (۴)	هم تضعیف (۳)	دوره چهارم (۱۴۰۰-۱۳۵۷)

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، میانگین انسجام سیاسی تحت تأثیر الگوهای حکمرانی محلی در دوره چهارم یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷-۱۴۰۰ بیشتر از بقیه دوره‌ها بوده و با کسب نمره ۳ از ۵ نمره ممکن و دوره دوم یعنی زمان حکومت رضاشاه ۱۳۰۴-۱۳۲۰ با کسب نمره ۱/۸ از ۵ نمره ممکن از کمترین انسجام سیاسی برخوردار است. دوره اول نیز با اختلاف اندک از دوره چهارم وضعیت بهتری نسبت به دوره سوم دارد.

انسجام ملی - بر اساس مؤلفه‌های انسجام اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

همانطور که در بخش‌های پیش نیز ذکر شد، در این تحقیق مفهوم انسجام ملی بر اساس سه مؤلفه انسجام اجتماعی، انسجام فرهنگی و انسجام اجتماعی چهارچوب‌بندی شده است. از همین رو، براساس نظرات به‌دست‌آمده از کارشناسان، حدود انسجام ملی در هر دوره به‌صورت میانگین به شرح زیر می‌باشد.

دوره اول: از انقلاب مشروطه تا ظهور رضاخان (۱۲۷۵-۱۳۰۴):

جدول ۶. میانگین وضعیت ابعاد انسجام ملی در دوره اول (۱۲۷۵-۱۳۰۴)

دوره اول (۱۲۷۵-۱۳۰۴)	میانگین شدت نسبی انسجام اجتماعی	میانگین شدت نسبی انسجام فرهنگی	میانگین شدت نسبی انسجام سیاسی	میانگین شدت نسبی انسجام ملی
میانگین ۰ تا ۵	۲/۳۵	۲/۹۷	۲/۵۷	۲/۶۳
درصدی	۴۷	۵۹/۴	۵۱/۴	۵۲/۶

در دوره اول، به نظر کارشناسان میانگین انسجام ملی ۲/۶۳ بوده که در مجموع در رتبه سوم دوره قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد به خاطر منازعات جریان‌های سیاسی و ناامنی‌ها در مرکز و بحران‌های منطقه‌ای در مناطق پیرامونی شاخص‌های انسجام اجتماعی و انسجام سیاسی با تهدیدات و چالش‌های معینی مواجه است. به نظر می‌رسد کاهش نفوذ و اقتدار مرکز و نیز بی‌تجربگی در عملکرد نهادهای حکمرانی محلی مانند انجمن‌های ایالتی و ولایتی در خصوص نظر کارشناسان تأثیر داشته باشد.

دوره دوم: از ظهور رضاخان تا به قدرت رسیدن محمدرضا شاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰):

جدول ۷. میانگین وضعیت ابعاد انسجام ملی در دوره دوم (۱۳۰۴-۱۳۲۰)

دوره دوم (۱۳۰۴-۱۳۲۰)	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام اجتماعی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام سیاسی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام فرهنگی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام ملی
میانگین ۰ تا ۵	۲/۷۱	۲/۶۸	۲/۳۳	۲/۵۷
درصدی	۵۴/۲	۵۳/۶	۴۶/۶	۵۱/۴

در دوره دوم که همزمان با پایان سلسله قاجار و روی کار آمدن رضاشاه است، شاخص‌های انسجام ملی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نسبت به دوره قبل تا حدودی تقویت می‌شود. ولی در این دوره شکل‌گیری نوعی خودکامگی سیاسی و دولت متمرکز مطلقه هر چند موجب کاهش منازعات و ناامنی‌های اجتماعی شد، ولی به‌خاطر حذف نخبگان و احزاب سیاسی و تضعیف رویه‌ها و نهادهای انتخاباتی و پارلمانی، به ویژه نهادهای حکمرانی محلی مانند انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انسجام سیاسی به‌شدت تضعیف (۲/۳۳) می‌شود و به همین خاطر ضریب میانگین انسجام ملی کاهش می‌یابد.

دوره سوم: از به قدرت رسیدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۲۰-۱۳۵۷):

جدول ۸. میانگین وضعیت ابعاد انسجام ملی در دوره دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

دوره سوم (۱۳۲۰-)	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام فرهنگی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام سیاسی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام ملی
۲/۸۴	۲/۶۳	۳/۰۳	۲/۸۷	۵ تا ۵
۵۶/۸	۵۲/۶	۶۰/۶	۵۷/۴	درصدی

دوره سوم به لحاظ مؤلفه‌های انسجام ملی به دو دوره متمایز ۱۳۲۰-۱۳۳۲ و از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی تقسیم می‌شود و به‌همین خاطر، ارزیابی این دوره بر مبنای شاخص‌های عملیاتی ابعاد مختلف انسجام ملی، وضعیت پیچیده‌ای پیدا نموده که بر نظر کارشناسان تأثیر گذاشته است. در دوره قبل از کودتا با سقوط دولت خودکامه رضاشاهی و نهادهای نظامی و امنیتی و عدم امکان تمرکزگرایی موجب تضعیف وضعیت شاخص‌های انسجام اجتماعی و فرهنگی می‌گردد، ولی به خاطر فضای باز سیاسی شاخص‌های انسجام سیاسی بهبود می‌یابد. ولی پس از کودتا، تمرکزگرایی شدید و دولت خودکامه نظامی موجب شکل‌گیری نوعی همبستگی مکانیکی و اجبارآمیز از یک‌سو و تلاش برای تمرکززدایی اقتصادی و ایجاد قطب‌های منطقه‌ای توسعه در مناطق پیرامونی کشور موجب نوعی رضایت اجتماعی می‌گردد. بر همین مبنای میانگین ضریب مدنظر کارشناسان به این دوره با ۲/۸۴ بیشتر از دو دوره مشروطه و پهلوی اول بوده است.

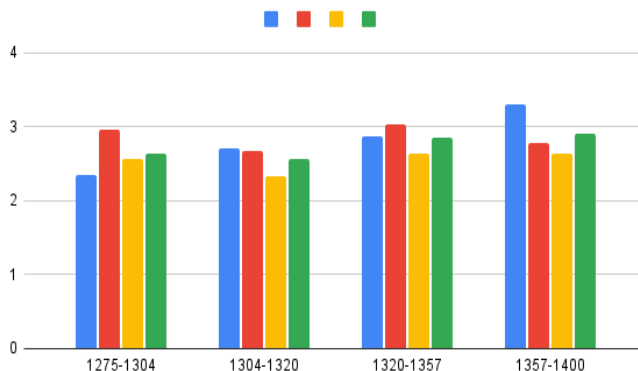
دوره چهارم: از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون (۱۳۵۷-۱۴۰۰):

جدول ۹. میانگین وضعیت ابعاد انسجام ملی در دوره دوم (۱۳۵۷-۱۴۰۰)

دوره چهارم (۱۳۵۷-۱۴۰۰)	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام اجتماعی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام فرهنگی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام سیاسی	میانگین شدت نسبی مفهوم انسجام ملی
میانگین ۰ تا ۵ درصدی	۳/۳	۲/۷۷	۲/۶۳	۲/۹
درصدی	۶۶	۵۵/۴	۵۲/۶	۵۸

به نظر می‌رسد نظام حکمرانی ترکیبی یعنی بوروکراتیک- غیرمتمرکز تأثیری معینی بر مؤلفه‌های انسجام ملی در چند دهه گذشته داشته است. به این معنی که بر خلاف دوره مشروطه، روندهای لجام گسیخته ناشی از بی‌تجربگی جامعه سیاسی در انقلاب مشروطه و نیز پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی اول، الگوی حکمرانی سنتی - فئودالی موجب چالش‌های معین برای انسجام ملی شد و نیز بر خلاف دوره پهلوی که الگوی تمرکزگرایانه اداری - سیاسی موجب تضعیف بنیان‌های انسجام ملی گردید، در دوره جمهوری اسلامی نوعی تعادل در تمرکزگرایی و نیز خودگرایی محلی از طریق نهادهای استانی و نیز شوراهای شهر و استان زمینه و بنیان‌های انسجام ملی را تقویت کرده و با میانگین ۲/۹ در صدر قرار گرفته است.

social cohesion, Cultural cohesion, Political cohesion and National cohesion



شکل ۴. میانگین شدت نسبی انسجام اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ملی از منظر کارشناسان

جدول ۱۰. جدول میانگین انسجام ملی

مفهوم انسجام ملی				
میانگین	انسجام سیاسی	انسجام فرهنگی	انسجام اجتماعی	ابعاد دوره‌ها
۳/۲۷	۲/۸	۳/۸	۳/۲	دوره اول -۱۳۷۵) (۱۳۰۴
۱/۷۳	۱/۸	۱/۶	۱/۸	دوره دوم (۱۳۳۰-۱۳۰۴)
۲/۴	۲	۲/۸	۲/۴	دوره سوم -۱۳۳۰) (۱۳۵۷
۳/۴۷	۳	۳/۶	۳/۸	دوره چهارم -۱۳۵۷) (۱۴۰۰

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوهای مختلف حکمرانی محلی تأثیر معینی بر انسجام ملی در ایران معاصر داشته است. بر مبنای روندهای تاریخی و نیز میانگین نظرات اساتید و کارشناسان، الگوی حکمرانی ترکیبی (بوروکراتیک - غیرمتمرکز) تأثیر مثبتی در دوره جمهوری اسلامی بر انسجام ملی داشته و با کسب نمره ۳/۴۷ از ۵ نمره ممکن در صدر قرار دارد. الگوی حکمرانی سنتی - فئودالی که در دوره مشروطه همراه با تأسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی گردید، به‌خاطر ناامنی‌های ناشی از اشغال ایران در جنگ جهانی اول و نیز شکل‌گیری جنبش‌های منطقه‌ای موجب تضعیف انسجام ملی و به‌ویژه انسجام اجتماعی و فرهنگی گردید. در مقابل نیز، ساخت اقتدارگرا و نیز شدیداً متمرکز دولت در دوره پهلوی به‌ویژه در دوره رضا

شاه بنیان‌های انسجام ملی را تضعیف نمود. بر حسب یافته‌های پیمایشی تحقیق، میانگین انسجام ملی در این دوره با ضریب ۲/۵۷ به ضعیف‌ترین وضعیت رسید. دوره ای که با تمرکزگرایی افراطی سیاسی و اداری و حتی اقتصادی، از قدرت خودگردانی حکومت‌های محلی کاسته شد و تمام اختیارات و صلاحیت‌های نهادهای محلی سلب گردید.

در جمع‌بندی پژوهش و ترسیم آینده ارتباط انسجام ملی و حکمرانی محلی، باید تأکید نمود یکی از چالش‌های پیش‌روی کشورهایی که دارای جغرافیای اقلیمی بزرگ و نیز اقوام مختلف هستند، گرایش گروه‌های قومی و مذهبی به اداره امور داخلی، توسط خودشان است. در صورتی که قدرت مرکزی نتواند در شرایط ثبات، این تمایل را به درستی هدایت و وفاق ملی را تقویت کند، در شرایط بی‌ثباتی، زمینه واگرایی کشور فراهم خواهد شد. بحران‌های پس از سقوط رضا شاه و نیز محمدرضا نشان می‌دهد که نظام حکمرانی ملی و الگوی ساختار سیاسی و حکومت مرکزی مواجه با چالش‌های ناشی از تداوم تمرکزگرایی می‌باشد. بر این اساس، کمک به تحقق حکمرانی محلی و منطقه‌ای توسط نهادهای کمک‌رسان مانند دولت محلی، نشانه بهبود و نوسازی حکمرانی محلی می‌باشد. مثلاً در چند هزار سال پیش مرزهای گسترده و تنوع قومیتی قلمرو هخامنشیان نظام حکومتی خاصی را طلب می‌کرد که بتواند این شاهنشاهی گسترده را کنترل و اداره کند. ویژگی‌های یادشده باعث ایجاد مدلی ویژه از اداره کشور شد که به نظام ساتراپی معروف است. از این‌رو، بر حسب مسائل، چالش‌ها و نیازها و نیز خواسته‌ها و مطالبات، ضروری است ساختار نظام حکمرانی ملی و محلی با توجه به تحولات عمیق در دهه‌های آتی اصلاح گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازین اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

- اشرف، احمد (۲۰۱۰)، *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر نی
- امینیان، بهادر (۱۳۸۶)، *تأثیر هویت ملی در پیوند نسلی؛ فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (جوان و مناسبات نسلی)*، بهار و تابستان ۱۳۸۶ شماره ۱، صص ۷۲-۸۱.
- بدیعی ازندهای، مرجان، محمود واثق، حمیدرضا ملک محمدی، ریحانه عالم (۱۳۹۷)، «حکمرانی در قرن ۲۱ و چالش‌های پیش روی آن»، *فصلنامه آمایش سیاسی فضا* (۲) ۱۰۸۰-۱۱۸۸.
- بریان، پبیر (۱۳۸۶)، *وحدت سیاسی و تعامل فرهنگی در شاهنشاهی هخامنشی*، ترجمه ناهید فروغان، تهران: اختران.
- بریان، پبیر (۱۳۸۸)، *قدرت مرکزی و چند مرکزی فرهنگی در شاهنشاهی هخامنشی*، مجموعه تاریخ هخامنشی، ویراستار: هلن سانیسی وردنبورخ، ج ۱، ترجمه مرتضی ثاقبفر، تهران: توس.
- حافظنیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۹۳)، *فلسفه جغرافیای سیاسی*، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴ تیر ۱۳۹۳، صص ۲۲۹.
- حافظنیا، محمدرضا و هادی ویسی (۱۳۸۶)، «بررسی تطبیقی انجمن‌های محلی با شوراهای اسلامی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران)»، *فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۸۶، تهران، صص ۷۵ - ۱۱۳
- حبیب‌نژاد، سیداحمد (۱۳۸۸)، «بررسی حقوقی شوراهای اسلامی شهر در پرتو اصول تمرکززدایی»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال پنجم، ش ۲۰، صص ۱۱۱-۱۳۱.
- رضایی، محسن (۱۳۹۱)، *فدرالیسم اقتصادی*، تهران، انتشارات کمیل.
- زارع نیستانک، محمد (۱۳۹۴)، «نسبت هویت ملی با وحدت و انسجام ملی در ایران»، *هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی*، <https://civilica.com/doc/433270>.

شمس، عبدالحمید (۱۳۹۱)، *حاکمیت محلی؛ از تراکم‌زدایی تا فدرالیسم*، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

شمس، عبدالحمید (۱۳۹۶)، «نظری بر سازماندهی حکمرانی محلی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارهای حقوقی - اداری»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره نهم، شماره ۲، ۲۹-۵۵.

غضنفری، کلثوم و همکاران (۱۴۰۰)، «مدیریت سیاسی فضا در عصر هخامنشی و تأثیر آن بر همگرایی و واگرایی اقوام ساکن قلمرو آن»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۵۳، شماره ۲، ۴۵۳-۴۷۳.

هرودوت (۱۳۸۹)، *تاریخ هرودوت*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: اساطیر.

ویسی، هادی (۱۳۹۲)، «بررسی الگوهای دولت محلی و تطبیق آن با شهرهای ایران»، *جغرافیا و توسعه*، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۳۳، صص ۱۵۸-۱۳۹.

یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه مفهومی و تأثیر حکمرانی بر سیاست‌گذاری عمومی»، *نشریه پژوهش‌های روابط بین‌الملل* (۲)، ص ۱۰۹.

Acharya, Sushmita (2024). *Governance: An analytical and conceptual synthesis*. "Paanj, 30" (1).

Anderson, Benedict (1983). *The nation-state as cultural entity*. In "Nationalism and the state". New Left Books.

Anil, Kumar Biswas (2020). Local governance and development communication: A case study of Gram Panchayat from Cooch Behar District in West Bengal, India. *Journal of Politics and Governance*, 8 (10).
<https://doi.org/10.47914/JPG.2020.V08I10.003>

Arendt, Hannah (1958). *The human condition*. University of Chicago Press.

Bragança de Miranda, José (2022). Notes on governance. *International Journal of Film and Media Arts*, 7(3). <https://doi.org/10.24140/ijfma.v7.n3.03>.

Bouckaert, Geert (2023). Effective local governance. In "Handbook on local governance" (pp. 1-20). Edward Elgar.
<https://doi.org/10.4337/9781800371200.00011>

Buyske, Jo. (2022). New governance concepts for digitalization: Challenges and potentials. In "Digital transformation and governance" (pp. 1-15). Springer.
https://doi.org/10.1007/978-3-662-67004-0_16.

Chikalkin, Serhii (2024). The concept and essence of corporate governance. *Smart Supply Chain and Logistics*, 23 (6). <https://doi.org/10.46783/smart-scm/2024-23-6>

Demuynck, Méryl, & Coleman, Julie (2023). Local governance as a (de-) legitimizing tool for competing violent extremist groups in Central Mali. In *Governance and conflict in fragile states* (pp. 1-25). Oxford University Press.
<https://doi.org/10.1093/oso/9780197690390.003.0009>.

Durkheim, Émile (1995). *The elementary forms of religious life* (Original work published 1912). Free Press.

Durkheim, Émile (2004). *Suicide: A study in sociology* (Original work published 1897). Routledge.

Durkheim, Émile (2014). *The division of labor in society* (Original work published 1893). Free Press.

Etebom, John Monday, & Wijaya, Junior Hendri (2022). The historical development of local government administration and its contemporary realities in Nigeria. *The Journalish*, 3 (1). <https://doi.org/10.55314/tsg.v3i1.226>

Fukuyama, Francis (2018). *Identity: The demand for dignity and the politics of resentment*. Farrar, Straus and Giroux.

Geertz, Clifford (1973). *The interpretation of cultures*. Basic Books.

Hettige, Siri T., & Bigdon, Christoph. (2003). *Local governance and conflict management in Sri Lanka* [Final Report]. Sri Lanka Institute of Local Governance.

Kjaer, Anne Mette. (2005). *Governance*. Polity Press.

Libanova, Ella, & Romaniuk, Serhii (2023). Conceptualization of governance in social relations. *Demography and Social Economy*, 3(1). <https://doi.org/10.15407/dse2023.03.033>

Lutsenko, Sergey (2023). Economic and legal analysis of the concept of good governance in company's activities. *Economic Science of Modern Russia*, 2 (101), 72–82. [https://doi.org/10.33293/1609-1442-2023-2\(101\)-72-82](https://doi.org/10.33293/1609-1442-2023-2(101)-72-82)

Makashini, Liliyas, Munshifwa, Edward & Adewunmi, Yewande (2023). Local governance structures and their role in mobilising community action: A case of recreational facilities in mining towns in the Copperbelt Province. *Malaysian Journal of Real Estate*, 17 (2). <https://doi.org/10.11113/intrest.v17n2.300>

Ngini, Ignatius I., Jude, Chika O. & Eze, Chinwe Mariaceline (2023). Local government: Effective tool for socio-political and economic development in the South-East. *Journal of Political Science and Leadership Research*, 9 (2), 53–69. <https://doi.org/10.56201/jpslr.v9.no2.2023.pg53.69>.

Paden, John N. (2005). *Ethno-religious identity and conflict in Northern Nigeria*. Brookings Institution Press.

Phillips, Sarah. (2019). Proximities of violence: Civil order beyond governance institutions. *International Studies Quarterly*, 63 (3), 680–691. <https://doi.org/10.1093/isq/sqz038>

Pierre, Jon & Peters, B. Guy. (2000). *Governance, politics, and the state*. St. Martin's Press.

Putnam, Robert D. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton University Press.

Putnam, Robert D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American Community*. Simon & Schuster.

Rusli, Herman, Mukhlis, Mukhlis, Samad, Iskandar Abdul & Nuthihar, Rahmad (2022). Hikayat Pocut Muhammad: Konsep Pemerintahan Berbasis Kearifan Lokal [Hikayat Pocut Muhammad: The concept of governance based on local wisdom]. *Indonesian Language Education and Literature*, 8 (1). <https://doi.org/10.24235/ileal.v8i1.11411>.

Schedler, Kuno (2022). Public governance and public management. In *Handbook of public administration* (pp. 1–20). Edward Elgar. <https://doi.org/10.4337/9781800375499.public.governance>.

Shafi, Halima (2022). The role of local governance in rationalizing the performance of local administration [المحلیه الإدارة أداء ترشید فی المحلیه الحوكمه دور]. *International Journal of Advanced Research on Law and Governance*, 7 (1). <https://doi.org/10.21608/ijarlg.2021.91951.1025>.

Sumin, M. (2023) The concept of corporate governance: The history of formation. *Problems of Economics and Legal Practice*, 19 (6), 118–123. <https://doi.org/10.33693/2541-8025-2023-19-6-118-123>.

Sutton, Jeffrey S. (2021). Local governments. In *Handbook of public policy* (pp. 1–15). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780197582183.003.0010>.

Walzer, Michael. (2004). *Politics and passion: Toward a more egalitarian liberalism*. Yale University Press.

Weber, Max. (2010). *The theory of social and economic organization* (Talcott Parsons, Ed.; Original work published 1920). University of Michigan.

West, Cornel. (2004). *Democracy matters: Winning the fight against imperialism*. Penguin.



انستیتو مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 01 November 2024
 Revised 29 December 2024
 Accepted 04 January 2025
 Published online 15 March 2025

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 4, pp 117-141



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

Factors Affecting Regional Security Governance in West Asia (2011-2020): A Comparative Study of Iran, Turkey, and Saudi Arabia

Seyed Jalal Dehghani Firooz Abadi ¹, Hossein Salimi ², Gholamali Chegnizadehi ³,
 Samira Akbari ^{4*}

1. Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
2. Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
3. Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
4. Department of International Relations Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Corresponding author email address: s_akbari98@atu.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Akbari, S Dehghani Firooz Abadi, S. J., Salimi, H., and Chegnizadehi, G. (2024). Factors Affecting Regional Security Governance in West Asia (2011-2020): A Comparative Study of Iran, Turkey, and Saudi Arabia. *Strategic Studies Quarterly*, 27(4), 117-141.
 doi:
 10.22034/SSQ.2025.497088.4239



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

West Asia has long been a hotspot for various forms of violence. The complex and multifaceted security threats in the region-coupled with the inherent fragility of states-demand that security be redefined within a new, regional framework. To break away from traditional security policies, there is increasing emphasis on the growing role of non-state actors, established norms, and cooperative security arrangements. In this context, the concept of governance is offered as a means to describe both the dispersion of power and the emergence of new oversight mechanisms that counterbalance state dominance. As a result, regional security governance is now seen as an important form of collective security. With this in mind, this study focuses on three key regional powers-Iran, Turkey, and Saudi Arabia-to examine the process of security governance and the factors that shape it.

Methodology

The study employs a mixed-methods approach. On the quantitative side, international data were analyzed to review the progress of regional security governance over the past decade. For the qualitative aspect, a focus group session was conducted with 10 experts (9 men and 1 woman), and the discussions were analyzed using MAXQDA software.

Results

In terms of persuasive (or soft) policies, Iran's performance improved steadily, with its score rising from 20 in 2012 to over 24 in 2016. Conversely, Saudi Arabia's persuasive policy score dropped from 48 in 2011 to about 33 in 2022, and Turkey also followed a downward trend. Regarding coercive (or hard) policies, Saudi Arabia achieved the highest score of 70 in 2015, while Iran recorded the lowest score of 40 in 2013. Additionally, Iran has been more effective in countering ISIS, whereas Saudi Arabia and Turkey escalated tensions with their military operations in Yemen and parts of Iraq and Syria, respectively. While Iran demonstrated that regional security is a top priority in its fight against ISIS, Turkey generally focused on protecting its borders from refugees and terrorist attacks, even seizing opportunities to intervene in Syria. The qualitative analysis identified 9 main categories and 25 sub-categories (with a total frequency of 310 mentions). Data analysis revealed that 84% of the obstacles to regional security governance in West Asia were associated with persuasive (soft) policies, while only 16% were linked to coercive (hard) measures. This finding suggests that before resorting to hard security tools, establishing regional security governance in this region should primarily rely on diplomatic dialogue and softer forms of engagement.

Conclusion

Focusing on Iran, Turkey, and Saudi Arabia, this research identifies both positive and negative factors influencing regional security governance in West Asia from 2011 to 2022. The study shows that security in the region cannot be ensured by governments alone. Instead, the active participation of non-state actors, international organizations, and a mix of persuasive (diplomatic and economic) and coercive (military and security) tools are crucial to shaping regional security governance. The analysis also indicates significant differences among the regional powers. Their national objectives tend to be almost diametrically opposed, resulting in a fluctuating form of regional security governance. For instance, the persuasive tools used by Iran in resolving regional disputes averaged a score of 22, compared to averages of 36 and 38 for Saudi Arabia and Turkey, respectively. While Saudi Arabia and Turkey show similar tendencies in their use of persuasive and coercive methods, Iran has taken a notably different approach. Reflecting on Europe's approach to regional security governance, it's clear that after World War II, European nations were able to adopt a democracy-based framework with support from the United States that led to nearly uniform responses to conflicts. However, in West Asia, the role of major powers has had the opposite effect—fueling tensions and exacerbating conflicts. Their involvement, most notably their support for the establishment of Israel, has contributed to major issues such as the Arab-Israeli wars, increased securitization, and a drift toward authoritarianism among regional governments. The military presence of extra-regional powers has pressured these countries to prioritize military solutions instead of diplomatic ones. Furthermore, the region's geopolitical and economic significance continues to fuel competition among these powers. Rivalries, such as that between China and the United States, have even led to bloc formations in the region, potentially undermining the development of regional security governance. Even the region's failed state- and nation-building process—which is seen as one of the main reasons why this

form of governance has not been established in West Asia—has been influenced, to some extent, by the Sykes-Picot Agreement and by Israel.

The qualitative findings further highlight that regional powers' abilities to protect their societies (by leveraging resources for defense and military intervention), combined with their unique interpretations of security and stability, domestic multi-actor dynamics (involving the role of non-state actors), and external delegations to regional organizations, are among the key factors shaping regional security governance. On the other hand, issues such as the Israel factor, extra-regional interventions, authoritarian tendencies, strategic culture, border disputes, and incomplete or unsynchronized political and economic structures have negatively affected its development.

Keywords: Regional Security Governance; West Asia; External Interventions; Iran; Saudi Arabia; Turkey.

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources

This research received no external funding.



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله
دریافت‌شده در تاریخ ۱۱ آبان ۱۴۰۳
اصلاح‌شده در تاریخ ۹ دی ۱۴۰۳
پذیرفته‌شده در تاریخ ۱۵ دی ۱۴۰۳
منتشر شده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۶
صفحه ۱۱۷-۱۴۱



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

عوامل مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا (۲۰۱۱-۲۰۲۰): مطالعه مقایسه‌ای ایران، ترکیه و عربستان سعودی

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۱، حسین سلیمی^۲، غلامعلی چگنی‌زاده^۳، سمیرا اکبری^۴

۱. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۲. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۳. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۴. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ایمیل نویسنده مسئول: s_akbari98@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی اصلی</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: اکبری، سمیرا، دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، سلیمی، حسین و چگنی‌زاده، غلامعلی. (۱۴۰۳). معنایابی مفهوم امنیت در نامۀ تنسر. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۳)، ۱۱۷-۱۴۱.</p> <p>doi: 10.22034/SSQ.2025.497088.423 9</p> <p></p> <p>© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایست) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.</p>	<p>در این مقاله با استفاده از روش ترکیبی سعی شده به این پرسش پاسخ داده شود که عوامل مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا (۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲) کدام‌اند؟ در همین راستا، ابتدا با استفاده از تحلیل ثانویه و جمع‌آوری داده‌ها از طریق بانک‌های اطلاعاتی فرایند حکمرانی امنیتی منطقه‌ای با استفاده از ابعاد چهارگانه (حفاظت، تضمین، پیشگیری و اجبار) مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه طی این سال‌ها روند نزولی داشته است. میانگین استفاده ترکیه از ابزارهای دیپلماتیک از ۴۸ در سال ۲۰۱۱ به ۳۱ در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته، در حالی که عربستان سعودی نیز روندی مشابه از ۳۹ به ۳۲ داشته است. ایران در این دوره تقریباً با ثبات باقی مانده است. در حوزه ابزارهای قهری، عربستان و ترکیه برخلاف ایران، رفتارهای تهاجمی‌تری داشته‌اند.</p> <p>در بخش کیفی، با استفاده از گروه کانونی و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی نسخه ۲۴ این نتایج حاصل شد توانایی قدرت‌های منطقه‌ای برای حفاظت از جامعه خودشان و برخورداری از منابع کمی و کیفی از یک‌سو (حفاظت) و مداخله نظامی برای برقراری صلح در منطقه و همچنین نوع برداشت از امنیت و ثبات در منطقه از سوی دیگر (اجبار)، همراه با عملکرد چندجانبه داخلی - ایفای نقش بازیگران غیردولتی - و خارجی - تفویض اختیار به سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای - دولت‌ها (اطمینان) و افزایش چشم‌اندازهای حکومت دموکراتیک و نوع برداشت از مرجع امنیت (پیشگیری) از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه است. همچنین مقوله‌های اصلی مسئله اسرائیل، مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اقتدارگرایی، فرهنگ استراتژیک، اختلافات مرزی، ساختارهای اقتصادی و سیاسی غیرمکمل و ناهمسو و غیره از جمله عوامل سلبی اثرگذار بر توسعه حکمرانی امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شود.</p>

واژگان کلیدی: قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اسرائیل، امنیت، انرژی، ساختارهای اقتصادی.

مقدمه

منطقه غرب آسیا به ویژه طی چند دهه گذشته همواره کانون توجه و بروز و ظهور انواع خشونت‌های کنشگرانه بوده است. انفجار برج‌های دوقلوی تجارت جهانی و تقریباً یک دهه بعد، عملیات‌های تروریستی داعش در سطح جهانی، غرب آسیا را در مرکز توجهات جامعه بین‌المللی قرار داد. عواملی از قبیل تروریسم، ایدئولوژی‌های افراطی مذهبی، هویت‌های خشونت‌بار، گسترش فقر و شکاف طبقاتی، کمبود فرصت‌های اشتغال، افزایش مناقشات دامن‌گیر منطقه، تطویل و پیچیدگی بحران‌های منطقه‌ای، ابهام در بدیل‌ها و الگوهای جایگزین، بحران آب و پیامدهای تغییرات اقلیمی و غیره، اقتضای آن را دارند که ثبات و نظم امنیت منطقه‌ای را دستخوش تغییر و تهدید نمایند.

عوامل فوق باعث کاهش ضریب امنیتی منطقه غرب آسیا شده است؛ به‌طوری‌که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۲، بیشترین حملات تروریستی در سطح جهانی با بیش از ۲۳ هزار حمله در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا رخ داده است (Statista, 2023). همچنین، میانگین مرگ‌ومیر ناشی از حملات تروریستی نیز در منطقه غرب آسیا بسیار بالاتر از میانگین جهانی است؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۲۱، بیش از ۲۶۰۰ مرگ‌ومیر به ثبت رسیده است (Our world in data, 2023). داعش نیز در سال ۲۰۲۱ به عنوان مرگبارترین گروه تروریستی در جهان شناخته شد که عمدتاً در غرب آسیا فعالیت می‌کند (Relief web, 2022).

عوامل مذکور و ماهیت چندگانه تهدیدات امنیتی جدید توأم با شکنندگی دولت‌ها در مواجهه با مسائل امنیتی گسترش یافته، تأییدی بر بازتعریف امنیت در یک چهارچوب جدید و منطقه‌ای است که (برای گریز از سیاست‌های امنیتی سنتی)، لزوم مشارکت فزاینده سایر بازیگران غیردولتی، با تأکید بیشتر بر نقش هنجارها و شیوه‌های امنیت مشترک و تعاونی را ایجاب می‌کند. در این حالت، مدیریت بی‌نظمی و تأمین امنیت به بهترین وجه می‌تواند به‌عنوان یک مشکل حکمرانی و همچنین غیرحکومتی در نظر گرفته شود. با عطف به حکمرانی، این مفهوم به ابزاری مفید برای به تصویر کشیدن پراکندگی قدرت در سیاست بین‌الملل و سیاست‌های نظارتی نوظهور که از حاکمیت دولت می‌کاهد، تبدیل شده است. بنابراین، مفهوم حکمرانی امنیتی منطقه‌ای به عنوان یکی از سازوکارهای امنیت‌جمعی در همین راستا مطرح می‌شود.

در این پژوهش سعی می‌شود با بررسی فرایند حکمرانی امنیتی منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان به‌عنوان سه قدرت منطقه‌ای به عوامل مؤثر بر آن پی برده شود. علت انتخاب سه کشور مذکور این است که سایر کشورها کم‌وبیش به آن‌ها وابسته‌اند. یعنی از جنبه ایجابی و

سلبی حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا به سیاست‌های این کشورها گره خورده است. بنابراین، برای شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا، نخست به پیشینه و چهارچوب مفهومی پژوهش پرداخته می‌شود. سپس روش‌شناسی پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرد. در گام بعد با سنجش فرایند حکمرانی امنیتی منطقه‌ای سه کشور مورد مطالعه، عوامل مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا شناسایی و رتبه‌بندی می‌شوند. علت انتخاب بازه زمانی مذکور به این دلیل است که پس از ۲۰۱۱، موازنه قدرتی که در منطقه حاکم بود تقریباً کارآمدی خود را از دست داد؛ بنابراین، این مقطع به عنوان یک نقطه عطف بسیار مهم در منطقه، ساختار حکمرانی امنیتی منطقه‌ای را دگرگون کرد.

الف) پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش را می‌توان در دو دسته از تحقیقات دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

۱. تحقیقات کلی یا عام حکمرانی امنیتی (جهانی)

تحقیقات برسلین^۱ و کرافت^۲ (۲۰۱۳)، بوایر^۳ و هال^۴ (۲۰۱۳)، اهره‌ارت^۵، هگمان^۶ و کال^۷ (۲۰۱۳)، دس^۸ و فرایسن‌دورف^۹ (۲۰۱۰)، آدلر^{۱۰} و گرو^{۱۱} (۲۰۰۹) و کراهمان^{۱۲} (۲۰۰۳) از مهم‌ترین تحقیقاتی هستند که سعی در پرداختن به مبانی نظری حکمرانی امنیتی، علل مطرح شدن این مفهوم، تمرکز بر عملیاتی کردن آن، یافتن نقاط ضعف و قوت و غیره کرده‌اند. این پژوهش‌ها با وجود اشتراک در مفهوم حکمرانی امنیتی از حیث مکان و زمان مورد مطالعه با مقاله حاضر افتراق دارند.

۲. تحقیقات موردی یا خاص حکمرانی امنیتی (منطقه‌ای)

مسئله سونسون^{۱۳} (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی امنیتی منطقه‌ای: مطالعه موردی آسیای جنوبی» این است که منطقه آسیای جنوبی در حال حاضر با سطح قابل توجه و

1. Shaun Breslin
2. Stuart Croft
3. Mark Bevir
4. Ian Hall
5. Hans-Georg Ehrhart
6. Hendrik Hegemann
7. Martin Kahl
8. Christopher Daase
9. Cornelius Friesendorf
10. Emanuel Adler
11. Patricia Greve
12. Elke Krahnmann
13. Ted Svensson

نگران‌کننده‌ای از مناقشات بین‌دولتی، با ویژگی فراملی مهاجرت و شکل‌گیری هویت جمعی و وجود تعداد قابل‌توجهی از فضاهایی که دولت بر آن‌ها نظارتی ندارد، مواجهه است. این فقدان نظارت به بازیگران غیردولتی مانند طالبان در پاکستان و جنبش مائوئیست در هند اجازه می‌دهد تا خلأ ناشی از نبود یا ناتوانایی دولت برای اعمال حضور معنادار را پر کنند. با توجه به این موضوع، نویسنده استدلال می‌کند که آسیای جنوبی فاقد حکمرانی امنیتی کارآمد است. نویسنده حکمرانی امنیتی را عمدتاً در روابط دوجانبه میان هند و پاکستان مورد بررسی قرار می‌دهد. از دیدگاه وی همکاری میان دولت‌هاست که باعث شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای امنیتی منطقه‌ای می‌شود.

سکورولی^۱ و دیگران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «بار دیگر در مورد حکمرانی امنیت منطقه‌ای: چگونه تحلیل قفقاز جنوبی می‌تواند این مفهوم را پیش ببرد»، پینفاری^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «گره‌ها و شیرها: مصر و حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه»، مفتیلار باچ^۳ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «ترکیه به عنوان یک قدرت در حال ظهور: تحلیلی از نقش آن در مجموعه‌های حکمرانی امنیتی جهانی و منطقه‌ای»، تانگور^۴ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ترکیه در حکمرانی امنیتی اروپا» و جتسکی^۵ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «آیا آسه‌آن تأمین‌کننده حکمرانی امنیتی منطقه‌ای است؟» سعی کرده‌اند به حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در عرصه عمل بپردازند. به عبارت دیگر، صرف مباحث نظری نیستند. باینکه این تحقیقات به بررسی نقش یکی از سه کشور مورد مطالعه این مقاله در حکمرانی امنیتی منطقه‌ای پرداخته‌اند که جنبه اشتراک آن‌ها با مقاله حاضر است، اما آن‌ها نقش کشور مذکور را در غرب آسیا مورد توجه قرار نداده‌اند. تحقیقاتی هم که به حکمرانی امنیتی در غرب آسیا پرداخته‌اند، از نقش قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان غافل بوده‌اند.

مسئله اصلی احتشامی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «منطقه منا: امنیت و حکمرانی منطقه‌ای»، این است که چرا در منطقه منا برخلاف مناطق دیگر مانند اروپا، حکمرانی امنیتی با مشارکت بازیگران غیردولتی شکل نگرفته است؟ نویسنده به این نتیجه رسیده است که اگرچه منطقه منا دارای مراکز امنیتی است (شورای همکاری خلیج فارس)، اما آن‌ها قدرت و مشروعیت لازم برای حل و فصل بحران‌های میان‌دولتی یا مهار مشکلات امنیتی داخلی را ندارد.

1. Michela Ceccorulli
2. Marco Pinfari
3. Meltem Müftüleri-Baç
4. Burak Tangör
5. Anja Jetschke

از دیدگاه وی، در غیاب نهادهای حکمرانی منطقه‌ای، مشکلات امنیتی داخلی این ظرفیت را دارند که از کنترل خارج شده و منطقه‌ای شوند (یمن ۲۰۰۹) و همچنین مداخلات فرامنطقه‌ای (دخالت جامعه بین‌المللی در بحران دارفور سودان) را سبب شوند.

ب) مبانی نظری و مفهومی

در این بخش نخست به تعاریف حکمرانی امنیتی پرداخته می‌شود. در گام‌های بعدی نیز به ترتیب سطوح و سیاست‌های آن مورد توجه قرار می‌گیرد تا الگوی تحلیل پژوهش تکمیل شود.

۱. تعریف حکمرانی امنیتی

همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، تعاریف مختلفی از حکمرانی امنیتی ارائه شده است. بر اساس تعاریف مذکور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که حکمرانی در معنای محدود، در مقابل حکومت^۱ قرار می‌گیرد و منحصرأً به اشکال غیرسلسله‌مراتبی هماهنگی خصوصی اشاره دارد. با درک گسترده‌تر، نه حکومت را فرض می‌کند و نه آن را رد می‌کند. بنابراین حکمرانی به «حکومت بدون دولت» اشاره دارد، اما می‌تواند عناصر «حکومت با دولت» و حتی «حکمرانی توسط دولت» را نیز در بر گیرد.

جدول ۱. تعاريف حکمراني امنيتي

تعريف	نظريه پرداز
مربوط به ساختارها و فرايندهاي نوظهور است كه طيف وسيعي از بازگران دولتي و خصوصي را قادر مي سازد تا نيازهاي خود و منافع متقابل خود را از طريق اتخاذ و اجراي تصميمات سياست الزام آور در غياب يك مقام سياسي مركزي هماهنگ كنند.	كراهمان
يك نظام قواعد طراحي شده توسط بازگران فردي و شرڪتي براي هماهنگي، مديريت و تنظيم وجود جمعي آنها در پاسخ به تهديدات امنيت فيزيكي و آنتولوژيك آنهاست.	آدلر و گرو
حكمراني امنيتي را به طور گسترده به عنوان «يك سيستم بين المللي حاكميتي، وابسته به پذيرش اكثريت كشورهايي كه تحت تاثير قرار مي گيرند، تعريف مي كند، كه از طريق مكانيسم هاي نظارتي (چه رسمي و چه غيررسمي) فعاليتها را در طيف وسيعي از امنيت و حوزه هاي موضوعي مرتبط با امنيت اداره مي كند.	اسپرلينگ ^۱
تعاملات بين نهادهاي عمومي و يا خصوصي در نهايت با هدف تحقق اهداف جمعي.	سندل ^۲
شامل مجموعه اي از نهادها و واحدهاي سياسي است كه براي تضمين، حفاظت و (در برخي موارد) امنيت منطقه اي و بين المللي تلاش مي كنند.	گالبرث ^۳ و سايرتگ ^۴

منبع: (محقق ساخته)

مفهوم حکمراني امنيتي به عنوان چهارچوبي براي تجزيه و تحليل «مديريت و مقررات هماهنگ» ترتيبات امنيتي اروپا توسط مقامات متعدد كه به صورت رسمي و غيررسمي عمل مي كنند، ايجاد شده است (Webber et al. 2004). با گسترش و به كارگيري حکمراني امنيتي توسط محققان در سطحي وسيع تر، اين مفهوم در چهارچوب روابط بين الملل، به استفاده مشترك از اختيارات اداري، اقتصادي و سياسي به منظور تداوم صلح و ثبات در عرصه بين المللي اشاره دارد. وجود يك چشم انداز مشترك بايد به اين تعريف اضافه شود. حاكميت امنيتي مستلزم مباني فكري و نهادي است. به عبارت ديگر، حکمراني امنيتي بايد به اندازه توافقي بر اجزاي مادي، بر نزديكي گفتمان تكيه كند (Webber, 2002).

1. Sperling
2. Candel
3. Galbreath
4. Sauerteig

به‌عنوان یک مفهوم، حکمرانی امنیتی قبل از هر چیز در به دست‌آوردن ویژگی‌هایی که برای سیاست‌گذاران و اکثریت محققان آشکار است، موفق بود، یعنی گسترش تهدیدات و خطرات امنیتی، ازدیاد بازیگران و سازوکارهایی برای رسیدگی به آنها. این دو ویژگی به نوبه خود، توانایی محدود دولت (بازیگر سنتی امنیت) را برای مقابله با تهدیدات متعدد به تنهایی نشان دادند (Sperling & Webber, 2014).

۲. سطوح حکمرانی امنیتی

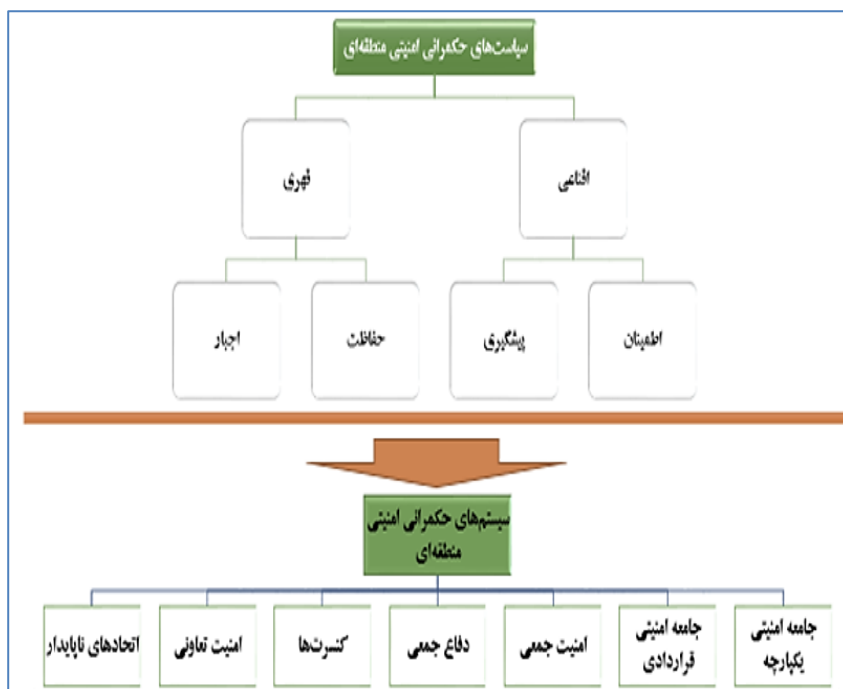
حکمرانی امنیتی در سه سطح تحلیل مختلف قابل مشاهده است: جهانی، منطقه‌ای و ملی. در سطح جهانی، چهارچوب اصلی مرجع، ساختا سازمان ملل متحد است که جهانی ترین ساختارها را برای رسیدگی به مسائل امنیتی، از کنترل تسلیحات، خلع سلاح و عدم اشاعه تسلیحات، تا پیشگیری از درگیری، برقراری صلح و... فراهم می‌کند. در مقابل، در سطح ملی، حکمرانی امنیتی به سازمان و مدیریت بخش امنیتی اطلاق می‌شود که شامل تمام نهادهایی می‌شود که مسئولیت اصلی آنها حفاظت از دولت و جوامع تشکیل‌دهنده آن است. مفهوم حکمرانی امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان توسعه و پویایی ترتیبات امنیتی در یک منطقه معین، که از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای نهادینه شده است، تمرکز می‌کند که درک، قواعد و شیوه‌های مشترک در حوزه امنیتی را به اشتراک می‌گذارند (Kacowicz & Press-Barnathan, 2016). نکته مهم در ارتباط با حکمرانی امنیتی درک این موضوع بود که تهدیدات جدید امنیتی جهانی مانند جنایات فراملی، تروریسم و مهاجرت تنها از طریق همکاری بین‌المللی قابل مقابله است (Rosenau & Czempiel, 1992).

۳. سیاست‌های حکمرانی امنیتی منطقه‌ای

چهارچوب حکمرانی امنیتی بر چهار بُعد سیاست امنیتی شامل اطمینان، پیشگیری، حفاظت و اجبار استوار است (Kirchner & Dominguez, 2013). سیاست‌های اطمینان تلاش‌هایی را با هدف بازسازی پس از جنگ و مشارکت در اقدامات اعتمادسازی مشخص می‌کند. سیاست‌های پیشگیری شامل تلاش‌ها برای جلوگیری از درگیری با ایجاد یا حفظ نهادهای داخلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی است که به کاهش هرج‌ومرج و ایجاد نظم کمک می‌کند. سیاست‌های اجباری وظایف حل منازعه از طریق مداخله نظامی، به‌ویژه برقراری صلح و اجرا را در برمی‌گیرد. سیاست‌های حفاظتی حکمرانی امنیتی، تلاش‌ها را برای انجام کارکرد سنتی محافظت از جامعه در برابر تهدیدات خارجی توصیف می‌کند. این چهار وظیفه حکمرانی امنیتی اغلب به‌طور همزمان دنبال می‌شوند. همچنین روشن است که می‌توان از ابزارهای اقتصادی و نظامی در

جهت دستیابی به اهداف نه‌چندان مشابه استفاده کرد. این چهار وظیفه حکمرانی امنیتی اغلب به‌طور همزمان دنبال می‌شوند.

یک وضعیت طبیعی بین‌المللی بدوی و یک جامعه بین‌المللی متمدن، مرزهای زنجیره‌ای ساختارهای حکمرانی امنیتی را تشکیل می‌دهند که هفت شکل کلی دیگر به ترتیب از اولیه به پیشرفته در امتداد آن‌ها قرار می‌گیرند که عبارتند از: اتحادهای ناپایدار^۱، امنیت تعاونی^۲، کنسرت‌ها، دفاع جمعی، امنیت جمعی و دو نوع جامعه امنیتی - قراردادی^۳ و یکپارچه^۴ (Spierling, 2014). با توجه به موضوعات فوق، الگوی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱. الگوی تحلیل پژوهش

1. Impermanent Alliances
2. Cooperative Security
3. Contractual Security Community
4. Fused Security Community

از آنجاکه مشکل اساسی سیاست بین‌الملل تأمین نظم و تنظیم منازعه بدون توسل به جنگ است. هرج و مرج و ستفالیایی مزایای استقلال و خودمختاری را برای دولت‌ها فراهم می‌کند، اما از ظهور حکومت جهانی یا حتی منطقه‌ای برای مدیریت مسئولیت‌های اصلی هرج و مرج و ناامنی مزمن جلوگیری می‌کند. این پیکربندی‌های امنیتی منطقه‌ای فاقد سازوکارهای رسمی و غیررسمی برای تنظیم قابل اعتماد منازعه و در نتیجه مستعد جنگ هستند. به‌همین دلیل تنظیم سیاست بین‌الملل، به‌ویژه مدیریت بی‌نظمی، به بهترین شکل می‌تواند به‌عنوان یک مشکل حکمرانی در نظر گرفته شود.

اشکال جایگزین مقررات بین‌دولتی که از لحاظ تاریخی پدید آمده و عمده کارکرد خود را از دست داده‌اند (توازن قدرت، دفاع جمعی یا هماهنگی قدرت‌ها)، نمی‌توانند دامنه تهدیداتی را که امروزه دولت‌ها با آن مواجه هستند، توضیح دهند و نه بهبود بخشند که عمدتاً به دلیل محدودیت‌های ذاتی آنهاست که مهم‌ترین آنها توجه به جنبه نظامی امنیت و این فرض ناگفته مبنی بر اینکه همه دولت‌ها همچنان در مشغله و ستفالیایی با خودمختاری، نفوذ و تجمیع قدرت سهیم هستند.

با توجه به این موضوع، پس از جنگ سرد که در کنار دولت‌ها - به‌عنوان بازیگران اصلی - بازیگران فراملی دیگری ظهور کردند، حکمرانی به بهترین شکل می‌تواند در کنار دولت‌ها به‌عنوان تنظیم‌کنندگان ایفای نقش نمایند. به‌عبارت‌دیگر، مسئله این است که به دلیل تحولات و توسعه فناوری و غیره دیگر فقط دولت‌ها بازیگران اصلی نیستند، اگرچه این موضوع طی چند دهه گذشته در سایر حوزه‌ها به‌جز امنیتی بود، اما امروزه تقریباً اجماع شکل گرفته است که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به تأمین امنیت جوامع در برابر گروه‌های تروریستی، حملات سایبری، مشکلات محیط‌زیستی و غیره نیستند. به همین جهت، دولت‌ها باید از سایر بازیگران مانند شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و در مجموع هر گروهی که قادر به ایفای نقش و کمک به دولت در تأمین امنیت باشد، کمک بگیرد. حکمرانی امنیتی مفهومی است که برای جامه عمل پوشاندن به این موضوع شکل گرفته است. پس حکمرانی امنیتی منطقه‌ای دو کارکرد - نهادسازی و حل تعارض - را انجام می‌دهد و از مجموعه ابزار اقناعی (ابزارهای اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک) و قهری (مداخلات نظامی و پلیس داخلی) استفاده می‌کند. ترکیب این ابعاد، سیاست‌های (اطمینان، پیشگیری، حفاظت و اجبار) را ایجاد می‌کند؛ بنابراین، در بررسی وضعیت حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه و شناسایی عوامل مؤثر بر پیشبرد حکمرانی امنیتی منطقه‌ای از سوی دیگر، از این مفهوم بهره می‌گیریم.

ج) روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش، بنیادی - کاربردی است. روش پژوهش نیز آمیخته مبتنی بر تحلیل ثانویه و گروه کانونی است. در بخش کمی از داده‌های مؤسسات و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و غیره استفاده می‌شود و فرایند حکمرانی امنیتی منطقه‌ای طی یک دهه گذشته مورد سنجش قرار می‌گیرد. در بخش کیفی اما با تشکیل جلسه گروه کانونی، سعی می‌شود به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا پرداخته شود. بنابراین، گردآوری داده‌ها از طریق بانک‌های اطلاعاتی و جلسه گروه کانونی است.

در گام نخست به منظور تعیین روایی پرسش‌های مصاحبه، از روایی محتوایی بهره برده شد که طی آن پرسش‌ها به تأیید چهار صاحب‌نظر رسید. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات نیز گروه کانونی شکل گرفت. پیش از آغاز مصاحبه، توضیح کوتاهی در خصوص اهداف، روش و موضوع پژوهش داده شد. روند مصاحبه بدین صورت بود که پس از پایان صحبت‌های خبرنگار، نفر بعدی در عین نقد استدلال‌های ایشان، دیدگاه خود را نیز بیان می‌کرد. در نهایت، برای آن که از اهداف پژوهش انحراف پیدا نشود، پاسخ به پرسش‌ها بر حسب ضرورت هدایت می‌شدند. روش نمونه‌گیری نیز از نوع هدفمند بوده است. لازم به ذکر است که فرایند جلسه گروه کانونی سه ساعت و ۲۰ دقیقه به طول انجامیده است. علت این امر نیز تلاش برای رسیدن به اجماع و اشباع نظری بوده است.

نکته مهم این است که پس از بیان نظرات هر یک از صاحب‌نظران حاضر در گروه کانونی، برای تحلیل دیدگاه‌های اعضای حاضر در حین جلسه، کدگذاری به صورت تعاملی و گروهی انجام شد؛ به گونه‌ای که اجماع به‌دست آمد و اعضا موارد ثبت‌شده را تأیید کردند. جلسه گروه کانونی با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط شد تا برای تحلیل داده مورد استفاده قرار گیرد. پس از پایان جلسه نیز فایل صوتی آن با دقت پیاده‌سازی شد و پس از چند بار چک‌کردن وارد نرم‌افزار مکس کیودی شد. خروجی‌ها نیز با انجام تجزیه و تحلیل و شناسایی گزاره‌ها، مقوله‌های فرعی و اصلی به‌دست آمد.

۱. شیوه سنجش حکمرانی امنیتی منطقه‌ای

برای تبیین فرایند حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا چهار شاخص سیاست امنیتی تضمین یا اطمینان، پیشگیری، حفاظت و اجبار استخراج شده است. در ادامه به هر کدام از موارد به صورت جداگانه پرداخته می‌شود:

۱-۱. **سیاست‌های اطمینان:** مربوط به فعالیت‌های بازسازی پس از جنگ و تلاش‌های ایجاد صلح مانند اقدامات اعتمادسازی است. اقدامات سیاستی خاص شامل مأموریت‌های پلیسی و مرزی، مأموریت‌های نظارتی پس از جنگ و کمک به بازسازی اقتصادی. در ارزیابی کمک‌های دولت‌های محوری به این نکته توجه می‌شود که چه کمک‌های بودجه‌ای و پرسنلی به عملیات انجام می‌شود. همچنین، پرسش‌های زیر نیز پرسیده می‌شود: آیا کشور مورد بررسی در سیاست‌های حکومتی خود سوگیری جغرافیایی نشان می‌دهد؟ و آیا کشور ترجیح می‌دهد دوجانبه عمل کند یا چندجانبه؟ (Kirchner, 2014). برای عملیاتی‌سازی این بُعد از سیاست حکمرانی امنیتی منطقه‌ای، شاخص‌های «روابط با کشورهای همسایه» (Vision of Humanity, 2023 A)، «جهانی شدن» (KOF, 2023) و «صلح جهانی» (Economics & Peace, 2023) انتخاب شدند.

۱-۲. **سیاست‌های پیشگیری:** شامل تلاش‌ها برای جلوگیری از درگیری با ایجاد یا حفظ نهادهای داخلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی است که به کاهش هرج‌ومرج و ایجاد نظم کمک می‌کند. هدف آنها از بین بردن علل اصلی منازعات است. سیاست‌های مشترک پیشگیری شامل کنترل تسلیحات و اقدامات منع اشاعه و همچنین کمک‌های فنی برای اصلاحات سیاسی و اقتصادی داخلی، از برقراری روابط غیرنظامی - نظامی تا افزایش چشم‌اندازهای حکومت دموکراتیک و کمک به توسعه اقتصادهای بازار است (Kirchner, 2014). برای عملیاتی کردن سیاست‌های پیشگیری شاخص‌های «کمک مالی به مأموریت‌های حافظ صلح سازمان ملل» (Vision of Humanity, 2023 B)، «قابلیت‌های هسته‌ای و سلاح‌های سنگین» (Vision of Humanity, 2023 C)، «آزادی‌های مدنی» (Freedom house, 2023 A)، «حقوق سیاسی» (Freedom house, 2023 B) و «شاخص کل آزادی اقتصادی» (Heritage, 2023) انتخاب شدند.

۱-۳. **سیاست‌های حفاظتی:** شامل تلاش‌های داخلی و چندجانبه برای تحقق عملکرد سنتی حفاظت از جامعه در برابر تهدیدات خارجی است. پنج دسته کلی از سیاست‌های حفاظتی را می‌توان شناسایی کرد: امنیت بهداشتی، کنترل مرزی، تروریسم، جرایم سازمان‌یافته (تجارت مواد مخدر، قاچاق انسان و مهاجرت) و تخریب محیط زیست (مدیریت بلایای طبیعی). هدف تجزیه و تحلیل‌های خاص کشور، نشان دادن اهمیت نسبی هر دسته از تهدیدهاست که عمدتاً با هزینه‌های بودجه و ابتکارات سیاستی که به دنبال مدیریت تهدیدها (به‌عنوان مثال بهبود نظارت بر سلامت یا بودجه اختصاص داده‌شده به تحقیقات پزشکی) یا ریشه‌کن کردن آن

هستند، مانند افزایش منابع انسانی یا بودجه‌ای برای مبارزه با جرم و جنایت یا تروریسم) اندازه‌گیری می‌شود (Kirchner, 2014). شاخص‌هایی که برای عملیاتی کردن این بُعد از سیاست حکمرانی امنیتی انتخاب شدند عبارت‌اند از: «سلامتی» (Prosperity, 2023 A)، «ایمنی و امنیت» (Prosperity, 2023 B)، «تروریسم جهانی» (Economics & Peace, 2022)، «ادراک فساد» (Transparency, 2023)، «عملکرد محیط‌زیست»^۱ (Yale university, 2023) و «مهاجرت انسان‌ها و فرار مغزها» (Fund for Peace, 2023).

۴-۱. سیاست‌های اجباری: وظایف حل منازعه از طریق مداخله نظامی، به‌ویژه برقراری صلح و اجرای آن را نشان می‌دهد (Kirchner, 2014). شاخص‌های «تعداد مرگ‌ومیر ناشی از درگیری‌های خارجی سازمان‌یافته» (Uppsala Conflict Data Program, 2023) و «هزینه نظامی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی» (SIPRI, 2023) برای عملیاتی کردن این بُعد انتخاب شدند. ابعاد و شاخص‌های حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های حکمرانی امنیتی منطقه‌ای

متغیر	ابزار	ابعاد حکمرانی امنیتی	مؤلفه	شاخص		
حکمرانی امنیتی	حفاظت	امنیت بهداشتی	امنیت بهداشتی	سلامتی		
			تروریسم	تروریسم جهانی		
			جرایم سازمان‌یافته	ایمنی و امنیت		
			تخریب محیط‌زیست	ادراک فساد		
	قهری	مهاجرت	مهاجرت انسان‌ها و فرار مغزها	مهاجرت	مهاجرت انسان‌ها و فرار مغزها	
				مداخله نظامی	تعداد مرگ‌ومیر ناشی از درگیری‌های خارجی سازمان‌یافته	
				اجبار	هزینه نظامی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی	
	اقتاعی	جلب‌گیری از جنگ	کمک مالی به مأموریت‌های حافظ صلح سازمان ملل	جلب‌گیری از جنگ	کمک مالی به مأموریت‌های حافظ صلح سازمان ملل	
				پیشگیری	عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی	قابلیت‌های هسته‌ای و سلاح‌های سنگین
		افزایش چشم‌اندازهای حکومت	آزادی‌های مدنی			
		دموکراتیک	حقوق سیاسی			
		اطمینان	کمک به توسعه اقتصاد بازار آزاد	فعالیت‌های اتحادسازی و نهادسازی	کمک به توسعه اقتصاد بازار آزاد	شاخص کل آزادی اقتصادی
					عملکرد دوجانبه یا چندجانبه کشورها	روابط با کشورهای همسایه
						اقدامات دیپلماتیک و سیاسی برای حل منازعه

منبع: (محقق ساخته)

د) یافته‌های پژوهش

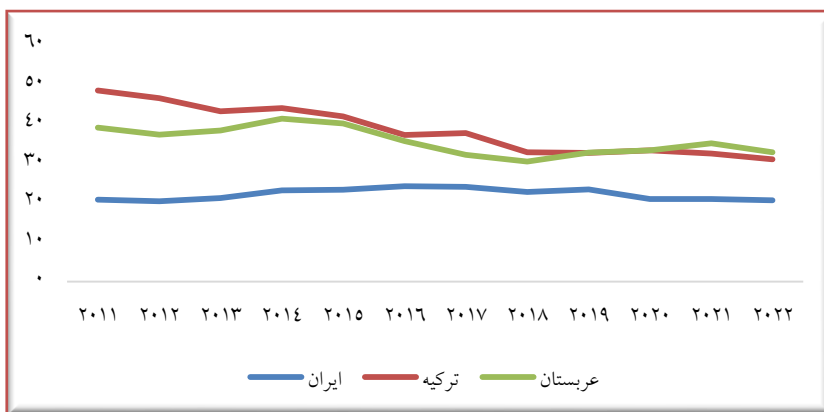
در این بخش به ترتیب به یافته‌های توصیفی و تحلیلی پرداخته می‌شود.

۱. یافته‌های توصیفی:

در این بخش نخست به وضعیت حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا و سپس به اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان حاضر در گروه کانونی پرداخته می‌شود.

۱-۱. فرایند حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا

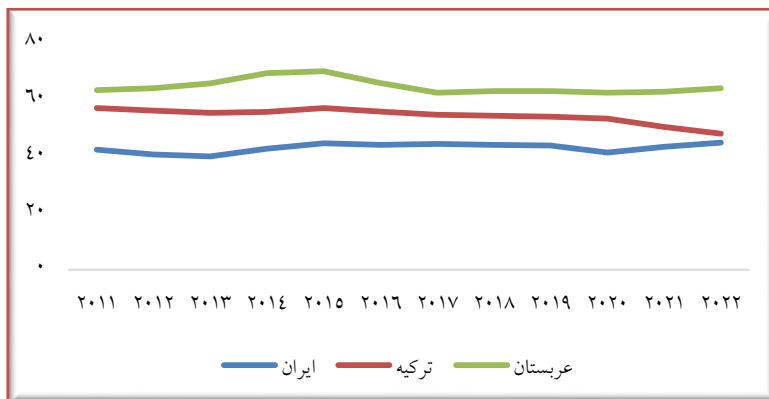
عملکرد ترکیه و عربستان - همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است - در بُعد اقناعی حکمرانی امنیتی منطقه‌ای طی دهه اخیر کاملاً نزولی بوده است؛ به طوری که میانگین امتیاز عربستان از ۴۸ در سال ۲۰۱۱ به تقریباً ۳۳ در سال ۲۰۲۲ کاهش پیدا کرده است. عملکرد ایران تقریباً روندی صعودی بوده است. به طوری که از امتیاز ۲۰ در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۲۴ در سال ۲۰۱۶ افزایش پیدا کرده است. یعنی ایران سعی کرده است از منازعات، پیشگیری و تعاملات را بهبود بخشد.



شکل ۲. مقایسه فرایند اقناعی حکمرانی امنیتی منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان

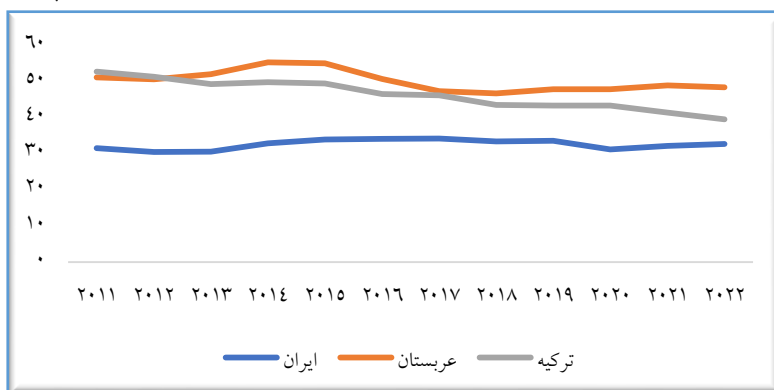
در بُعد قهری حکمرانی امنیتی نیز عربستان با میانگین امتیاز ۷۰ در سال ۲۰۱۵ بیشترین امتیاز را کسب کرده است - نمودار شماره ۲ - که به معنای استفاده بیشتر این کشور از زور و اجبار در منطقه بوده است. در مقابل ایران بین سه کشور کمترین امتیاز را با میانگین ۴۰ در سال ۲۰۱۳ کسب کرده است. این امر به معنای تلاش ایران برای برقراری صلح و دوری از

جنگ و درگیری بوده است. اگرچه ایران از حیث نظامی بسیار قوی‌تر از دو کشور دیگر است که آن را در مبارزه با گروه داعش و غیره نشان داده است، با وجود این برای صلح تلاش کرده است. در حالی که عربستان و ترکیه با حملات متعدد به یمن و بخش‌هایی از خاک عراق و سوریه به دنبال دامن زدن به منازعات منطقه‌ای بوده‌اند. همچنین در بُعد حفاظت نیز ایران در مقابله با داعش نشان داد، امنیت منطقه برای آن مهم است، در حالی که ترکیه طی این مدت عمدتاً از مرزهای خود در مقابل مهاجران و حملات تروریستی حفاظت می‌کرد، حتی به صورت فرصت‌طلبانه درصد اشغال خاک سوریه نیز برآمد.



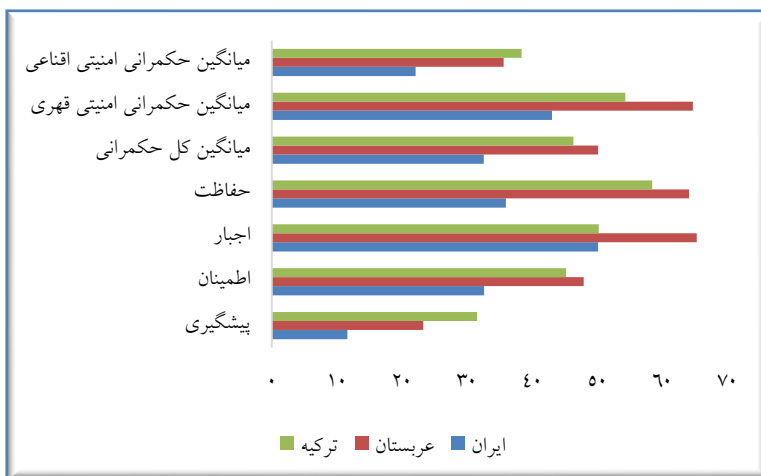
شکل ۳. مقایسه فرایند قهری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان

از حیث میانگین کل حکمرانی امنیتی منطقه‌ای، عربستان در سال ۲۰۱۴ میانگین امتیاز ۵۵ را کسب کرده است که بالاترین امتیاز در بین کشورهای مورد مطالعه می‌باشد. در مقابل، پایین‌ترین امتیاز نیز با میانگین ۳۱ در سال ۲۰۲۰ مربوط به ایران بوده است. همان‌طور که در شکل ۳ قابل مشاهده است، نکته مهم این است که ایران برخلاف ترکیه و عربستان که روند نزولی داشته‌اند، به‌جز یک سال همواره روند صعودی داشته است.



شکل ۴. مقایسه فرایند حکمرانی امنیتی منطقه‌ای ایران، عربستان و ترکیه

همان‌طور که در شکل ۴ قابل مشاهده است، میانگین کل حکمرانی امنیتی منطقه‌ای ایران، عربستان و ترکیه به ترتیب ۳۳، ۵۰ و ۴۶ را کسب کرده‌اند.



شکل ۵. مقایسه میانگین حکمرانی امنیتی منطقه‌ای ایران، عربستان و ترکیه

۱-۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی

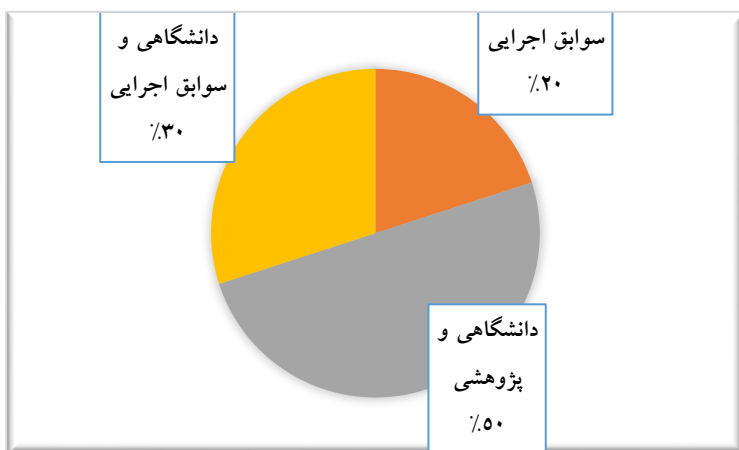
۱۰ نفر متخصص و خبره در این پژوهش در قالب گروه کانونی به بحث و گفتگو در خصوص پاسخ به سؤالات مطرح‌شده پرداختند. همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، نه نفر مرد و یک نفر زن در گروه کانونی تشکیل‌شده شرکت داشتند. تحصیلات هشت نفر دکتری تخصصی و دو نفر نیز کارشناسی ارشد بوده است.

جدول ۳. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	کد	جنسیت	پست سازمانی	تحصیلات	رشته تحصیلی	سن
۱	م ۱	زن	عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس	دکتری تخصصی	روابط بین‌الملل	۴۴
۲	م ۲	مرد	پژوهشگر ارشد در پژوهشکده ابرار معاصر تهران	دکتری تخصصی	روابط بین‌الملل	۴۴
۳	م ۳	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتری تخصصی	مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه	۴۸
۴	م ۴	مرد	پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه و سفیر پیشین ایران در کشورهای لبنان	دکتری تخصصی	روابط بین‌الملل	۶۴
۵	م ۵	مرد	سفیر پیشین ایران در ترکیه	کارشناسی ارشد	روابط بین‌الملل و فلسفه و حکمت	۶۲
۶	م ۶	مرد	سفیر سابق ایران در اردن و مدیرکل غرب آسیا در دفتر مطالعات وزارت خارجه	دکتری تخصصی	مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه	۵۸
۷	م ۷	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)	دکتری تخصصی	علوم سیاسی	۶۰
۸	م ۸	مرد	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتری تخصصی	مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه	۵۳
۹	م ۹	مرد	پژوهشگر ارشد در پژوهشکده مطالعات راهبردی خاورمیانه	دکتری تخصصی	مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه	۷۹
۱۰	م ۱۰	مرد	نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، سفیر و مشاور وزیر امور خارجه	کارشناسی ارشد	مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه	۷۳

منبع: (یافته‌های تحقیق)

میانگین سنی جامعه نمونه پژوهش ۵۹ سال بوده است. همان طور که در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است، ۵۰ درصد جامعه نمونه یا دانشگاهی بودند یا اینکه صرفاً به کارهای پژوهشی در این حوزه مشغول بوده‌اند. در مقابل، ۲۰ درصد از حجم نمونه پژوهش عمدتاً فقط از سوابق اجرایی برخوردار بودند. در نهایت، ۳۰ درصد از خبرگانی که در گروه کانونی مشارکت داشتند، علاوه بر اینکه دانشگاهی یعنی عضو هیئت علمی هستند و پژوهش‌های مهم و اثرگذاری در این حوزه انجام داده‌اند، از تجربه میدانی (دستگاه دیپلماسی) نیز برخوردارند.



شکل ۶. درصد سوابق اجرایی و علمی جامعه نمونه پژوهش

۲. یافته‌های تحلیلی

در این قسمت، مقوله‌های اصلی و فرعی که از مباحث گروه کانونی استخراج شدند و از عوامل اصلی مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا هستند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، در مجموع ۲۵ مقوله فرعی وجود دارند که مجموع فراوانی آن‌ها ۳۱۰ مورد است.

جدول ۴. مقوله‌های اصلی، فرعی و نمونه‌هایی از گزاره‌های مفهومی

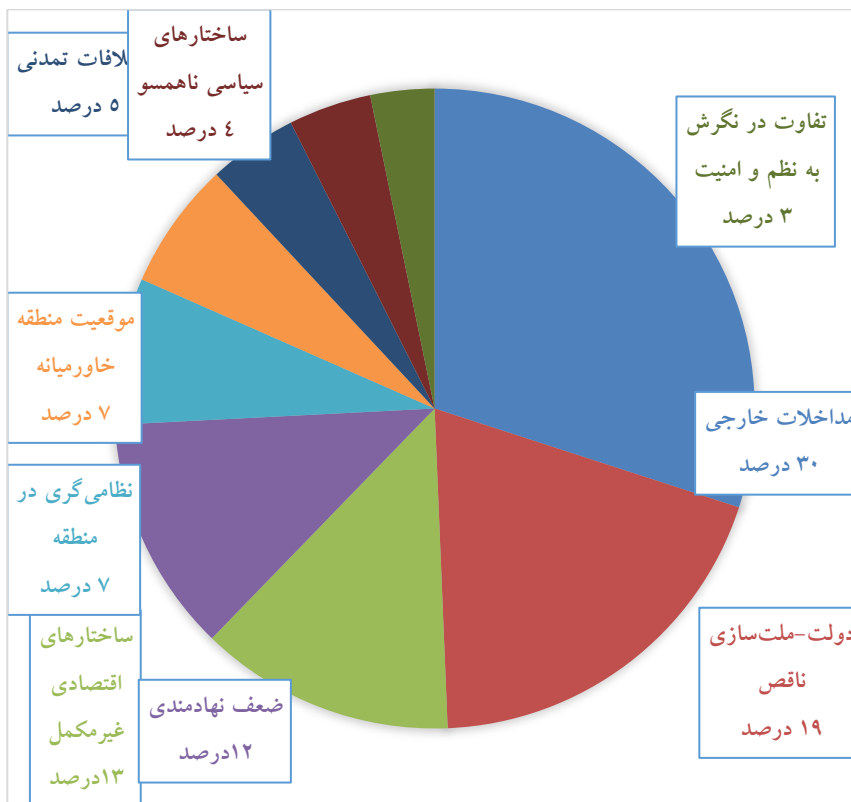
مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	نمونه‌هایی از گزاره‌های مفهومی	فراوانی	نوع سیاست حکمرانی امنیتی
مداخلات خارجی در منطقه خاورمیانه	مسئله اسرائیل	ایجاد اسرائیل توسط قدرت‌های خارجی - اختلاف کشورهای منطقه بر سر طرح دولتی	۳۹	اطمینان
	اختلافات مرزی	موافقت‌نامه سایکس - پیکو	۱۷	اطمینان
	پراکندگی اقوام در درون مرزهای ملی	میراث تاریخی دوره عثمانی و عدم هژمونی‌پذیری منطقه به دلیل چندفرهنگی	۹	اطمینان
	نبود برداشت مشترک قدرت‌های منطقه‌ای از تهدیدات فرامنطقه‌ای	نبود احساس مشترک درباره وجود تهدیدات فرامنطقه‌ای	۴	اطمینان
	وابستگی شدید کشورهای منطقه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای	تأمین امنیت کشورها توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای	۳	پیشگیری
	حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای	حمله ایالات متحده به عراق - وجود پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا	۶	پیشگیری
	تاثیرپذیری منطقه از منازعات بین‌المللی	واردکردن کشورهای منطقه غرب آسیا به منازعات جنگ سرد - تلاش کشورها برای برقراری توازن بین ایالات متحده آمریکا و چین - تشکیل سنتو، سیتو و غیره با مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای - کریدورهای بین‌المللی مانند	۱۵	حفاظت

نوع سیاست حکمرانی امنیتی	فراوانی	نمونه‌هایی از گزاره‌های مفهومی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
		آی‌مک		
اجبار	۱۲	غرب آسیا محل اتصال شرق به غرب	موقعیت ژئوپلیتیکی	موقعیت منطقه
اجبار	۸	جریان آزاد انرژی از خلیج فارس - فروش تسلیحات	موقعیت ژئواکونومیکی	خاورمیانه
حفاظت	۲۶	جنگ اعراب و اسرائیل و غیره	جنگ	دولت -
پیشگیری	۳۴	چالش وحدت ملی - اولویت هویت‌های فراملی و فروملی بر هویت ملی	نقش مداخلات خارجی	ملت‌سازی ناقص
پیشگیری	۱۰	نفوذ تاریخی قدرت‌های منطقه‌ای بر کشورهای همسایه و سعی در تداوم آن - تلاش برای تضمین جریان انرژی و تداوم کریدورها	گروه‌های نیابتی	نظامی‌گری در منطقه
اطمینان	۱۳	عدم توانایی قدرت‌های منطقه‌ای برای حذف یکدیگر (توازن قدرت) - تعریف قدرت به صورت نظامی	ضعف دیپلماسی	
پیشگیری	۷	اقتصاد بازار آزاد در مقابل اقتصاد رانتهی و شبه‌دولتی	تنوع در ساختارهای اقتصادی	
پیشگیری	۹	عدم مشارکت بخش غیردولتی	انحصار اقتصاد در دستان دولت	ساختارهای اقتصادی غیرمکمل
پیشگیری	۳	شکاف در قدرت اقتصادی کشورهای منطقه	عدم توزیع مناسب ثروت	
پیشگیری	۲۱	نقش کشورها در زنجیره ارزش - ایدئولوژی توسعه - توازن در توسعه نظامی، اقتصادی، سیاسی و غیره	تفاوت در الگوهای توسعه	

نوع سیاست حکمرانی امنیتی	فراوانی	نمونه‌هایی از گزاره‌های مفهومی	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
پیشگیری	۹	تقابل ساختارهای سیاسی (دموکراسی، پادشاهی و غیره)	تفاوت در منابع مشروعیت	ساختارهای سیاسی ناهمسو
پیشگیری	۴	همکاری‌های کوتاه‌مدت	تفاوت در ارزش‌های دولت‌ها	
پیشگیری	۲۳	بحران مشروعیت	اقتدارگرایی	
پیشگیری	۲	رهبران قدرتمند	فردمحوری	
پیشگیری	۱۲	امنیت به عنوان دغدغه اصلی دولت‌ها - عدم مشارکت بخش غیردولتی	ضعف جامعه مدنی	ضعف نهادمندی
پیشگیری	۱۴	ریشه تاریخی غنی و صاحب تمدن بودن قدرت‌های منطقه‌ای - برتری جویی و سیاست تهاجمی - تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای احیای گذشته باشکوه - برجسته بودن قومیت نسبت به مذهب و غیره	فرهنگ راهبردی	اختلافات تمدنی
اطمینان	۴	تقابل واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی نسبت به نظام بین‌المللی - تجدیدنظرطلبی در تقابل با ایفای نقش در ساختار موجود	تفاوت در پذیرش نظم وستفالیایی	تفاوت در نگرش به نظم
اطمینان	۶	تقابل نگرش‌ها از تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای - به رسمیت نشناختن یکدیگر	عدم وجود نگرانی‌های امنیتی مشترک	و امنیت

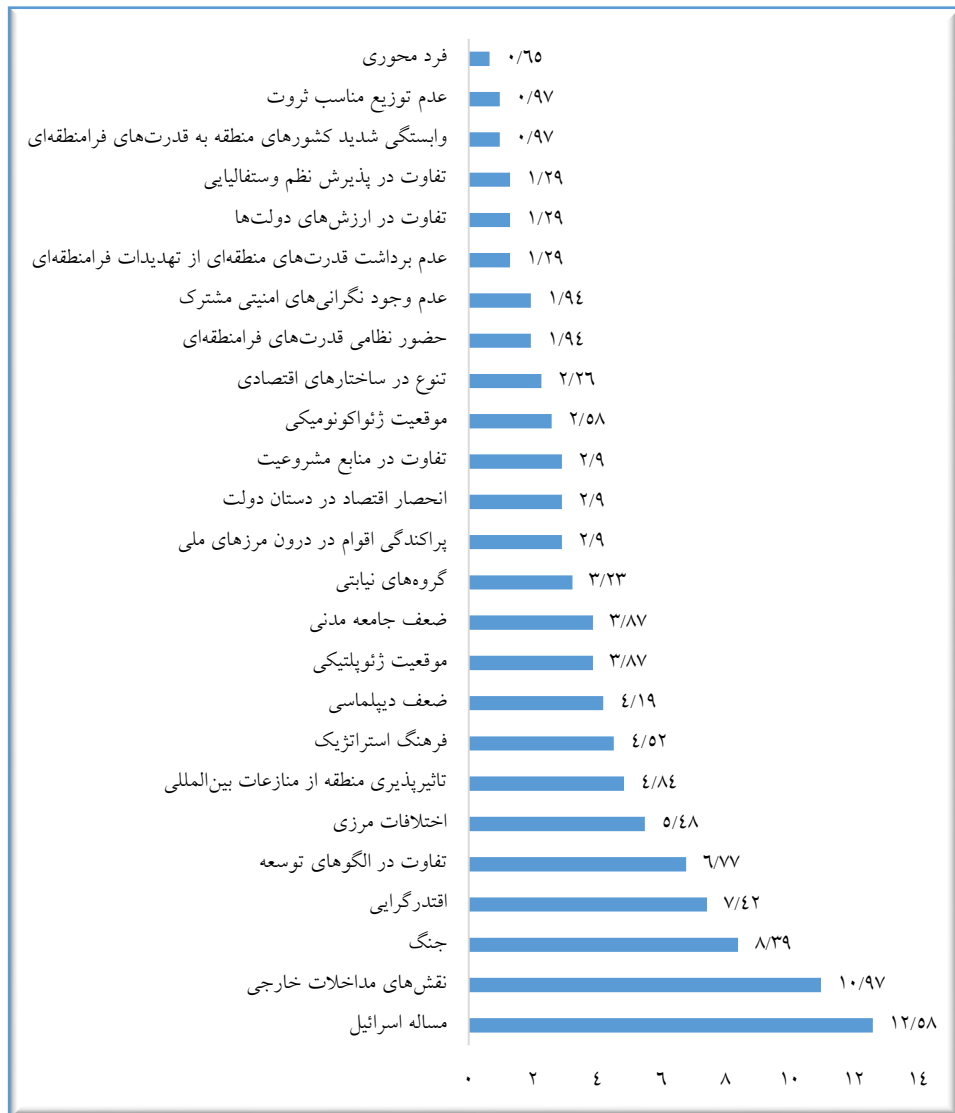
منبع: (یافته‌های تحقیق)

همان‌طور که در شکل ۷ نشان داده شده است، مقوله‌های مداخلات خارجی و تفاوت در نگرش به نظم و امنیت به ترتیب با ۳۰ و ۳ درصد رتبه‌های اول و نهم را کسب کرده‌اند.



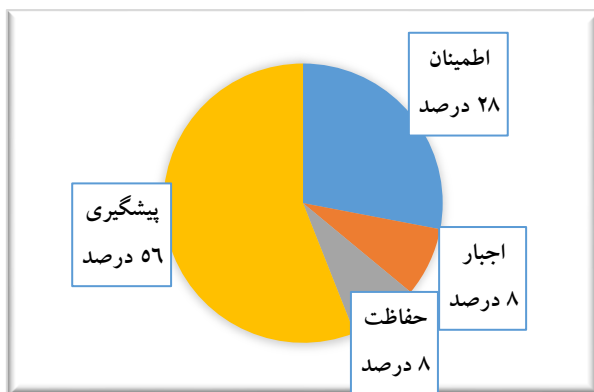
شکل ۷. رتبه‌بندی و درصد مقوله‌های اصلی پژوهش

مقوله فرعی مسئله اسرائیل با تقریباً ۱۳ درصد و مقوله فرعی فردمحوری با کمتر از ۱ درصد به ترتیب رتبه‌های اول و بیست‌وپنجم را کسب کرده‌اند. در شکل زیر، درصد هریک از مقوله‌های فرعی نشان داده شده است:



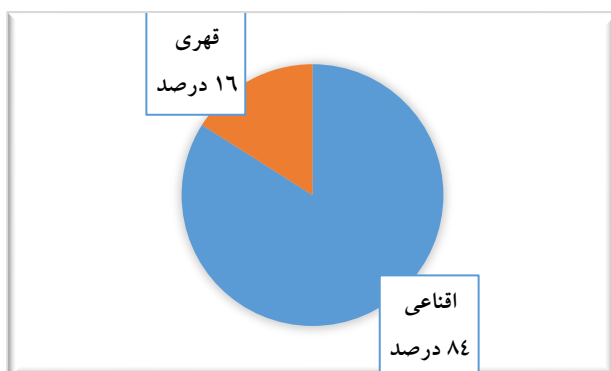
شکل ۸. رتبه‌بندی و درصد مقوله‌های فرعی پژوهش

همان‌طور که در شکل ۹ قابل مشاهده است، سهم سیاست پیشگیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا ۵۶ درصد و سهم سیاست‌های اجبار و حفاظت نیز هر کدام ۸ درصد بوده است.



شکل ۹. سهم (درصد) سیاست‌های چهارگانه حکمرانی امنیتی منطقه‌ای از مقوله‌های فرعی

همان‌طور که در شکل ۱۰ نشان داده شده است، ۸۴ درصد از موانعی که بر سر راه حکمرانی امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا وجود داشته است، مرتبط با سیاست‌های اقناعی بوده است. در حالی که سهم سیاست‌های قهری فقط ۱۶ درصد بوده است. این موضوع بدان معناست که شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا پیش از آن که به ابزارهای سخت قهری نیاز داشته باشد، نیازمند ابزارهای تعامل نرم و دیپلماسی بوده است.



شکل ۱۰. سهم (درصد) سیاست‌های چهارگانه حکمرانی امنیتی منطقه‌ای از مقوله‌های فرعی

۱. مداخلات خارجی در منطقه غرب آسیا

همان‌طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، هفت مقوله فرعی در خصوص مقوله اصلی مداخلات خارجی حاصل شده است. از بین این مقوله‌ها، «مسئله اسرائیل» و «وابستگی شدید کشورهای منطقه غرب آسیا به قدرت‌های فرامنطقه‌ای» به ترتیب با ۳۹ و سه فراوانی بیشترین و کمترین تکرار را در بین بحث‌های خبرگانی در گروه کانونی به خود اختصاص داده‌اند.

موقعیت ژئواکونومیک اسرائیل باعث شده است تا کشورهای منطقه غرب آسیا با شکافی بزرگ در زمینه تعاملات با آن مواجه شوند. کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان و ترکیه به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه، برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های اسرائیل، به دنبال برقراری ارتباط با آن برخلاف خواست ملت‌های خود هستند. به‌عنوان مثال، «اسرائیل دو میدان‌گازی بزرگ دریایی تامارا و لویاتان را طی سال‌های گذشته توسعه داده است. اسرائیل سال ۲۰۲۱ حدود پنج میلیارد متر مکعب گاز به مصر و اردن صادر کرد و در سال ۲۰۲۲ قرارداد صادرات ۲/۵ میلیارد متر مکعب گاز اضافی به مصر را امضا کرده است. منابع گازی اسرائیل باعث شده ترکیه نسبت به احداث خط لوله جدید بین دو کشور پیشقدم شود (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۲). گزاره دومی که در خصوص مسئله اسرائیل وجود دارد، تشکیل کشور مستقل فلسطین یا طرح دو دولتی است. با توجه به وابستگی‌هایی که کشورهای منطقه به‌ویژه ترکیه و عربستان به اسرائیل ایجاد کرده‌اند، اجماع در خصوص حمایت مؤثر از تشکیل کشور مستقل فلسطین در منطقه به وقوع نپیوسته است.

اختلافات مرزی در منطقه، زاینده فاتحان جنگ جهانی اول بود که نتیجه آن تضعیف سیاست اطمینان حکمرانی امنیتی منطقه‌ای بوده است. مصاحبه‌شونده شماره چهار عنوان کرده است که «بحث‌های طایفه‌ای و نژادی در سر تا سر منطقه مثل شیعه - سنی، عرب - پارس، کرد - ترک و غیره وجود دارد». این مسئله به هژمونی‌ناپذیری منطقه غرب آسیا منجر شده است. مصاحبه‌شونده ۳ استدلال کرده است که:

«عثمانی هیچ‌گاه به دنبال تسلط تام و تمام یک دولت مرکزی قوی بر غرب آسیا نبود و نه اعمال کرد و نه دنبال آن بود. دنبال مالیات و منابع مالی و به هر حال این بود که حمله از این منطقه به عثمانی صورت نگیرد. بنابراین تا حد زیادی به منطقه خودمختاری داده که در نتیجه فضای حاصل شده از آن قومیت‌های رنگارنگ و چندپارچه‌ای در قالب کشورها کنار هم شکل گرفتند. قدرت‌های بزرگ طبیعتاً از دوران استعماری تلاش می‌کردند به این منطقه نفوذ کنند. اما نکته این است که منطقه غرب آسیا خوش استقبال و بد بدرقه است. یعنی منطقه چراغ

سبزی نشان می‌دهد که در نگاه اول به نظر می‌رسد رخنه‌پذیری بودن آن را نشان می‌دهد، اما هنگامی که قدرت خارجی در صدد رخنه و استعمار و استثمار منطقه برمی‌آید، در باتلاق منطقه غرب آسیا به دام می‌افتد. علت این موضوع به میراث تاریخی چندگانه فوق‌بازمی‌گردد که در آن فضا برای رشد بازیگران شبه‌دولتی پدیدار شده است. این گروه‌ها توان بالایی برای مقاومت در برابر هژمونی دارند. به طور کلی، منطقه غرب آسیا هژمونی‌پذیر نیست. فرامنطقه‌ای یا منطقه‌ای بودن این هژمونی نیز تفاوتی ندارد».

بری بوزان و همکارانش استدلال کردند که «در منطقه غرب آسیا احساس خطر بیشتری از سوی تهدیدات فرامنطقه‌ای یا خارجی، تهدید تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن، دسیسه‌ها و نیرنگ‌های هماهنگ شده غربیان، ریشه‌کن‌سازی مسلمانان در منطقه خاورمیانه، امپریالیسم اقتصادی و فرهنگی و غیره وجود دارد» (بوزان و دیگران، ۱۴۰۲). برخلاف نگرش نظریه‌پردازان غربی، آن چیزی که از گروه کانونی حاصل شد دقیقاً بالعکس بود. به طور کلی، یکی از زمینه‌های اصلی شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای می‌تواند وجود تهدیدات مشترک خارجی باشد. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ حتی تشکیل اتحادیه اروپا را نیز نگرانی آن‌ها از تهدیدات شوروری قلمداد کرده است:

«مثلاً در اروپا خواست و منافع مشترک خود کشورها بوده است که به شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای منجر شده است. می‌خواستند توسعه اتفاق بیفتد و با نفوذ شوروی نیز مقابله کنند. آن نگاه مشترک یا سازوکار مشترک از کجا شروع شود؟ در اروپا این موضوع از جامعه زغال سنگ و فولاد شروع شد و بعد به حوزه‌های دیگر هم تسری پیدا کرد. مشکل غرب آسیا این هست که هیچ‌کدام از اعضا به صورت مشترک این احساس را ندارند که یک تهدید مشترک فرامنطقه‌ای یا خارجی علیه آن‌ها وجود دارد».

وابستگی کشورهای منطقه غرب آسیا به قدرت‌های فرامنطقه‌ای به لحاظ تاریخی بسیار بالاست؛ به طوری که در مورد عربستان همواره از نفت در برابر تأمین امنیت سخن گفته‌اند. این امر به نوبه خود باعث کاهش استقلال آن‌ها شده است. بنابراین، از آنجا که اکثر کشورهای منطقه از استقلال برخوردار نیستند، توانایی و قابلیت همکاری با سایر کشورهای منطقه را از دست می‌دهند، حتی در صورت داشتن توانایی و ظرفیت نیز این اجازه به آن‌ها داده نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که این قدرت‌های فرامنطقه‌ای از ایجاد نهادهای داخلی و فرامنطقه‌ای نیز جلوگیری می‌کنند. زیرا آن‌ها کار با دیکتاتورها و اشخاص را بهتر از کار با دموکراسی‌ها تلقی می‌کنند، زیرا کنار آمدن با یک نفر (دیکتاتورها) بهتر از کنار آمدن با چند نفر (پارلمان)

است. بنابراین، سیاست پیشگیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا از طریق سازوکاری که شرح داده شد، تضعیف شده است.

۲. دولت - ملت‌سازی ناقص

مقوله اصلی دولت - ملت‌سازی ناقص دو مقوله فرعی «جنگ» و «نقش مداخلات خارجی» دارد که هر کدام به ترتیب با فراوانی ۳۴ و ۲۶ تکرار از علل پرتکرار در گروه کانونی بوده است. تقریباً خبرگان در این زمینه اجماع داشتند که دولت - ملت‌سازی ناقص زمینه را برای بسیاری از عوامل مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای مانند ظهور گروه‌های مسلح شبه‌دولتی، بی‌ثباتی سیاسی و غیره فراهم می‌آورند. به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۳ استدلال کرده است: «برخلاف ایران، ترکیه و مصر در سایر کشورهای منطقه غرب آسیا مانند کشورهای حوزه خلیج فارس، مفهوم دولت - ملت و ملت‌سازی در آن‌ها رشد نیافته است. هویت‌های فراملی و فروملی نقش پررنگ‌تری در این دسته از کشورها در وفاداری گروه‌های مختلف ایفا می‌کنند. شکل‌گیری بازیگران شبه‌دولتی مسلح در این دسته از کشورها بسیار سهل‌تر است».

۳. ساختارهای اقتصادی غیرمکمل

همان‌طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، مقوله اصلی ساختارهای اقتصادی غیرمکمل دارای چهار مقوله فرعی است که عبارت‌اند از: «تنوع در ساختارهای اقتصادی»، «انحصار اقتصاد در دستان دولت»، «توزیع نکردن مناسب ثروت»، «تفاوت در الگوهای توسعه». از حیث فراوانی نیز مقوله فرعی تفاوت در الگوهای توسعه با ۲۱ فراوانی بیشترین تکرار را در جلسه گروه کانونی بر گزار شده برای پژوهش داشته است.

تمامی مقوله‌های فرعی مطرح شده در این مقوله با سیاست پیشگیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای مرتبط هستند، بدین‌صورت که همه آن‌ها با ضعف نهادی در منطقه ارتباط دارند. اگر در منطقه خاورمیانه، نهادهای داخلی و منطقه‌ای از جایگاه مطلوبی برخوردار بودند، دولت نمی‌توانست به‌تنهایی اقتصاد را تحت کنترل خود داشته باشد و به سایر بازیگران غیردولتی اجازه ایفای نقش ندهد. همچنین به دولت اجازه داده نمی‌شد با تکیه بر منابع معدنی به‌ویژه نفت و گاز از مردم بی‌نیاز باشد و نیازی به ایجاد نهادی در راستای افزایش نقش ملت در تصمیم‌گیری‌ها احساس نکند. افزون بر اینها دولت نمی‌توانست در سیاست خارجی فقط یک برداشت خاص از اسلام و غیره را با تمام پیامدهای منفی در دستور کار قرار دهد، آن هم در

حالی که اکثریت ملت با آن مخالفت هستند (مانند حزب عدالت و توسعه در ترکیه به رهبری اردوغان) و غیره. مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان کرده است:

«ذیل اقتصاد سیاسی می‌توانیم به اقتصاد رانتی نفتی و تأثیرات آن، اقتصاد بازار آزاد - تا حدودی ترکیه - و اقتصاد شبه‌دولتی اشاره کرد. کشورهایی مثل سوریه آن‌چنان نفتی ندارند ولی اقتصاد آن‌ها شبه‌دولتی است».

۴. ضعف نهادمندی

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، ضعف نهادمندی در غرب آسیا به عنوان مقوله اصلی دارای سه مقوله فرعی «اقتدارگرایی»، «فردمحوری» و «ضعف جامعه مدنی» است. البته ذکر این نکته مهم است که با اینکه در ظاهر اقتدارگرایی و فردمحوری به نظر یکسان باشند، اما در این پژوهش بدین دلیل مقوله‌هایی جدا در نظر گرفته شدند که اقتدارگرایی برخلاف فردمحوری می‌تواند به صورت ساختاری نیز اعمال شود. با این حال، فردمحوری در اینجا منظور نگرش رهبران و قدرت تصمیم‌گیری آن‌هاست. بنابراین، یک ساختار یا سازمان می‌تواند اقتدارگرا باشد، اما فرد محوری این‌گونه نیست.

هر سه مقوله فرعی یادشده در تضاد با سیاست پیشگیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا هستند؛ زیرا هر سه آن‌ها باعث تضعیف نهادهای داخلی می‌شوند. به عبارت دیگر، به جای اینکه این سه مقوله از منازعه جلوگیری کنند، به عنوان عاملی در ایجاد منازعه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی تبدیل می‌شوند. به عنوان مثال، فردمحوری مانند عربستان دوران سلمان بن عبدالعزیز آل سعود است که به یمن حمله می‌کند. همچنین وقتی جامعه مدنی نحیف و لاغر باشد، ارتباط بین ملت‌های منطقه و درک آن‌ها از یکدیگر کاهش پیدا می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۱ نیز استدلال کرده است:

«برخی کشورها در درون منطقه قطب هستند که در غرب آسیا سه کشور ایران، عربستان و ترکیه سعی می‌کنند مسائل را حل کنند. در این کشورها نقشی که بیشترین اثرگذاری را دارد نقش رهبران یا فرد است، اینکه رهبران چه رویکرد ادراکی نسبت به یکدیگر و مسائل دارند».

۵. اختلافات تمدنی

اختلافات تمدنی به عنوان یکی از مقوله‌های اصلی، دارای یک مقوله فرعی با نام «فرهنگ راهبردی» است که چهارده فراوانی را به خود اختصاص داده است. فرهنگ راهبردی انواع

مختلفی دارد، اما در غرب آسیا این فرهنگ اصولاً تهاجمی است زیرا میل به تسلط دارد؛ به طوری که مصادیق بسیاری در طول تاریخ را به خود اختصاص داده است (فتوحات عرب‌ها و گسترش اسلام، امپراتوری عثمانی و فتح قسطنطنیه، بخش‌های مهمی از اروپای شرقی و غیره و در ایران نیز فتوحات امپراتوری هخامنشی، سلجوقیان، افشار و غیره).

برخی از خبرگان در شکل‌گیری ناسیونالیست‌های افراطی در منطقه غرب آسیا که به یکی از مهم‌ترین معضلات منطقه تبدیل شده است، قدرت‌های خارجی را به‌عنوان عامل اصلی معرفی می‌کنند، به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۹ استدلال کرد که ناسیونالیسم افراطی دست‌پرورده قدرت‌های استعماری منطقه است:

«قدرت استعماری سه نوع ناسیونالیسم افراطی پان‌ورکیسم، پان عربیست و پان ایرانیسم را در این کشورها یا در منطقه رشد دادند و علاوه بر مشکلاتی که در داخل خود کشورها در جهت دولت‌سازی و وحدت ملی وجود داشت، این مسئله تضاد بین ناسیونالیسم‌های افراطی را به وجود آورد که ایجاد هرگونه همگرایی بین کشورهای منطقه را مشکل می‌کرد».

در مقابل برخی از صاحب‌تمدن‌بودن سه کشور مورد مطالعه به‌عنوان علت منازعه سخن می‌گویند. مصاحبه‌شونده شماره ۱ معتقد است:

«عامل اول ریشه تاریخی غنی و صاحب‌تمدن‌بودن برخی کشورها هستند. این موضوع باعث شده تا هرکدام از کشورها ریشه تاریخی خودشان را احیا کنند و تحقق بخشند. کشورهای عربی با محوریت عربستان سعی می‌کنند عباسیان را احیا کنند. ترک‌ها به دنبال احیای عثمانی هستند، در مورد ایران هم بعضی‌ها از احیای هخامنشی سخن می‌گویند!».

۶. تفاوت در نگرش به نظم و امنیت

این مقوله اصلی دارای دو مقوله فرعی تفاوت در پذیرش نظم و استفالیایی و نبود نگرانی‌های امنیتی مشترک است که هرکدام به ترتیب چهار و شش فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. این مقوله‌ها به سیاست اطمینان حکمرانی امنیتی منطقه‌ای بازمی‌گردند؛ به طوری که به اعتمادسازی در نظام بین‌المللی می‌پردازند. بدین صورت که برخی از کشورها با فعالیت در قالب

۱. منظور مصاحبه‌شونده دیدگاه ملی‌گرایان افراطی ایران بود. نویسندگان مقاله بر این باورند که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام، امت اسلامی را نیز بدون در نظر گرفتن مرزهای مصنوعی و ساختگی قدرت‌های استعمارگر جنگ جهانی اول مدنظر قرار دارد. همان‌طور که آیت‌الله نوری همدانی فرموده است: «در اسلام مرز جغرافیایی نداریم، بلکه هر کس که معتقد به اسلام و برنامه‌های سازنده آن باشد برادر ماست، بنابراین، مرز حقیقی ایمان و اعتقادات اسلامی است» (همدانی، ۱۳۹۳).

نظم موجود جهانی به اعتمادسازی می‌پردازند، در حالی که برخی از کشورهای منطقه روند عکس آن عمل می‌کنند؛ یعنی نظم موجود جهانی را نمی‌پذیرند و سعی می‌کنند آن را به چالش بکشند. خبرگان معتقدند که بین قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا یعنی ایران، ترکیه و عربستان تضادهای عمیقی در نوع نگرش به نظم و امنیت وجود دارد. مصاحبه‌شونده شماره ۴ بر این باور بوده است که «وجود دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متضاد بین بازیگران اصلی در منطقه نسبت به امنیت و دشمن مشترک» از معضلات اصلی در منطقه غرب آسیا است. منظور از امنیت و دشمن مشترک عمدتاً به نظام بین‌المللی و فرایندهای حاکم بر آن اشاره دارد. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۷ به صورت زیر استدلال کرده است:

«یعنی اگر به رهیافت هر کشور توجه شود تا حد زیادی عربستان و ترکیه در یک طرف و ایران در طرف دیگر قرار می‌گیرد. نظم ناشی از نظام وستفالیایی و واقع‌گرایی که در نظام بین‌الملل و نظام‌های منطقه حاکم است تا حد زیادی از طرف عربستان و ترکیه پذیرفته شده و تلاش می‌کنند بازی خودشان را در قالب آن عمل می‌کنند اما ایران پس از انقلاب رهیافت جدیدی متأثر از دیدگاه اسلامی مطرح کرده - که در یک جایی به واقع‌گرایی نزدیک و در جاهایی با آن تعارض دارد - که به نظم موجود قائل نیست و با آن تعارض دارد و تلاش می‌کند نظمی مطابق با ارزش‌های خود ایجاد کند».

۷. ساختارهای سیاسی ناهمسو

مقوله اصلی ساختارهای سیاسی ناهمسو دارای دو مقوله فرعی «تفاوت در منابع مشروعیت دولت‌ها» و «تفاوت در ارزش‌های دولت‌های منطقه‌ای» است. فراوانی هر کدام از مقوله‌های فرعی یاد شده نیز به ترتیب نه و چهار مورد بوده است.

برخی از خبرگان معتقدند که برای شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای، منابع مشروعیت دولت‌های منطقه باید تقریباً مشترک باشد. وقتی همه دموکرات باشند، به راحتی می‌توانند زبان همدیگر را فهم کنند. برای مثال، در اروپا هم تا وقتی همه کشورها دموکراسی را به‌عنوان منبع مشروعیت دولت‌ها نپذیرفته بودند، نتوانستند به حکمرانی امنیتی منطقه‌ای شکل دهند. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۳ عنوان کرده است:

«منابع مشروعیت این دولت‌ها از کجا می‌آید؟ منبع مشروعیت برخی از این کشورها از سنت قبیله‌ای می‌آید، برخی از صندوق رأی حاصل می‌شود و برخی هم مثل کشور ما ترکیبی از صندوق (زمینی) و دینی (آسمانی) است. وقتی این تنوع با منبع مشروعیت اروپا مقایسه شود،

می‌توانیم نتیجه بگیریم که چقدر در منطقه غرب آسیا تنوع وجود دارد که این امر همگرایی بین آنها را با چالش بزرگی مواجه می‌کند».

۸. نظامی‌گری در منطقه

همان‌طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، نظامی‌گری در منطقه غرب آسیا به عنوان مقوله اصلی دارای دو مقوله فرعی «گروه‌های نیابتی» و «ضعف دیپلماسی» است. از حیث تعداد فراوانی نیز گروه‌های نیابتی ۱۰ و ضعف دیپلماسی ۱۳ فراوانی است. خبرگان حاضر در گروه کانونی تقریباً در این زمینه به اجماع رسیدند که گروه‌های نیابتی که قدرت‌های منطقه‌ای در منطقه مورد پشتیبانی و حمایت قرار می‌دهند، یکی از علل اصلی سوق پیدا کردن غرب آسیا به نظامی‌گری بوده است. در زمینه حمایت از گروه‌های نیابتی، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ عنوان کرده است:

«داعش یک پروژه همکاری بین قطر، ترکیه و عربستان بود. همه نیروهایی که وارد سوریه و عراق شدند از مرز ترکیه بود، تجهیزات از ترکیه گرفتند و عربستان نیز هزینه آموزش آنها در ترکیه را تقبل کرده است».

۹. موقعیت منطقه خاورمیانه

مقوله اصلی موقعیت منطقه غرب آسیا شامل دو مقوله فرعی موقعیت «ژئوپلیتیکی» و «ژئواکونومیکی» است. از حیث تعداد فراوانی نیز هر کدام از مقوله‌های فرعی یادشده به ترتیب دوازده و هشت تکرار را به خود اختصاص داده‌اند. خبرگان حاضر در گروه کانونی در این مورد اجماع داشتند که موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا از دوران استعماری قدیم همواره محل اتصال شرق و غرب بوده است. به همین جهت، رقابت شدیدی بین آنها برای تسلط بر این منطقه وجود داشته است. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۳ استدلال کرده است:

«غرب آسیا از لحاظ تاریخی - که اسم خاورمیانه را غربی‌ها با رویکرد ژئوپلیتیکی گذاشته‌اند - محل اتصال شرق به غرب بوده است. محلی بوده که قدرت‌های استعمارگر از طریق آن به مستعمراتشان در مشرق‌زمین در هند و چین و غیره می‌رسیدند. منطقه غرب آسیا از این لحاظ اهمیت سوق‌الجیشی فراوانی داشته و منطقه‌ای بوده که تسلط بر آن دروازه‌ای را به سوی هند و غیره می‌گشود».

منطقه غرب آسیا به لحاظ دارا بودن منابع انرژی نیز بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر آن، امروز نیز بحث کریدورها مانند اینستک یا کریدور حمل‌ونقل شمال - جنوب، آی‌مک، خطوط

لوله انرژی گاز و نفت و غیره بسیار اهمیت پیدا کرده است. حتی رئیس‌جمهور سوریه علل واقعی جنگ داخلی در کشورش را تلاش آن برای احداث خط لوله از ایران دانسته است. وی عنوان کرده بود: عربستان و قطر از او خواستند در قبال دریافت یک رشوه ۱۵ میلیارد دلاری، با درخواست ایران برای احداث خط لوله نفت این کشور از خاک سوریه به سمت دریای مدیترانه مخالفت کند و در غیر این صورت، آماده جنگ داخلی باشد (کیهان، ۱۳۹۸).

انرژی و امنیت انتقال آن به قدری برای دنیای غرب و قدرت‌های بزرگ حیاتی است که مصاحبه‌شونده شماره ۵ در خصوص آن گفته است:

«بعد از خروج انگلیس از منطقه در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی امنیت این منطقه و در رأس مسائل امنیتی تأمین جریان آزاد انرژی از خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان به آمریکایی‌ها واگذار شد».

حتی برخی از خبرگان مهم‌ترین منافع قدرت‌های خارجی در منطقه غرب آسیا را همین بحث انرژی و نفت می‌دانند. به طوری که مصاحبه‌شونده شماره ۹ بیان کرده است:

«در طول نیمه دوم قرن بیست و اول قرن ۲۱ ایالات متحده آمریکا که بزرگ‌ترین بازیگر خارجی در منطقه است، منافعش در غرب آسیا را بر روی دو محور تعریف کرده که عبارت‌اند از: نفت و تضمین امنیت نفت و صدور نفت ارزان به غرب».

نتیجه‌گیری

خاورمیانه همواره منطقه‌ای پرتنش با تهدیدات امنیتی گسترده بوده است. رویکردهای سنتی برای مدیریت این تهدیدات دیگر کافی نیستند و نیاز به چهارچوبی نوین برای حکمرانی امنیتی منطقه‌ای احساس می‌شود. این پژوهش تلاش می‌کند تا با تمرکز بر سه قدرت اصلی منطقه، یعنی ایران، ترکیه و عربستان سعودی، عوامل مؤثر بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا (۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲) را مورد شناسایی قرار دهد (در وجه ایجابی و سلبی). پژوهش تأکید می‌کند که امنیت در خاورمیانه تنها با تکیه بر دولت‌ها تأمین نمی‌شود، بلکه حضور بازیگران غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از ترکیبی از ابزارهای اقماعی (دیپلماتیک و اقتصادی) و قهری (نظامی و امنیتی) نیز نقش مهمی در شکل‌گیری حکمرانی امنیتی ایفا می‌کند.

در این پژوهش تلاش شد به گونه‌ای به این پرسش پاسخ داده شود که علل مهم از علل غیرمهم تشخیص داده شوند. به عبارت دیگر، از یک‌سو شناسایی این عوامل و از سوی دیگر رتبه‌بندی آن‌ها مدنظر قرار گیرد. در این راستا برای جلوگیری از هر نوع ابهام، نخست تلاش شد

فرایند یا فرازونشیب حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه مورد سنجش قرار گیرد. فرض بر این بود که تا زمانی که از فرایند و چگونگی آن آگاهی نداشته باشیم، قادر نخواهیم بود علل را به درستی شناسایی نماییم. به همین جهت، با تعریف شاخص‌هایی بر مبنای بنیان‌های نظری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای یعنی ابزارهای قهری و اقناعی از یک سو و کارویژه‌های چهارگانه آن یعنی پیشگیری، اجبار، حفاظت و تضمین، فرایند آن در خاورمیانه سنجیده شد.

پس از سنجش حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه این نتیجه حاصل شد که بین قدرت‌های منطقه‌ای تفاوت‌های معناداری وجود دارد. به صورتی که اهدافی که آن‌ها برای خود تعیین کرده بودند، تقریباً متضاد یکدیگر باشند. این مسئله موجب شده بود که حکمرانی امنیتی منطقه‌ای بسیار پرنوسان ظاهر شود. برای مثال، ابزارهای اقناعی که ایران در منطقه برای حل و فصل منازعات به کار گرفته را می‌توان با میانگین امتیاز ۲۲ نشان داد، در حالی که این میانگین برای عربستان و ترکیه به ترتیب ۳۶ و ۳۸ بوده است.

در مجموع، با سنجش وضعیت حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه این نتایج حاصل شد که عربستان و ترکیه در به کار بردن ابزارهای قهری و اقناعی تقریباً وضعیت مشابهی دارند. در حالی که ایران با اختلاف نسبتاً زیادی (فارغ از مثبت یا منفی بودن عملکردها) از آن‌ها بالعکس عمل کرده است. این در حالی است که وقتی به تجربه حکمرانی امنیتی منطقه‌ای اروپا نظری افکنده شود، می‌توان به این مهم پی برد که آن‌ها بعد از جنگ جهانی دوم با حضور ایالات متحده توانستند با مینا قراردادن دموکراسی، کنش و واکنش‌های تقریباً یکسانی در مقابل منازعات اتخاذ نمایند. اگرچه مقوله‌ها یا عوامل مختلفی بر حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا مؤثر بوده‌اند، اما قدرت‌های فرامنطقه‌ای به احتمال زیاد اصلی‌ترین نقش را در این زمینه ایفا کرده‌اند. قدرت‌های فرامنطقه‌ای در اقدامی مهم و بسیار منفی در شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای به تشکیل کشور اسرائیل کمک کردند. این موضوع زمینه‌ساز بسیاری از مسائل از جمله جنگ‌های اعراب و اسرائیل، امنیتی‌شدن و حرکت دولت‌های منطقه به سمت اقتدارگرایی و غیره شدند. این جدای از مسائل و مشکلاتی است که خود اسرائیل موجب آن شده است.

همچنین، حضور نظامی این قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه نیز خود عاملی بسیار مهم بوده است تا کشورهای منطقه به جای در پیش گرفتن تعامل، نسبت به اولویت تسلیحات نظامی بر سایر حوزه‌ها مانند اقتصاد اقدام کنند. علاوه بر این، موقعیت منطقه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه نیز باعث شده است تا قدرت‌های فرامنطقه‌ای همواره برای تسلط بر این منطقه به رقابت

و منازعه روی آورند، به طوری که منطقه غرب آسیا همواره متأثر از منازعات بین‌المللی و نوع روابط قدرت‌های بزرگ با یکدیگر بوده است. حتی امروزه نیز رقابت چین و ایالات متحده باعث شکل‌گیری بلوک‌بندی‌هایی در منطقه شده است که می‌تواند تأثیرات منفی بر شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای داشته باشد. حتی دولت - ملت‌سازی ناقص در منطقه غرب آسیا که به‌عنوان یکی از علل اصلی عدم شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا بوده است، به نوعی تحت تأثیر قرارداد سایکس‌پیکو و حتی اسرائیل بوده است.

به‌طور کلی، در بخش کیفی با استفاده از گروه کانونی و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی نسخه ۲۴ و مؤلفه‌های استخراج‌شده این نتایج حاصل شد: توانایی قدرت‌های منطقه‌ای برای حفاظت از جامعه خودشان و برخورداری از منابع کمی و کیفی از یک‌سو (حفاظت) و مداخله نظامی برای برقراری صلح در منطقه و همچنین نوع برداشت از امنیت و ثبات در منطقه از سوی دیگر (اجبار)، همراه با عملکرد چندجانبه داخلی - ایفای نقش بازیگران غیردولتی - و خارجی - تفویض اختیار به سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای - دولت‌ها (اطمینان) و افزایش چشم‌اندازهای حکومت دموکراتیک و نوع برداشت از مرجع امنیت (پیشگیری) از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حکمرانی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه است. همچنین، مقوله‌های اصلی مسئله اسرائیل، مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اقتدارگرایی، فرهنگ استراتژیک، اختلافات مرزی، ساختارهای اقتصادی و سیاسی غیرمکمل و ناهمسو و غیره از جمله عوامل سلبی اثرگذار بر توسعه حکمرانی امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شوند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازین اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

- بوزان، بری و دیگران (۱۴۰۲)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، چاپ دوم، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۴۰۲)، زیرساخت‌های راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی، سالنامه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۳، ۲۷۷-۳۰۳.
- کیهان (۱۳۹۸)، «اظهارات بسیار مهم بشار اسد از پشت پرده واقعی جنگ سوریه»، قابل دسترس در: <https://kayhan.ir/fa/news/174650>.
- همدانی، نوری (۱۳۹۳)، «در اسلام مرز جغرافیایی وجود ندارد»، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/93070100605>.
- Adler, E. & Greve, P. (2009), "When security community meets balance of power: overlapping regional mechanisms of security governance". *Review of International Studies*, 35(S1), 59-84.
- Bevir, M. & Hall, I. (2013). "The rise of security governance". In *Interpreting global security* (pp. 17-34). Routledge.
- Breslin, S. & Croft, S. (2013). "Researching regional security governance: dimensions, debates and discourses". In *Comparative regional security governance* (pp. 1-21). Routledge.
- Candel, J. J. (2014). "Food security governance: A systematic literature Review" *Food Security*, 6, 585-601.

Ceccorulli, M., Frappi, C., & Lucarelli, S. (2017). On regional security governance once again: how analysis of the Southern Caucasus can advance the concept. *European Security*, 26(1), 59-78.

Daase, C. & Friesendorf, C. (2010). *Rethinking security governance. The Problem of Unintended Consequences*, London.

Economics and Peace (2022). *Global Terrorism Index*, Available at: <https://www.economicsandpeace.org/global-terrorism-index>.

Economics and Peace (2023), *Global Peace Index*, Available at: <https://www.economicsandpeace.org>.

Ehrhart, H.-G., Hegemann, H., & Kahl, M. (2013). Towards security governance as a critical tool: a conceptual outline. *European Security*, 23(2), 145–162.

Ehteshami, A. (2013). MENA Region: Security and Regional Governance. In *Comparative Regional Security Governance* (pp. 131-151). Routledge.

Freedom house (2023 A). *Civil liberties*, Available at: <https://freedomhouse.org>.

Freedom house (2023 B). *Political rights*, Available at: <https://freedomhouse.org>.

Fund for Peace (2023). *Human flight and brain drain*, Available at: <https://fundforpeace.org/fsi>.

Galbreath, D. J. & Sauerteig, S. (2014). Regime Complexity and Security Governance. In *Handbook of governance and security* (pp. 82-97). Edward Elgar Publishing.

Heritage (2023). *Economic freedom*, overall index, Available at: <https://www.heritage.org/>

Jetschke, A. (2011). *Is ASEAN a Provider of Regional Security Governance?* (p. 3). Germany: Southeast Asian Studies at the University of Freiburg.

Kacowicz, A. M., & Press-Barnathan, G. (2016). Regional security governance. *The Oxford handbook of comparative regionalism*, 297-322.

Kirchner, E. j. (2014). *Theoretical Debates on Regional Security Governance. European University Institute Robert Schuman Centre for Advanced Studies Global Governance Programme*.

Kirchner, E. J. Dominguez, R. (Eds.). (2013). *The security governance of regional organizations* (Vol. 58). Routledge.

KOF (2023). Overall globalization, Available at: <https://kof.ethz.ch/en/forecasts-and-indicators/indicators/kof-globalisation-index.html>.

Krahmann, E. (2003). Conceptualizing Security Governance. *Cooperation and Conflict*, 38(1), 5–26.

Krahmann, E. (2005). From state to non-state actors: the emergence of security governance. In *New threats and new actors in international security* (pp. 3-19). New York: Palgrave Macmillan US.

Müftüleri-Baç, M. (2014). *Turkey as an emerging power: an analysis of its role in global and regional security governance constellations. Robert Schuman Centre for Advanced Studies Research Paper No. RSCAS*, 52.

Our World in Data. (2023). Deaths in interstate conflicts, World, Available at: <https://ourworldindata.org/grapher/deaths-in-interstate-conflicts-gibler-miller>.

Pinfari, M. (2014). Of cats and lions: Egypt and regional security governance in the Middle East. *Robert Schuman Centre for Advanced Studies Research Paper No. RSCAS*, 48.

Prosperity (2023 A). Health, Available at: <https://www.prosperity.com/rankings>.

Prosperity (2023 B). Safety and Security, Available at: <https://www.prosperity.com/rankings>.

Relief web (2023). Global Terrorism Index 2023, Available at: <https://reliefweb.int/report/world/global-terrorism-index-2023>.

Rosenau, J. N., & Czempiel, E. O. (Eds.). (1992). *Governance without government: order and change in world politics* (No. 20). Cambridge University Press.

SIPRI (2023). Military spending, percent of GDP, Available at: <https://www.sipri.org/databases/milex>.

Sperling, J. (2014). Regional security governance. *Handbook of governance and security*, 98-119.

Sperling, J., & Webber, M. (2014). Security governance in Europe: a return to system. *European Security*, 23(2), 126-144.

Statista (2023). *Terrorist attacks from 2007 - 2022*, by region, Available at: <https://www.statista.com/statistics/489581/terrorist-attacks-by-region/>

Svensson, T. (2013). Regional security governance: The case of South Asia. *In Comparative Regional Security Governance* (pp. 94-112), Routledge.

Tangör, B. (2012). Turkey's Role in European Security Governance. *Central European Journal of International & Security Studies*, 6.

Transparency (2023). Corruption Perceptions Index, Available at: <https://www.transparency.org/en/cpi/2021>.

Uppsala Conflict Data Program (2023). Estimated number of deaths from organised conflict (external), Available at: <https://ucdp.uu.se/downloads/index.html#dyadic>.

Vision of Humanity. (2023 A). Relations with neighboring countries, Available at: <https://www.visionofhumanity.org/maps>.

Vision of Humanity (2023 B). UN peacekeeping funding, Available at: <https://www.visionofhumanity.org/maps>.

Vision of Humanity (2023 C). Nuclear and heavy weapons, Available at: <https://www.visionofhumanity.org/maps>.

Webber, M. (2002). *Security governance and the excluded states of postcommunist Europe*.

Webber, M. et al. (2004). The governance of European security. *Review of international studies*, 30(1), 3-26.

Yale University (2023). Environmental Performance Index, Available at: <https://epi.yale.edu>.



مؤسسه تحقیقات استراتژیک
 پژوهشگاه مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 29 July 2024
 Revised 05 November 2024
 Accepted 22 November 2024
 Published online 15 March 2025

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 4, pp 143-176



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

Understanding the Biden Administration's "Hybrid Containment" Strategy towards Iran

Mohammad-Hadi Raji¹, Abuzar Gohari-Moqadam², Majid Shakeri³, Mostafa Kooshki⁴

1 Governance and Political Order Group, The Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

2. Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

3. Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

4. International Relations, Islamic Studies and Political Science Department, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Corresponding author email address: raji@riss.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Raji, M. H., Gohari-Moqadam A., Shakeri, M. and Kooshki, M. (2024). Understanding the Biden Administration's "Hybrid Containment" Strategy towards Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 27(4), 143-176.

doi:

10.22034/SRQ.2024.493080.4220



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

The relationship between Iran and the United States has been turbulent, especially following the 1979 Islamic Revolution. Both Democratic and Republican administrations have used different strategies to pressure Iran, making this one of the most complex relationships in international affairs. Examining this dynamic-particularly in light of major historical events like the 1953 coup and the post-1979 tensions-is a multi-layered challenge that goes beyond politics. It also involves sociology, economics, and security studies, reflecting the deep and evolving complexities of global power structures. However, over the years, scholars and analysts have studied the various strategies the U.S. has employed against Iran, identifying patterns of hostility. This paper focuses on the Biden administration's approach, assessing how it builds on past U.S. policies while introducing its own methods in response to global changes.

Methodology

This study explores a key question: What framework defines the "Hybrid Containment" strategy used by the Biden administration against Iran? The main goal is to understand how the U.S. applies a mix of tactics to exert pressure on Iran. The research is both theoretical and practical, contributing to policy discussions while offering operational insights. It relies on documentary and library sources, combining deductive and inductive reasoning, and uses a descriptive-analytical approach for interpretation. Since the study is exploratory, it does not test specific hypotheses.

Results

The study finds that the Biden administration's approach to Iran falls under the concept of "Hybrid Containment in a Complex Environment." This strategy reflects the unpredictable and deeply interconnected nature of economic, security, and social factors influencing global relations today. Because of this complexity, two key aspects—planning and exploitation—are essential. The U.S. aims not only to structure a containment strategy for Iran but also to take advantage of unexpected developments and interactions.

Washington's approach involves two main elements: deterrence (blocking Iran's actions) and compellence (forcing Iran to comply). This strategy is shaped by broader shifts in global power dynamics, particularly the U.S. effort to manage its declining influence while countering emerging powers like China. Moreover, the foundation of U.S. policy toward Iran operates on two levels. The first level concerns Iran itself—its post-revolution identity and the nature of the Islamic Republic. The second level involves Iran's geopolitical and economic significance, particularly its role in China's Belt and Road Initiative and Russia's access to southern trade routes. The Ukraine war has, in turn, increased Iran's strategic importance in global trade.

To counter Iran's influence, the U.S. has adopted two key strategies:

- "Neither Negotiation nor Confrontation" - Keeping Iran in a frozen state diplomatically while minimizing its geopolitical relevance.
- Undermining the legitimacy of the Islamic Republic – Portraying Iran as ineffective and creating social divisions.

Within these strategies, the U.S. and its allies employ various techniques. One common approach is gray-zone deterrence, applying pressure below the threshold of open war to limit Iran's ability to respond. Specific tactics include:

- Expanding economic sanctions, disrupting Iran's oil exports, and interfering with financial transactions.
- Supporting a network of terrorist groups and regional allies—including India, Saudi Arabia, the UAE, and Israel—as a counterweight to Iran's axis of resistance and China's Belt and Road Initiative.
- Using media and psychological tactics to weaken Iran's domestic unity, polarizing society, and questioning the future of the resistance movement.

Conclusion

The Biden administration's Iran strategy reflects a blend of historical precedents and modern geopolitical shifts. Its hybrid containment model operates within a deeply interconnected global environment, balancing deterrence with strategic exploitation. The U.S. aims to limit



Iran's regional influence while shaping a global order that preserves American power in an era of rising competition.

Keywords: *Complex Systems; U.S. Decline; Oil; China; Belt and Road Initiative.*

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله دریافت شده در تاریخ ۸ مرداد ۱۴۰۳ اصلاح شده در تاریخ ۱۵ آبان ۱۴۰۳ پذیرفته شده در تاریخ ۲ آذر ۱۴۰۳ منتشر شده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۶، صفحه ۱۴۳-۱۷۶



شاپای چاپی: ۰۷۲۷-۱۷۳۵
شاپای الکترونیکی: ۰۹۱۰X-۲۹۸۰

چهار چوب‌شناسی راهبرد آمریکا برای «مهار جمهوری اسلامی ایران» با تأکید بر دوره بایدن

محمد‌هادی راجی^{۱*}، ابودر گوهری مقدم^۲، مجید شاکری^۳، مصطفی کوشکی^۴

۱. گروه حکمرانی و نظم سیاسی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت، تهران، ایران.
۲. گروه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.
۳. گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. گروه روابط بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: raji@riss.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی/اصیل</p> <p>نحوه استناد به این مقاله: راجی، محمد‌هادی، گوهری مقدم، ابودر، شاکری، مجید و کوشکی، مصطفی. (۱۴۰۳). چهارچوب‌شناسی راهبرد آمریکا برای «مهار جمهوری اسلامی ایران» با تأکید بر دوره بایدن. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۴)، ۱۴۳-۱۷۶.</p> <p>doi: 10.22034/SRQ.2024.493080.422 0</p> <p></p> <p>© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایب) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.</p>	<p>تاریخ روابط بین ایران و ایالات متحده آمریکا از فرازوفروید زیادی برخوردار بوده، این فرایند بعد از انقلاب اسلامی نیز از وضعیت پیچیده‌تری برخوردار شده است. دولت‌های مختلف دموکرات و جمهوری‌خواه با ابزارها و روش‌های مختلفی در پی فشار بر جمهوری اسلامی ایران بوده و هستند. در این راستا تحقیق حاضر در پی آن است که راهبرد دولت بایدن در فشار بر جمهوری اسلامی ایران را مورد پردازش قرار دهد. این راهبرد از سویی نتیجه انباشت تاریخی و یادگیرنده انواع روش‌های فشار دولت‌های مختلف ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و ازسوی دیگر، متأثر از سیاست‌های ویژه دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران و تحولات نظم جهانی است. این تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی است؛ چراکه از سویی دارای دامنه و دلالت‌های نظری و ازسوی دیگر، دارای کاربردهای عملیاتی در حوزه سیاست‌گذاری است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که روش فشار دولت بایدن بر ایران را می‌توان ذیل عنوان کلی «مهار ترکیبی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت پیچیدگی» مورد پردازش قرار داد. در مهار ترکیبی در وضعیت پیچیدگی به دلیل پیوندهای حساس و پیچیده سیستم و کاهش قابلیت پیش‌بینی‌پذیری و کاهش قابلیت واپایش وضعیت روابط بین بازیگران مختلف، دو عنصر «طراحی» و «بهره‌برداری» از اهمیت توأمان برخوردار هستند. دراین‌بین، ایالات متحده آمریکا در پی آن است تا با همگراسازی بین دو عنصر امنیت و توسعه به ایجاد کردیدور اقتصادی - امنیتی مهارکننده در اطراف ایران به‌مثابه قلب کردیدور میانی شرق به غرب و شمال به جنوب و به مهار ترکیبی ایران، چین و روسیه بپردازد و هم‌زمان با گذردادن رژیم صهیونیستی از بحران وجودی به تنیدگی اقتصادی با کشورهای منطقه و تبدیل آن به دروازه فناوری و انرژی، تبعات کاهش حضور خود در منطقه را مدیریت کرده و نفوذ قدرت‌های رقیب یا متخاصم خود را مهار کند. در این بین ژئوپلیتیک‌زدایی از ایران در سطح بین‌الملل و مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی در سطح داخلی از اهمیت برخوردار است.</p> <p>واژگان کلیدی: سیستم‌های پیچیده، افول آمریکا، نفت، چین، ابتکار کمریبد - راه...</p>

مقدمه

رابطه ایران و آمریکا را شاید بتوان یکی از پرفرازونشیب‌ترین روابط در تاریخ روابط بین‌الملل محسوب کرد. سخن از این رابطه و تبیین نوع نگاه دولت‌های آمریکا به ایران به‌ویژه بعد از دو مقطع زمانی کودتای اسفند ۱۳۳۲ و بعد از انقلاب اسلامی ایران، امری پیچیده و چندسطحی محسوب می‌شود. تحلیل این فرایند چندسطحی، صرفاً در دانش روابط بین‌الملل منحصر نمانده، بلکه امتدادی پررنگ در جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصاد سیاسی و امنیت نیز پیدا کرده است. این پیچیدگی از سویی به پیچیده‌شدن روابط بین‌الملل و روابط بین دو کشور ایران و آمریکا و از سویی به پیچیدگی و شبکه‌ای‌شدن میکروفیزیک قدرت در سطح بین‌الملل مربوط می‌شود. در هر صورت و با عطف توجه به این موضوع، بررسی‌های مختلفی در رابطه با تحلیل استراتژی‌های مختلف دولت‌های گوناگون ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است؛ فرایندی که در پی شناخت الگومند کنش‌ها و اقدامات ایالات متحده آمریکا در قبال ایران بوده است.

راهبردهای مختلفی برای یک دولت در مقابل دولت رقیب یا متخاصم وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به جنگ تمام‌عیار، موازنه‌سازی، دیپلماسی اجبار و مهار اشاره کرد. با بررسی رویکرد دولت بایدن در قبال ایران می‌توان به این نتیجه رسید که مفهوم مهار، ظرفیت بیشتری نسبت به سایر مفاهیم برای تحلیل راهبرد آمریکا در این دوره و ارائه درکی نظام‌یافته از اقدامات متنوع آن در قبال ایران دارد. نخستین بار، جرج کنان دیپلمات و نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، راهبرد مهار را برای مقابله با توسعه‌طلبی و گسترش نفوذ شوروی ابداع کرد. از نظر وی، اجرای چنین راهبردی، نیازمند «به‌کارگیری همه ابزارهایی است که یک ملت، به‌استثنای جنگ نظامی، برای دستیابی به اهداف ملی خود در اختیار دارد. عملیات‌ها هم آشکارا و هم محرمانه است. اقدامات نیز عبارت‌اند از: اقدامات آشکار مانند اتحادهای سیاسی؛ اقدامات اقتصادی مانند طرح مارشال و تبلیغات سفید؛ اقدامات محرمانه مانند پشتیبانی مخفیانه از عناصر خارجی دوست، جنگ روانی سیاه و حتی تشویق به مقاومت زیرزمینی در کشورهای متخاصم (Kennan, 1948).

می‌توان مشاهده کرد که آمریکا در دوره بایدن نیز، از ابزارهای مختلفی زیر آستانه جنگ تمام‌عیار نظامی، در راستای سد نفوذ، تضعیف بنیان‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران و چه‌بسا فروپاشی نظام، استفاده کرده است. باوجود پیشینه دولت آمریکا در اتخاذ راهبرد مهار در قبال

جمهوری اسلامی ایران، ابعاد، اهداف و نحوه کاربست آن در هر یک از دوره‌ها متفاوت بوده است؛ بنابراین، در این نوشتار سعی بر آن است که یک چهارچوب تحلیلی برای فهم راهبرد آمریکا در مهار ایران ارائه شود. در این پژوهش، اقدامات و سیاست‌های دولت بایدن به‌عنوان شاهد مثال‌های این چهارچوب تحلیلی، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این چهارچوب تحلیلی، لاجرم نقش بازیگران دیگر نیز از اهمیت برخوردار است و دولت بایدن به‌مثابه وارث سیاستی، سیاسی و یادگیرنده دولت‌های پیشین ایالات متحده در نظر گرفته شده است.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که راهبرد «مهار جمهوری اسلامی ایران» در دوره بایدن از چه چهارچوبی برخوردار است؟ از این‌رو، هدف اصلی پژوهش تحقیق حاضر نیز شناخت و تحلیل چهارچوب کاربستی ایالات متحده آمریکا در مهار جمهوری اسلامی ایران است. این تحقیق از نوع توسعه‌ای - کاربردی است؛ چراکه از سویی دارای دامنه و دلالت‌های نظری و از سوی دیگر دارای کاربردهای عملیاتی در حوزه سیاست‌گذاری است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، اسنادی - کتابخانه‌ای با کاربست دو رویکرد قیاسی و استقرائی است. همچنین از رویکرد توصیفی - تحلیلی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحقیق مذکور کیفی است و به دلیل اکتشافی بودن، فرضیه آزما نمی‌باشد.

الف) روش پژوهش

تحلیل استراتژی یک کشور در برابر کشور دیگر به دلیل پیچیدگی رابطه سیاست‌های اعمالی و اعلامی و همچنین پیچیدگی برهم‌کنش‌ها و رخداد‌های بین‌المللی از جمله مباحث سهل و ممتنع در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود که روش‌شناسی آن همواره محل اختلاف متفکران این حوزه بوده است. این پیچیدگی از سویی به ناکارآمد شدن نظریه‌های فراگیر و بزرگ در تحلیل پدیده‌های جدید مربوط می‌شود که به گلچین‌گرایی نظری^۱ و اهمیت یافتن نظریه‌های با برد کوتاه^۲ و زمینه‌محور^۳ منجر شده است و از سوی دیگر، به پیچیدگی نظام طراحی استراتژی‌های کشورهای مختلف در برابر سایر بازیگران مربوط می‌شود. پیچیدگی سیستم به نحوی است که لزوماً برهم‌کنش عناصر و نوع خروجی‌های سیستم را نمی‌توان به‌صورت دقیق پیش‌بینی کرد و ورودی‌های یکسان لزوماً به خروجی‌های یکسانی منجر نمی‌شود. از این‌رو، استفاده از چهارچوب‌های متناسب برای درک بهتر وضعیت پیچیدگی و توانمندی بازیگران

1. Eclecticism
2. Short Term Theory
3. Contextual Theory

برای طراحی تغییر در کنار آمادگی برای بهره‌برداری از پیوندها و تغییرات احتمالی در رخدادها از اهمیت برخوردار است.

در همین راستا، دو سطح مطالعات استقرائی و قیاسی در این زمینه از جمله مهم‌ترین روش‌های کاربست‌یافته در تحلیل پدیده‌های مربوط به روابط بین‌الملل هستند. مطالعات استقرائی غالباً تمرکز خود را بر مشاهده و تحلیل صحنه میدانی و رخدادها قرار می‌دهند و از حوزه تحلیل تحولات به حوزه تدوین نظریه و استراتژی ورود می‌کنند؛ اما گروه دوم که بر روی مطالعات قیاسی تأکید دارند اهمیت بیشتری به مطالعات اسنادی می‌دهند و بیشتر با حوزه سیاست‌های اعلامی کار دارند. مشاهده تحولات تاریخی بازگوکننده آن است که ترکیبی از کاربست دو رویکرد قیاسی^۱ و استقرائی^۲ که شواهد میدانی و اسنادی را توأمان مدنظر داشته باشد از روایی^۳ و پایایی^۴ بهتری برخوردار هستند (Blagden, 2016). باتوجه‌به اینکه برای شناخت راهبرد کشورهای مختلف، اکتفا به سیاست‌های اعلامی به‌هیچ‌وجه بسنده نیست، استفاده از هر دو رویکرد در این نوشتار، اهمیت مضاعفی می‌یابد. از این‌رو، سعی شده است تا در این تحقیق با کاربست دو رویکرد استقرائی و قیاسی به چهارچوب‌شناسی راهبرد آمریکا برای مهار جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دوره بایدن بر پایه نظریه سیستم‌های پیچیده پرداخته شود. بدیهی است که بسیاری از سیاست‌های این حوزه متأثر یا ادامه‌دهنده دولت‌های قبلی آمریکا بوده است.

ب) چهارچوب نظری پژوهش

با گسترش بازیگران روابط بین‌الملل و همچنین توسعه فناوری‌های مختلف در حیات بشری و درهم‌تنیدگی منافع در کنار سایر عواملی همچون شبکه‌ای و سیال شدن قدرت و انتشار و توزیع آن در سطوح مختلف ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و افزایش حساسیت‌های سیستم نسبت به تغییر، روند تحلیل روابط بین بازیگران مختلف از حالت انحصاری صلح یا جنگ خارج شده است و می‌توان مؤلفه‌های زیاد دیگری را بین دو مؤلفه صلح و جنگ در تحلیل روابط بین بازیگران مختلف مطرح و مورد کاربست قرار داد. جایی که همکاری^۵، منازعه^۱ و رقابت^۲ به‌صورت

1. Deductive Approach
2. Inductive Approach
3. Validity
4. Reliability
5. Cooperation

توأمان در بین قدرت‌های بزرگ قابل مشاهده است (Denis & Kalekin-Fishman, 2009). از این رو، مفاهیمی مانند مهار، منطقه خاکستری^۳، «استراتژی‌های منطقه خاکستری»، «رقابت‌های کوتاه غیر منازعه آمیز»، «اقدامات فعال»، «جنگ نسل جدید» (Chivvis, 2017)، «جنگ غیرخطی»، «جنگ مبهم»، «درگیری در منطقه خاکستری» (Mecklin, 2017)، رقابت در عین همکاری، نظم شبکه‌ای^۴ و... به نوعی بر این تغییر فرایند دلالت دارند. در این راستا، کارایی نظریه‌های کلان در توصیف مناسب از واقعیات و رخدادها، کاهش یافته است (Oren, 2016). امروزه، مواجهه ساده و خطی با پدیده‌های نوظهور در روابط بین‌الملل که از پیچیدگی و غیرخطی بودن برخوردار هستند، کار تحلیل را با اختلال مواجه می‌کند. در این فرایند، کاربست نظریه سیستم‌های پیچیده^۵ می‌تواند گریزگاهی برای پژوهشگران این حوزه باشد و به تحلیل و درک بهتر روابط و پدیده‌های پیچیده یاری برساند.

۱. نظریه سیستم‌های پیچیده

نظریه سیستم‌های پیچیده یک چهارچوب نظری برای درک روابط بین‌الملل به‌ویژه در تحلیل تعاملات استراتژیک میان دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و سایر نهادها در سیاست جهانی ارائه می‌دهد. این رویکرد از یک درک خطی و علت و معلولی از سیاست‌های بین‌الملل فاصله گرفته و به روابط گسترده‌تر سیستماتیک و وابستگی‌های متقابل توجه می‌کند (Jervis, 1997). نظریه سیستم‌های پیچیده ابتدا در علوم طبیعی مانند فیزیک، زیست‌شناسی و ریاضیات برای مطالعه پدیده‌هایی با ویژگی‌های غیرخطی بودن، دارای حلقه‌های بازخورد، برخوردار از سازگاری و رفتارهای نوظهور استفاده می‌شد. در روابط بین‌الملل، پژوهشگران این نظریه را برای بررسی چگونگی تکامل سیستم جهانی در پاسخ به تعامل اجزای متنوع آن به کار برده‌اند. برای فهم بهتر سیستم‌های پیچیده لازم است به عناصر اصلی آن توجه کرد. این عناصر عبارت‌اند از:

1. Conflict
2. Competition
3. Gray Zone
4. Network Order
5. Complex Systems Theory

• **غیرخطی بودن^۱**: تعاملات بین دولت‌ها یا بازیگران لزوماً به نتایج پیش‌بینی شده یا متناسب نمی‌انجامد؛ برای مثال، اقدام کوچک یک کشور کوچک ممکن است تأثیرات بزرگی ایجاد کند، زیرا امواجی از تأثیرات در سیستم گسترش می‌یابد.

• **نوظهوری^۲**: ساختارها یا رفتارهای جدیدی می‌توانند ظهور کنند که در اجزای سیستم نهفته نیستند. این موضوع در چگونگی تکامل نهادها یا هنجارهای جهانی به واسطه تعاملات دولت‌ها مشاهده می‌شود. با توجه به این عنصر، اتحادها و پویایی‌های جدید در نتیجه تعاملات غیرمستقیم در سیستم ایجاد می‌شوند. برای مثال، خیز چین، آمریکا را به سمت اتخاذ راهبردهای جدید و شکل دادن به ائتلاف‌هایی با منطق‌های نو سوق داده است.

• **حلقه‌های بازخورد^۳**: حلقه‌های بازخورد مثبت یا منفی می‌توانند رفتارها را تقویت یا تضعیف کنند؛ برای مثال، تا زمانی که بازخورد آمریکا از نتایج تحریم‌ها علیه ایران مثبت باشد، به اعمال تحریم‌ها ادامه خواهد داد.

• **سازگاری^۴**: نظریه سیستم‌های پیچیده تأکید می‌کند که بازیگران در سیستم‌های پیچیده نمی‌توانند به‌طور ایستا یا خطی عمل کنند و باید پیوسته و سازگار با محیط متغیر شوند. برای مثال، می‌توان گفت که راهبرد آمریکا در مقابل ایران در شرایطی که محیط بین‌المللی مقوم جهانی شدن بود، متفاوت از شرایطی است که محیط بین‌الملل متأثر از رقابت قدرت‌های بزرگ شده است.

این ویژگی‌ها نظریه سیستم‌های پیچیده را برای مطالعه روابط بین‌الملل مفید می‌کند؛ چراکه بازیگران متعددی در روش‌های غیرقابل پیش‌بینی در یک سیستم جهانی در حال تکامل، با یکدیگر تعامل دارند. همچنین نظریه سیستم‌های پیچیده این امکان را فراهم می‌آورد تا به هر دو استراتژی ایالات متحده برای مهار ایران و مهار چین، به‌عنوان بخشی از یک سیستم جهانی مرتبط و به‌هم‌پیوسته نگاه کرد که در آن اقدامات آمریکا در قبال یکی از این کشورها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سیاست‌های دیگر کشورها تأثیر می‌گذارد.

از مزایای دیگر نظریه سیستم‌های پیچیده، استفاده از تجزیه و تحلیل چندسطحی^۵ در روابط بین‌الملل است که تعاملات را در سطوح مختلف بررسی می‌کند و همچنین رویدادهای

1. Nonlinearity
2. Emergence
3. Feedback loops
4. Adaptation
5. Multi-level Analysis

کوتاه‌مدت و روندهای بلندمدت را در نظر می‌گیرد که باتوجه‌به دغدغه این پژوهش برای درک نسبت راهبرد مهار ایران با رقابت قدرت‌های بزرگ، می‌تواند سودمند باشد. علاوه‌براین، طبق نظریه سیستم‌های پیچیده، تهدید، وجوه متنوعی پیدا می‌کند که می‌تواند حتی برنامه توسعه کشورهای دیگر را هم در برگیرد. درواقع، این نظریه، پژوهشگر را به عبور از نگاه اول و کاربست نگاهی عمیق‌تر دعوت می‌کند. در این نگاه عمیق‌تر، ممکن است اجزایی که به‌ظاهر با یکدیگر ارتباط چندانی ندارند، در باطن با یکدیگر ارتباطی وثیق بیابند؛ بنابراین، نظریه سیستم‌های پیچیده این امکان را فراهم می‌آورد که کنش‌های مختلف آمریکا را در قالب یک منظومه معنادار، تحلیل کرد.

۲. پیچیدگی

و‌اپایش و شناخت نظم در نظام بین‌الملل به‌صورت سنتی در چهارچوب‌های ساده و خطی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ این در حالی است که صحنه جدید روابط بین‌الملل بسیار متفاوت و پیچیده شده است و نمی‌تواند به‌صورت خطی به پدیده‌های آشوبناک در روابط بین‌الملل نگریست. طبق نظریه سیستم‌های پیچیده، این شبکه جدید، لایه‌های گوناگون و هم‌بسته‌ای از نمایش نظم‌ها، نهادها، بازیگران، روش‌ها و راهبردها را در قالب شبکه‌ای پیچیده به‌وجود آورده است و مظهر مهمی از رخداد هم‌زمانی بین فرایندهای پویا در برهم‌کنش با یکدیگر و در برهم‌کنش با عناصر ایستا است. این موضوع باعث شده است تا اصول تحلیل در این وضعیت، متفاوت از گذشته رقم بخورد (قاسمی و هاشمی، ۱۴۰۱).

یکی از موضوعات اساسی در نظریه پیچیدگی و آشوب، تحول اساسی در الگوهای نبرد و منازعه در روابط بین‌الملل است. امروزه جنگ‌های ترکیبی از مهم‌ترین الگوهای جنگ در سیستم‌های بین‌المللی و اجتماعی محسوب می‌شوند که بر خلاف نسل‌های پیشین جنگ دارای خصیصه شبکه‌ای و تنیدگی هستند (قاسمی، ۱۳۹۹) و می‌توان از آن برای فهم استراتژی‌های پیچیده غرب علیه جمهوری اسلامی ایران بهره جست (راجی، ۱۴۰۲). همچنین باید توجه کرد که پیچیدگی یک روند است که از دوره مدرن آغاز شده و به‌تدریج روبه افزایش بوده است. باین‌حال، در دو دهه اخیر، نظم در حال تغییر بین‌المللی و افزایش عدم قطعیت‌ها و به تبع آن، نااطمینانی‌ها در صحنه بین‌الملل، روند پیچیدگی در نظام بین‌الملل را سرعت بخشیده است. خیز چین و ظهور دوباره رقابت قدرت‌های بزرگ در صحنه بین‌المللی، افزایش عدم قطعیت‌ها را در نظام بین‌الملل در پی داشته است. این عدم قطعیت‌ها را می‌توان ناشی از عدم تثبیت قدرت در سطح سیستمی و عدم قطعیت در نیت، توانمندی و سرنوشت رقابت قدرت‌های بزرگ

دانست. این امر، نااطمینانی دولت‌ها و کنشگران نظام بین‌الملل را افزایش داده و آن‌ها را به سمت اتخاذ راهبردهای پیچیده و بعضاً ابهام‌آمیز سوق داده است. در چنین شرایطی که پیچیدگی‌های نظام بین‌الملل بسیار افزایش یافته و دولت‌ها نیز راهبردهای خود را به صورت چندسطحی دنبال می‌کنند، نظریات سنتی روابط بین‌الملل نمی‌توانند به تنهایی راهگشای فهم چهارچوب راهبرد مهار ایران از سوی آمریکا باشند. بنابراین، ضمن بهره‌گیری از نظریات متعارف روابط بین‌الملل، کاربست نظریه سیستم‌های پیچیده برای پاسخ به پرسش پژوهش مد نظر قرار گرفته است.

۳. وضعیت‌شناسی مهار در سیستم‌های پیچیده

مهار در سیستم‌های پیچیده^۱ در یک وضعیت آشوبناک قرار دارد که می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های این بستر را این‌گونه دانست: نخست، فرارفتن روابط بین کشورها و بازیگران مختلف از دوگانه جنگ‌و صلح و پدیدار شدن طیف‌های مختلف وضعیتی بین دو مفهوم جنگ‌و صلح در ابعاد مختلف؛ دوم، شبکه‌ای شدن وضعیت برهم‌کنش بین بازیگران مختلف که علاوه بر اهمیت پیداکردن بازیگران غیررسمی و خرد در کنار دولت‌ها به تنیده‌شدن موضوعات مختلف ژئوپلیتیک، اجتماعی و ژئواکونومیک انجامیده است. در نتیجه، امنیت نیز معنایی موسع یافته و همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ سوم، مسئله پیچیدگی و غیرخطی شدن محیط روابط بین‌الملل و پیش‌بینی‌ناپذیری آن که باعث اهمیت‌یافتن مسئله نوآوری، چندپارگی، یادگیری و آمادگی برای بهره‌برداری از تحولات غیرمنتظره در عین اهمیت داشتن توانمندی برای طراحی و کاربست استراتژی و اعمال قدرت شده است؛ چهارم، اهمیت یافتن منابع جدید قدرت از جمله فناوری‌های نوین و منابع جدید انرژی؛ پنجم، افزایش حساسیت شبکه؛ در واقع و در پی کثرت بازیگران مختلف و تنیده‌شدن شبکه برهم‌کنش موضوعات و بازیگران و آشوبناک شدن آن، حساسیت شبکه به تحولات، بسیار زیاد شده است به نحوی که یک متغیر خرد می‌تواند به تولید اثر پروانه‌ای^۲ منجر شود. در این‌راستا و برای مطالعه روابط بین‌الملل در دوران کنونی، استفاده از نظریه سیستم‌های پیچیده از اهمیت برخوردار است. این اهمیت در بررسی راهبرد مهار جمهوری اسلامی ایران در دوره بایدن مضاعف شده چراکه در آن همه عناصر پنج‌گانه فوق قابل مشاهده است.

۱. در این پژوهش، گاه برای تأکید بر اهمیت هیبریدی شدن سیستم‌های پیچیده به‌جای استفاده از مفهوم «مهار در سیستم‌های پیچیده» از عبارت «مهار ترکیبی» استفاده شده است.

2. Butterfly Effect

ج) تبارشناسی تحولات معاصر در روابط ایران و آمریکا

۱. مروری بر روابط ایران و آمریکا بعد از انعقاد برجام

بعد از برنامه راهبردی جامع اقدام مشترک^۱ موسوم به برجام بین ایران و ۵+۱ در زمان ریاست جمهوری اوباما در آمریکا و حسن روحانی در ایران، این امید وجود داشت که فصل تازه و متفاوتی از روابط بین ایران و غرب به خصوص بین ایران و ایالات متحده گشوده شده است که می‌تواند گذشته پرفرازونشیب سابق را تا حدودی به آرامش برساند. این امید زمان زیادی نپایید و با روی کار آمدن ترامپ و خروج آمریکا از برجام در تاریخ هشتم مه ۲۰۱۸ مشخص شد که ایالات متحده رویکرد سلبی خود به ایران را مطابق قواعد پیشین حفظ کرده است. «اعلامیه ترامپ با حجم گسترده‌ای از تحریم‌های جدیدی همراه شد که هدف آن نابودی اقتصاد ایران بود. طی ماه‌های بعد واشینگتن، سیاست جنگ اقتصادی فزاینده و مقابله‌جویانه‌ای را علیه ایران آغاز کرد که در گذشته سابقه نداشت» (قزوینیان، ۱۴۰۰).

بعد از ترامپ و با روی کار آمدن دموکرات‌ها و انتخاب بایدن به ریاست جمهوری آمریکا، مجدداً برخی زرمه‌ها مبنی بر احتمال بازگشت آمریکا به برجام و جبران عملکرد ترامپ توسط دولت بایدن مطرح شد و چند دور مذاکرات بین نمایندگان دولت دوازدهم و سیزدهم با اعضای باقی‌مانده در برجام صورت گرفت اما با گذشت زمان مشخص شد که بایدن دموکرات به‌رغم اظهار تمایل اولیه برای بازگشت به برجام، اراده‌ای برای منافع‌ساختن ایران در ازای اجرای کامل تعهدات هسته‌ای در برجام ندارد؛ بلکه به‌دنبال این است که از توافق احتمالی در حوزه هسته‌ای، اهرمی برای تضعیف ابزارهای بازدارندگی ایران مانند برنامه موشکی و شبکه منطقه‌ای بسازد. در واقع، تلاش‌های اولیه دولت بایدن برای احیای برجام نیز در قالب سیاست‌های کلی فشار بر جمهوری اسلامی ایران قابل پردازش است.

در همین مورد، رابرت مالی، نماینده سابق آمریکا در امور ایران و مذاکره‌کننده ارشد این کشور در گفت‌وگوهای احیای برجام در فایل صوتی انتشار یافته توسط تهران تایمز می‌گوید: «حتی اگر به توافق برگردیم، این تازه اولین گام است. اما همانطور که رئیس‌جمهور گفت ما به دنبال یک توافق طولانی‌تر، قوی‌تر و گسترده‌تر هستیم. این نتیجه‌گیری ما با حمایت جامعه اطلاعاتی و اروپایی‌ها بود که اگر به دنبال توافق قوی‌تری هستیم، نمی‌توانیم از روی برجام بپریم. ایرانی‌ها هم این توافق گسترده‌تر را رد می‌کنند و به گونه‌ای عمل می‌کنند که در چند

سال گذشته عمل کرده‌اند، بنابراین، برنامه هسته‌ای و جنگ‌طلبی خود را در منطقه برای تحت فشار قرار دادن ما تسریع می‌کنند. زمانی که به برجام بازگشتیم، قصد داریم از ابزارهای مختلف برای حفظ فشار بر ایران برای سایر اشکال رفتار، چه حمایت از گروه‌های نیابتی، برنامه موشک‌های بالستیک، حملات سایبری، مداخله در انتخابات و نقض حقوق بشر، استفاده کنیم. بنابراین، ما توانایی خود برای اعمال فشار، تحریم و موارد دیگر علیه ایران را حفظ می‌کنیم».

پیش‌نویس برنامه پیشنهادی حزب دموکرات آمریکا قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ به‌صراحت همین مواضع را تأیید می‌کند. در بخشی از این سند هشتمین صفحه‌ای آمده است: «توافق هسته‌ای همیشه قرار بوده آغاز دیپلماسی ما با ایران باشد نه پایان آن. دموکرات‌ها از تلاش‌های جامع دیپلماتیک برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران و پرداختن به سایر فعالیت‌های تهدیدکننده این کشور اعم از ستیزه‌جویی منطقه‌ای، موشک‌های بالستیک و سرکوب‌گری داخلی حمایت می‌کنند». در این سند تأکید شده که باید به‌رغم دائمی کردن محدودیت‌های هسته‌ای ایران، برجام‌های بعدی به دیگر مؤلفه‌های قدرت ایران از جمله توان موشکی و قدرت منطقه‌ای تعمیم داده شود (هادی‌زاده نائینی، ۱۴۰۲).

تصمیم آمریکا برای حفظ فشار بر جمهوری اسلامی ایران با ادراک نسبت به ناآرامی‌های اجتماعی پس از فوت خانم مهسا امینی در سال ۱۴۰۱، وارد فرایند پیچیده‌تری شد. در این راستا، «آنتونی بلینکن»، وزیر امور خارجه آمریکا پس از توافق ایران و آمریکا بر سر معاف‌سازی زندانیان دو کشور این گونه بیان می‌دارد: «رویکرد کلی دولت بایدن در قبال ایران پس از توافق بر سر آمریکایی‌های بازداشت‌شده در ایران تغییر نکرده است و واشینگتن استراتژی بازدارندگی، فشار و دیپلماسی را دنبال خواهد کرد.» (بلینکن، ۲۰۲۳).

۲. مبناشناسی ساخت رفتار ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران

باتوجه به نظریه سیستم‌های پیچیده، پدیده‌ها دائماً در حالت سیال و در حال پیوند یا فسخ پیوند با پدیده‌های دیگری هستند و کیفیت این برهم‌کنش است که نمایش پیوندی قدرت را طراحی می‌کند و می‌تواند به تبیین رفتارهای پدیده بینجامد. یکی از مفاهیم و موضوعات مهمی که می‌توان برای آن نقش مهمی در بررسی رفتارهای آمریکا به صورت کلی و به‌ویژه در برابر ایران در دوران کنونی مدنظر داشت، مفهوم «افول آمریکا»^۱ و تلاش آمریکا برای بازیابی منابع قدرت خویش است. مفهوم افول آمریکا به اشکال مختلفی مورد اشاره نخبگان داخلی و خارجی ایالات متحده بوده است. از جانسون که با نوشتن کتاب «برچیدن امپراتوری» (آخرین امید آمریکا)^۲ (Johnson, 2010) و «مکافات: آخرین روزهای جمهوری آمریکایی»^۳ (Johnson, 2006) هشدارهای صریحی درباره افول دولت آمریکا داشت تا حال حاضر که کارشناسان و نهادهای مختلف غربی و شرقی در این باره در حال ارائه نظر هستند. منظور از افول آمریکا به معنای ضعیف‌شدن یک‌باره آمریکا نیست^۴ بلکه این کشور هنوز هم به لحاظ مالی، نظامی و فناورانه از جمله قدرت‌های بزرگ یا در برخی مؤلفه‌ها قدرتمندترین کشور دنیا محسوب می‌شود؛ اما خیز چین، بحران ۲۰۰۸، حضور شکست‌خورده آمریکا در غرب آسیا (Dobbin et al., 2020)، تعارضات اجتماعی داخل ایالات متحده^۵، ظهور مشکلات متنوع بر سر راه قدرت آمریکا (Lowenthal, 2013) و چندپارگی قدرت در دنیا^۶ باعث شده است تا رقبای مهمی برای ایالات متحده ظهور (Sullivan, 2023) و بروز پیدا کنند و نوید یک نظم جدید چندقطبی را بدهند.

در این فرایند، ایالات متحده و برخی از مهم‌ترین هم‌پیمانان آن در صورتی که نتوانند منابع قدرت خویش را بازیابی کنند با افول تدریجی و نسبی مواجه خواهند بود (Brands, 2017)؛ مسئله‌ای که سرنخ‌های آن را می‌توان از بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از سال ۱۹۴۵

1. <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2023/06/us-societal-trends-institutional-trust-economy/674260/>

2. Dismantling the empire: America's last best hope

3. Nemesis: The last days of the American republic

4. <https://www.nytimes.com/2023/09/04/opinion/america-rome-empire.html>

۵. برخی این مشکلات را به امکان بروز جنگ داخلی در آمریکا مربوط دانسته‌اند.

It's very important that we deal with this now. We can have a type of civil war or international war based on how we are behaving with each other and our financial conditions. (Ray Dalio, Founder of Bridgewater Associates).

6. Fragmented World Order

مورد مطالعه قرار داد (Lundestad, 2012). آمریکایی‌ها به این فرایند چندپاره‌شدن قدرت^۱ و احتمال افول آمریکا از جایگاه هژمونیک آگاه هستند و لاجرم بر پایه یک استراتژی هوشمندانه که می‌توان از آن با عنوان استراتژی افول یاد کرد در حال مدیریت این انتشار قدرت هستند، این مدیریت تاندازه‌ای پررنگ است که برخی از آن در شرایط بحرانی تحت عنوان خودکشی پیشگیرانه ابرقدرت‌ها^۲ یاد می‌کنند. استراتژی آمریکا برای گذار از دوران افول و احیای هژمونی ایالات متحده در دوران نظم و قدرت جدید جهانی را می‌توان به‌مثابه ققنوس نام‌گذاری کرد؛ جایی که آمریکای جدید با درک مشخصی از گذار نظم اقتصادی بین‌الملل از نظم نئولیبرالی پساجنگ سرد به سمت اقتصاد جهانی چندپاره‌شده^۳ سر بر می‌آورد.

باتوجه به اهمیت شناخت محیط در نظریه سیستم‌های پیچیده، قبل از پرداختن به استراتژی آمریکا در این نظم اقتصادی جدید، لازم است به ویژگی‌های این نظم و تفاوت آن با نظم گذشته توجه کرد. نظم اقتصادی در سال‌های پس از جنگ سرد، عمدتاً با یک چهارچوب اقتصادی نئولیبرال مشخص می‌شد که بر تجارت آزاد، مقررات‌زدایی، جهانی‌سازی و حرکت آزاد سرمایه تأکید داشت (Stiglitz, 2002)؛ اما امروز، نظم اقتصادی بین‌الملل دستخوش تغییرات عمیقی شده است و از اجماع نئولیبرالی که پس از جنگ سرد ایجاد شده بود، به سمت نظامی چندپاره حرکت می‌کند. نخستین بار، صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۲، مفهوم چندپاره‌شدن اقتصادی را برای اشاره به نظم اقتصاد بین‌الملل جدید ابداع کرد. ویژگی مهم این نظم جدید، تفوق تاب‌آوری^۴ بر بهره‌وری است. یعنی کنش اقتصادی که تضمین‌کننده امنیت بیشتر است بر کنشی که سود بیشتر را به‌دنبال دارد، برتری یافته است. در این حالت، دستاوردهای اقتصادی نسبی و نه مطلق و توجه به پیامدهای آن برای امنیت، برجسته می‌شود. این امر، قدرت‌های بزرگ را به سمت «امنیتی‌سازی سیاست‌های اقتصادی و اقتصادی‌سازی سیاست‌های استراتژیک» سوق می‌دهد (Roberts et al., 2019).

در این شرایط، برخلاف جهانی‌سازی در نظم گذشته که ادغام اقتصادی را در سطح جهانی تشدید می‌کرد، دولت‌ها تمایل دارند زنجیره‌های تأمین خود را به‌خصوص در کالاهای مهم، در کشورهای دوست که به لحاظ راهبردی به آن‌ها اطمینان دارند یا به آن‌ها نزدیک‌ترند، گسترده

1. Fragmentation

2. Pre-emptive Superpower Suicide

3. <https://www.brookings.edu/articles/not-fade-away-against-the-myth-of-american-decline/>

4. Global Economic Fragmentation

5. Resilience

سازند که از این امر تحت عنوان «دوست‌سپاری»^۱ یاد می‌شود و در مقابل «دورسپاری»^۲ در نظم اقتصادی گذشته قرار دارد (El-erian, 2023). این امر موجب می‌شود که اقتصاد و تجارت بین‌الملل به مرور براساس مرزهای ژئوپلیتیک، چندپاره شده و بازسازی شود. استراتژی آمریکا برای سر برآوردن از دوران افول، با ویژگی‌های نظم اقتصادی جدید هماهنگ است. آمریکایی‌ها در این استراتژی، سه اصل ترکیبی را به صورت هم‌زمان پیگیری می‌کنند^۳:

- تلاش برای بازیابی منابع قدرت سلبی و ایجایی آمریکا مخصوصاً در حوزه قدرت نرم و نیمه‌سخت در ساحات سیاسی، فناوری‌های مدرن و صنعتی، نظامی و مالی جهت رقابت با رقبای جدید^۴؛

- مدیریت انتشار قدرت در جهان و اختلال در فرایند ظهور قدرت‌های مستقل و غیر همسو^۵؛

- مدیریت و بازطراحی ایده و ساختار بین‌الملل برای گذار کم‌ریسک از عصر چندجانبه‌گرایی^۶ به همکاری محدود^۷ و ریسک‌زدایی از زنجیره‌های تأمین^۸.
در این راستا ایالات متحده از سویی به دنبال تقویت قدرت نرم (Nye, 2015) و نیمه‌سخت خود در عرصه‌های صنعتی، فناوریانه، نهادی، رهبری، مالی و... است تا بتواند در وضعیت پیچیده و جدید قدرت پیش‌تازانه عمل کند. در این ساحت توجه به فناوری‌های مدرن از جمله در حوزه فناوری‌های محاسباتی همچون کوانتوم و هوش مصنوعی، فناوری‌های زیستی در بهداشت و سلامت و امنیت غذایی، انرژی‌های تجدیدپذیر با کربن صفر، فناوری‌های معدنی مثل لیتیوم،

1. Friend-Shoring

2. Off-Shoring

3. <https://www.politico.com/news/magazine/2023/01/20/us-davos-ukraine-00078771>

۴. در احصای این اصول، از کاربست دو رویکرد قیاسی و استقرانی که شواهد میدانی و اسنادی یا سیاست‌های اعلامی و اعمالی را توأمان مدنظر دارد، استفاده شده است.

5. <https://www.youtube.com/watch?v=A2sa-p2whkk>. The Biden administration's international economic agenda: National Security Advisor Jake Sullivan.

۶. بارها مقامات آمریکایی از قدرت‌های مستقل و غیرهمسویی مانند چین، روسیه و ایران به‌عنوان قدرت‌های تجدیدنظرطلب یا محور تحول‌خواه یاد کرده‌اند و از اراده آمریکا برای مقابله با این کشورها سخن گفته‌اند. برای مثال، بلینکن در مقاله‌ای نوشته است: «همه آن‌ها [قدرت‌های تجدیدنظرطلب]، در تلاش‌اند تا بنیادهای قدرت ایالات متحده را تضعیف کنند: برتری نظامی و فناوری آن، ارزش و شبکه بی‌نظیر اتحادها و مشارکت‌هایش. درحالی‌که این کشورها یک محور نیستند و دولت به‌وضوح اعلام کرده که به دنبال رویارویی بلوکی نیست، انتخاب‌هایی که این قدرت‌های بازنگر انجام می‌دهند به این معنی است که ما باید به‌طور قاطع عمل کنیم تا از وقوع این نتیجه جلوگیری کنیم». قابل دسترسی در:

<https://www.foreignaffairs.com/united-states/antony-blinken-americas-strategy-renewal-leadership-new-world>

7. Multilateralism

8. Minilateralism

۹. برای مطالعه در رابطه با Minilateralism رجوع شود به:

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/minilateralism-concept-changing-world-order>

صنعت نیمه‌هادی‌ها^۱ و... را می‌توان مورد اشاره قرار داد و ازسویی دیگر، با مدیریت روند انتشار قدرت در جهان، در پی ایجاد تأخیر و اختلال سیستمی برای کنترل رقبا در این فرایند است. ایجاد تحریم‌های هوشمند علیه بازیگران مختلف را در این راستا می‌توان تحلیل کرد. در گام سوم نیز ایالات متحده در حال بازطراحی صحنه بین‌الملل متناسب با دوران گذار و طراحی عناصری برای فهم وضعیت پیچیدگی در جهان جدید است. در این راستا می‌توان به تلاش برای ایجاد فرسودگی و تخلیه قدرت منابع قدرت در بین بازیگران قدرتمند و همچنین بازطراحی نهادها و ساختارهای بین‌المللی کلاسیک و طراحی هدفمند کریدورها اشاره کرد. بسترسازی جنگ بین روسیه و اوکراین که به تضعیف روسیه و آسیب به اروپا و تقویت تصویر ناجی و ناظم از آمریکا بدل شد، تلاش برای ایجاد اختلال در مسیر کریدور کمربند - راه^۲ و همچنین ویران‌سازی محور میانی این پروژه که ایران قلب تپنده آن قرار دارد، تلاش برای کاهش نیاز آمریکا به انرژی منطقه غرب آسیا^۳ با صنعتی‌سازی نفت شیل^۴ و همچنین حمایت وسیع از حیات رژیم صهیونیستی به‌مثابه یک بازیگر توانمند در تولید بحران مخصوصاً بعد از وقایع هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و تلاش برای طراحی یک نظم ژئوپلیتیک جدید در منطقه با همکاری اعراب و محوریت رژیم صهیونیستی در این راستا قابل‌پردازش است؛ فرایندی که در آن می‌توان به سیاست‌های مهار ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران پی برد.

(د) سیاست مهار جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده

با مروری گذرا بر تحولات روابط ایران و ایالات متحده در دوران کنونی و با شناخت مبنای ساخت رفتار ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌توان به تحلیل سیاست مهار جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده پرداخت.

۱. برنامه اقدام جدید سبز باین و قانون چیپس و علم (CHIPS and Science Act) یک نمونه جدی در این حوزه است.

2: Belt and Road Initiative (BRI)

۳. نفت شیل و پروژه آل‌ان‌جی

۴. البته حمله به عراق نشان می‌دهد که پیدایش نفت شیل حداقل در ابتدا یک فرایند آگاهانه حاکمیتی نبوده هر چند بعداً مورد حمایت برنامه‌های دولتی هم قرار گرفته است.

۱. فروپاشی منطق کلاسیک تعامل ایران و آمریکا

بعد از سال ۲۰۰۸ و با اهمیت یافتن نفت شیل،^۱ نیاز آمریکایی‌ها به نفت منطقه کاهش یافت. همزمان با کاهش نیاز آمریکا به نفت و افزایش اهمیت چین و منطقه شرق آسیا برای ایالات متحده موضوع چرخش به آسیا (چین) توسط دولت اوباما مورد طرح قرار گرفت.^۲ در این فرایند و همزمان با راهبرد آمریکا برای چرخش به شرق آسیا و ایندوپاسیفیک برای مهار قدرت چین، پیشرفت ایران در برنامه هسته‌ای به مثابه یک عنصر تغییردهنده بازی باعث شد که آمریکا با تحریم‌های فراگیر علیه ایران به ممانعت از پیدایش یک بازیگر قدرتمند در منطقه، جبران کاهش حضور خود در منطقه غرب آسیا و به تضعیف ایران به مثابه بازیگر اصلی محور مقاومت و محور میانی ابتکار کمربند - راه پکن بپردازد.

از جمله عوامل مهمی که توجه آمریکا را به سمت شرق آسیا معطوف کرده است، مسئله چین به مثابه یک رقیب ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک برای آمریکاست. این فرایند چندوجهی از یک سو، ارزش و اهمیت سیاسی و اقتصادی نفت ایران و امنیت غرب آسیا را برای آمریکایی‌ها کاهش داد و از سوی دیگر، به بهبود کفایت اقتصادی ایالات متحده منجر شد و زمینه تحریم بیشتر ایران را نیز فراهم آورد. تا پیش از این، وابستگی زیاد ایالات متحده به واردات نفت و حساسیت آن کشور به وضعیت بازار جهانی و قیمت نفت باعث شده بود که فشار بر ایران و اخراج ایران از بازار نفت با احتیاط بسیار زیادی مدنظر غربی‌ها قرار بگیرد، اما حرکت آمریکا به سمت تراز کردن انرژی خود از سال ۲۰۰۵ به وسیله افزایش تولید، تجاری‌سازی نفت شیل، افزایش تولید نفت برخی از کشورهای دیگر و کاهش وابستگی آمریکا به نفت منطقه غرب آسیا باعث شد، اجرای فشار ترکیبی بر ایران و اخراج مرحله به مرحله ایران از بازار جهانی نفت به راهکاری در دسترس و کم‌پیامد تبدیل شود؛ فرایندی که در تحریم‌های سال ۲۰۱۲ و نوع رفتار آمریکا نسبت به ایران از برجستگی برخوردار است. ایجاد اختلال در فروش نفت و اختلال در دسترسی به پترودلارها برای ایران باعث شد تا وزنه متعادل کننده و ابزار کلان معامله تاریخی ایران و آمریکا به شدت تنزل پیدا کرده و ناکارآمد شود؛ فرایندی که در آن ایالات متحده نه تنها مثل سابق نیازی به امنیت منطقه نداشت بلکه از ناآرامی‌های کنترل شده در آن که به تقویت حکمرانی آمریکایی، فروش سلاح بیشتر و تضعیف کنشگران بالقوه و همچنین

1: Shale Oil

۲. لازم به ذکر است که زمینه‌های گردش به ایندوپاسیفیک از زمان بوش پسر و دکترین وست پوینت هم معنادار است.

ایجاد ناامنی در منابع تأمین انرژی چین و مسیر کریدوری ابتکار کمربند - راه چین منجر می‌شود، استقبال نیز می‌کرد (ترابی فرد و رزم آهنگ، ۱۴۰۲).

با دستیابی آمریکا به نفت شیل، اهمیت نقشی که ایران در اقتصاد بین‌الملل ایفا می‌کرد، فرسایش یافته و این امر، تحریم نفتی ایران و تلاش برای حذف ایران از بازار جهانی نفت را امکان‌پذیر ساخته است. معامله سابق، به دلیل نقش مهم ایران در بازارهای جهانی نفت، آمریکا را در اجرای فشار به ایران با محدودیت‌های جدی مواجه ساخته بود. در این مورد، تام انتوس، رئیس وقت کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۷ گفته بود: «حتی اگر ایالات متحده همین فردا به طور کامل به سایر منابع انرژی روی آورد و دیگر یک قطره نفت وارد نکند، باز هم در برابر اختلالات مرتبط با نفت در سایر نقاط جهان آسیب‌پذیر خواهد بود... متأسفانه پنج سال طول کشید تا دولت کنونی به طور ناگهانی متوجه این واقعیت شود که ایالات متحده به نفت معتاد شده است ... به‌رغم آنکه ما به دنبال تحریک افکار عمومی بین‌المللی و بسیج دیپلماسی برای پایان دادن به تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای هستیم، بار دیگر به دلیل وابستگی جهان به نفت، [در اجرای هدف سیاست خارجی خود] دچار نقصان و ضعف شده‌ایم» (Iantos, 2007).

این تغییر منطقی رفتاری بین ایران و ایالات متحده باعث شده است تا طرف ایرانی با اختلال ادراکی نسبت به تعیین رفتار جدید در برابر ایالات متحده و طرف غربی مواجه شود. ادامه این فرایند و دست‌وپنجه نرم کردن دولت‌ها با معضلات ناترازی بودجه و عدم دسترسی مناسب به ارزهای جهان‌روا و عدم دسترسی مناسب به سیستم تسویه رسمی در سطح بین‌الملل باعث افزایش نقدینگی و کاهش اعتبار پول ملی و همچنین تورم‌های بالا و پایا شده است؛ به‌نحوی که با سرایت‌پذیری بحران از زمینه‌ای به زمینه دیگر که از ویژگی‌های مهار در وضعیت پیچیدگی است، طرف آمریکایی از پی این مهار ترکیبی در پی مداخله اجتماعی در ایران نیز بوده است.

۲. محیط‌شناسی راهبرد مهار ترکیبی ایران توسط ایالات متحده

در شرایط کنونی می‌توان دو هدف همسو را در استراتژی مهار ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی ایران مورد مشاهده قرار داد: نخست، مهار ایران به‌مثابه ایران بعد از انقلاب اسلامی و با محوریت جمهوری اسلامی و دوم، ایران به‌مثابه ایران با ژئوپلیتیک و ژئو اکونومی دسترسی خود

به‌مثابه قلب محور میانی پروژه کمربند - راه چین. اگر تا پیش‌ازاین چیستی خود جمهوری اسلامی ایران یا موضوعات مختلف از جمله برنامه هسته‌ای ایران برای ایالات متحده، محل اعتراض و بهانه فشارهای مختلف آمریکا بر ایران بود، اما در دوران جدید، بعد از سال ۲۰۰۸ و به‌ویژه بعد از ۲۰۱۲ می‌توان به افزایش اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران و ورود بازیگران دیگری در روابط ایران و ایالات متحده اشاره نیز داشت از جمله بازیگرانی همچون چین و روسیه.

۲-۱. رقابت قدرت‌های بزرگ و مهار ایران

چینی‌ها در پروژه توسعه خود سه مرحله را مدنظر دارند. در مرحله اول تولید انبوه و رقابت‌پذیر بود که تحقق یافته است. در مرحله دوم دو موضوع مدنظر چین قرار داشته و دارد: نخست: دسترسی به بازار^۱ هدف مطمئن برای خرید انرژی و فروش محصول چینی که رقابت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک چین با ایالات متحده و طرح ابتکار کمربند - راه را باید در این فرایند مورد پردازش قرار داد. این فرایند در حال اجراست. درواقع چین در پی آن است که بتواند نخست، دسترسی چندسطحی و کم‌ریسکی به منابع انرژی و بازار مصرف مناسب و مطمئنی را برای تولیدات خود داشته باشد و دوم، این که بتواند مسیرهای دسترسی به این بازار و منابع انرژی را تا حد ممکن از ریسک‌های سیاسی و نظامی هژمونی آمریکا دورنگه دارد. ازاین‌رو ابتکار کمربند - راه چین پاسخی بود به این مسئله جایی که چین را به اروپا در طی یک فرایند زمینی و بری متصل می‌کند و ریسک تنگه مالاکا^۲ و مسیرهای دریایی را برای چین کاهش می‌دهد.

مرحله دوم به موضوع فناوری مرتبط می‌شود که چین با در اولویت قراردادن توسعه کیفی^۳، به دنبال ارتقای سطح فناوری‌های خود و رسیدن به جایگاه برتر جهانی در عرصه صنایع نوظهور و صنایع آینده است.^۴ به‌همین دلیل است که آمریکایی‌ها قوانین سخت‌گیرانه‌ای

1. Market Access

2: Malacca Strait

۳. شی، رئیس‌جمهور چین، از عبارت نیروهای مولد با کیفیت جدید (new quality productive forces) برای اشاره به این مفهوم استفاده کرده است. قابل‌مشاهده در:

<https://www.bloomberg.com/news/articles/2024-03-05/xi-wants-new-productive-forces-to-be-based-on-local-conditions>.

4. <https://www.reuters.com/world/china/chinas-xi-summons-new-productive-forces-old-questions-linger-economy-2024-03-05/>

را برای انتقال ندادن برخی از فناوری‌های مدرن به چین در دستور کار قرار دارند که طرح استراتژی «حیاط کوچک و دیوار بلند»^۱ توسط ایالات متحده بر آن دلالت دارد.

به نظر می‌رسد مرحله سوم مدنظر چینی‌ها برای کاهش آسیب‌پذیری مالی و اطلاعاتی خود در برابر ایالات متحده گذار به طراحی و کاربست نظام پرداخت مستقل از ایالات متحده آمریکا باشد.^۲ موفقیت چین در طراحی و انجام ابتکار کمربند «راه فرصت بسیار مناسبی برای این کشور در جهت گذار به مرحله سوم توسعه چین، افزایش قدرت این کشور و وابسته‌سازی کشورهای مختلف به آن و همچنین تضعیف ایالات متحده محسوب می‌شود؛ از این رو، یکی از دغدغه‌های مهم ایالات متحده، ایجاد اختلال در این پروژه و مدیریت آن است. تعارضات چین و ایالات متحده در منطقه ایندوپاسیفیک^۳ و تأکید ایالات متحده بر اهمیت کنترل چین را می‌توان در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا^۴ مشاهده کرد^۵ (Biden, 2022). ایالات متحده سه مؤلفه را در نسبت با چین مدنظر قرار داده است که عبارت‌اند از: تقویت قدرت داخلی ایالات متحده، ایجاد هماهنگی با شبکه متحدان برای عمل مشترک به‌مثابه دژ ژئوپلیتیک و همچنین رقابت مسئولانه با چین در جهت حفظ منافع آمریکا و طراحی چشم‌اندازی مناسب برای کشور (Biden, 2022).

در این بین، کنترل کریدوری چین یکی از مهم‌ترین مسائلی است که طرف آمریکایی مدنظر قرار دارد. مسیرهای مختلفی برای ابتکار کمربند - راه چین ارائه شده است که جملگی به نحوی در نظارت قدرت هژمونیک آمریکا قرار دارد، به‌جز مسیر کریدور میانی که از کشورهای منطقه مقاومت عبور می‌کند و می‌توان ایران را قلب تپنده آن دانست. با نگاه به مسیر کریدور میانی که شامل کشورهای ایران، عراق، سوریه و لبنان می‌شود به‌وضوح می‌توان تلاش آمریکا برای ایجاد نابسامانی و آشوب در این مناطق را مشاهده کرد؛ در واقع، تلاش آمریکا برای ویران‌سازی محور میانی در سطوح مختلف زیرساختی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... را می‌توان تا حدود معتناهی تحت‌تأثیر تلاش آمریکا برای عقیم‌گذاشتن ابتکار کمربند - راه چین نیز دانست.

1. Small Yard and High Fence

۲. برای مطالعه بیشتر در این باره رجوع شود به:

<https://www.ecoiran.com/fa/tiny/news-19190>

3. Indo-Pacific

4. National Security Strategy

5. The PRC is the only competitor with both the intent to reshape the international order and, increasingly, the economic, diplomatic, military, and technological power to do it.

در این خصوص اندیشکده رند در گزارشی با عنوان «بازگشت جنگ قدرت‌های بزرگ، سناریوهای درگیری نظام‌مند بین ایالات متحده و چین»^۱ بیان می‌دارد که در سناریوی جنگ کم‌شدت، پیش‌بینی می‌شود تقابل بین آمریکا و چین در امتداد مسیرهای ابتکار کمربند - راه یعنی مسیری که چین به‌عنوان مبنای جغرافیایی قدرت بین‌المللی خود اولویت‌بندی کرده است، رخ خواهد داد. طبق این گزارش، درگیری بین چین و آمریکا را نه یک نبرد یا جنگ واحد، بلکه باید مجموعه‌ای از تقابلهای متوالی، مرتبط، پراکنده و پهن‌شده در گستره جغرافیا تلقی کرد که مصادیق این تقابل عبارت خواهند بود از مناقشات سایبری مداوم، تقابلهای اقتصادی و جنگ‌های متعارف نیابتی (Heath and others, 2022). در این راستا، ایجاد اختلال در تکمیل کمربند - راه چین و طراحی و توسعه همکاری و کریدورهای رقیب با چین علاوه بر آن که می‌تواند مسیر تجارت چین را تحت‌نظر آمریکا قرار دهد می‌تواند با بازطراحی یک نظم نوین همکاری و کریدوری در ارتباط با کشورهای رقیب ایران منجر به بساخت یک وضعیت پیچیده برای واپایش ایران و چین شود.

طراحی و توسعه پیمان‌های آی ۲، آی ۲، آکوس، ابراهیم و پیگیری و توسعه کریدور رد مد یا ایمک^۲ در این راستا قابل‌ارزیابی است. در نگاه اول ممکن است این‌گونه به نظر برسد که برای هر کدام از این پیمان‌ها انگیزه‌های متفاوتی وجود دارد و نمی‌توان ارتباطی میان آن‌ها برقرار ساخت، اما نظریه سیستم‌های پیچیده پژوهشگر را به عبور از نگاه اول و کاربست نگاهی پیوندی برای فهم ارتباط اجزای مختلف صحنه، ترغیب می‌کند. با نگاهی عمیق‌تر به صحنه می‌توان دریافت که هر کدام از این پیمان‌ها با دیگری در ارتباط بوده و مانند قطعات یک پازل عمل می‌کنند. توضیح آنکه کاهش حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا و افزایش تمرکز آن بر دریای چین جنوبی، ممکن است زمینه‌های افزایش نفوذ ایران، روسیه و چین را در غرب آسیا فراهم آورد.

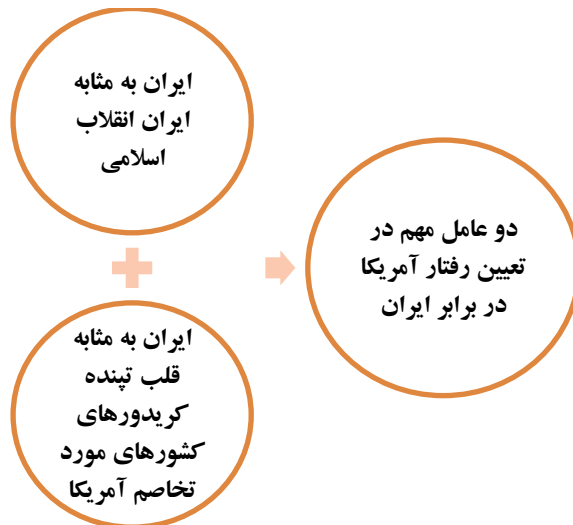
برای جلوگیری از چنین اتفاقی، آمریکا قصد دارد پیوندی نظامی - سیاسی - اقتصادی را میان کشورهای حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی ایجاد کند. در واقع، این پیوند که در آن رژیم صهیونیستی نقش محوری دارد، تبعات منفی کاهش حضور آمریکا در غرب آسیا را پوشش

1. The Return of Great Power War; Scenarios of Systemic Conflict Between the United States and China
2. The India Middle East-Europe Economic Corridor (IMEC)

می‌دهد. این امر از یک‌سو ایران و محور مقاومت را تحت فشار قرار می‌دهد^۱ و از سوی دیگر، چین را ناگزیر خواهد کرد که به عبور ابتکار کمربند - راه خود از مسیر کریدور ایمک که در آن آمریکا و متحدان آن سلطه امنیتی دارند، تن در دهد. برای شکل‌گیری این پیوند، عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی که گام اول آن در پیمان صلح ابراهیم رقم خورد، ضروری است؛ لذا صلح ابراهیم را باید مقدمه آی ۲ یو ۲^۲ و همچنین آن را مقدمه تشکیل کریدور ایمک دانست.

۲-۲. استراتژی چندسطحی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران

در تبیین استراتژی آمریکا علیه ایران در زمان بایدن باید به دو کلان‌روند مهم اشاره کرد: نخست، تلاش آمریکا برای ویران‌سازی جمهوری اسلامی ایران از آن جهت که جمهوری اسلامی ایران است و دوم، تلاش برای ویران‌سازی ایران از آن جهت که به‌مثابه قلب تپنده کریدورهای کشورهای مورد تخصص آمریکا قرار دارد.



شکل ۱. دو عامل مهم در تعیین رفتار آمریکا در برابر ایران - طراحی شده توسط نویسندگان

۱. برای مثال از حیث نظامی، یکپارچه شدن سامانه‌های پدافندی رژیم صهیونیستی با کشورهای حاشیه خلیج فارس، آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر حملات احتمالی از سمت ایران یا محور مقاومت کاهش می‌دهد. این امر در رهگیری حملات انصارالله یمن به رژیم صهیونیستی پس از طوفان الاقصی و همچنین در رهگیری برخی موشک‌های ایران در عملیات‌های وعده صادق، آشکار شد.

در این راستا و بر پایه یک مطالعه قیاسی و استقرایی، می‌توان به سرخ‌هایی از استراتژی مهار ترکیبی دولت بایدن علیه جمهوری اسلامی ایران دست یافت. این استراتژی در دو سطح تنیده ملی و بین‌المللی قابل تحلیل است. در سطح بین‌المللی می‌توان از آن تحت عنوان استراتژی «محدودسازی تنش»^۱ و در سطح داخلی تحت عنوان «قطبی‌سازی و مشروعیت‌زدایی»^۲ یاد کرد. این دو استراتژی از تنیدگی و همبستگی زیادی برخوردار هستند و با رهبری آمریکا و حمایت بازیگران مختلف در سطوح مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران اجرایی شده است. در راهبرد محدودسازی تنش، فشارها علیه ایران کاسته نمی‌شود و گشایش اقتصادی برای ایران رقم نخواهد خورد، بلکه تلاش می‌شود با تصعید خاکستری روند اعمال فشارهای جدید، نحوه رفتار ایران در منطقه به نحوی مدیریت شود که خللی در پروژه‌های کاهش حضور آمریکا در منطقه، عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و کریدور ایمک ایجاد نشود. کما اینکه بعد از توافق غیرمکتوب و ضمنی^۳ ایران و آمریکا در دوره بایدن تا عملیات هفتم اکتبر، میزان حملات به پایگاه‌های آمریکایی در غرب آسیا نسبت به دوره ریاست جمهوری ترامپ کاهش یافته بود. راهبرد محدودسازی تنش، در دو سال اول دولت بایدن از طریق سیاست «بازگشت پوچ به برجام» و در دو سال دوم از طریق سیاست «نه توافق، نه بحران»^۴ دنبال شده است.

بازگشت پوچ به برجام، عنوانی برای اشاره به سیاستی است که طبق آن، دولت بایدن تمایل خود را برای بازگشت به برجام نشان می‌داد اما اراده‌ای برای منتفع‌ساختن ایران نداشت. در توضیح این سیاست می‌توان به سندی که در ژوئیه ۲۰۲۰ در مؤسسه امنیت آمریکای نوین^۵ توسط ایلان گلدنبرگ^۶ و همکارانش برای حل معمای ایران طراحی و به جیک سالیوان، مشاور ارشد کمپین انتخاباتی بایدن، تحویل داده شد تا در صورت شکست ترامپ، رئیس‌جمهوری جدید آن را عملیاتی کند، رجوع کرد. «در این برنامه تلاش شده بود در ابتدا به آسیب‌شناسی سیاست خارجی اوباما و ترامپ در قبال ایران پردازد. از نگاه آن‌ها حل معمای ایران (هسته‌ای، منطقه‌ای و موشکی) چه به صورت ترتیبی (اوباما) و چه به صورت یکپارچه فاقد مطلوبیت‌های

1. de-escalation

2. Polarization

۳. درباره این توافق غیرمکتوب می‌توان به گزارش نیویورک‌تایمز مراجعه کرد. قابل مشاهده در:

<https://www.nytimes.com/2023/06/14/us/politics/biden-iran-nuclear-program.html>

4. No deal, no crisis

5. The Center for a New American Security (CNAS)

6. Ilan Goldenberg

لازم برای منافع ملی آمریکا بود. در هر دو استراتژی نوعی ساده‌انگاری معمای پیچیده ایران مشاهده می‌شد. یعنی در دولت اوباما تلاش شد حل معمای ایران از فوری‌ترین مسئله یعنی هسته‌های آغاز شود، اما به این امید که همکاری در این حوزه در آینده نزدیک به سایر حوزه‌ها نیز اشاعه یابد. در دولت ترامپ نیز تصور شد می‌توان با استفاده حداکثری از اهرم کم‌هزینه تحریم‌ها کل قطعات و جزئیات معمای ایران را به‌طور یکپارچه و در قالب یک معامله بزرگ حل کرد، اما مسائل بسیار پیچیده‌تر از آن بود که اوباما و ترامپ فکر می‌کردند و به همین دلیل استراتژی آنها در حد یک رؤیا باقی ماند. به دلیل همین دو تجربه ناکام، آن‌ها سنتزی از دو استراتژی گذشته ارائه کردند یعنی حل همزمان اما مرحله‌بندی‌شده معمای ایران و برای رسیدن به این هدف نیز نقشه راهی طراحی کردند» (خسرو شاهین، ۱۴۰۱).

طرف آمریکایی با گنجاندن بند «همکاری‌های آینده» در دور چهارم مذاکرات وین، از خواسته خود برای تأمین هدف‌گذاری جدید یعنی حل همزمان اما مرحله‌ای معمای ایران رونمایی کرد. در واقع آن‌ها می‌خواستند به دومینوی توافقات برسند و یک توافق را منوط به توافق بعدی و همین‌طور تا آخر کنند. طبیعی بود که ایران به هیچ‌عنوان حاضر نیست خود را وارد مسیری مبهم و سلبی در حوزه مؤلفه‌های امنیت ملی‌اش (موشکی، پهپاد و شبکه بازدارندگی منطقه‌ای) کند که خود تعیین‌کننده‌نهایی آن نیست و پایان چنین دالانی نیز بسیار پر ریسک است؛ به‌خصوص که تجربه بدعهدی دولت آمریکا در دوره ترامپ و نگرانی از بدعهدی‌های دوباره آمریکا هم وجود داشت. با ادامه مذاکرات و استمرار پافشاری ایران بر پیوندنداشتن میان توافق هسته‌ای با پرونده‌های موشکی و منطقه‌ای، آمریکا از سیاست خود برای پیوندزدن رسمی میان این پرونده‌ها، تا حدی عقب‌نشینی کرد، اما همچنان هیچ چشم‌اندازی از انتفاع اقتصادی ایران در ازای بازگشت به تعهدات هسته‌ای مذکور در برجام ارائه نداد. یکی از دلایل این امر، درهم‌تنیدگی تحریم‌های مختلف و پیچیده‌شدن نظام حقوقی تحریم‌های ایران در آمریکا بود که عملاً مانع از انتفاع ایران در ازای اجرای کامل تعهدات هسته‌ای می‌شد و دولت بایدن هم اراده‌ای برای حل این مشکل نداشت. در مذاکرات وین، آمریکایی‌ها تحریم‌ها را به سه دسته اصلی قرمز، سفید و زرد دسته‌بندی کردند:

• تحریم‌های قرمز: تحریم‌های غیرقابل مذاکره که دولت آمریکا، به‌ویژه تحت فشار کنگره و متحدان منطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، تمایلی به لغو آن‌ها نداشت. این تحریم‌ها شامل تحریم‌های مربوط به تروریسم، نقض حقوق بشر و اشاعه

موشک‌ها می‌شود که عمدتاً به نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرتبط هستند.

- تحریم‌های سبز: تحریم‌هایی که مستقیماً با فعالیت‌های هسته‌ای ایران مرتبط هستند و در صورت بازگشت ایران به پایبندی کامل به برجام، لغو می‌شوند.
- تحریم‌های زرد: این تحریم‌ها در یک منطقه خاکستری بودند که امکان مذاکره در مورد آن‌ها وجود داشت. این مورد شامل تحریم‌هایی برای فعالیت‌های غیرهسته‌ای مانند صنایع معدنی یا ساخت‌وساز بود (Erlanger and Sanger, 2021).

مشکل اینجا بود که رفع تحریم‌های سفید، با وجود بقای تحریم‌های قرمز، عملاً انتفاع اقتصادی چندانی برای ایران نداشت. برای مثال، در حالی که تحریم‌های بانک مرکزی ایران می‌توانست به‌عنوان بخشی از توافق هسته‌ای لغو شود، همچنان به دلیل نقش ادعایی آن در تأمین مالی فعالیت‌های سپاه پاسداران که تحت تحریم‌های مرتبط با تروریسم طبقه‌بندی می‌شوند، مورد تحریم قرار می‌گرفت. دلیل آن بود که در سپتامبر ۲۰۱۹، دولت ترامپ بانک مرکزی ایران را به دلیل نقش آن در تسهیل تأمین مالی تروریسم، که از نظر آن‌ها سپاه پاسداران و نهادهای زیرمجموعه آن هم از مصادیق آن محسوب می‌شوند، تحریم کرده بود (U.S. Department of the Treasury, 2019). در موضوع معاوضه زندانیان نیز با اینکه شش میلیارد دلار از دارایی‌های ایران با اجازه آمریکا از کره جنوبی به قطر منتقل شد و قرار بود ایران بتواند به وسیله آن، اقلام غیرتحریمی را خریداری نماید، اما با سنگ‌اندازی‌های آمریکا، تا کنون عملاً امکان استفاده ایران از این مبلغ نیز به‌خوبی فراهم نشده است.

در قالب سیاست نه توافق و نه بحران^۱ که در دو سال دوم دولت بایدن قابل‌مشاهده است؛ با وجود تمایل طرف ایرانی به مذاکره و حتی دستیابی به توافق، طرف آمریکایی مذاکرات هسته‌ای با ایران را از دستورکار خارج کرد. برای مثال، به دنبال سفر دکتر پزشکیان به نیویورک و اعلام آمادگی ایران برای ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای، ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، اعلام کرد که احیای توافق هسته‌ای ایران از دستورکار دولت بایدن خارج است.^۲ این موضع، تقریباً تکرار همان موضعی است که پرایس در دوازدهم اکتبر ۲۰۲۲ درباره

۱. عبارت «نه توافق و نه بحران» توسط اندیشکده‌ها و رسانه‌های غربی مثل THE Hill، Responsiblestatecraft و Washingtoninstitute مطرح شده است. قابل‌مشاهده در:

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/no-deal-no-crisis-no-plan-iran>
<https://thehill.com/opinion/national-security/3922002-no-deal-no-crisis-is-no-plan-for-iran/>
<https://responsiblerstatecraft.org/2023/05/12/bidens-no-iran-deal-no-crisis-policy-is-unsustainable/>
2. <https://oilprice.com/Geopolitics/International/Iran-Nuclear-Deal-Off-the-Table-US-Affirms.html>

مذاکرات برج‌امی اعلام کرده بود: «مورد تمرکز ما نیست.»^۱ با وجود این، در این دوره، آمریکا تمایلی هم به افزایش تنش با ایران نداشت؛ زیرا افزایش تنش می‌توانست با پاسخ متقابل ایران در منطقه همراه شده و در راهبرد آمریکایی‌ها برای افزایش تمرکز بر چین، اختلال ایجاد کند. البته پس از طوفان الاقصی، آمریکا به رژیم صهیونیستی برای تضعیف گروه‌های محور مقاومت چراغ سبز نشان داده است. باین‌حال، در این شرایط هم از درگیری مستقیم با ایران اجتناب می‌کرد. نوع واکنش آمریکا پس از عملیات‌های وعده صادق ایران، این ادعا را تأیید می‌کند که اگر چه رژیم صهیونیستی طی تصاعد تنش و تهاجم مستقیم به منافع و خاک ایران در پی آن است که راهبرد خاکستری ایالات متحده در قبال ایران را مورد تغییر قرار دهد. (راجی، ۱۴۰۳).

استراتژی دوم یا همان استراتژی قطبی‌سازی و مشروعیت‌زدایی را نیز می‌توان در عملکرد آمریکایی‌ها و نوع اقدام، مدیریت و بهره‌برداری آن‌ها و شرکای آن‌ها در رخدادهای به وقوع پیوسته در ایران مورد پیگیری و مطالعه قرار داد. برای مثال، می‌توان به «قانون مهسا»^۲ اشاره کرد که با اجماع دوحزبی و کسب ۴۱۰ رأی موافق در برابر تنها سه رأی مخالف تصویب شد و سپس به امضای رئیس‌جمهور بایدن رسید. هر چند این قانون، تحریم‌های جدیدی را در بر ندارد و به قوانین تحریمی قبلی ارجاع می‌دهد، اما دولت‌های آمریکا را به اعمال تحریم بر افراد و نهادهای ایرانی حتی رهبر و رئیس‌جمهور ایران، به بهانه‌های حقوق بشری ترغیب می‌کند (محبی، ۱۴۰۲). همچنین در دوره ریاست‌جمهوری بایدن و به‌خصوص بعد از آغاز ناآرامی‌ها در ایران در پاییز ۱۴۰۱، دولت آمریکا دست به اقداماتی در جهت تضعیف حاکمیت ایران بر فضای مجازی زده است که می‌توان آن را در چهارچوب راهبرد مشروعیت‌زدایی تحلیل کرد. به‌عنوان نمونه در پاییز ۱۴۰۱، وزارت خزانه‌داری آمریکا مجوزی را صادر کرد که طبق آن، امکان تبادلات مالی مشخصی در زمینه اینترنت برای شرکت‌های حوزه تکنولوژی فراهم می‌شد (CNN, 23 Sep 2022). همچنین گزارش‌هایی منتشر شده است که نشان می‌دهد مقامات آمریکایی برخی شرکت‌های حوزه فناوری این کشور را به دورزدن فیلترینگ در ایران دعوت کرده‌اند. برای مثال، متیو پربنس مدیرعامل شرکت کلودفلر^۳ در جریان مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۲۳ در داووس سوئیس اعلام کرد که مقامی ارشد از کاخ سفید با وی تماس گرفته و

1. <https://www.reuters.com/world/middle-east/us-says-iran-nuclear-deal-is-not-our-focus-right-now-2022-10-12/>

2. MAHSA Act

3. Cloudflare CEO, Mathew Prince

خواسته است که آنچه که در مورد روسیه انجام می‌شود در مورد ایران نیز انجام گیرد (CNN, 19 Jan 2023).

استراتژی مشروعیت‌زدایی به صورت مستقیم توسط آمریکا اعلام نشده است، اما با استفاده از رویکرد استقرائی می‌توان به وقوع آن در صحنه میدانی نگرست و حداقل می‌توان بلوک کشورهای آمریکایی ضد جمهوری اسلامی را در این زمینه به‌عنوان بهره‌برداران این حوزه مورد بررسی قرار داد. ترکیب این دو رویکرد می‌تواند دلالت‌های معنابخشی برای تحلیل استراتژی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. در واقع، در فضای مهار در سیستم‌های پیچیده، از آن‌رو که پدیده در یک فرایند و برهم‌کنش پیچیده ساخت پیدا می‌کند و لزوماً رفتار آن قابلیت پیش‌بینی دقیق ندارد، بازیگر عامل باید بتواند علاوه بر طراحی سیاست، آماده بهره‌برداری از حالات و رخدادهای متفاوت پدیده‌های سیاسی و غیرسیاسی نیز باشد. از این‌رو با این شرایط، کار تحلیل سیاسی وارد فضای غیرخطی می‌شود که موضوعاتی از جمله موضوع نوآوری، داده‌محوری و ابتکار عمل و یادگیری را با اهمیت می‌کند. در این فضای غیرخطی و خاکستری لزوماً نمی‌توان مسئولیت یک رخداد را به بازیگر مشخصی منتسب کرد و اصولاً رخدادهای پیچیده، ترکیبی و تأثیرمحوری پدیدار می‌شوند که انتساب‌پذیر نبوده و قابلیت واکنش را رد می‌کند (Council, 2022; Azad, Haider & Sadiq, 2023). در قضایای خانم مهسا امینی و تهاجم رژیم صهیونیستی به ایران در بامداد ۵ آبان ۱۴۰۳ می‌توان این فشار خاکستری ایالات متحده را به‌وضوح مشاهده کرد.

ه) ترکیب سینرژیک طراحی و بهره‌برداری در وضعیت پیچیدگی در

استراتژی ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران

در استراتژی خاکستری، ایالات متحده هم‌زمان چند هدف را پیگیری کرده است. در این فرایند و در خلال بازسازی نظم منطقه از سویی به کنترل چین و روسیه و حفظ هژمونی کریدوری و ترکیبی خود نظر دارد، از سوی دیگر و در ادامه واپایش کریدوری چین و روسیه در مسیرهای جنوبی خلیج فارس به ایجاد یک فرایند و مدل توسعه رقیب برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران پرداخته است که از سویی به تقویت هند و کشورهای عربی منجر می‌شود و از سویی دیگر، با گذردادن رژیم صهیونیستی از بحران وجودی به ایجاد تنیدگی ژئواکونومیک بین کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای مسلمان عربی با رژیم صهیونیستی منجر می‌شود. در این فرایند،

گذردادن رژیم صهیونیستی از بحران‌های وجودی به مرجعیت فناورانه و کریدوری منطقه از اهمیت برخوردار است. کاربست این نوع تحلیل می‌تواند دستگاه امنیتی و اقتصادی ایران را با راهبردهای متفاوتی روبرو کند.

در همین زمینه، رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳ مهر ۱۴۰۳ بیان فرمودند: «تکیه آمریکا و همدستانش بر حفظ امنیت رژیم غاصب، پوششی برای سیاست مهلک تبدیل رژیم به ابزار آنان برای در اختیارگرفتن همه منابع این منطقه و استفاده از آن در درگیری‌های بزرگ جهانی است. سیاست آنان، تبدیل رژیم به دروازه صادرات انرژی از منطقه به جهان غرب و واردات کالا و فناوری از غرب به منطقه است و این یعنی تضمین موجودیت رژیم غاصب و وابستگی کل منطقه به آن». ایالات متحده در این فرایند و هم‌زمان با اعمال تحریم‌های چندلایه علیه ایران به دنبال ژئوپلیتیک‌زدایی ایران است (Sullivan, 2023)، خروجی این فرایند می‌تواند در احیای نظم جدید آمریکایی و حفظ قدرت هژمونیک آن مؤثر باشد.

در این فرایند، ایالات متحده با بهره‌گیری از تکنیک‌های عملیات خاکستری در نبرد هیبریدی به دنبال آن است که با کمترین هزینه و پیامد و بدون خروج از آستانه^۱ درد ایران به فریزکردن ایران و ایجاد جدایش بین ایران و زمان - فضای جامعه بین‌المللی بپردازد به نحوی که در اوج سرعت پیشرفت‌های فناورانه دنیا و تحولات مهم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و بازیابی کریدورها و ساختارهای نهادهای بین‌الملل، کشور ایران از فرایند مناسبات و تحولات بین‌المللی و همچنین فناوری‌های مدرن جدا بماند و توانایی اثرگذاری خود را از دست بدهد. این در حالی است که خود آمریکایی‌ها اذعان دارند که نوع تحولات دنیا در این چند سال پیش رو می‌تواند نقش بسیار مهمی در تعیین دنیای آینده داشته باشد.^۲ در واقع، استمرار روند فعلی که محروم‌ماندن ایران از مشارکت در زنجیره‌های جهانی توسعه را در پی دارد، در کنار شتاب‌گرفتن توسعه در جنوب خلیج فارس و رشد پیوندهای اقتصادی - امنیتی کشورهای حاشیه خلیج با رژیم صهیونیستی که در قالب کریدور ایمک مطرح شده است، وضعیتی

1. below the threshold of war or direct overt violence

2. in my view, there comes a time, maybe every six to eight generations, where the world changes in a very short time. And I think what happens in the next two, three years are going to determine what the world looks like for the next five or six decades. And so, together, maybe we can make it better. (BIDEN, 2023).

https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2023/11/02/remarks-by-president-biden-and-president-gabriel-boric-of-chile-before-bilateral-meeting/?utm_source=link

خطرناک را برای ایران رقم خواهد زد. وضعیتی که از آن تحت عنوان «استعمار توسعه‌ای» یاد شده است^۱ و می‌تواند ادعاهای ارضی کشورهای حاشیه خلیج فارس نسبت به ایران را افزایش دهد؛ کماینکه در سال‌های اخیر نیز فعالیت‌های امارات برای همراه کردن قدرت‌های بزرگ در زمینه جزایر سه‌گانه ایرانی افزایش یافته است. تقویت همکاری‌های علمی، فناورانه و اقتصادی آمریکا با برخی از کشورهای رقیب منطقه‌ای ایران از جمله امارات نیز در این زمینه قابل تحلیل است.^۲

ایالات متحده طی استراتژی قطبی‌سازی و مشروعیت‌زدایی که در جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده، در پی آن است تا با پررنگ کردن شکاف‌ها و تمایزات متنوع در داخل جامعه ایران و افزایش خشونت اجتماعی و سیاسی همراه با اختلال در سه سطح سیاستی، شناختی و سیاسی (راجی، ۱۴۰۲) به چندپارگی قدرت اجتماعی و سیاسی ایران و همچنین شالوده‌شکنی و اتمیزه کردن قدرت سینرژیک ایران مبادرت کند. افزایش فعالیت‌های شناختی و رسانه‌ای غربی‌ها با یاری برخی از کشورهای منطقه در جهت ایجاد چندقطبی‌های مذهبی، عقیدتی، سیاسی، فرهنگی، قومی و زبانی و... همراه با بازاریابی و مدیریت رخداد از جمله در رخداد منجر به قضایای خانم مهسا امینی نیز در این معمای پیچیده قابل مطالعه است؛ فرایندی که در صورت موفقیت توانایی تولید شوک به مثابه یک عنصر مهم در مهار جمهوری اسلامی ایران در وضعیت پیچیده و ایجاد ضربه به نظم سیاسی ایران را در نظر دارد و راه را برای ایجاد تغییرات سیاسی در دو سطح تغییر حکومت و تجزیه ایران برای بازیگران غربی قابل دسترس‌تر می‌کند. در حوزه قطبی‌سازی و مشروعیت‌زدایی، فشار بر دو مؤلفه کلان انسجام‌بخش از اهمیت بیشتری برای غربی‌ها برخوردار است؛ دومؤلفه‌ای که اولاً منشأ ساخت قدرت یکپارچه و سینرژیک هستند و در ثانی معنابخش

۱. دکتر مهدی غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی در مصاحبه با نود اقتصادی، از عبارت استعمار توسعه‌ای برای اشاره به خطرات توسعه کشورهای حاشیه خلیج فارس و درعین حال محروم ماندن ایران استفاده کرده است. او در این مصاحبه می‌گوید: «مردم نگران‌اند به‌زودی زود تبدیل به عمده کشورهای همسایه شویم. ممکن است کشورهای همسایه نوع جدیدی از استعمار را برای ما رقم بزنند». قابل مشاهده در:

<https://t.ly/XuSuU>

۲. برای مطالعه در مورد همکاری‌های علمی، فناوری و اقتصادی بین امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا رجوع شود به:

<https://www.uae-embassy.org/news/decades-economic-cooperation-and-success-uae-us-economic-policy-dialogue>

<https://www.uae-embassy.org/news/uae-delegation-meets-white-house-advance-bilateral-relations-science-technology-and-space>

۳. در همین رابطه وزیر خارجه سابق آمریکا هیلاری کلینتون به عدم مذاکره با ایران در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ توصیه می‌کند.

Emmet Lyons, Ken Olshansky, and Haley Britzky, "Hillary Clinton says USA should not engage in nuclear talks with Iran as protestors stand up 'to their oppressors,'" CNN, December 1, 2022.

(<https://www.cnn.com/2022/12/01/politics/hillary-clinton-iran-nuclear-talks-protests/index.html>)

هویت جمهوری اسلامی هستند و آن دو مؤلفه عبارت‌اند از: مؤلفه دین و مؤلفه وطن. این دو عامل از مؤلفه‌های اساسی و اصلی در وحدت و انسجام ایرانی‌ها محسوب می‌شود و تضعیف این دو مؤلفه و استحاله آن به دو عامل قطبی‌سازی می‌تواند در شالوده‌شکنی قدرت سینرژیک ایران نقش عمده‌ای داشته باشد. از سویی دیگر یکی از دلایلی که آمریکایی‌ها را واداشته است تا از سیاست «نه توافق و نه بحران» در نسبت با ایران استفاده نکنند، آن است که هر دو عامل توافق یا جنگ فراگیر با ایران علاوه بر پیامدهای داخلی و بین‌المللی برای آمریکا باعث می‌شود تا انسجام داخلی ایران نیز بیشتر شود.^۱ از این رو منعزل نگه‌داشتن ایران و فریز کردن آن^۲ در کنار عملیات‌های ضدایرانی در محیط خاکستری، می‌تواند بهترین چاره در این زمینه باشد.

توالی فشارها و اعمال دردهای متنوع و فراگیر غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به یک خروجی واحد نظر دارد و آن هم تصویرزدایی از آینده ایران نزد حکمرانان ایرانی، جامعه ایرانی و همچنین ناظران بین‌المللی است. تصویرزدایی باعث می‌شود توانایی گسیل سیاسی و اجتماعی جامعه با اختلال جدی مواجه شود و سیاست‌گذاری نیز دچار روزمرگی و شلختگی و سیاست مهار با موفقیت شناختی پیگیری شود. این فرایند باعث آن می‌شود که امید به آینده و میل به مقاومت در نزد مردم و حکمرانان نیز دچار آسیب جدی شود. جامعه ایرانی در مقاطع مختلفی دچار بحران تصویر از آینده بوده است و جنگ پیچیده ترکیبی و شناختی آمریکا علیه این جامعه بر پایه این آسیب‌پذیری تاریخی سوار شده است و آن هم درست در زمانی که دنیا در حال طراحی تصویر آینده خود است. بحران تصویر از آینده باعث سیاست‌گذاری موقتی، نوسانی و کوتاه‌مدت می‌شود و چرخه زمانی جامعه را نیز رفته‌رفته با ابهامات بیشتری مواجه می‌کند. از این رو شاید بتوان مهم‌ترین اقدام برای مقابله با استراتژی مهار آمریکایی علیه ایران را طراحی یک تصویر هارمونیک از ایران دانست که در آن گذار از نقش سنتی ایران به‌مثابه فروشنده نفت و مواد نیمه‌خام و واردکننده توسعه به نقش جدید و رسالت تاریخی مدنظر است و در آن تقویت ایران به‌مثابه یک بازیگر پرتوان در محیط خاکستری و دارای ایده معتبر برای نظم بین‌الملل، در کنار همگام‌سازی توسعه و امنیت و اصلاحات داخلی می‌تواند مورد توجه باشد.

1. <https://warontherocks.com/2023/10/americas-failing-iran-nuclear-policy-time-for-a-course-adjustment/>

نتیجه‌گیری

ایالات متحده آمریکا در حال کاربست یک الگوی مهار ترکیبی و چندسطحی در منطقه است. این مهار در وضعیت پیچیدگی اتفاق می‌افتد، وضعیتی که در آن طبق نظریه سیستم‌های پیچیده، الگوهای اقتصادی، امنیتی و اجتماعی به شدت در یکدیگر تنیده شده‌اند و همه اتفاقات و تحولات لزوماً قابل پیش‌بینی نیستند. از این رو، ایالات متحده به‌مثابه عاملیت اصلی این راهبرد هم در پی طراحی وضعیت مهار جمهوری اسلامی ایران است و هم نظر به نوآوری و بهره‌برداری از وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی و برهم‌کنش‌های رخدادی در این موضوع دارد. زمینه این نوع از رفتار آمریکا را می‌توان در دو عنصر تغییر معنای قدرت و منابع آن در جهان امروزی و تلاش آمریکا برای جلوگیری از افول قدرت هژمونیک یا کاهش تبعات افول ایالات متحده در زمان انتشار قدرت در جهان و ظهور قدرت‌های دیگری از جمله چین دانست. مبنای این نوع رفتار ایالات متحده با ایران را نیز می‌توان در دو سطح ایران به‌مثابه ایران پسا انقلاب اسلامی و چپستی معنایی جمهوری اسلامی و از آن مهم‌تر در موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران جست‌وجو کرد، جایی که ایران به‌مثابه محوریت اصلی کریدور میانی شرق به غرب چین و ابتکار کمربند - راه و همچنین مسیر دسترسی روسیه به جنوب به‌صورت ویژه پس از جنگ اوکراین نیز دارای اهمیت است.

در این الگوی مهار، دو بال امنیتی و اقتصادی از تنیدگی برخوردارند و هدف محوری آن نیز فریز و ویران‌سازی جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه تقاطع حرکت قدرت‌های مورد تخاصم ایالات متحده است. در این بین فریز کردن ایران از تحولات و فرایندهای بین‌المللی، به‌ویژه بعد از تحریم‌های گسترده غربی‌ها و محدودیت ایران در فروش نفت و عدم دسترسی به ارزهای جهان‌روا باعث اختلال در روند حکمرانی اقتصادی و سیاسی، تورم‌های بلندمدت و تشدید تصویردایی از ایران شده است؛ جامعه‌ای که با ابهام نسبت به آینده خود می‌نگرد و نظام حکمرانی که با اختلال در تصویر و ناترازی در حکمرانی مواجه است و دچار شلختگی و بحران انباشت در سیاست‌گذاری شده است. در این بین توجه به استراتژی مهار ایران به‌مثابه ایران انقلاب اسلامی و به‌مثابه ایران ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک توسط ایالات متحده که لنگری در دالان اقتصادی ایملک دارد و لنگری در طراحی دالان امنیتی و تروریستی اطراف ایران از اهمیت برخوردار است؛ استراتژی که با توسعه ناتو به سمت شرق، جنگ روسیه و اوکراین، مسئله چین و همچنین بعد از قضایای هفتم اکتبر و اتفاقات تروریستی داخل ایران از اهمیت بیشتری نیز برخوردار شده است. این استراتژی بر ناامن‌سازی کریدورها و مسیرهای تجاری،

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازن اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت

اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

- امینی، آرمن (۱۳۹۶). تبیین و تحلیل سازه انگارانه روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، (۳۷)، از ۵۷ تا ۷۴.
- بلینکن، آنتونی (۲۰۲۳). یورونیوز فارسی، بازدید شده در تاریخ ۱۴۰۲/۸/۳، قابل دسترسی در:
<https://parsi.euronews.com/2023/08/15/blinken-says-us-maintains-pressure-on-iran-despite-prisoner-deal>
- ترابی‌فرد، میلاد و مهدی رزم‌آهنگ (۱۴۰۲). ابتکار راهبردی ایران. *جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در اقتصاد جهان* (۱)، خنثی‌سازی تحریم به چه معناست؟ گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۹۴۲.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۲). جایگاه بازدارندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی*، (۱)، از ۱۱۷ تا ۱۴۲
- خسرو شاهین، هادی (۱۴۰۱). در یک‌قدمی فرجام برجام؟ قابل دسترسی در:
<https://www.eghtesadnews.com/fa/tiny/news-515507>
- راجی، محمدهادی (۱۴۰۲). الگوی جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری، دانشگاه امام صادق (ع).
- راجی، محمدهادی (۱۴۰۳). بازدارندگی در منطقه خاکستری: آموزه‌هایی برای امنیت ملی و باز معماری جامعه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، ماه‌نگار دیدبان امنیت ملی پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۱۵۰.
- طالبی‌پور، سعید و حشمت‌اله فلاحت‌پیشه (۱۳۹۵). تخمین جایگاه ایران در سیاست خارجی آمریکا در ۲۰۲۵. *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، (۳۷)، از ۳ تا ۱۸

عبداللهی نژاد، محمد شمس‌الدین و ابراهیم متقی (۱۳۹۸)، واکاوی اندیشه مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر ایالات متحده آمریکا. *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، (۴۶)، از ۳ تا ۲۲.
علینی، احسان و خواجه‌سروی، غلام (۱۴۰۱)، بررسی و تحلیل تحریم‌های آمریکا از منظر جامعه‌شناسی تاریخی (۲۰۱۵-۱۹۷۹). *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، (۲۸)، از ۳۲۷۹ تا ۳۲۹۱.
قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۹). *نظریه پیچیدگی و آشوب و جنگ در روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قاسمی، فرهاد و هاشمی، سیده بنت الهدا (۱۴۰۱)، *وآپایش نظم در شبکه‌های منطقه‌ای پیچیده: ایران و غرب آسیا*. *فصلنامه سیاست*، شماره ۲، از ۴۸۲-۴۵۳.

قزوینیان، جان (۱۴۰۰)، *ایران و آمریکا، تاریخ یک رابطه از ۱۷۲۰ تا ۲۰۲۰*. ترجمه محسن عسکری جهقی. تهران: نیماژ، ص ۸۸۰.

کولایی، الهه و محمد سلطانی‌نژاد (۱۳۹۳)، مذاکرات هسته‌ای و منازعه ایران و آمریکا: کنکاشی در نظریه بلوغ منازعه. *فصلنامه روابط خارجی*، (۴)، از ۹۷ تا ۱۲۵.

گوهری‌مقدم، ابوذر و مصطفی محمدی رضانی (۱۳۹۸)، نقش تغییر درک راهبردی آمریکا در رویکرد این کشور در قبال پرونده هسته‌ای ایران. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، (۳۵)، از ۷ تا ۲۸.

گوهری‌مقدم، ابوذر و رضا انصاری بارده (۱۴۰۰)، *تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران*. *فصلنامه روابط خارجی*، (۲)، از ۲۰۹ تا ۲۳۱.

محبی، نوید (۱۴۰۲)، ده نکته درباره قانون مهسا. قابل دسترسی در: <https://t.ly/jxYB8>.

هادی‌زاده نائینی، عبدالرضا (۱۴۰۲)، *فایل صوتی رابرت مالی و آینده مذاکرات*. خبرگزاری ایرنا. بازدیدشده در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ قابل دسترسی در: <https://irna.ir/xjN3Gz>

Azad, T. M., Haider, M. W., & Sadiq, M (2023), Understanding Gray Zone Warfare from Multiple Perspectives. *World Affairs*, 186(1), 81-104.

Biden, J (2022), National Security Strategy. The White House, 23.

Blagden, D. (2016). Induction and deduction in international relations: Squaring the circle between theory and evidence. *International studies review*, 18(2), 195-213.

Brands, H. (2017). Dealing with Allies in Decline: Alliance Management and US Strategy in an Era of Global Power Shifts. Center for Strategic and Budgetary Assessments

Chivvis, C. S. (2017). Understanding Russian hybrid warfare. Rand Corporation.

Council, A (2022), Today's wars are fought in the 'gray zone.' Here's everything you need to know about it. Available at:

<https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/todays-wars-are-fought-in-the-gray-zone-heres-everything-you-need-to-know-about-it/>

CNN (23 Sep 2022), Amid internet shutdowns in Iran, US takes step to allow tech firms to help Iranian people access online info, CNN, Available at: <https://edition.cnn.com/2022/09/23/politics/us-iran-internet-help/index.html>.

CNN (19 Jan 2023), Cloudflare says White House asked tech firm to bypass Iran censorship, but US sanctions got in the way, CNN, Available at:

<https://edition.cnn.com/2023/01/19/tech/cloudflare-white-house-iran-censorship-bypass/index.html>

Denis, A., & Kalekin-Fishman, D (2009), Conflict, competition and cooperation: Means and stratagems for shaping social reality in the twenty-first century. *The ISA handbook in contemporary sociology*. London: Sage, 461-467.

Dobbins, J., Tarini, G., & Wyne, A. (2020). The Lost Generation in American Foreign Policy. avail-able at: <https://thehill.com/opinion/national-security/516208-the-lost-generation-in-american-foreign-policy>, 14.

Erlanger, Steven & Sanger, David (2021), U.S. and Iran Want to Restore the Nuclear Deal. They Disagree Deeply on What That Means. Available at:

<https://www.nytimes.com/2021/05/09/world/middleeast/biden-iran-nuclear.html>

El-erian, Mohamed (2023), From near-shoring to friend-shoring: the changing face of globalization, available at:

<https://www.theguardian.com/business/2023/mar/09/from-near-shoring-to-friend-shoring-the-changing-face-of-globalisation>

Heath, timothy, Gunness, Kristen and Finazzo, Tristen (2022), The Return of Great Power War; Scenarios of Systemic Conflict Between the United States and China. Available at:

https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RRA800/RRA830-1/RAND_RRA830-1.pdf

International Monetary Fund (IMF) (2022), The Impact of Economic Fragmentation on Global Markets. *IMF Publications*.

Jervis, Robert (1997), *System Effects: Complexity in Political and Social Life*. Princeton University Press, p.5.

Johnson, C (2006), *Nemesis: The last days of the American republic*. Macmillan.

Johnson, C (2010), *Dismantling the empire: America's last best hope*. Metropolitan Books.

Kennan, George (1948), 269. Policy Planning Staff Memorandum. Available at:<https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1945-50Intel/d269>

Lake, D. A (2013), Theory is dead, long live theory: The end of the Great Debates and the rise of eclecticism in International Relations. *European journal of international relations*, 19(3), 567-587.

Lantos, Tom (2007), Hearing before the committee on foreign affairs house of representative one hundred tenth congress, foreign policy and national security of oil dependence, march 22, 2007.

Lowenthal, A. F. (2013). *The US in the early 2st century: decline or renewal*.

Lundestad, G. (2012). *The rise and decline of the American" empire": power and its limits in comparative perspective*. OUP Oxford.

Mecklin, J. (2017) Introduction: The evolving threat of hybrid war, *Bulletin of the Atomic Scientists*, 298-299

Nye, J. S. (2015). The decline of America's soft power. In *Paradoxes of Power* (pp. 27-Routledge.

Oren, Ido. "A sociological analysis of the decline of American IR theory." *International Studies Review* 18, no. 4 (2016): 571-596.

Roberts, A., Choer Moraes, H., & Ferguson, V (2019), Toward a geoeconomic order in international trade and investment. *Journal of International Economic Law*, 22(4), 655-676.

Stiglitz, J (2002), *Globalization and its Discontents*. W.W. Norton & Company.

Reuters (11/9/ 2024), US calls on Big Tech to help evade online censors in Russia, Iran, Reuters, Available at: <https://www.reuters.com/technology/us-calls-big-tech-help-evade-online-censors-russia-iran-2024-09-05/>

Sullivan, J. (2023). The sources of American power: A foreign policy for a changed world. *Foreign Aff.*, 102, 8.

U.S. Department of the Treasury (2019), Treasury Sanctions Iran's Central Bank and National Development Fund. Available at:

<https://home.treasury.gov/news/featured-stories/treasury-sanctions-irans-central-bank-and-national-development-fund>.



انستیتو مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 20 August 2024
 Revised 24 October 2024
 Accepted 26 October 2024
 Published online 15 March 2025

Strategic Studies Quarterly

Volume 27, Issue 4, pp 177-186



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

Strategic Decision-Making in the Age of Artificial Intelligence

Mohsen Riyahi¹ , Tahmoores Hasan-Gholipour² , Ali Divandari³ , Abdulhossein Kalantari⁴

1. Ph.D. Student of Strategic Management; Business Management Department, Tehran University, Tehran, Iran.
2. Faculty Member of Business Management, Tehran University, Tehran, Iran.
3. Faculty Member of Business Management, Tehran University, Tehran, Iran.
4. Faculty Member of Social Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

Corresponding author email address: mohsenriahi@ut.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Riyahi, M., Hasan-Gholipour, T., Divandari, A. and Kalantari, A. (2024). Strategic Decision-Making in the Age of Artificial Intelligence. *Strategic Studies Quarterly*, 27(4), 177-186.

doi:

10.22034/SRQ.2024.474465.4192



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

Over the past decade, artificial intelligence (AI) and big data have evolved into groundbreaking paradigms, influencing virtually every aspect of human life. Significant advancements in data processing capabilities, a dramatic drop in storage costs, and the exponential growth of data have paved the way for the development of digital tools, turning digital transformation into a reality. From 2000 to 2017, data processing power increased by a staggering 10,000-fold, while storage costs plummeted by 3,000 times. Furthermore, by 2025, the volume of generated data is projected to grow more than 90-fold. These rapid advancements have made strategic decision-making a key area of focus in management and governance.

Strategic decision-making has always been significant due to its complexity, uniqueness, and long-term, often irreversible, consequences. With the advent of big data and AI, decision-making has transitioned from intuition-based practices to data-driven processes. New tools now allow organizations to reduce biases, enhance accuracy, and manage uncertain environments more effectively. However, many organizations and governments are yet to harness the full potential of these technologies, partly because of the absence of comprehensive theoretical frameworks.

Based on this, the study aims to present an integrated framework for data-driven strategic decision-making by exploring how AI and big data influence this process. By synthesizing previous research findings, it addresses existing gaps in knowledge and provides practical guidance for managers and policymakers. This research emphasizes that data-driven decision-making is not merely a technical tool—it represents a shift in power structures and decision-making mindsets, enabling improved governance and organizational performance.

Methodology

This study uses the meta-synthesis approach, a qualitative method for integrating and interpreting findings from prior research. The method facilitates the identification of patterns, differences, and overlaps, helping to establish cohesive theoretical frameworks. The framework follows the seven-step model of Margarete Sandelowski and Juliet Barroso, which includes formulating research questions, reviewing the literature, identifying and selecting studies, extracting information, analyzing and synthesizing findings, conducting quality control, and presenting results.

Research questions focused on identifying the framework and key elements of data-driven strategic decision-making. Relevant studies were sourced from leading databases, such as Scopus, Web of Science, and Emerald, using keywords including "strategic decision-making," "artificial intelligence," "big data," and "data-driven." The study focused on English-language research from 2010 to 2024. Out of 88 initially identified studies, 36 were selected after removing duplicates and reviewing titles, abstracts, and methodologies. Data extracted from these studies underwent open coding, yielding 102 initial codes. These were categorized into 25 subcategories and four main themes: conditions, features, dimensions, and outcomes. To ensure quality, the CASP tool was used for validity checks, and reliability was measured using the Kappa index, scoring 0.69. This rigorous approach enabled the development of a robust and comprehensive framework.

Results

The study's findings are categorized into four main themes:

1. **Conditions:** These include prerequisites for effective data-driven decision-making, such as access to high-quality data (characterized by volume, accuracy, timeliness, and variety) and advanced infrastructure (hardware and software). Organizational restructuring is essential to integrate data analytics processes, and cross-functional collaboration is necessary for data collection and interpretation. Building technical expertise to develop AI models and fostering a data-driven culture through employee training are also critical. Regulatory frameworks, including periodic evaluations and risk management, play a vital role in ensuring process quality.

2. **Features:** The core characteristics of data-driven decision-making include bias reduction through objective data, the ability to predict trends and behaviors, and the discovery of hidden patterns using AI. High-speed data processing, accuracy, and transparency contribute to reliable decision-making. Additionally, increased resolution—offering a more precise understanding of issues—is a defining feature of this approach.

3. **Dimensions:** This theme addresses the structural and contextual elements of the decision-making process. Balancing intuition with data analysis is particularly important in complex, turbulent environments. Structured data significantly enhance the quality of decisions, whereas unstructured data limit the effectiveness of technical tools. Collective intelligence, inspired by natural behaviors, enables the integration of group knowledge. Striking a balance between human creativity and AI computational power, alongside building stakeholder trust through interpretability and user-focused design, are other critical dimensions.

4. Outcomes: Data-driven decision-making reduces uncertainty, identifies new opportunities and threats, and offers solutions to complex challenges. It improves processes through automation, increases speed and accuracy, enhances organizational performance, and creates sustainable competitive advantages. At a national level, it has the potential to transform governance structures and improve outcomes.

Conclusion

Through the meta-synthesis approach, this research provides a comprehensive framework for data-driven strategic decision-making, organized into four key themes: conditions, features, dimensions, and outcomes. The findings highlight that implementing this approach requires robust infrastructure, high-quality data, a strong data-driven culture, and cross-departmental collaboration. Features such as bias reduction, predictability, speed, and precision differentiate this method from traditional approaches. Structural elements like the balance between human and AI involvement and the role of collective intelligence emphasize the importance of combining human judgment with computational power. The outcomes include reduced uncertainty, enhanced performance, and sustained competitive advantages. However, the study acknowledges limitations, including its exclusive focus on strategic decision-making, the emerging nature of the topic, and potential biases in study selection. Overall, data-driven strategic decision-making is not optional—it is a necessity for governments and organizations in the digital era. Future research should explore other aspects of strategic management and consider cultural and regional influences to deepen our understanding of this phenomenon. This framework offers managers and policymakers practical tools to harness AI and big data to improve governance and decision-making.

Keywords: *Big Data; Data-Driven Decision-Making; Uncertainty Management.*

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله
دریافت شده در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۳
اصلاح شده در تاریخ ۳ آبان ۱۴۰۳
پذیرفته شده در تاریخ ۵ آبان ۱۴۰۳
منتشر شده در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، پیاپی ۱۰۶،
صفحه ۱۷۷-۱۸۶



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

تصمیم‌گیری استراتژیک در عصر هوش مصنوعی

محسن ریاحی^۱، طهمورث حسنقلی‌پور^۲، علی دیواندری^۳، عبدالحسین کلانتری^۴

۱. گروه استراتژی و سیاست‌گذاری کسب‌وکار، دانشکده مدیریت کسب‌وکار، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. گروه بازاریابی و توسعه بازار، دانشکده مدیریت کسب‌وکار، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. گروه استراتژی و سیاست‌گذاری کسب‌وکار، دانشکده مدیریت کسب‌وکار، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ایمیل نویسنده مسئول: mohsenriahi@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

هوش مصنوعی در حال حاضر نه به مثابه یک ابزار صرف که به مثابه یک پارادایم جدید همه شئون زندگی بشر را دستخوش تغییر کرده است. این پژوهش به دنبال بررسی ردهای این تغییرات در تصمیم‌گیری استراتژیک است. تصمیم‌گیری استراتژیک همیشه یکی از موضوعات موردتوجه محققین در تحقیقات فرایندی استراتژی بوده است. نوعی از تصمیم‌گیری که پیچیده، غیرتکراری و جامع است و تأثیرات بلندمدت و غیرقابل‌تغییری می‌گذارد. توجه به تصمیم‌گیری استراتژیک در سطح حکمرانی می‌تواند نقش مهمی در بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری و به تبع آن بهبود فضای حکمرانی داشته باشد. تحقیقات انجام‌شده درباره تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور با توجه به نوظهوربودن پدیده، تحقیقات پراکنده و متکثری هستند. بنابراین، این پژوهش با هدف ایجاد یک تصویر جامع از تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور با تمرکز بر پژوهش‌های پیشین انجام شد. برای انجام این پژوهش روش فراترکیب انتخاب شد. در فرایند جستجو ۸۸ مطالعه از منابع علمی شناسایی شد که با بررسی و غربال این مطالعات نهایتاً ۳۶ مطالعه مرتبط مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت با تجزیه و تحلیل مطالعات هدف، ۱۰۲ کد، ۲۵ مقوله فرعی و چهار مقوله اصلی شناسایی شد. چهار مقوله اصلی در این پژوهش عبارتند از شرایط، ویژگی‌ها، ابعاد و پیامدها که هر یک به شناخت وجوهی از پدیده تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور کمک می‌کنند.

واژگان کلیدی: فراترکیب، کلان‌داده، تصمیم‌گیری داده‌محور، سیاست عدم اطمینان.

نوع مقاله

پژوهشی اصلی

نحوه استناد به این مقاله:

ریاحی، محسن، حسنقلی‌پور، کیومرث، دیواندری، علی و کلانتری، عبدالحسین. (۱۴۰۳). تصمیم‌گیری استراتژیک در عصر هوش مصنوعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۷(۴)، ۱۷۷-۱۸۶.

doi:
10.22034/SRQ.2024.474465.419
2



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی‌رایت) این مقاله

متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

پیشرفت خیره‌کننده بشر در بهبود توان پردازش اطلاعات از یک سو و تولید و در اختیار داشتن حجم بسیار زیادی از داده‌ها در سالیان اخیر از سوی دیگر، این امکان را برای بشر ایجاد کرده تا با سرعتی فراتر از تصور به توسعه توانمندی‌های دیجیتال بپردازد و به تحول دیجیتال لباس تحقق ببوشاند. از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۷ توان پردازش ۱۰ هزار برابر شده است. همچنین در همین بازه هزینه ذخیره‌سازی داده ۳۰۰۰ برابر کاهش پیدا کرده است (Menon, 2018). رشد نمایی داده‌های تولیدشده نیز روند مشابهی داشته است. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ پیش‌بینی می‌شود حجم داده‌هایی که ایجاد، ضبط، کپی و مصرف می‌شوند، بیش از ۹۰ برابر رشد خواهد کرد (Statista, 2023a).

کلان‌داده و هوش مصنوعی در سطوح مختلف، محل تأمل جدی و مهمی برای صاحب‌نظران بوده است. از سطح فلسفی تا روش‌شناختی، حجم انبوه داده‌ها منجر به فهم بهتر و گسترده‌تر حیات و حل مسائل لاینحل بشر شده است. برخی صاحب‌نظران از این عبارت استفاده می‌کنند که گویا «هر چه داده بیشتر کشفیات بیشتر». این سطح از تغییرات آن‌قدر بنیادین و اساسی است که منجر شده محققین از اصطلاح «پارادایم چهارم» برای علم استفاده کنند. شعبانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود اشاره می‌کند که کلان‌داده‌ها نه تنها از حیث کمی با آمار تفاوت دارند، بلکه از حیث کیفی نیز نوع جدیدی از داده محسوب می‌شوند. این شکل جدید از داده‌ها لزوماً با نظریه‌های قدیمی مطابقت ندارند و همین نکته به مباحث و پرسش‌های فلسفی و معرفت‌شناختی جدید می‌انجامد.

یکی از مهم‌ترین انواع تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری استراتژیک است؛ تصمیماتی مهم، غیرقابل‌بازگشت با اثراتی بلندمدت و عمیق. عوامل متعددی در تصمیم‌گیری مؤثر هستند. میزان تلاطم محیط، میزان امکان‌پذیری شناسایی پیامدهای هر تصمیم و شدت پیچیدگی مسئله از جمله این عوامل هستند (Shepherd and Rudd, 2014). در گذر زمان مدل‌های مختلف تصمیم‌گیری نیز برای پاسخ به شرایط متعدد و متنوع مؤثر بر تصمیمات ایجاد شده‌اند. به‌رغم تکثیر سرسام‌آور حجم داده‌های موجود در اختیار کشورها، صنایع و سازمان‌ها و توانایی ابزارهای فنی موجود در استفاده بهینه از این داده در جهت منافع آنها، همچنان برخی از آنها یا از داده استفاده‌ای نمی‌کنند و یا استفاده کمی می‌کنند. برخی در حد یک امکان بالقوه از آن استفاده می‌کنند و تنها تعداد اندکی هستند که تجزیه و تحلیل داده را در تصمیم‌گیری خود ادغام می‌کنند (Smith et al., 2019).

حدود ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان یک پژوهش اظهار داشتند که یکی از اصلی‌ترین کاربردهای داده‌ها و تجزیه و تحلیل‌ها در شرکت آنها، عامل استراتژی و تغییر است (Statista, 2023b). کلان‌داده به‌عنوان یک پدیده جدید مؤثر بر تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گرفته است (Agrawal, Gans & Goldfarb, 2019). نکته مهم آنکه می‌توان گفت امروزه استفاده از کلان‌داده در کشورها و سازمان‌ها، از استفاده عملیاتی به استفاده استراتژیک تکامل پیدا کرده است (Davenport and Dyché, 2013).

رشد تصاعدی در تعداد مقالات منتشرشده در موضوع هوش مصنوعی و مدیریت نشان از اهمیت موضوع کلان‌داده در علم مدیریت دارد. به‌طوری‌که بررسی نگارنده نشان می‌دهد در «وب آو ساینس»^۱ تعداد مقاله‌هایی که در بازه زمانی ۲۰۲۰-۲۰۲۴ از یکی از واژه‌های هوش مصنوعی یا کلان‌داده یا تحلیل داده یا یادگیری ماشین به همراه یکی از واژه‌های استراتژیک یا بازاریابی یا منابع انسانی یا سازمانی در عنوان یا کلیدواژه‌های خود استفاده کرده‌اند، نسبت به متوسط بازه ۲۰۱۰-۲۰۱۴، ۳۴ برابر و نسبت به بازه ۲۰۰۰-۲۰۰۴، ۳۲۵ برابر شده است. با توسعه ابزارهای مؤثر در کاهش سوگیری که بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیرگذار است، مدیریت و کنترل بی‌ثباتی‌ها به طور روزافزون بیشتر می‌شود (Ademola and Owie, 2017). ابزارهای جدید این امکان را به تصمیم‌گیرنده می‌دهند تا با اطلاعات بلادرنگی که از محیط اخذ می‌کند؛ بتواند با قدرت بیشتری تلاطم‌های محیطی را درک کند و پاسخ بگوید. اگر تا دیروز در محیط‌های متلاطم این شهود مدیر بود که ریسک سرعت تغییرات را پوشش می‌داد و نقص مدل‌های کلاسیک را جبران می‌کرد، امروز ابزارهای جدید می‌توانند ریسک تلاطم محیطی را با سرعتی بیشتر از شهود مدیر پوشش دهند.

انقلاب داده بسیاری از وجوه زندگی امروز را تحت تأثیر قرار خواهد داد. زاویه نگاه و شیوه فهم در بسیاری از علوم تغییر خواهد کرد. خیلی از اکتشافات علمی دیگر بر مبنای فرضیات از پیش تعیین‌شده نیستند و با تحلیل انبوه داده‌ها به دست خواهند آمد. این تغییرات به مباحث علمی منحصر نخواهد بود و در سراسر زندگی بشر جاری خواهد شد. تغییراتی که باید گفت شروع شده‌اند و امروزه نشانه‌های بسیاری از این تغییرات بزرگ قابل مشاهده است. در عرصه مدیریت نیز می‌توان گفت آینده محتوم حکمرانی در بسیاری از کشورها حرکت به سمت داده‌محوری است. داده‌محور شدن کشورها صرفاً یک تغییر فنی یا دیجیتال نیست؛ بلکه تغییر در ساختار قدرت و حتی مهم‌تر از آن، تغییر در چهارچوب فکری مدیران و تصمیم‌گیران است.

حال سؤال مهم این است که انقلاب داده با حجم عظیم تغییراتی که به دنبال داشته و خواهد داشت و البته تأملات گسترده‌ای که برای صاحبان اندیشه ایجاد کرده است، چه تأثیری بر علم استراتژی و سیاست‌گذاری خواهد گذاشت. مدیریت استراتژیک در چه ابعادی و با چه شکل و شمایلی تغییر خواهد کرد. همان‌طور که ویت و میر (۲۰۱۰) اشاره می‌کنند، بازکردن جعبه سیاه ذهن راهبرdsاز برای مشاهده چگونگی تصمیم‌گیری، می‌تواند در پیش‌بینی یا تحت‌تأثیر قراردادن این تفکر، کمک‌کننده باشد. فهم اینکه مدیران چگونه به نقطه‌نظرات راهبردی خود شکل می‌دهند و اقدامات مورد ترجیح خود را انتخاب می‌کنند، می‌تواند برای ایجاد راهبردهای بسیار اثربخش مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می‌رسد یکی از نقاط مهم در علم استراتژی و سیاست‌گذاری که به شدت تحت‌تأثیر انقلاب داده نیز هست، تصمیم‌گیری استراتژیک است.

رشد سریع فناوری‌های مبتنی بر کلان‌داده و هوش مصنوعی باعث شده تصمیم‌گیری استراتژیک به یکی از موضوعات قابل توجه در حکمرانی و علم استراتژی در دنیای امروز تبدیل شود. با وجود اینکه ابزارهای نوین می‌توانند به طور مؤثری به کاهش عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری کمک کنند، هنوز سازمان‌ها و دولت‌ها به طور کامل از پتانسیل‌های این فناوری‌ها بهره‌برداری نکرده‌اند. بخشی از این مسئله متأثر از نبود یک چهارچوب نظری جامع است که بتواند همه ابعاد تصمیم‌گیری داده‌محور، از جمله تجزیه و تحلیل داده‌ها، عوامل انسانی و جنبه‌های فرهنگی و سازمانی را به طور یکپارچه بررسی کند. مطالعات پیشین که عمدتاً به بررسی جزئیات محدودی مانند بهینه‌سازی عملکرد یا کاهش عدم قطعیت پرداخته‌اند، نتوانسته‌اند به نیازهای پیچیده و چندوجهی مدیران در فرایند تصمیم‌گیری استراتژیک پاسخ دهند.

این پژوهش، در راستای پرکردن این شکاف نظری و عملی، به دنبال ایجاد یک چهارچوب جامع برای تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است. با استفاده از روش فراترکیب، سعی بر این است که نتایج پژوهش‌های مختلف در این زمینه به شکلی منسجم و کل‌نگر یکپارچه شود تا بتواند هم در سطح نظری به توسعه دانش علمی کمک کند و هم در سطح عملی، مدیران را به سمت استفاده بهینه از هوش مصنوعی در تصمیمات استراتژیک هدایت کند. این تحقیق در نهایت می‌تواند به تحولاتی اساسی در حوزه مدیریت استراتژیک منجر شود و مسیرهای جدیدی برای بهره‌برداری از قدرت داده‌ها و هوش مصنوعی در فرایندهای تصمیم‌گیری استراتژیک در مقیاس ملی و سازمانی ارائه دهد.

الف) پیشینه نظری و سوابق پژوهش

پیشینه نظری قابل بررسی در موضوع این پژوهش را می توان به دو حوزه کلی هوش مصنوعی و تصمیم گیری استراتژیک تفکیک کرد. در متون تخصصی حوزه فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی به زیرمجموعه های متعددی تقسیم می شود. در این پژوهش به هوش مصنوعی و تحلیل داده به عنوان یک کل نگاه می شود.

۱. **هوش مصنوعی:** هوش مصنوعی حوزه وسیعی از دانش را در برمی گیرد که در نقطه تلاقی میان چند دانش بزرگ دیگر از جمله علوم رایانه ای، الکترونیک، روان شناسی، زیست شناسی، زبان شناسی، منطق و فلسفه قرار گرفته است (محمدعلی خلیج، ۱۳۹۳). راسل و نورویگ^۱ (۲۰۱۵) هوش مصنوعی را به عنوان مطالعه عوامل هوشمند که برداشت هایی از محیط دریافت می کنند و سپس اقداماتی انجام می دهند، تعریف می کنند. بنابراین می توان گفت یکی از ویژگی های مهم هوش مصنوعی، تعامل با محیط است. وینستون^۲ (۱۹۹۲) هوش مصنوعی را به عنوان محاسباتی معرفی می کند که امکان ادراک، استدلال و اقدام کردن را فراهم می سازد. همچنین نیلسون^۳ (۱۹۹۸) هوش مصنوعی را فعالیتی برای ساخت ماشین های هوشمند تعریف می کند. تعریف او از مفهوم هوشمندی، کیفیتی است که به هوش مصنوعی امکان می دهد که فعالیتی مناسب و با دوراندیشی در محیط خود داشته باشد. کنالز و هوکمپ^۴ (۲۰۱۹) نیز هوش مصنوعی را این گونه تعریف می کند: به طور کلی، هوش مصنوعی رشته ای از علوم کامپیوتر است که مطالعه می کند چگونه ماشین ها می توانند هوشمندانه عمل کنند. هوش مصنوعی عملکردهای زیادی دارد، از جمله یادگیری، ادراک، استدلال و تعامل.

۲. **تحلیل داده:** مفهوم تحلیل داده اولین بار در اوایل قرن بیست و یکم ظهور پیدا کرد. تحلیل داده را می توان این گونه تعریف کرد: کاربرد سیستم های کامپیوتری برای تحلیل داده های بزرگ به منظور پشتیبانی از تصمیمات. تحلیل داده یک حوزه میان رشته ای است که از علوم مختلفی چون آمار، یادگیری ماشین، شناسایی الگو، تئوری سیستم ها، تحقیق در عملیات و هوش مصنوعی استفاده می کند (Runkler, 2020). تحلیل داده، علم تجزیه و تحلیل مجموعه داده ها برای یافتن روندها، پاسخ به سؤالات و رسیدن به نتیجه گیری ها است. این یک حوزه متنوع و پیچیده است که اغلب به نرم افزارهای تخصصی، الگوریتم ها و اتوماسیون متکی است.

1. Russell & Norvig

2. Winston

3. Nilsson

4. Canals & Heukamp

اصول تحلیل داده‌ها را می‌توان تقریباً در هر صنعتی استفاده کرد. لایه‌های تصمیم‌گیری در کشورها و سازمان‌های مختلف از تحلیلگران داده استفاده می‌کنند تا به آنها در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و داده‌محور در زمینه‌های مختلف مشاغل خود کمک کنند. معمولاً داده‌های موجود از رویدادهای گذشته تجزیه و تحلیل می‌شوند، به این معنی که روندهای موجود را می‌توان شناسایی کرد.

۳. تصمیم‌گیری استراتژیک

دین و شارفمن^۱ (۱۹۹۶) تصمیمات استراتژیک را اختصاص‌دهی منابع، تشکیل پیش‌زمینه‌های آینده، ایجاد امواجی از تصمیمات کمتر مهم، بد ساختار، پیچیده، اساسی، غیرمعمول و همه‌گیر توصیف کرده‌اند. برخی از خصوصیات تصمیمات استراتژیک عبارت‌اند از: «تصمیمات استراتژیک به عهده مدیریت عالی است، آنها تعامل بین یک سازمان و محیط آن را منعکس کرده و چگونگی مدیریت این رابطه توسط سازمان را نشان می‌دهند، این تصمیمات ممکن است رسمی یا غیررسمی باشند و می‌توانند از پیش تعیین شده یا بداهه باشند که هم در عوامل داخلی سازمان (مثلاً عوامل روان‌شناختی، ساختاری، فرهنگی و سیاسی) و هم در عوامل خارجی سازمان (مانند عوامل رقابتی) قرار گرفته‌اند». این تصمیمات به مسائلی مربوط می‌شوند که برای بقای سازمان ضروری هستند و معمولاً شامل بخش زیادی از منابع سازمان می‌شوند و معمولاً به مسائلی پرداخته می‌شود که برای سازمان غیرمعمول است، به‌جای مسائلی که به تصمیم‌گیری‌های روتین مربوط می‌شود (Pettigrew, 1992). تعریف یا ارزیابی این تصمیم‌ها به لحاظ عملکردی دشوار است. آنها با خطرات و مبادلات مختلفی همراه هستند و با دیگر تصمیمات سازمان در ارتباطند و برای تصمیمات بعدی نمونه خواهند بود؛ این تصمیمات سیاسی بوده و سطح بالایی از عدم اطمینان را به دوش می‌کشند، به‌ندرت بهترین راه‌حل واحد را ارائه می‌کنند و وقتی تصمیم اخذ شد، تغییر آن دشوار خواهد بود (Elbanna, 2006).

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور نشان می‌دهد که در چند سال گذشته، توجه محققان به تأثیر هوش مصنوعی و کلان‌داده‌ها بر فرایندهای تصمیم‌گیری استراتژیک به طور قابل توجهی افزایش یافته است. همان‌طور که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است، بسیاری از این مطالعات بر جنبه‌های خاص و محدود این پدیده تمرکز دارند. به عنوان مثال، ژانیرو (۲۰۱۸) به بررسی عدم قطعیت در تصمیم‌گیری استراتژیک ناشی از کلان‌داده پرداخته و پژوهش گوپتا (۲۰۲۳) به کاربرد هوش مصنوعی در بهینه‌سازی عملکرد

1. Dean & Sharfman

کسب‌وکار توجه کرده است. درحالی‌که این تحقیقات سهم مهمی در فهم تأثیر داده و هوش مصنوعی بر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک دارند، اکثر آن‌ها به رویکردهای جزئی و محدود بسنده کرده‌اند.

جدول شماره ۱: نمونه‌ای از مطالعات موجود در حوزه تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور

نام پژوهشگر و سال پژوهش	عنوان مقاله	دستاورد
ژانبرو (۲۰۱۸)	How Can Big Data Affect Uncertainty in Strategic Decision-making?	بررسی اثر کلان‌داده بر عدم قطعیت در تصمیم‌گیری استراتژیک
شرستا (۲۰۱۹)	Organizational Decision-Making Structures in the Age of Artificial Intelligence	بررسی تغییرات در ساختارهای تصمیم‌گیری با ظهور الگوریتم‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی
استون (۲۰۲۰)	Artificial intelligence (AI) in strategic marketing decision-making	بررسی نقش هوش مصنوعی (AI) در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک بازاریابی
اشمیت (۲۰۲۰)	Strategic Decision-Making in the Age of AI – A Systematic Literature Review	تمرکز بر سه حوزه: توزیع وظایف میان انسان و ماشین، معیارهایی که بر فرایند تصمیم‌گیری از طریق هوش مصنوعی تأثیر می‌گذارد و ارائه ساختار فرایند تصمیم‌گیری جدید
ترانک (۲۰۲۰)	On the Current State of Combining Human and Artificial Intelligence for Strategic Organizational Decision Making	ترکیب هوش انسانی و مصنوعی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک
ایچیگو (۲۰۲۲)	Synthesis of Human Knowledge Creation and Artificial Intelligence	بررسی تعادل تصمیم‌گیری بین انسان و هوش مصنوعی
گوپتا (۲۰۲۳)	Harnessing Ai for Strategic Decision-Making and Business Performance Optimization	کاربرد هوش مصنوعی (AI) در تصمیم‌گیری استراتژیک و بهینه‌سازی عملکرد کسب‌وکار

بررسی مطالعات نشان می‌دهد شکاف‌های نظری متعددی در این حوزه وجود دارد. همان‌طور که اشاره شد، بیشتر تحقیقات به طور مجزا روی موضوعات مشخصی مانند عدم قطعیت، بهینه‌سازی عملکرد یا تغییرات ساختاری ناشی از هوش مصنوعی تمرکز دارند. باین‌حال، هنوز

یک دیدگاه کلان و منسجم که بتواند تمامی ابعاد تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور را در قالب یک چهارچوب نظری جامع گردهم آورد، کم‌رنگ است. همچنین مطالعات پژوهشگرانی مانند ترانک (۲۰۲۰) و ایچیجو (۲۰۲۲) که به ترکیب هوش انسانی و هوش مصنوعی پرداخته‌اند، عمدتاً بر تعاملات مستقیم و مشهود این دو نوع هوش تمرکز دارند. با وجود این، تحلیل عمیق‌تری از چگونگی همزیستی و تعامل این دو نیرو در موقعیت‌های پیچیده تصمیم‌گیری استراتژیک همچنان لازم است. به‌ویژه در شرایطی که سازمان‌ها نیاز به تصمیم‌گیری‌های چندوجهی دارند که در آن‌ها نه تنها داده‌ها بلکه قضاوت‌های انسانی نیز حیاتی‌اند. علاوه بر این، بیشتر تحقیقات انجام‌شده، به‌ویژه مطالعاتی که بر کشورهای توسعه‌یافته تمرکز دارند، نقش عوامل فرهنگی، زمینه‌ای و منطقه‌ای در تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور را نادیده گرفته‌اند. با توجه به مطالبی که مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان گفت یک شکاف نظری جدی در ادبیات موجود قابل‌مشاهده است و آن فقدان یک رویکرد جامع و چندبعدی به تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است. پژوهش‌های انجام‌شده بیشتر بر جنبه‌های خاص این پدیده تمرکز دارند و از ایجاد یک چهارچوب نظری جامع که بتواند به طور هم‌زمان جنبه‌های تکنولوژیکی، سازمانی، فرهنگی را پوشش دهد، غافل مانده‌اند. این مقاله تلاش می‌کند با ارائه یک چهارچوب یکپارچه، به تحلیل جامع‌تر و چندبعدی از نقش هوش مصنوعی و داده‌های کلان در تصمیم‌گیری استراتژیک پرداخته و به این شکاف پژوهشی پاسخ دهد.

ب) روش پژوهش

فرا ترکیب در میان انواع روش‌ها و رویکردهای تحقیق مورد توجه فزاینده پژوهشگران قرار گرفته است. فرا ترکیب نوعی مطالعه کیفی است که ترکیبی تفسیری از یافته‌های کیفی مستخرج از اطلاعات و یافته‌های مطالعات پیشین، ارائه می‌دهد. فرا ترکیب کمک می‌کند تا پژوهش در نهایت به توسعه نظریه، تعمیم و خلاصه‌سازی بر اساس ارزیابی دقیق و عمیق یافته‌های سایر مطالعات کیفی منجر شود. این روش به پژوهشگران امکان می‌دهد تا با تحلیل ترکیبی و نقادانه از داده‌ها و نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات متعدد، به شناسایی الگوهای مشترک، تفاوت‌ها و هم‌گرایی‌ها بپردازند و به یک چهارچوب نظری منسجم و قوی، دست یابند که قادر است نظریات موجود را تکمیل، اصلاح یا حتی بازنگری کند.

فرا ترکیب با ارائه تفسیری از داده‌های کیفی منتخب امکان رسیدن به دانش جدید را فراهم می‌کند (Zimmer, 2006). از دیدگاهی دقیق‌تر می‌توان فرا ترکیب را مجموعه‌ای از نظریه‌ها، روایت‌ها، تعمیم‌ها و ترجمه‌های تفسیری دانست که محصول یکپارچگی یافته‌های مطالعات پیشین است (Xu, 2008).

متداول‌ترین چهارچوب برای فرا ترکیب، چهارچوبی است که توسط سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۶) تبیین شده است. در این پژوهش نیز از همین چهارچوب استفاده شده است. جزئیات مراحل هفتگانه این مدل در شکل زیر مشخص شده است.



شکل ۱. گام‌های فرا ترکیب (Sandelowski and Barroso 2006)

گام نخست: تنظیم پرسش پژوهش

برای تنظیم پرسش پژوهش باید چهار جنبه چیستی، چگونگی، جامعه و زمان پژوهش مورد توجه قرار گیرد. از حیث چیستی باید اشاره کرد که این پژوهش به دنبال ارائه چهارچوبی برای تصمیم‌گیری استراتژیک در عصر هوش مصنوعی است. از حیث چگونگی، زمان و جامعه می‌توان گفت این پژوهش به تحلیل و بررسی مطالعات پیشین پیرامون تصمیم‌گیری استراتژیک و هوش مصنوعی در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ و از طریق نشریات معتبر دارای نمایه بین‌المللی پرداخته است. بنابراین پرسش‌های پژوهش به صورت زیر قابل طرح هستند:

• بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده چهارچوب تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور چگونه است؟

• بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور چه عناصری دارد؟

گام دوم: بررسی نظام‌مند پیشینه نظری

روش جستجو، شامل جستجو در منابع دیجیتال، جستجوی دستی در نشریات و...، تکنیک گلوله‌برفی یا ترکیبی از همه این روش‌ها است (Spanos and Angelis, 2016). در این پژوهش از روش جستجو در منابع دیجیتال استفاده شده است. برای تعیین کلمات کلیدی به مقالات مهم و اصلی در موضوع مورد بحث رجوع شد. وجود حداقل یکی از کلمات تصمیم‌گیری استراتژیک، تصمیم‌گیری سازمانی، تصمیم‌گیری مدیریتی، در کنار حداقل یکی از کلمات هوش مصنوعی، کلان‌داده، تجزیه و تحلیل داده، داده‌محوری در عنوان یا کلمات کلیدی مطالعات، مبنای جستجو قرار گرفت. همچنین برای جستجو از پایگاه‌های علمی شامل اسکپوس^۱، فهرست مؤسسه تامسون رویترز^۲ (Web of Science) و امرالد^۳، استفاده شد. با توجه به فهرست استنادات مقالات دریافت‌شده در مرحله اول، فهرست کلی مطالعات از طریق پایگاه گوگل اسکالر^۴ تکمیل شد.

معیار رد یا تأیید مطالعات از نظر سال انتشار محدود به بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴ بوده است. همه انواع مطالعات در منابع علمی مشخص‌شده مورد بررسی قرار گرفت. از نظر موضوع مقالات، مقالات متمرکز بر موضوع اثرات هوش مصنوعی (به عنوان یک مفهوم کلی با همه زیرمجموعه‌های آن) بر فرایندهای مدیریت استراتژیک به‌ویژه تصمیم‌گیری استراتژیک مورد بررسی قرار گرفتند. صرفاً مطالعات با زبان انگلیسی مورد پذیرش قرار گرفت. مطالعاتی که به طور توأمان به فرایندهای مدیریت استراتژیک و هوش مصنوعی نپرداخته بودند، از فرایند حذف شدند.

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب مطالعات هدف

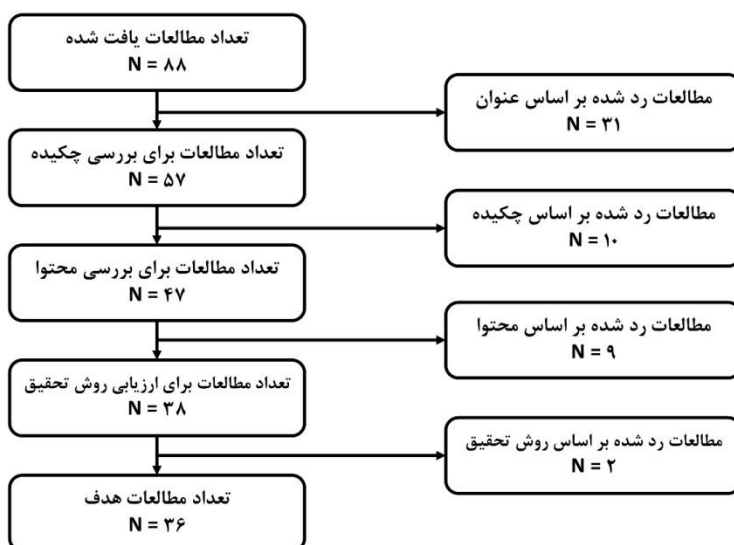
بر مبنای کلیدواژه‌های تعیین‌شده در تحقیق، فرایند جستجوی مطالعات در منابع علمی مشخص‌شده صورت پذیرفت. در مجموع ۸۸ مقاله در این فرایند شناسایی شد. در جدول زیر تعداد مقاله به تفکیک پایگاه علمی مشخص شده است.

1 Scopus
2 thomson reuters
3 emerald
4 google scholar

جدول ۲. جستجوی مطالعات هدف

نام پایگاه علمی	تعداد مطالعه در جستجو
Scopus	۵۲
Emerald	۱۱
Web of Science	۲۵
جمع	۸۸

برای انتخاب مطالعات نهایی مرتبط با موضوع، باید بررسی‌هایی صورت می‌گرفت. گام اول حذف مطالعات تکراری بود. بعد از حذف مطالعات تکراری تعداد مطالعات به ۵۷ رسید. گام دوم بررسی همخوانی عنوان بود که در آن معیارهای ورودی و عنوان مطالعه بررسی شدند. در این مرحله تعداد مطالعات به ۴۷ مطالعه رسید. گام سوم بررسی همخوانی موضوع کلی و چکیده بود. برای اطمینان از ارتباط مطالعات انتخابی با موضوع باید موضوع کلی و چکیده و محتوای مقاله بررسی می‌شدند. بعد از بررسی این موضوع، تعداد نه مطالعه حذف و تعداد کل مطالعات به ۳۸ مطالعه رسید. گام چهارم بررسی روش تحقیق مطالعات بود که با انجام این مرحله با حذف دو مطالعه، تعداد مطالعات هدف به ۳۶ مورد رسید.



شکل ۲. الگوریتم انتخاب مطالعات هدف

گام چهارم: استخراج اطلاعات از مطالعات هدف

در این مرحله مطالعات هدف به منظور دستیابی به مفاهیم مطالعات، بررسی شدند. در این مرحله، استخراج اطلاعات از مطالعات هدف بر اساس کدگذاری انجام شد. در پژوهش حاضر ۳۶ مطالعه هدف مورد بررسی قرار گرفت و کدهای اولیه استخراج شد. در مجموع پس از بررسی مطالعات ۱۰۲ کد شناسایی شد.

گام پنجم: تحلیل و ترکیب یافته‌ها

همانطور که پیش‌تر اشاره شد هدف در مطالعات فراترکیب ایجاد تفسیر یکپارچه و جدیدی از داده‌ها است. در فراترکیب عوامل استخراج‌شده از مطالعات به عنوان کد در نظر گرفته می‌شوند و بعد از آن با توجه به مفهوم کدها، مفاهیم در قالب مقوله‌ها ظهور پیدا می‌کنند. در پژوهش حاضر ۱۰۲ کد در قالب ۲۵ مقوله فرعی و چهار مقوله اصلی، مقوله‌بندی شدند. خروجی این تحلیل به شرح جدول ۳ قابل‌مشاهده است.

جدول ۳: کدها و مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج شده از مطالعات هدف

منابع	کدها	مقوله فرعی	مقوله اصلی
(Kitsios and Kamariotou, 2021) (Bertei, et al., 2015) (Venkitachalam and Bosua, 2022a) (Hammarberg, 2018) (Gupta et al., 2023)	داده به مثابه سوخت برای هوش مصنوعی کلان داده عامل افزایش کیفیت و سرعت تصمیمات استراتژیک، داده صحیح و در دسترس موجب تقویت تصمیم‌گیری استراتژیک، تصمیم‌گیری دقیق، نیازمند داده دقیق، داده‌های بزرگ یک منبع استراتژیک مهم، داده به موقع و در لحظه عامل سرعت تصمیمات	وجود داده متناسب	استراتژی
(Venkitachalam and Bosua, 2022b) (Booyse and Scheepers, 2023) (Stone et al., 2020)	لزوم سرمایه‌گذاری در تجهیزات پردازشی و سایر تجهیزات مرتبط، ایجاد و توسعه فناوری مربوط به هوش مصنوعی، ذخیره سازی و مدیریت صحیح داده‌ها	ایجاد زیرساخت فنی	
(Hammarberg, 2018) (Intezari and Gressel 2017) (Zhu and Li, 2023) (Nazemi, Burkhardt and Kock, 2022) (ozemre and Kabadurmus, 2020)	ادغام کلان داده با فرایندهای تصمیم‌گیری استراتژیک در سازمان، بازبینی ساختارها، ساختارها برای جمع آوری و ذخیره سازی داده، ایجاد ساختار متناسب برای بهره‌بردای بهینه از داده‌های بزرگ	تغییر فرایندها و ساختار	
(Intezari and Gressel, 2017) (Caner and Bhatti, 2020)(Zhu and Li 2023)	تقویت همکاری بین بخش‌ها، اشتراک‌گذاری دانش میان واحدها و بخش‌های مختلف، گردش صحیح اطلاعات در سازمان، نقش توزیع شده دانش	تعامل میان بخشی	
(Venkitachalam and Bosua, 2022b) (Kitsios and Kamariotou, 2021) (Gupta et al., 2023)	پیشرفت‌های فنی در قابلیت پردازشی و محاسباتی، تحول تکنیک‌های هوش مصنوعی، بهبود قابلیت تفسیرپذیری، توسعه دانش فنی متناسب با سازمان، ایجاد مدل‌های بهینه سازی شده هوش مصنوعی	توان فنی	
(Aseeri and Kang, 2023) (Intezari and Gressel, 2017) (Venkitachalam and Bosua, 2022b) (Hammarberg, 2018) (Gupta et al., 2023)	تأثیر فرهنگ در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، فرهنگ تسهیلگر پیاده‌سازی فناوری‌های جدید، آموزش‌های لازم برای کارکنان، لزوم تقویت فرهنگ حامی داده و داده‌محوری،	توسعه فرهنگ	

مقاله اصلی	مقاله فرعی	کدها	منابع
		تفویت توانایی تحلیلی افراد در سازمان، نقش فرهنگ ملی و سازمانی پیاده‌سازی موفق تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، ایجاد توافق جمعی درباره اخلاق و هوش مصنوعی	
	چهارچوب نظارتی	ارزیابی‌های دوره‌ای، تعیین اهداف و معیارها، مدیریت ریسک، امینت داده‌ها	(Hammarberg, 2018) (Intezari and Gressel, 2017) (Woerner and Wixom, 2015)
	کاهش سوگیری	هوش مصنوعی تعدیل‌کننده تصمیم‌گیری فردی است که تلفیقی از عقل و احساس است، کاهش سوگیری با کلان‌داده، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، تحت تأثیر شرایط عمل نکردن هوش مصنوعی	(Venkitachalam and Bosua, 2022b)(Trunk et al., 2020)(Nazemi, Burkhardt and Kock, 2022)(Woerner and Wixom, 2015)(Hammarberg, 2018)
	پیش‌بینی	امکان رونديابی با تحلیل داده‌های گذشته، پیش‌بینی آینده با تکنیک تحلیل پیشگویانه پیش‌بینی رفتار مشتری، پیش‌بینی تقاضای بازار، پیش‌بینی عملکرد افراد، پیش‌بینی ریسک‌ها	(Hammarberg, 2018) (Gupta et al., 2023) (Venkitachalam and Bosua, 2022b) (Woerner and Wixom, 2015)(Intezari and Gressel, 2017) (Caner and Bhatti, 2020)(Zhu and Li, 2023) (Ahmed and Malik, 2020)(Jarrahi, 2018)
	کشف الگوها و روندها	هوش مصنوعی توان کشف روندهای پنهان در داده‌ها را دارد، امکان کشف الگوها با تحلیل بصری، کشف الگوهای نادیدنی برای انسان با پردازش داده فراتر از توانایی‌های انسان	(Nazemi, Burkhardt and Kock, 2022)(Caner and Bhatti, 2020) (Rodriguez-Garcia et al., 2023)(Stone et al., 2020) (Borges et al., 2021) (Gupta et al., 2023) (Trunk et al., 2020) (Intezari and Gressel, 2017) (Woerner and Wixom, 2015) (Venkitachalam and Bosua, 2022b) (Hammarberg, 2018)(Ichijo, 2022)

مقاله اصلی	مقاله فرعی	کدها	منابع
	سرعت	واکنش سریع به تغییرات بازار، افزایش نمایی سرعت پردازش، دسترسی به اطلاعات بروز باعث واکنش سریع می شود، تصمیمات با خودکارسازی سرعت بیشتری می گیرند، فهم سریع محیط و مشتریان منجر به سرعت در تصمیمات استراتژیک، امکان تجزیه و تحلیل مستمر	(Hammarberg, 2018) (Woerner and Wixom, 2015) (Intezari and Gressel, 2017) (Trunk et al., 2020) (Ahmed and Malik, 2020) (Stone et al., 2020) (Zhu and Li, 2023) (Nazemi, Burkhardt and Kock, 2022) (ozemre and Kabadurmus, 2020)(Vincent, 2021) (Gupta et al., 2023) (Jarrahi 2018)(Shrestha et al., 2019) (Ichijo, 2022)(Bertei et al., 2015) (Anwar, Al Mubarak and Bakir, 2023)
	دقت	دقت بالای تصمیمات مبتنی بر داده، داده های حاصل از منابع غیرسنتی موجب افزایش دقت هستند استفاده از تجزیه و تحلیل های پیشرفته دقت بالایی ایجاد می کند،	(Bertei et al., 2015) (Anwar, Al Mubarak and Bakir, 2023) (Zhu and Li, 2023) (Nazemi et al., 2022) (Hammarberg, 2018) (Woerner and Wixom, 2015) (Intezari and Gressel, 2017) (Trunk et al., 2020) (Ahmed and Malik, 2020)
	تصمیمات قابل اعتماد	تصمیم گیری های عقلانی و قابل اعتماد، قابلیت اعتماد بیشتر در بینش های مبتنی بر داده، قابلیت تکرار نتایج، ارزیابی سریع گزینه ها، واکنش سریع به تغییرات بازار	(Zhu and Li, 2023)(Shick, Johnson and Fan, 2024)
	افزایش رزولوشن	ترکیب انسان و ماشین تصویر دقیق تر و جامع تری ایجاد می کند، فرایندهای محاسباتی استاندارد باعث فهم دقیق تری می شود	(Hammarberg, 2018) (Shrestha et al., 2019)
آباد	تلفیق شهود و تحلیل در تصمیم گیری	ترکیب شهود و تحلیل برای ایجاد بهترین تصمیم، نقش شهود در شرایط بسیار پر ابهام، محدود شدن تصمیم در صورت استفاده از شهود به تنهایی، روش تأییدی و روش اکتشافی،	(Vincent, 2021) (Intezari and Gressel, 2017)(Trunk et al., 2020) (Jarrahi, 2018) (Vincent, 2021) (Abbasi, Bilal and Rasheed, 2022) (Shepherd et al., 2020) (Henrique and Janeiro, 2018) (Hammarberg, 2018)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدها	منابع
		محدودیت‌های شهود انسانی، شهود در شرایط عدم قطعیت، هوش عاطفی در سیستم‌های تصمیم‌گیری	
	ساختار یافتگی تصمیم و داده	ساختار یافتگی داده، مؤثر بر مدل تصمیم‌گیری اهمیت شهود در وضعیت کاملاً ساختار نیافته تلاطم محیط ساختار یافتگی را کاهش می‌دهد	(Intezari and Gressel, 2017) (Anwar et al., 2023)
	هوش جمعی	الهام‌گیری از رفتار جمعی طبیعت، رابط کاربری جمعی، انتخاب‌های ناشناس، اشتراک دانش گروهی	(Abbasi et al., 2022) (Jarrahi, 2018) (Venkitachalam and Bosua, 2022b)
	تعادل انسان و ماشین	ناکافی بودن توانایی انسانی به‌تنهایی، تصمیم‌گیری هیبرید، نقش مهم تفکر انتقادی و خلاقیت انسانی، نقش میانجی مدیریت دانش و کارشناسان زمینه‌ای، توسعه مدل‌های تعاملی بین انسان و هوش مصنوعی، کاهش پیچیدگی با هوش مصنوعی، مواجهه با عدم قطعیت با انسان	(Jarrahi, 2018) (Abbasi et al., 2022) (Morabito, 2015) (Anwar et al., 2023) (Shrestha et al., 2019) (Ichijo, 2022) (Tuncer and Ramirez, 2022) (Venkitachalam and Bosua, 2022b)
	اعتماد	سبک تعامل انسان‌نما، قابلیت تفسیر پذیری، افزایش اعتماد با دقت و قابلیت پیش‌بینی هوش مصنوعی	(Tuncer and Ramirez, 2022) (Gupta et al., 2023) (Morabito, 2015)
	شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها	فهم بهتر فرصت‌های بازار، شناسایی فرصت‌ها به‌واسطه داده‌کاوی و تحلیل‌های پیش‌بینی‌کننده، کشف فرصت‌ها و تهدیدهای جدید، توان ادراک زود هنگام فرصت‌ها و تهدیدها	(Trunk et al., 2020) (Gupta et al., 2023) (Henrique and Janeiro, 2018)
تهدیدها	غلبه بر مسائل پیچیده	کاهش پیچیدگی و ارائه راه‌حل‌های عملی، حل پیچیدگی‌های غیر قابل مدیریت با ابزار سنتی، شناسایی الگوهای پیچیده، تجزیه و تحلیل داده‌های پیچیده	(Gupta et al., 2023) (Stone et al., 2020) (Borges et al., 2021) (Hammarberg, 2018) (Venkitachalam and Bosua, 2022b)

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدها	منابع
	کاهش عدم اطمینان	فهم و درک بهتر عدم اطمینان، شناسایی عدم اطمینان‌ها، افزایش انعطاف‌پذیری استراتژیک	(Ichijo, 2022) (Jarrahi, 2018) (Booyse and Scheepers, 2023) (Stone et al., 2020) (ozemre and Kabadurmus, 2020) (Anwar et al., 2023)
	بهبود فرایند	توانایی قابل توجه هوش مصنوعی در تغییر و بهبود فرایندها، تغییر روش‌های سنتی، سرعت‌بخشیدن به فرایندها، خودکارسازی فرایندها، تصمیم‌های بهینه‌تر با یادگیری عمیق و یادگیری تقویتی	(Hammarberg, 2018) (Anwar et al., 2023) (Stone et al., 2020) (Gupta et al., 2023) (Woerner and Wixom, 2015) (Cole, 2020) (Batko, 2021)
	بهبود عملکرد و ایجاد رقابتی	ایجاد مزیت رقابتی، افزایش کیفیت تصمیم، عملکرد برتر، افزایش قابلیت‌های نوآورانه	(Akteer et al., 2016) (Jarrahi, 2018) (Borges et al. 2021) (Cole, 2020) (Ciampi et al., 2020) (Simsek et al., 2021) (Vincent, 2021) (Caner and Bhatti, 2020) Shick, Johnson and Fan, 2024) (Chen et al., 2022) (Bertei et al., 2015)

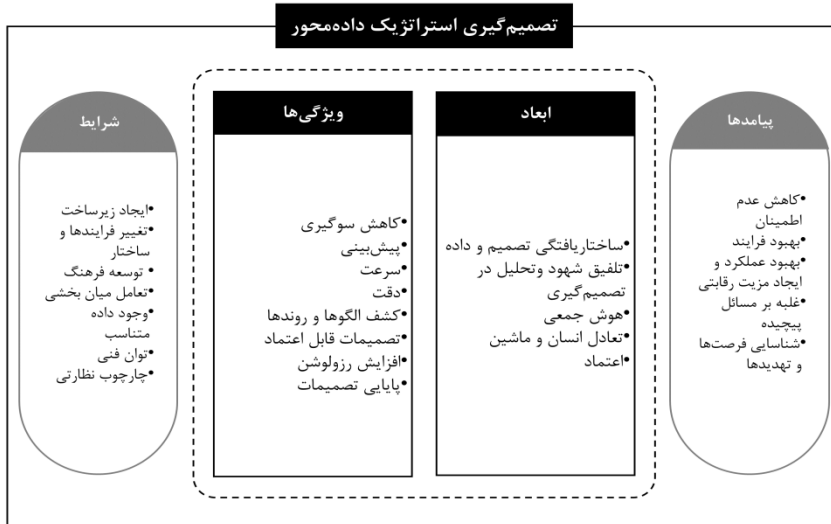
گام ششم: کنترل مفاهیم استخراج شده

یکی از گام‌های مهم در پژوهش کیفی بررسی مفاهیمی هستند که استخراج شده‌اند و همچنین به طور کلی ارزیابی کیفیت پژوهش نیز از گام‌های مهم این نوع پژوهش است. برای بررسی مقالات هدف از منظر کیفیت از ابزار CASP استفاده شد که از پرکاربردترین ابزارها برای این منظور است. این ابزار به منظور تأیید روایی پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این ابزار ده معیار شامل بررسی اهداف پژوهش، منطق روش، طرح پژوهش، روش نمونه‌گیری، جمع‌آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری یا رابطه میان محقق و مشارکت‌کنندگان، ملاحظات اخلاقی، دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها، بیان واضح و روشن یافته‌ها و ارزش پژوهش است. مطالعات هدف با ده معیار این ابزار مورد بررسی قرار گرفتند. همه مطالعات هدف ارزش بالاتر از سطح قابل‌قبول را به خود اختصاص دادند. برای سنجش پایایی پژوهش با استفاده از نظر یک خبره و بررسی نتایج با

شاخص کاپا، پایایی مورد بررسی قرار گرفت. شاخص کاپا در پژوهش با مقدار ۰,۶۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ در حد قابل قبول (شاخص حداقل ۰,۶ و سطح معنی‌داری حداکثر ۰,۰۵ مورد قبول است) قرار گرفت و پایایی تأیید شد.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

نتایج فراترکیب حاضر پیرامون تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، نشان‌دهنده وجود چهار مقوله اصلی شامل شرایط، ویژگی‌ها، ابعاد و پیامدها است که هر یک جنبه‌ای از این پدیده را روشن می‌سازد. باتوجه به مقوله‌های اصلی و فرعی، می‌توان چهارچوب زیر را برای تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور پیشنهاد داد.



شکل شماره ۳. چهارچوب تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور

۱. شرایط

مقوله اصلی شرایط، اشاره به شرایط و پیش‌نیازهایی دارد که به تحقق تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور کمک می‌کنند. برای امکان پذیر شدن تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور نیاز به انجام سلسله اقداماتی است تا به‌واسطه آنها فضا، مهیای این نوع از تصمیم‌گیری شود.

وجود داده متناسب از اولین پیش نیازهای این مهم است. داده مناسب باید به نحو صحیحی استخراج و ذخیره سازی شود. بدون داشتن کلان داده عملاً تصمیم گیری استراتژیک داده محور امکان پذیر نیست. علاوه بر حجم داده که باید قابل اعتنا باشد؛ داده از نظر کیفی نیز باید واجد شرایطی باشد. صحت داده، به روز بودن داده و تنوع داده از جمله شرایط کیفی داده هستند. همچنین از نظر ساختار یافتگی هم باید داده ها حدی از ساختار یافتگی متناسب با نوع تصمیمات و شدت پیچیدگی و تلاطمات محیط را داشته باشند تا بتوان از آن داده ها به نحو احسن استفاده کرد. ایجاد زیرساخت از دیگر مقوله های فرعی این بخش است. تصمیم گیری استراتژیک داده محور، برای بخش محاسباتی خود، نیازمند سخت افزار و نرم افزار مناسب است. اگر این زیرساخت ها ایجاد نشده باشند، بخش مهم از این فرایند قابل اجرا نیست. تغییر فرایندها و ساختار بر اهمیت ادغام تجزیه و تحلیل کلان داده با فرایندهای اصلی محیط تصمیم گیری (کشور، صنعت یا سازمان) تأکید دارد. نباید به تصمیم گیری استراتژیک داده محور به مثابه یک امر تزیینی نگاه کرد. باید تلاش کرد تا به شکل واقعی تجزیه و تحلیل کلان داده در فرایندها ادغام شوند و این اقدامات به طور روزمره مورد استفاده باشد. تعامل میان بخشی از دیگر مقوله های فرعی مهم این بخش است. تصمیم گیری استراتژیک به خودی خود نیازمند تعامل همه بخش های سیستم است. به طریق اولی تصمیم گیری استراتژیک داده محور نیز علاوه بر تعامل طبیعی لازم برای تصمیمات استراتژیک، تعامل مضاعفی را نیاز دارد تا بتوان داده های لازم را شناسایی، استخراج، ساختارمند، تجمیع و معنادهی کرد. توان فنی مقوله فرعی دیگری است که در این بخش مورد بحث قرار می گیرد. توان فنی جدای از زیر ساخت لازم - که قبلاً مورد بحث قرار گرفت - اشاره به توسعه قابلیت های فنی دارد. فرایند فنی تجزیه و تحلیل کلان داده و همچنین ترجمه آن به خوراک مورد نیاز در فرایند تصمیم گیری، نیازمند ایجاد دانش فنی متناسب با سازمان در کنار تربیت افراد خبره هم در حوزه فنی و هم در حوزه دانش داده است. همچنین نیاز است تا مواردی از ایجاد توان فنی در خارج از سازمان یا صنعت شکل بگیرد. برخی پیشرفت ها همچون بهبود قابلیت تفسیر پذیری مدل های هوش مصنوعی لزوماً نیازی به توسعه در داخل سازمان ندارند و این پیشرفت اگر در دانش هوش مصنوعی در هر سطحی اتفاق بیفتد، گام مهمی در تسهیل پیاده سازی تصمیم گیری استراتژیک داده محور خواهد بود. توسعه فرهنگ مقوله فرعی شناسایی شده دیگر در این بخش است. تصمیم گیری استراتژیک داده محور همانند هر پدیده جدیدی، نیازمند توسعه فرهنگ است تا ضمن فهم بهتر آن پدیده، هر یک بتوانند نقش خود را به درستی در اجرای آن پدیده ایفا کنند. آموزش جامع

کارکنان در کنار ایجاد فرهنگ داده‌محور و همچنین ایجاد فضای مناسب برای پیاده‌سازی فناوری‌های جدید در سازمان همه از فعالیت‌های مهم در توسعه فرهنگ هستند. چهارچوب نظارتی اشاره به این موضوع دارد که برای اجرای تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور نیازمند چهارچوب مشخصی برای تضمین کیفیت و صحت اجرای آن هستیم. در این چهارچوب باید با تعیین معیارهای سنجش و تعیین اصول و زمان‌بندی ارزیابی‌های دوره‌ای از صحت اجرای فرایند تصمیم‌گیری اطمینان حاصل کرد.

۲. ویژگی‌ها

از چهار مقوله اصلی این پژوهش، دو مقوله اصلی شرایط و پیامدهای پدیده را توصیف می‌کنند و دو مقوله اصلی در قالب ویژگی‌ها و ابعاد، تمرکز بیشتری روی خود پدیده تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور دارند. ویژگی‌ها، اولین مقوله اصلی از این دوگانه است که مورد بررسی قرار می‌گیرد. ویژگی‌ها به مشخصات بارز و ذاتی پدیده «تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور» اشاره دارند که آن را از سایر انواع تصمیم‌گیری متمایز می‌کنند. این ویژگی‌ها شامل قابلیت‌های کلیدی و عملکردی این نوع تصمیم‌گیری هستند که به‌واسطه استفاده از داده‌ها و الگوریتم‌های پیشرفته ایجاد می‌شوند. این ویژگی‌ها معرف هسته مرکزی کارکردی پدیده بوده و به‌طور مستقیم بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند.

کاهش سوگیری از ویژگی‌های مهم تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است. استفاده از کلان‌داده در تجزیه و تحلیل‌های ملی و سازمانی برخلاف تصمیم‌گیری شهودی که کاملاً با نیت، انگیزه‌ها و خطاهای ذهنی افراد ممزوج است، سوگیری و خطای بسیار اندکی دارد. وقتی از داده‌های عینی و دقیق استفاده می‌شود و این داده‌های انبوه، ذره‌ذره واقعیت را برای تحلیل‌کننده واضح می‌کنند، امکان خطا و سوگیری به حداقل می‌رسد. این امر در تصمیمات استراتژیک بسیار حیاتی است زیرا این تصمیمات به دلیل شدت پیچیدگی و تنوع ذی‌نفعان، دائماً در معرض خطاها و سوگیری‌های آگاهانه و ناخودآگاه هستند. پیش‌بینی یکی دیگر از ویژگی‌های کلیدی تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است. پیش‌بینی روندها بر اساس داده‌های گذشته اتفاقی است که کیفیت تصمیمات را تا حد زیادی متأثر می‌سازد. پیش‌بینی رخدادهای پیش رو و تغییرات محیطی کمک مهمی هستند که به‌واسطه آن می‌توان از خطرات احتمالی جلوگیری کرد و به استقبال فرصت‌ها رفت. همچنین امکان اصلاح خطاهای تصمیم‌زودتر از تجربه کامل همه نتایج و امکان اصلاح سریع‌تر تصمیماتی که نتایج دلخواه را ندارند از

دیگر مزایای پیش‌بینی است. به‌واسطه توانایی ایجادشده توسط هوش مصنوعی، امروزه می‌توان الگوهایی را در داده‌ها کشف کرد که قبلاً امکان‌پذیر نبود. هوش مصنوعی بسیار فراتر از توان پردازشی انسان عمل می‌کند. اساساً توان ادراک و تحلیل کلان‌داده از عهده ذهن انسان خارج است. این هوش مصنوعی است که می‌تواند این حوزه تاریک را روشن کند. به همین دلیل می‌توان چیزهایی را دید و درک کرد که قبلاً امکان‌پذیر نبود. این توانایی، امکان کشف الگوها و روندها را به انسان می‌دهد. سرعت و دقت از دیگر ویژگی‌های این فرایند هستند. توان پردازشی بالا و عدم سوگیری در کنار منابع داده متنوع باعث می‌شود امکان تحلیل و اخذ تصمیمات به‌صورت به‌روز و در لحظه^۱ و با دقت زیادی قابل‌انجام باشد. این موضوع باعث می‌شود تا سرعت اطلاع از تغییرات، افزایش چشمگیری پیدا کند و توان واکنش در لحظه را به تصمیم‌گیران دهد. بعد ماشینی تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور طی فرایندی شفاف و تکرارپذیر انجام می‌گیرد. این موضوع در کنار استفاده از شواهد^۲ در تصمیم‌گیری، در نهایت منجر به اخذ تصمیمات قابل‌اعتمادی به‌عنوان خروجی فرایند می‌شود. جمع‌آوری گسترده داده و پردازش حجم بالای داده‌ها باعث می‌شود جزئیاتی جدید و بسیار دقیق از مسئله برای تصمیم‌گیرندگان قابل‌درک شود. تحلیل حجم بالای داده، همانند کنار هم چیدن تدریجی قطعات کوچک یک پازل عظیم‌الجثه یک تصویر دقیق و پرجزئیات ایجاد می‌کند. این مفهوم اشاره به افزایش رزولوشن در مقوله‌های فرعی این بخش دارد. پایایی تصمیمات آخرین مقوله فرعی ذیل مقوله اصلی ویژگی‌ها است. به دلیل اینکه بخش مهمی از فرایند تصمیم‌گیری با کمک الگوریتم‌ها انجام می‌شود و دخالت انسانی در بخش‌های زیادی، حداقلی است؛ بنابراین این فرایند شفاف و بدون خطا قابلیت تکرار دارد و هر بار یک نتیجه واحد خواهد داشت.

1. Real time
2. Evidence

۳. ابعاد

مقوله اصلی سوم با عنوان ابعاد متمرکز بر جنبه‌های مهم تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است. ابعاد به جنبه‌های ساختاری و زمینه‌ای پدیده «تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور» اشاره دارند که به توصیف و تفسیر کلی این فرایند کمک می‌کنند، اما مستقیماً جزو ویژگی‌های عملکردی آن محسوب نمی‌شوند. ابعاد بیش از آنکه به کارکردهای ذاتی بپردازند، بر وجوه محیطی و ساختاری پدیده تمرکز دارند. در این بخش پنج مقوله فرعی اصلی شناسایی شدند.

تلفیق شهود و تحلیل در تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، ترکیبی از اقدامات و فعالیت‌های انسان و ماشین است. یکی از مهم‌ترین دوگانه‌ها در تصمیم‌گیری، دوگانه منطق و شهود است. در عصر داده‌محوری به‌رغم تقویت جنبه منطقی تصمیم و امکان پذیرش بسیاری از فعالیت‌های دور از دسترس ذهن انسان اما نقش شهود جایگزین‌ناپذیر است. شهود در تمام مراحل تصمیم‌گیری نقش مهمی دارد. هرچه شرایط محیطی به سمت تلاطم پیش رود و هرچه پیچیدگی افزایش پیدا کند، سهم شهود بیشتر خواهد بود. شهود در کنار منطق - که بار اصلی آن را تحلیل الگوریتمی به دوش می‌کشد - نقش کلیدی در فرایند تصمیم‌گیری داده‌محور دارد. یکی از ابعادی که چگونگی تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور را توصیف می‌کند، ساختاریافتگی تصمیم و داده است. میزان ساختاریافتگی داده‌های ورودی می‌تواند تأثیر زیادی بر فرایند تصمیم‌گیری داشته باشد. داده‌های کاملاً بدون ساختار عملاً امکان استفاده از ابزارهای فنی را سلب می‌کنند و فرایند تصمیم‌گیری مشابه فرایندهای کلاسیک خواهد شد. همچنین اینکه خروجی تصمیم چقدر باید ساختاریافته باشد نیز عامل مهم دیگری در توصیف فرایند است. یکی از ابعاد مهم تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور توجه به مفهوم هوش جمعی است. هوش جمعی به فرایندی اشاره دارد که در آن دانش و تجربیات اعضای یک گروه یا سیستم به‌صورت سازمان‌یافته ترکیب می‌شود تا به تصمیمات بهینه‌تری دست یابند. این مفهوم از رفتارهای جمعی در طبیعت الهام گرفته است، مانند نحوه همکاری زنبورها در کندو یا ماهیان در دسته‌ها، که از طریق تعاملات فردی خود، به دستیابی به بهترین راه‌حل‌ها کمک می‌کنند. در تصمیم‌گیری استراتژیک، هوش جمعی با تلفیق نظرات، ایده‌ها و تحلیل‌های مختلف از طریق پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، می‌تواند باعث افزایش دقت، نوآوری و کارآمدی تصمیم‌گیری‌ها شود.

یکی دیگر از ابعاد شناسایی‌شده، تعادل انسان و ماشین است. نقش انسان و ماشین قابل حذف شدن نیست اما سهم هر یک در مراحل مختلف تصمیم و در شرایط مختلف متفاوت است.

اندیشمندان مراحل مختلفی را برای تصمیم‌گیری پیشنهاد داده‌اند و هر یک به فراخور مدل خود سهم متفاوتی برای انسان و ماشین در هر مرحله پیشنهاد داده‌اند. یکی از نقش‌های کلیدی انسان در این فرایند، خلاقیت است. اهمیت خلاقیت در فرایند تصمیم‌گیری بر کسی پوشیده نیست. خلاقیت چه در مراحل مربوط به استخراج گزینه‌ها و چه در مراحل مربوط به انتخاب بهترین گزینه، نقش بسزایی دارد. همچنین نقش کارشناسان زمینه‌ای در ترجمه نیاز سازمان و تبدیل دانش ضمنی موجود به زبان قابل‌استفاده توسط هوش مصنوعی و همچنین کمک به ترکیب خروجی فنی با دانش و شهود انسانی، نقش مهمی در این فرایند است. منظور از بُعد اعتماد، وجوهی از تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است که باعث می‌شود ذی‌نفعان به خروجی آن تصمیمات اعتماد داشته باشند. هرچقدر بخش منطقی و محاسباتی فرایند تصمیم‌گیری تفسیرپذیرتر و قابل درک‌تر برای ذی‌نفعان باشد؛ اعتماد ایشان به تصمیمات بیشتر خواهد بود. همچنین هرچقدر در طراحی تجربه کاربری در بخش فنی بتوان ویژگی‌های انسانی را دخیل کرد؛ به اعتماد بیشتر افراد کمک خواهد کرد.

۴. پیامدها

چهارمین و آخرین مقوله اصلی، پیامدها است. در این مقوله اصلی، شش مقوله فرعی شناسایی شدند که به بررسی آنها می‌پردازیم.

- کاهش عدم اطمینان: اولین مقوله فرعی در این بخش است. تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور به واسطه فهم دقیق‌تر محیط بیرونی و حل پیچیدگی‌های موجود و همچنین قدرت پیش‌بینی اتفاقات آتی کمک می‌کند که عدم اطمینان تا حد زیادی کاهش پیدا کند.
- شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها: یکی از مهم‌ترین پیامدهای تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی است که با روش‌های قبلی امکانی برای شناسایی آنها نبود. تحلیل کلان‌داده‌ها در سطح ملی یا حتی در سطح شرکت‌ها کمک می‌کند فهم جدیدی از فرصت‌ها و تهدیدات حاکم بر محیط ملی و بین‌الملل در اختیار قرار گیرد. همچنین الگوریتم‌های پیش‌بینی می‌توانند اتفاقات پیش‌رو را به خوبی پیش‌بینی کنند و به این واسطه بسیاری از تهدیدات و فرصت‌ها شناسایی شوند.
- غلبه بر مسائل پیچیده: اشاره بر این پیامد دارد که توان فنی در کنار شهود انسانی به کمک یکدیگر می‌توانند ساده‌سازی مناسبی در حل مسائل پیچیده داشته باشند. پایش در لحظه و به‌روز داده‌ها و تحلیل آنها می‌تواند در محیط‌های بسیار متلاطم کمک شایانی به

فهم به موقع اتفاقات و داشتن عکس‌العمل به موقع داشته باشد. تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور باعث می‌شود تا در بسیاری از وجوه با بهبود فرایند روبرو شویم. بسیاری از تصمیمات با خودکارسازی بهبود پیدا می‌کنند و برخی دیگر با تغییر رویه و افزایش سرعت و دقت تصمیم بهینه می‌شوند.

• بهبود عملکرد و مزیت‌رقابتی یکی دیگر از پیامدهای تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است. تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور با شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای بیشتر و دقیق‌تر و همچنین تصمیماتی که سوگیری کمتری دارند، باعث رشد عملکرد می‌شود. ویژگی‌های منحصربه‌فرد تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور باعث خلق مزیت رقابتی پایدار و توانایی در حفظ آن خواهد شد. این امر در سطح ملی به ارتقای جایگاه بین‌الملل و در ارتقای کیفیت حکمرانی کمک می‌کند و در سطح تجاری نیز به بهبود عملکرد شرکت‌ها منجر می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده، فقدان یک مطالعه جامع برای ارائه چهارچوبی برای تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور را نشان می‌دهد. به همین منظور با استفاده از روش فراترکیب، با شناسایی و ارزیابی مطالعات مربوط و همچنین با استفاده از ابزار کدگذاری باز، یافته‌ها تجمیع و تلفیق شدند. فراترکیب حاضر ضمن بررسی ادبیات موجود در موضوع تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، با تحلیل انجام‌شده یک چهارچوب نیز پیشنهاد می‌دهد. تحلیل یافته‌های حاصل از فراترکیب نشان داد چهارچوب تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور را می‌توان در چهار حوزه اصلی یعنی شرایط، ویژگی‌ها، ابعاد و پیامدها تعریف کرد.

در مسیر این پژوهش با شناسایی ۳۶ مطالعه هدف و بررسی آنها، ۱۰۲ کد شناسایی شد. در نهایت با شناسایی ۲۵ مقوله فرعی و چهار مقوله اصلی، چهارچوب پیشنهادی شکل گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که برای اجرایی‌سازی تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور باید به اجزای مختلفی توجه کرد. توجه به شرایط و پیش‌نیازها، از اولین اجزا هستند. ایجاد زیرساخت فنی و توسعه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، توسعه فرهنگ، تغییرات ساختاری و فرایند، در کنار داده‌های متناسب و هدف‌گذاری درست و نظارت بر صحت اجرا از شرایط مهم در اجرایی‌سازی این فرایند هستند. بخش قابل توجه دیگر در چهارچوب تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، ویژگی‌ها است. تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، ویژگی‌های شاخصی دارد که آن را از دیگر

انواع تصمیم‌گیری متمایز می‌کند. قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی بالا، سوگیری بسیار کم، توانایی بالا در کشف الگوها و روندها، اخذ تصمیمات قابل اعتماد، سرعت، دقت، افزایش رزولوشن در تصمیم‌گیری و پایایی تصمیمات از جمله این ویژگی‌ها هستند. بخش بعدی ابعاد تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است. در این بخش با تمرکز بر برخی وجوه مهم در تصمیم‌گیری سعی شد تا شناخت بهتری نسبت آن شکل گیرد. نقش شهود و تحلیل در تصمیم‌گیری، اهمیت ساختاریافتگی داده‌ها و تصمیمات، توجه به مفهوم هوش جمعی، لزوم تعادل میان انسان و ماشین در این فرایند و اهمیت ایجاد اعتماد در ذی‌نفعان نسبت به تصمیمات از ابعاد مهم تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور هستند. در نهایت آخرین بخش پیامدها است که به اثرات و نتایج تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور می‌پردازد. تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور می‌تواند اثرات متعدد و ارزشمندی در لایه حکمرانی برای کشورها و در لایه خرد برای سازمان‌ها داشته باشد. شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات جدید، توان غلبه بر مسائل پیچیده‌ای که قبلاً قابل‌پردازش و قابل حل نبودند، کاهش عدم اطمینان، بهبود فرایندها، بهبود عملکرد و تسهیل ایجاد مزیت رقابتی و در نهایت تغییر ساختارهای قدرت، از پیامدهای محتمل تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور است.

با نگاهی دقیق‌تر، می‌توان دریافت تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور در شرایطی عینیت خواهد یافت که در زمینه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موارد متعددی به تحقق پیوسته باشند. فرهنگ باید حامی داده‌محوری باشد، تعامل میان بخش‌های مختلف سازمان به نحو خوبی وجود داشته باشد و همچنین ساختار و فرایندها در جهت انطباق با داده‌محوری باید بهینه شوند. از دیگر سو ایجاد زیرساخت متناسب با نیازها و گردآوری و ذخیره‌سازی داده مناسب نیز در کنار توان فنی باید انجام گیرد. تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، ویژگی‌های مثبت متعددی را به فرایند سنتی تصمیم‌گیری اضافه خواهد کرد. این تصمیم‌گیری، سرعت و دقت بسیار بالایی ایجاد می‌کند. همچنین نسبت به فرایندهای تصمیم‌گیری سنتی سوگیری کمتر و پایایی بیشتری دارد. الگوها و روندهایی که قبلاً قابل کشف نبودند با تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، شناسایی خواهند شد. تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، تعادل جدیدی میان انسان و ماشین برقرار می‌کند. باید توجه داشت که در این تصمیم‌گیری نقش انسان نسبت به گذشته تغییر می‌کند، اما حذف نمی‌شود و همچنان تأثیرگذاری بالایی دارد. اعتمادسازی ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. شفاف بودن فرایند تصمیم‌خصوصاً در ابعاد فنی اهمیت بسزایی در اعتمادسازی خواهد داشت. در نهایت

انتظار می‌رود تا با پیاده‌سازی تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، نهاد تصمیم‌گیر با عدم اطمینان کمتری مواجه باشد و بتواند به‌سهولت بیشتری بر مسائل غلبه کند. همچنین شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها با سهولت بیشتری صورت پذیرد.

به نظر می‌رسد حرکت به سمت تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور نه یک انتخاب لوکس که یک ضرورت پراهمیت برای هر نهاد تصمیم‌گیر اعم از دولت‌ها، صنایع و سازمان‌های مختلف است. نهادهای تصمیم‌گیر باید با توجه به شرایط لازم برای ایجاد تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور، حرکت خود را به سمت این مهم سرعت ببخشند تا در کنار فهم الزامات و اقتضائات این نوع تصمیم‌گیری از مزایای آن نیز بهره‌مند شوند.

پژوهش حاضر در عمل با محدودیت‌هایی همراه بود که می‌توان با پرداختن به این محدودیت‌ها تبیین دقیق‌تری از تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور داشت. نخست آنکه، این پژوهش بر تصمیم‌گیری استراتژیک و هوش مصنوعی متمرکز است و سایر حوزه‌های فرایندی را شامل نمی‌شود. محققان آتی می‌توانند با پرداختن به دیگر حوزه‌های فرایندی مدیریت استراتژیک، فهم دقیق‌تری از آنچه در عصر شکوفایی هوش مصنوعی در دنیای مدیریت استراتژیک در حال رخ دادن است؛ پیدا کنند. دیگر آنکه به دلیل نوظهور بودن پدیده، پژوهش‌های انجام‌شده در این موضوع بعضاً از عمق کافی برخوردار نیستند و دچار نقاط ضعفی هستند و در نتیجه ممکن است وجوهی از پدیده ناشناخته باقی بماند. این عدم کفایت داده‌های تحلیلی و کمبود مطالعات مقایسه‌ای، ممکن است باعث شود برخی از جنبه‌های پدیده همچنان ناشناخته باقی بماند و چهارچوب ارائه‌شده نتواند تمامی ابعاد تصمیم‌گیری استراتژیک داده‌محور را پوشش دهد. محدودیت دیگر مربوط به انتخاب مقالات و مطالعات بوده است. گرچه تمام تلاش‌ها برای شناسایی مطالعات کلیدی و مرتبط با موضوع انجام شده است، اما امکان وجود سوگیری در انتخاب مقالات وجود دارد که می‌تواند بر نتایج فراترکیب تأثیر بگذارد. علاوه بر این، محدودیت‌های زبانی و دسترسی به منابع نیز ممکن است برخی از مطالعات مهم به زبان‌های غیرانگلیسی یا خارج از دسترس از این تحقیق کنار گذاشته شوند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازین اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

شعبانی، یحیی (۱۳۹۸)، *درآمدی بر علوم اجتماعی محاسباتی*. پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی.

محمدعلی خلیج، محمدحسین (۱۳۹۳)، *دریغوس و تاریخ فلسفی هوش مصنوعی، غرب‌شناسی بنیادی*، ۹(۵): ۱۰۳-۱۲۸.

Abbasi, Merium Fazal, Muhammad Bilal, and Kumeel Rasheed (2022), 'Role of Human Intuition in AI Aided Managerial Decision Making: A Review', 2022 International Conference on Decision Aid Sciences and Applications (DASA 2022), pp. 713-718. Institute of Electrical and Electronics Engineers Inc.

Ademola, E. O., and E. Owie (2017), 'Future of Decision-Making: A Review', Humanities, Management, Arts, Education & the Social Sciences.

Agrawal, Ajay, Joshua Gans, and Avi Goldfarb (2019), *The Economics of Artificial Intelligence: An Agenda*.

Ahmed, Amjed Sid Ahmed Mohamed Sid, and Mazhar Hussain Malik (2020), 'Machine Learning for Strategic Decision Making during COVID-19 at Higher Education Institutes', 2020 International Conference on Decision Aid Sciences and Application (DASA 2020), pp. 663-668. Institute of Electrical and Electronics Engineers Inc.

Akter, Shahriar, Samuel Fosso Wamba, Angappa Gunasekaran, Rameshwar Dubey, and Stephen J. Childe (2016), 'How to Improve Firm Performance Using

Big Data Analytics Capability and Business Strategy Alignment?' *International Journal of Production Economics*, 182: 113–131. doi: 10.1016/j.ijpe.2016.08.018.

Anwar, Hasan, Muncer Al Mubarak, and Ali Bakir (2023), 'Artificial Intelligence in Marketing and Organizational Decision-Making: Some Challenges and Concerns', in *Internet of Things*, Vol. Part F1270, pp. 9–23. Springer Science and Business Media Deutschland GmbH.

Aseeri, Maher, and Kyeong Kang (2023), 'Organisational Culture and Big Data Socio-Technical Systems on Strategic Decision Making: Case of Saudi Arabian Higher Education', *Education and Information Technologies*, 28(7): 8999–9024. doi: 10.1007/s10639-022-11500-y.

Batko, Roman (2021), 'Management and Organisation in the Age of AI', in *The Routledge Social Science Handbook of AI*, pp. 157–171. Routledge.

Bertei, Manuela, Luciano Marchi, and Diego Buoncristiani (2015), 'Exploring Qualitative Data: The Use of Big Data Technology as Support in Strategic Decision-Making', *International Journal of Digital Accounting Research*, 15: 99–126. doi: 10.4192/1577-8517-v15_4.

Bolander, Thomas (2019), 'What Do We Lose When Machines Take the Decisions?' *Journal of Management and Governance*, 23(4): 849–867. doi: 10.1007/s10997-019-09493-x.

Booyse, Dawid, and Caren Brenda Scheepers (2023), 'Barriers to Adopting Automated Organisational Decision-Making through the Use of Artificial Intelligence', *Management Research Review*, 47(1): 64–85.

Borges, Aline F. S., Fernando J. B. Laurindo, Mauro M. Spínola, Rodrigo F. Gonçalves, and Claudia A. Mattos (2021), 'The Strategic Use of Artificial Intelligence in the Digital Era: Systematic Literature Review and Future Research Directions', *International Journal of Information Management*, 57.

Canals, Jordi, and Franz Heukamp (2019), *The Future of Management in an AI World*.

Caner, Salih, and Feyza Bhatti (2020), 'A Conceptual Framework on Defining Businesses Strategy for Artificial Intelligence', *Contemporary Management Research*, 16(3): 175–206. doi: 10.7903/CMR.19970.

Chen, Lifan, Hefu Liu, Zhongyun Zhou, Meng Chen, and Yao Chen (2022), 'IT-Business Alignment, Big Data Analytics Capability, and Strategic Decision-Making: Moderating Roles of Event Criticality and Disruption of COVID-19', *Decision Support Systems*, 161. doi: 10.1016/j.dss.2022.113745.

Ciampi, Francesco, Giacomo Marzi, Stefano Demi, and Monica Faraoni (2020), *The Big Data-Business Strategy Interconnection: A Grand Challenge for Knowledge*

Management. A Review and Future Perspectives, *Journal of Knowledge Management*, 24(5): 1157–1176.

Cole, Graham (2020), *How Big Data Can Enhance Business Strategies*, *Strategic Direction*, 36(9): 41–44. doi: 10.1108/SD-07-2020-0133.

Davenport, T. H., and Dyché, J. (2013), Big Data in Big Companies, *International Institute for Analytics*, 3 (1-31).

Dean Jr, James W., and Mark P. Sharfman (1996), Does Decision Process Matter? A Study of Strategic Decision-Making Effectiveness, *Academy of Management Journal*, 39(2): 368–392.

Elbanna, Said (2006), Strategic Decision-Making: Process Perspectives, *International Journal of Management Reviews*, 8(1): 1–20.

Gupta, Kirti, Pravin Mane, Omprakash Sugdeo Rajankar, Mahua Bhowmik, Ranjana Jadhav, Sapna Yadav, Shitalkumar Rawandale, and Santoshkumar Vaman Chobe. (2023), 'Harnessing AI for Strategic Decision-Making and Business Performance Optimization', *International Journal of Intelligent Systems and Applications in Engineering*, 11(10s): 893–912.

Hammarberg, Tiina (2018), *The Role of Big Data in Strategic Decision-Making*.

Henrique, Joao, and Morais Janeiro (2018), How Can Big Data Affect Uncertainty in Strategic Decision-Making? A Theoretical Analysis.

Ichijo, Kazuo (2022), "Synthesis of Human Knowledge Creation and Artificial Intelligence: Evolution of the SECI Spiral." In *The Routledge Companion to Knowledge Management*, pp. 140–152. Taylor and Francis.

Intezari, Ali, and Simone Gressel (2017), Information and Reformation in KM Systems: Big Data and Strategic Decision-Making. *Journal of Knowledge Management*, 21(1): 71–91. <https://doi.org/10.1108/JKM-07-2015-0293>

Jarrahi, Mohammad Hossein (2018), Artificial Intelligence and the Future of Work: Human-AI Symbiosis in Organizational Decision Making. *Business Horizons*, 61(4): 577–586. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2018.03.007>

Kitsios, Fotis, and Maria Kamariotou (2021), Artificial Intelligence and Business Strategy towards Digital Transformation: A Research Agenda, *Sustainability (Switzerland)*, 13(4): 1–16. <https://doi.org/10.3390/su13042025>

Menon, Pradeep (2018), An Executive Primer to Deep Learning." Medium. Retrieved 13 July 2023 from <https://rpradeepmenon.medium.com/an-executive-primer-to-deep-learning-80c1ece69b34>

Morabito, Vincenzo (2015), *Big Data and Analytics: Strategic and Organizational Impacts*. Springer International Publishing.

Nazemi, Kawa, Dirk Burkhardt, and Alexander Kock (2022), *Visual Analytics for Technology and Innovation Management: An Interaction Approach for Strategic*

Decision Making, *Multimedia Tools and Applications*, 81(11): 14803–14830. <https://doi.org/10.1007/s11042-021-10972-3>.

Nilsson, Nils J (1998), *Artificial Intelligence: A New Synthesis*. Oxford, England: Morgan Kaufmann.

Ozemre, Murat, and Ozgur Kabadurmus (2020) A Big Data Analytics Based Methodology for Strategic Decision Making, *Journal of Enterprise Information Management*, 33(6): 1467–1490. <https://doi.org/10.1108/JEIM-08-2019-0222>

Pettigrew, Andrew M (1992) The Character and Significance of Strategy Process Research. *Strategic Management Journal*, 13(S2): 5–16.

Rodriguez-Garcia, Patricia, Yuda Li, David Lopez-Lopez, and Angel A. Juan (2023) Strategic Decision Making in Smart Home Ecosystems: A Review on the Use of Artificial Intelligence and Internet of Things, *Internet of Things (Netherlands)*, 22.

Runkler, Thomas A (2020), *Data Analytics. 3rd ed.* Wiesbaden, Germany: Springer Vieweg.

Russell, Stuart Jonathan, and Peter Norvig (2015), *Artificial Intelligence: A Modern Approach*. Pearson.

Sandelewski, Margarete, and Julie Barroso (2006), *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. New York, NY: Springer Publishing.

Shepherd, Neil Gareth, and John Maynard Rudd (2014) The Influence of Context on the Strategic Decision-Making Process: A Review of the Literature, *International Journal of Management Reviews*, 16(3): 340–364. <https://doi.org/10.1111/ijmr.12023>.

Shepherd, Neil Gareth, Gerard P. Hodgkinson, Erik A. Mooi, Said Elbanna, and John Maynard Rudd. (2020), Political Behavior Does Not (Always) Undermine Strategic Decision Making: Theory and Evidence, *Long Range Planning*, 53(5). <https://doi.org/10.1016/j.lrp.2019.101943>

Shick, Michael, Johnson, Nathan and Yang Fan (2024) Artificial Intelligence and the End of Bounded Rationality: A New Era in Organizational Decision Making, *Development and Learning in Organizations*, 38(4): 1–3. <https://doi.org/10.1108/DLO-02-2023-0048>

Shrestha, Yash Raj, Shiko M. Ben-Menahem, and Georg von Krogh (2019), Organizational Decision-Making Structures in the Age of Artificial Intelligence, *California Management Review*. <https://doi.org/10.1177/0008125619862257>

Simsek, Serhat, Abdullah Albizri, Marina Johnson, Tyler Custis, and Stephan Weikert (2021), Predictive Data Analytics for Contract Renewals: A Decision Support Tool for Managerial Decision-Making, *Journal of Enterprise Information Management*, 34(2): 718–732. <https://doi.org/10.1108/JEIM-12-2019-0375>

Smith, Tim, Ben Stiller, Jim Guszczka, and Thomas H. Davenport (2019), Analytics and AI-Driven Enterprises Thrive in the Age of With. Deloitte Insights.

Spanos, Georgios, and Lefteris Angelis (2016), The Impact of Information Security Events to the Stock Market: A Literature Review, *Computers & Security*, 58: 216–229.

Statista (2023a) Amount of Data Created, Consumed, and Stored 2010–2025. Statista. Retrieved 10 March 2023 from <https://www.statista.com/statistics/871513/worldwide-data-created/>

Statista (2023b) Big Data and Business Analytics Revenue Worldwide 2015–2022. Statista. Retrieved 10 March 2023 from <https://www.statista.com/statistics/947745/worldwide-total-data-market-revenue/>

Stone, Merlin, Eleni Aravopoulou, Yuksel Ekinci, Geraint Evans, Matt Hobbs, Ashraf Labib, Paul Laughlin, Jon Machtynger, and Liz Machtynger (2020), Artificial Intelligence (AI) in Strategic Marketing Decision-Making: A Research Agenda, *Bottom Line*, 33(2): 183–200. <https://doi.org/10.1108/BL-03-2020-0022>

Trunk, Anna, Hendrik Birkel, and Evi Hartmann (2020), On the Current State of Combining Human and Artificial Intelligence for Strategic Organizational Decision Making. *Business Research*, 13(3): 875–919. <https://doi.org/10.1007/s40685-020-00133-x>

Tuncer, Serdar, and Alejandro Ramirez (2022), Exploring the Role of Trust During Human-AI Collaboration in Managerial Decision-Making Processes. In *Lecture Notes in Computer Science (including subseries Lecture Notes in Artificial Intelligence and Lecture Notes in Bioinformatics)*, Vol. 13518 LNCS, pp. 541–557. Springer Science and Business Media Deutschland GmbH.

Venkitachalam, Krishna, and Rachelle Bosua (2022a), Demystifying the Link between Big Data and Knowledge Management for Organisational Decision-Making. In *The Routledge Companion to Knowledge Management*, pp. 128–139. Routledge.

Venkitachalam, Krishna, and Rachelle Bosua (2022b), Demystifying the Link between Big Data and Knowledge Management for Organisational Decision-Making. In *The Routledge Companion to Knowledge Management*, pp. 128–139. Taylor and Francis.

Vincent, Vinod U (2021), Integrating Intuition and Artificial Intelligence in Organizational Decision-Making. *Business Horizons*, 64(4): 425–438. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2021.02.008>

Winston, Patrick Henry (1992), *Artificial Intelligence*. 3rd ed. Upper Saddle River, NJ: Pearson.

De Wit, Bob, and Ron Meyer (2010), *Strategy Synthesis: Resolving Strategy Paradoxes to Create Competitive Advantage*. Cengage Learning.

Woerner, Stephanie L., and Barbara H. Wixom (2015), Big Data: Extending the Business Strategy Toolbox. *Journal of Information Technology*, 30(1): 60–62.

Xu, Yu (2008), Methodological Issues and Challenges in Data Collection and Analysis of Qualitative Meta-Synthesis. *Asian Nursing Research*, 2(3): 173–183. [https://doi.org/10.1016/S1976-1317\(08\)60041-9](https://doi.org/10.1016/S1976-1317(08)60041-9)

Zhu, Xiumei, and Yue Li (2023), The Use of Data-Driven Insight in Ambidextrous Digital Transformation: How Do Resource Orchestration, Organizational Strategic Decision-Making, and Organizational Agility Matter? *Technological Forecasting and Social Change*, 196. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2023.122851>

Zimmer, Lela (2006), Qualitative Meta-synthesis: A Question of Dialoguing with Texts. *Journal of Advanced Nursing*, 53(3): 311–318. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2006.03721.x>